

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال نهم، شماره ۳۵، بهار ۱۳۹۹

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
امید پورحیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
حمید پورجلالی	دانشگاه هاوایی ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
سید احمد خلیفه سلطانی	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
علی رحمانی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
ذبیح اله رضایی	دانشگاه ممفیس ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید بهشتی	استاد	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
شهناز مشایخ	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
بیبا مشایخی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
سعید همایون	دانشگاه گاول سوئد	دانشیار	حسابداری
حسن یزدی فر	دانشگاه سالفورد انگلستان	استاد	حسابداری

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

کارشناس نشریه: اعظم پاک خصال

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایش، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۱-۲. **صفحه جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحه اول مقاله:** عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۳-۲. **صفحه دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش)؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که: نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

- ۱-۴. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)
- ۲-۴. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)
- ۳-۴. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت
- ۳-۴. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.
- در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.
- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۰ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- ۱
بررسی تأثیر ارتباطات مؤثر و مشارکت بر کاهش انحرافات و فساد کاری حساب‌رسان...
محسن اکبری، غلامرضا محفوظی، رضوان هوشمند، یعقوب ممینی
- ۲۳
تأثیر تأخیر در گزارش حسابرسی وضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری
شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.....
رحمان ساعدی، محسن دستگیر
- ۵۳
بررسی تأثیر عوامل رفتاری مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری و ارزش شرکت.....
مرتضی بیات، محمد نوروزی، زهرا میر اشرفی، علی اکبر پور موسی
- ۷۷
آینده‌پژوهی حسابداری مدیریت: از منظر آموزش و پژوهش.....
جعفر باباجانی، وجه ا... قربانی‌زاده، عبدالخالق خنکا
- ۹۷
تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر بکارگیری منابع مالی در هسته
اصلی فعالیت تجاری شرکت‌ها.....
مسعود حمزه نیک نیافر، عباس افلاطونی، زهرا نیکبخت
- ۱۱۵
بررسی نقش تعدیل‌کننده نوع مالکیت (دولتی) بر رابطه بین ساز و کارهای راهبری
شرکتی و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس
اوراق بهادار تهران.....
زهرا عارف منش، کبری عموزادی ریزی
- ۱۳۹
تحلیل محتوای نشریه علمی‌پژوهشی «پژوهش‌های تجربی حسابداری» طی سال‌های
۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷.....
غلامرضا سلیمانی امیری، مصطفی ایزدپور، فاطمه گرامی راد
- ۱۵۹
حساب‌شویی و ناتوانی مالی.....
بهروز قربانی، مهرداد قنبری، بابک جمشیدی نوید، علیرضا مرادی
- ۱۷۹
نقش رقابت پذیری در قیمت‌گذاری نافرینگی و کیفیت اطلاعات حسابداری.....
ابراهیم ابراهیمی، کاوه مهرانی، محسن نظری
- ۲۰۳
بررسی اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق
و توسعه و ارزش شرکت.....
قدرت اله برزگر، طویی حقیقت

بررسی تأثیر ارتباطات مؤثر و مشارکت بر کاهش انحرافات و فساد کاری حسابرسان بررسی تأثیر ارتباطات مؤثر و مشارکت بر کاهش انحرافات و فساد کاری حسابرسان

محسن اکبری*، غلامرضا محفوظی**، رضوان هوشمند***، یعقوب ممبینی****

تاریخ دریافت: ۱۳ / ۰۸ / ۹۷

تاریخ پذیرش: ۰۸ / ۱۲ / ۹۷

مقاله پژوهشی

چکیده

امروزه حرفه حسابرسی به عنوان شغلی وابسته به اخلاق و اصول اخلاقی تلقی می‌شود. پدیده‌ای وجود دارد که حسابداران و حسابرسان عموماً تمایل به حرکت به سمت سطوح بالاتر از دیگران دارند. به نظر می‌رسد وجود شرایط خاصی در حرفه حسابرسی، تصور هزینه‌های شهرت فردی توسط حسابرسان را افزایش داده و انگیزه اقتصادی انجام فعالیت‌هایی را در آن‌ها ایجاد می‌کند که ممکن است اثربخشی فرآیند جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد حسابرسی را در معرض خطر قرار دهند. از همین رو پژوهش حاضر سعی بر آن دارد که تأثیر متغیرهای ارتباطات مؤثر، مشارکت و رضایت شغلی را بر روی انحرافات و فساد کاری مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور نظرات ۱۶۰ نفر (شامل مدیر فنی، سرپرست ارشد و سرپرست) طی فرآیند اجرای پژوهش، با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در پایان نتایج حاصل از تحلیل صورت گرفته با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس حاکی از آن بود که تأثیر رضایت شغلی بر روی فساد و مشارکت بر روی انحراف کاری مورد تأیید قرار نگرفت، سایر نتایج پژوهش نشان‌دهنده تأیید تأثیر متغیرها بر روی یکدیگر بوده است.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات مؤثر، مشارکت، رضایت شغلی، انحرافات کاری، فساد، مؤسسات حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

10.22051/jera.2019.12947.2198:DOI

*دانشیار گروه مدیریت، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران، (Akbarimohsen@gmail.com)

**استادیار گروه مدیریت، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران، (نویسنده مسئول)،

(Gholamrezamahfoozi@yahoo.com)

***کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران، (Rezvanhooshmand@gmail.com)

****دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی گرایش تولید، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (Yaghoob.yml367@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

از حلقه‌هایی که نقش عمده‌ای در حمایت از عدم تقلب و فساد در گزارشگری مالی در سرتاسر دنیا چه در بخش عمومی و چه بخش خصوصی ایفا می‌کند، حسابرسی مستقل است. حسابرسی مستقل، بخش مهم نظارت و بازرسی زیربنایی سازمانی و یک مهم مبتنی بر منافع عمومی است؛ بنابراین کیفیت حسابرسی مهم‌ترین موضوع برای تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی محسوب می‌شود. از دیرباز، سرمایه‌گذاران به هنگام تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، بر صورت‌های مالی حسابرسی شده اتکا و برای اطمینان از صحت و کامل بودن اطلاعات مالی مندرج در آن‌ها، همواره به حسابرسان و حرفه حسابداری وابسته بوده‌اند. از طرفی دیگر بحران‌های اقتصادی و ورشکستگی‌های اخیر منجر به پررنگ‌تر شدن نقش اساسی گزارشگری مالی قابل اعتماد و باکیفیت شده است. به دنبال رسوایی‌های مالی شرکت‌ها و بحران‌های مالی طی دو دهه اخیر، انگشت اتهام تا حدودی به سمت حسابرسان و فساد در حسابرسی نشانه رفته است (حساس یگانه، ۱۳۹۰). با توجه به حساسیت کار حسابرسان، رضایت شغلی و مشارکت عامل مهمی هستند که در صورت فراهم نشدن آن ممکن است انحراف کاری و گرایش به فساد را در میان حسابرسان افزایش دهد چراکه ممکن است پیشنهادهای وسوسه‌انگیزی در ارتباط با انحراف در گزارش‌ها توسط شرکت‌هایی که مدیریت سود می‌کنند به حسابرسان ارائه دهند و این حسابرسان هستند که در صورت عدم رضایت شغلی ممکن است علاقه‌ای به کار تیمی و ارائه گزارش درست و واقعی نداشته باشند و در مسیر کاری دچار انحراف شده و منجر به ایجاد فساد در انجام وظایف شغلی شوند (حساس یگانه، ۱۳۹۰).

مشارکت

مشارکت در سازمان‌ها موجب تقویت همگرایی شده و استعدادها، توان‌ها و مجموعه عوامل را ترکیب و نتیجه آن کمک به کسب مزیت رقابتی است. مفهوم مشارکت شغلی به عنوان یک بازخورد، متغیر مهمی است که به افزایش اثربخشی سازمان کمک می‌کند. هرچه سطح مشارکت شغلی کارکنان یک سازمان بالا باشد، اثربخشی آن نیز افزایش خواهد یافت. به منظور افزایش سطح مشارکت شغلی باید به تعیین‌کننده‌های آن نگاهی واقع‌نگر و همه‌جانبه داشته

باشیم (ایلانکوماران، ۲۰۱۴). شغل کارکنان دارای مشارکت شغلی بالا با هویت‌ها، رغبت‌ها و هدف‌های زندگی آنان پیوندی تنگاتنگ دارد (وینتر و ساروز، ۲۰۱۰).

مشارکت در فعالیت‌های حسابداری نیز منافع زیادی دارد از جمله اینکه خطر سقوط مؤسسات بزرگ و کوچک را کاهش می‌دهد چراکه که این سقوط اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش داده و باعث می‌شود نظام مالی ثبات نداشته باشد. مشارکت، کیفیت حسابداری را افزایش می‌دهد زیرا کار توسط حسابرس دیگر نیز بررسی می‌شود، از این رو تردید حرفه‌ای را بکار می‌گیرند (بهری، ۱۳۹۱).

ارتباطات مؤثر

ارتباطات مؤثر نوعی تبادل اطلاعات است که پایه و اساس ادراک و احساس میان دو نفر یا بیشتر، یا یک گروه را در شرکت یا سازمان فراهم می‌کند و باعث می‌شود شبکه‌های سازمانی به‌منظور انجام دادن وظایف سازمانی شکل گیرند (دسلر و فیلیس، ۲۰۰۸). در سازمان‌ها و مؤسسات حسابداری هم وجود ارتباطات مؤثر و صحیح همواره یکی از اجزای مهم در توفیق مدیریت و همچنین رضایتمندی کارکنان است. باید میان مدیران، سرپرستان و حسابرسان، نظام ارتباطی کارآمد ایجاد شود و یا اگر موجود است آن را توسعه دهند. معمولاً سرپرستان با به‌کارگیری روش‌های صحیح تقسیم کار، تفویض اختیار و استفاده از نظام پاداش و برقراری و ایجاد حس برابری در میان حسابرسان و با به‌کارگیری رویکردهای مدیریتی نوین از جمله رفتار سازمانی صحیح می‌توانند باعث ایجاد حس امنیت شغلی و ارتقای اثربخشی آنان و در نتیجه رضایتمندی‌شان گردند.

رضایت شغلی

از آنجا که منابع انسانی به عنوان یکی از اساسی‌ترین سرمایه‌های هر سازمان، نیازمند توجه جدی است، لذا مطالعه در زمینه استفاده بهینه از منابع انسانی و افزایش روحیه و انگیزش کاری در راستای حفظ نیروهای متحد و متخصص و کارآمد سازمان‌ها زمینه توفیق سازمان و مدیریت را فراهم می‌کند. کاهش رضایت شغلی می‌تواند زمینه‌های مساعد کاهش اثربخشی نیروی انسانی را فراهم نماید. وجود چنین شرایطی در زمان نیاز به کارکنان متخصص، منجر به خروج زودهنگام نیروی انسانی از شرکت شده و به صورت استعفا، انتقال، مرخصی‌های بدون حقوق

و... بروز پیدا خواهد کرد و در شرایطی که امکان استخدام در سازمان‌های دیگر فراهم نباشد، منجر به درون‌ریزی نارضایتی در کارکنان شده و اگرچه آمار خروج نیروی انسانی نشان‌دهنده احتمال خطر نیست، ولی این گونه نارضایتی به صورت کم‌کاری، غیبت، تأخیر در کار، تقاضای کار جدید، اعتراض به مدیریت، افزایش مرخصی‌های استعلاجی و سوانح کاری در سازمان متجلی می‌شود و در مجموع اثربخشی و کارآیی نیروی انسانی را کاهش خواهد داد (باصری، ۱۳۸۴). توجه به این مهم در مؤسسات حسابرسی و واحدهای تجاری به‌ویژه برای حساب‌رسان و حسابداران به لحاظ وظیفه محوله به آنان و حساسیت شغل این افراد مورد توجه است.

انحراف کاری

در عصر حاضر، سازمان‌ها به بخش مهمی از زندگی بسیاری از افراد جامعه تبدیل شده‌اند، به طوری که افراد با استخدام و عضویت در سازمان‌ها، ساعات زیادی از عمر خود را در این محیط‌های کاری سپری می‌کنند. چگونگی و کیفیت گذران این ساعات نسبتاً طولانی، هم برای افراد و هم برای سازمان‌ها مسئله‌ای بسیار بااهمیت است.

رفتار انحرافی رفتار داوطلبانه‌ای است که هنجارهای مهم سازمانی را نقض می‌کند و در این کار بهزیستی سازمان، اعضای آن، یا هر دور را تهدید می‌کند. این گونه رفتارها شامل مجموعه اعمال مشخصی با دو ویژگی مشترک هستند. نخست، این رفتارهای انحرافی، ارادی هستند (اتفاقی و سهوی نیستند) و دوم، باهدف نقض هنجارهای سازمانی و آسیب رساندن با سازمان یا اعضای آن، یا هر دو، طراحی و اجرا می‌شوند (اسپکتور و فاکس، ۲۰۰۵).

فساد

حوادثی نظیر سقوط شرکت انرون ۱ و پیامد آن برای بزرگ‌ترین موسسه حسابرسی جهان آرتور آندرسن ۲ و فساد مالی مستحده در بحران جهانی مالی و پولی سال ۲۰۰۸ و همچنین فساد سه هزار میلیاردی و فساد بزرگ نفتی در ایران و ده‌ها نمونه برملا شده اخیر و گذشته نشان می‌دهد که نقش نوین حساب‌رسان نسبت به نقش سنتی آنان به شدت افزایش یافته و مسئولیت اجتماعی حسابداران رسمی در جوامع رفاه اجتماعی همچنان مورد تأکید است (دوانی، ۱۳۹۰). از همین‌رو امروزه نقش و جایگاه حسابرسی از ویژگی و برجستگی خاص برخوردار است. اما

موج تبلیغات منفی که در دهه گذشته حسابرسان را مورد هدف قرار داده، این امر را پررنگ‌تر کرده است که حسابرسان می‌توانند نقش مهمی در نهم‌سازی، منحرف کردن و یا تطهیر جریان‌های غیر نقدی داشته باشند. از همین رو است که حرفه حسابرسی به‌نوبه خود باید در صدد تقویت توانایی‌ها و ظرفیت‌های علمی و عملی برآید تا از طریق تجمیع امکانات در فرآیند نظام پاسخگویی بتواند رسالت خود را به نحو اصولی و خدشه‌ناپذیر انجام دهد.

مروری بر پیشینه

نتایج تحقیق خسروآبادی و بنی‌مهد (۱۳۹۳) نشان داد که رابطه مستقیمی میان اعتماد اجتماعی پایین و فساد مالی در میان حسابرسان شاغل در بخش خصوصی حرفه حسابرسی وجود دارد. نتایج تأیید می‌نماید که توسعه اخلاق، در حرفه حسابرسی مستلزم بهبود ارزش‌های اجتماعی از جمله اعتماد اجتماعی است. یافته‌های حساس یگانه و همکاران، (۱۳۹۵) با نشان می‌دهد که میان نقش نظارتی حسابرسان و ارتقای سلامت نظام اداری رابطه معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که میان متغیرهای نظارت حسابرسان همچون اخلاق حسابداران، برنامه‌ریزی و نظارت بر کنترل‌های داخلی و متغیرهای سلامت اداری همچون پاسخگویی، شفافیت و سلامت رابطه مستقیمی وجود دارد.

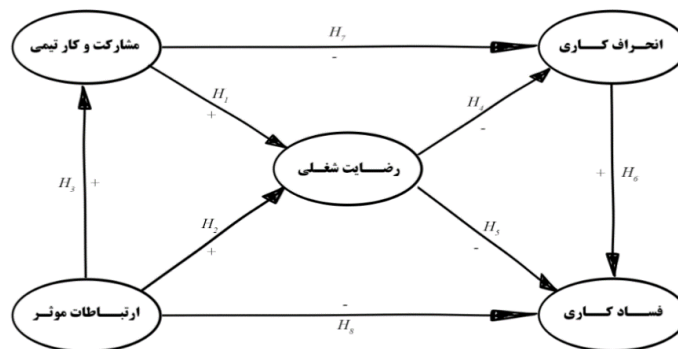
نتایج پژوهش اکبری و همکاران، (۱۳۹۵) علاوه بر تأیید عوامل مورد بررسی بر رفتار ناکارآمد، تأثیر آن بر تغییر شغل در مؤسسات حسابرسی مورد تأیید قرار گرفت. ضمن اینکه نقش اهمیت مشتری بر رفتار ناکارآمد در این مؤسسات مورد تأیید قرار نگرفته است.

نتایج تحقیق جونز (۲۰۰۸) نشان داد که علاوه بر انگیزه‌های اقتصادی و تمایلات جانب‌دارانه شناختی، عوامل اجتماعی و انفرادی نقش مهمی در رفتار مصلحت‌آمیز حسابرسان ایفاء می‌کنند. همچنین تحقیق بلو و صادقی (۲۰۰۹) نشان داد که مهم‌ترین ویژگی اخلاقی فردی مؤثر در استفاده از راهنمای تصمیم توسط حسابرسان به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: عدم عضویت در جامعه حسابداران رسمی، سابقه حرفه‌ای بیش از ۲۰ سال، مدرک تحصیلی کارشناسی، رده سازمانی سرپرست ارشد در رشته تحصیلی مدیریت. همچنین نتایج این تحقیق حاکی از موانع به‌کارگیری راهنمای تصمیم از نظر حسابرسان در رده سازمانی سرپرست و سرپرست ارشد، عدم وجود ویژگی‌های اخلاقی فردی فوق است. مارکز و پریثرا (۲۰۰۹)، نیز

نشان دادند که حسابرسان کم سابقه، تمایل بیشتری به جهت گیری نسبی دارند. نتیجه دیگر این پژوهش نشان داد که حسابرسان مرد نسبت به حسابرسان زن در قضاوت اخلاقی و ارائه گزارش های واقع گرایانه، پابندی کمتری به موازین اخلاقی دارند و حسابرسان آموزش دیده نسبت به حسابرسان دیگر در قضاوت اخلاقی پابندی بیشتر به موازین اخلاقی دارند.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مطالب گفته شده، پژوهش حاضر از مدل مفهومی که در شکل (۱) نشان داده شده است پیروی می کند.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

فرضیه های پژوهش

بر اساس ادبیات نظری و مدل مفهومی، فرضیه های پژوهش عبارت اند از:

- فرضیه ۱: مشارکت بر رضایت شغلی تأثیر مثبتی دارد.
- فرضیه ۲: ارتباطات مؤثر بر رضایت شغلی تأثیر مثبتی دارد.
- فرضیه ۳: ارتباطات مؤثر بر مشارکت تأثیر مثبتی دارد.
- فرضیه ۴: رضایت شغلی بر انحرافات کاری تأثیر منفی دارد.
- فرضیه ۵: رضایت شغلی بر فساد کاری تأثیر منفی دارد.
- فرضیه ۶: انحرافات کاری بر فساد کاری تأثیر مثبتی دارد.

فرضیه ۷: مشارکت بر انحرافات کاری تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۸: ارتباطات مؤثر بر فساد کاری تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۹: ارتباطات مؤثر بر انحرافات کاری تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۱۰: مشارکت بر فساد کاری تأثیر منفی دارد.

روش پژوهش

این پژوهش، بر اساس هدف از پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی - پیمایشی از نوع تحلیل همبستگی است که در آن رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد و به‌طور مشخص مبتنی بر معادلات ساختاری ۷ است. برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و روش میدانی به کمک پرسش‌نامه با طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) استفاده شده است. در پایان برای سنجش و مدل‌سازی روابط میان متغیرها از معادلات ساختاری و نسخه دوم نرم‌افزار اسمارت پی ال اس ۹ استفاده شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را مدیران فنی، سرپرستان ارشد و سرپرستان کلیه مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی واقع در شهر تهران است. کلیه مؤسسات فعال همسو با هدف پژوهش در حدود ۱۲۷ مؤسسه بوده‌اند که از سایت جامع حسابداران رسمی ایران انتخاب شده‌اند. با توجه به مطالب بیان شده و محدود بودن جامعه مورد بررسی، در پژوهش حاضر از فرمول کوکران برای تعیین تعداد نمونه‌های مورد نیاز استفاده شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۴) که با توجه به تعداد ۶۰۰ تایی جامعه مورد بررسی، تعداد ۲۳۴ نمونه محاسبه شده است. تعداد ۲۳۴ پرسش‌نامه در بین تمامی مؤسسات حسابرسی قابل دسترس توزیع گردید؛ که در نهایت ۱۶۰ پرسش‌نامه مناسب و بدون نقص جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای سنجش متغیرهای پژوهش، شامل مشارکت (۵ سنجه)، از مطالعات (گوتیرز و همکاران، ۲۰۰۹)، ارتباطات مؤثر (۴ سنجه)، از مطالعات (واتسون و همکاران، ۲۰۰۷)، رضایت شغلی (۷ سنجه)، از مطالعات (عظیم محمد و عاصف محمد، ۲۰۱۰)، انحراف کاری (۱۲ سنجه)، از مطالعات (پترسون، ۲۰۰۲) و فساد کاری (۱۲ سنجه)، از مطالعات (کاتو، ۲۰۱۳) استفاده شده است. برای حصول اطمینان از روایی محتوایی و ظاهری پرسشنامه،

ویرایش اولیه آن مورد بررسی متخصصان و صاحب نظران در این زمینه قرار گرفت و با توجه به نظرات و پیشنهادهای آن‌ها اصلاحات لازم بر روی سنججه‌ها انجام شد و پس از تأیید مورد استفاده قرار گرفت. برای تحلیل مدل‌ها در روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی ابتدا باید به بررسی برازش مدل و سپس آزمودن فرضیه‌های پژوهش پرداخت (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). بررسی برازش مدل در سه بخش برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی انجام می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آزمون کفایت حجم نمونه

جهت کفایت حجم نمونه از شاخص کام او ۱۰ استفاده شده است که نتایج آن در نگاره (۱) آمده است:

نگاره (۱): نتایج آزمون کفایت حجم نمونه (KMO)

اندازه کفایت نمونه کایزر- مایر- الکین		۰/۸۲۹
آزمون کروییت بارتلت	کای دو	۳۸۶۲/۷۴۲
	درجه آزادی	۷۸۰
	سطح معنی‌داری آماره کای دو	۰/۰۰۰

از آنجایی که شاخص کام او برابر با ۰/۸۲۹ است، در نتیجه حجم نمونه (تعداد پاسخ‌دهندگان) از کفایت لازم جهت تبیین برخوردار است.

برازش مدل اندازه‌گیری

برای بررسی برازش مدل اندازه‌گیری سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. برای سنجش پایایی مدل به بررسی پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ پرداخته شده است. نتایج در نگاره (۲) آورده شده است.

نگاره (۲): گزارش معیارهای آلفای کرونیخ و پایایی ترکیبی

متغیرها	عنوان در مدل	ضریب آلفای کرونیخ (Alpha \geq 0/7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR \geq 0/7)
مشارکت	PT	۰/۸۰۱	۰/۸۵۹
ارتباطات مؤثر	EC	۰/۷۷۴	۰/۸۵۴
رضایت شغلی	JS	۰/۹۰۰	۰/۹۲۰
انحراف کاری	DWB	۰/۸۰۶	۰/۸۵۵
فساد کاری	C	۰/۹۱۰	۰/۹۲۷

پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونیخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. در نتیجه نتایج پژوهش حاضر در مورد این دو معیار برازش مناسب مدل را تأیید می‌کند.

روایی پرسشنامه توسط دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. معیار ای وی ای ۱۱ نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است.

نگاره (۳): گزارش معیار روایی همگرا (AVE)

متغیرها	عنوان در مدل	میانگین واریانس استخراجی (AVE \geq 0/5)
مشارکت	PT	۰/۵۵۲
ارتباطات مؤثر	EC	۰/۵۹۵
رضایت شغلی	JS	۰/۶۲۳
انحراف کاری	DWB	۰/۵۲۴
فساد کاری	C	۰/۵۷۲

با توجه به نتایج نگاره (۳)، ای وی ای همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۵، هست و در نتیجه روایی همگرای مدل و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

در قسمت روایی واگرا، میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها مقایسه می‌شود.

نگاره (۴): همبستگی‌های میان متغیرها و مقادیر AVE

C	DWB	JS	EC	PT	سازه‌ها
				۰/۷۴۲	PT
			۰/۷۷۱	۰/۵۱۰	EC
		۰/۷۸۹	۰/۵۰۲	۰/۴۵۹	JS
	۰/۷۲۳	۰/۲۹۴	۰/۴۵۴	۰/۲۲۳	DWB
۰/۷۵۶	۰/۶۳۲	۰/۳۷۶	۰/۵۶۹	۰/۴۰۸	C

مقدار جذری وی ای متغیرها در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. از این رو می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، سازه‌ها در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خوددارند تا با سازه‌های دیگر. به بیان دیگر، روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

برازش مدل ساختاری

R2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. Q2 معیاری است که توسط استون و گیزر معرفی شد و قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲).

نگاره (۵): مقادیر R2 و Q2

C	DWB	JS	PT	سازه‌ها
۰/۵۰۵	۰/۰۹۶	۰/۳۰۸	۰/۲۶۰	R ²
۰/۲۴۵	۰/۰۳۸	۰/۱۷۱	۰/۱۳۲	Q ²

با توجه به نگاره (۵) و مقادیر به‌دست آمده برای سازه‌های مدل می‌توان گفت که برازش قوی مدل ساختاری پژوهش بار دیگر تأیید می‌شود.

برازش کلی مدل

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار جی او اف ۱۲ استفاده می‌شود (تنهاوس و همکاران، ۲۰۰۴). این معیار از طریق رابطه (۱) محاسبه می‌گردد.

$$\text{GOF} = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2} \quad \text{رابطه (۱)}$$

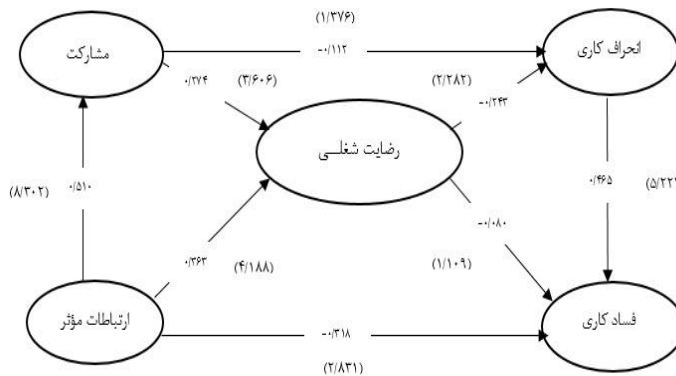
به طوری که Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه هست و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر R Squares سازه‌های درون‌زای مدل است.

$$\text{GOF} = \sqrt{0/573 \times 0/292} = 0/409 \quad \text{مقدار GOF مدل عبارت است از:}$$

با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای جی او اف معرفی شده است (وتزلز و همکاران، ۲۰۰۹)، حاصل شدن ۰/۴۰۹ برای جی او اف نشان از برازش کلی قوی مدل پژوهش دارد.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش پی ال اس نشان می‌دهد که پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، می‌توان به بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخت و به یافته‌های پژوهش رسید.



شکل (۲): ضرایب معناداری و T-values و ضرایب مسیر مدل

با توجه به مقدار ضریب معناداری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها (آماره) (ادر شکل (۲) و نگاره (۶)، فرضیه اول، دوم، سوم، چهارم، ششم، هشتم، نهم و دهم پژوهش تأیید می شود و فرضیه های پنجم و هفتم پژوهش رد می شود.

نگاره (۶): آزمون فرضیه های مدل پژوهش

فرضیه	متغیر مستقل	اثر	متغیر وابسته	تخمین	آماره t	نتیجه
H1	مشارکت	←	رضایت شغلی	۰/۲۷۴	۳/۶۰۶	***
H2	ارتباطات مؤثر	←	رضایت شغلی	۰/۳۶۳	۴/۱۸۸	***
H3	ارتباطات مؤثر	←	مشارکت	۰/۵۱۰	۸/۳۰۲	***
H4	رضایت شغلی	←	انحرافات کاری	-۰/۲۴۳	۲/۲۸۲	*
H5	رضایت شغلی	←	فساد کاری	-۰/۰۸۰	۱/۱۰۹	Ns
H6	انحرافات کاری	←	فساد کاری	۰/۴۶۵	۵/۲۲۲	***
H7	مشارکت	←	انحرافات کاری	-۰/۱۱۲	۱/۳۷۶	Ns
H8	ارتباطات مؤثر	←	فساد کاری	-۰/۳۱۸	۲/۸۳۱	**
H9	ارتباطات مؤثر	←	انحرافات کاری	-۰/۴۶۵	۶/۱۷۱	***
H10	مشارکت	←	فساد کاری	-۰/۱۸۲	۳/۰۷۶	**

(ns = no significant, *p < .05, **p < .01, ***p < .001)

نتیجه گیری

از آنجا که امر توسعه و آبادانی و رفاه اجتماعی مردم کشورهای جهان در گرو سلامت و امنیت اقتصادی است وظیفه حسابرسان نیز در قبال مبارزه با فساد مالی در قالب مسئولیت های اجتماعی بسیار با اهمیت است. از این رو استفاده از رویکرد اخلاقی مناسب در انجام کار حسابرسی، موجب ایجاد تغییراتی چشمگیر و منظم و تعدیلات مهمی در وظایف و تعهدات اشخاص مختلف فعال در حوزه های کسب و کار مدیران، حسابداران و حسابرسان خواهد شد (باغومیان، ۱۳۸۵)؛ بنابراین هر چه تعهد حسابرسان به صداقت و عینیت بیشتر باشد کیفیت کار حسابرسی انجام شده توسط آنها بیشتر و فساد و انحرافات کاری آنها نیز کمتر خواهد شد. برای افزایش صداقت و جلوگیری از فساد و انحرافات کاری لازم است که حسابرسان پایبند به تعهدات کاری خود باشند، حسابرسان باید با وجود قرار گرفتن تحت فشارهای مختلف از طریق ایجاد ارتباطات مؤثر با یکدیگر و مشارکت گروهی، بر اساس شواهد به دست آمده

تصمیم‌گیری کنند، حساب‌رسان باید قضاوت‌ها و نظرات حرف‌های صادقانه و شفاف خود را، چه با محتوای مثبت و چه منفی ارائه نمایند، از طرف دیگر نیز حساب‌رسان باید توانایی پذیرش اشتباهات خود را داشته باشند.

فرضیه اول: نتایج به دست آمده نشان دهنده این موضوع است که مفهوم مشارکت به عنوان یک بازخورد، متغیر مهمی است که موجب رضایت شغلی و در نتیجه افزایش اثربخشی سازمان می‌گردد. هرچه سطح مشارکت شغلی کارکنان یک سازمان بالا باشد، رضایت شغلی آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. نتیجه به دست آمده در واقع با پژوهش‌های پیشین همچون وینتر و ساروس (۲۰۰۲)، الانکوماران (۲۰۰۴) و درخشنده و کاظمی (۱۳۹۳) هم راستا است.

فرضیه دوم: نتایج به دست آمده نشان دهنده این موضوع است که ضروری است تا در سازمان‌ها، مدیران به دنبال افزایش رضایت کارکنان خود باشند، زیرا اگر کارکنان با احساس رضایت به مسائل سازمان ننگرند آن‌ها از تمام نیرو و تخصص خود استفاده نمی‌کنند که انحراف کاری را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه اهداف سازمان آن‌طور که باید و شاید محقق نمی‌گردد. افزایش این مهارت‌ها توان مدیران در سازمان‌ها را در برقراری ارتباط بهتر با کارکنان و در نتیجه افزایش رضایت کارکنان و کاهش انحراف و فساد کاری را به دنبال خواهد داشت. نتایج تحقیق با جن (۲۰۰۵)، اندرسن و راسموسن (۲۰۰۴) هم راستا است.

فرضیه سوم: نتایج به دست آمده نشان دهنده این موضوع است که نظام ارتباطات همچون سلسله اعصاب تاروپودهای سازمان را به هم پیوند می‌دهد. بهینه بودن آن در سازمان بسیار مهم است. اگر ارتباطات صحیحی در سازمان برقرار نباشد، مشارکت در امور مختل گردیده و کارها آشفته می‌گردد. هماهنگی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، کنترل و سایر وظایف اعضای یک سازمان همچون سازمان‌ها و مؤسسات حسابرسی بدون وجود نظام ارتباطی مؤثر قابل تحقق نبوده و در غیاب چنین نظامی امکان اداره سازمان موجود نخواهد بود. نتایج تحقیق با معقول و همکاران (۱۳۹۵)، چن و همکاران (۲۰۰۶) هم راستا است.

فرضیه ۴: رضایت شغلی بر انحرافات کاری تأثیر منفی دارد. با توجه به منفی و معنی‌دار بودن ضریب اثرگذاری رضایت شغلی بر انحرافات کاری، می‌توان نتیجه گرفت فرضیه چهارم پژوهش حاضر مورد تأیید است و هرچه رضایت شغلی بیشتر باشد، تعهد شغلی و افزایش می‌یابد.

و کاهش انحراف را به دنبال دارد. به عبارت دیگر انحرافات کاری در صورت عدم رضایت شغلی افزایش میابد.

فرضیه ۵: رضایت شغلی بر فساد کاری تأثیر منفی دارد. تأثیر گذاری رضایت شغلی بر فساد کاری با ضریب معناداری (۱/۱۱)، معنادار نیست، در نتیجه فرضیه پنجم رد می شود.

فرضیه ۶: انحرافات کاری بر فساد کاری تأثیر مثبتی دارد. انحراف کاری و فساد کاری در یک راستا می باشند و هرچه انحراف کاری بیشتر باشد، فساد در کار و حرفه‌ی حسابرسی بیشتر است. فرضیه حاضر نشان می دهد که تدوین قوانین و مقررات سخت گیرانه به تنهایی در کیفیت کار حسابرسی اثر چندانی ندارد بلکه تقویت ارکان نظارتی از لحاظ اخلاقی، فرهنگی، دانش حرفه‌ای، تجربه کافی و مهم تر از همه تداوم نظارت و ترتیب اثر دادن به یافته ها و گزارش های ارکان نظارتی به مرور محیط حرفه‌ای و شاغلین حرفه حسابداری و حسابرسی را دست خوش تحولات مثبت می سازد.

فرضیه ۷: مشارکت بر انحرافات کاری تأثیر منفی دارد. تأثیر گذاری مشارکت بر انحرافات کاری با ضریب معناداری (۱/۳۷)، معنادار نیست، در نتیجه فرضیه هفتم رد می شود.

فرضیه ۸: ارتباطات مؤثر بر فساد کاری تأثیر منفی دارد. ارتباطات مؤثر خود باعث افزایش انگیزه شغلی می شود؛ و انگیزه شغلی نیز به نوبه خود از فساد کاری جلوگیری می کند. همچنین ارتباطات مؤثر باعث افزایش نظارت می شود و راه های منتهی به فساد در کار حسابرسان را مسدود می کند.

فرضیه ۹: ارتباطات مؤثر بر انحرافات کاری تأثیر منفی دارد. همان طور که نتایج تحقیق نشان می دهد ارتباطات مؤثر با انحراف کاری تأثیر منفی دارد. این پژوهش با پژوهش محققان پیشین هم راستاست. روزهان و همکاران (۲۰۱۰)، اکرمی و همکاران (۲۰۱۰) و فرریس و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش های خود نشان دادند وجود ارتباطات مؤثر منجر به کاهش رفتارهای متقابل منفی و انحرافات کاری از سوی کارکنان در سازمان ها می گردد.

فرضیه ۱۰: مشارکت بر فساد کاری تأثیر منفی دارد. نتایج این فرضیه نشان داد که مشارکت و فساد تأثیر منفی دارد. نتایج این فرضیه با تحقیقات رودریگز و گورئو (۲۰۰۸) و اسونسون (۲۰۰۵) همسو است. رودریگز و گورئو (۲۰۰۸) نشان دادند که افراد با روحیه مشارکت در

اجرای صحیح اهداف سازمانی می‌توانند سبب کاهش فساد در سازمان خود گردند. همچنین پژوهش سوئسن (۲۰۰۵) نشان داد که عدم مشارکت و به کارگیری ناصحیح سبک‌های ارتباطی، باعث کاهش رشد و سوددهی و ایجاد فساد اداری می‌شود.

جو و فضای اخلاقی یک سازمان از معیارهای مدیریتی و کارکنان سازمان و در یک نگاه کلانتر از معیارهایی که در یک جامعه تسلط دارند تأثیر می‌پذیرد. زمانی که ادراکات و باورهای اخلاقی، شکل بارز و مسلطی داشته باشند، این تسلط در تک‌تک روابط و فضای سازمان نمود خود را به جای می‌گذارد. در همین خصوص، وقتی از طرق مختلف در چارچوب باورها و رفتارهای نظیر کار دقیق و انسان دوستانه همراه با مشارکت و ارتباطات مؤثر در فضای سازمان منتشر می‌شود، به‌طور طبیعی جایی برای رفتارهای آسیب‌رسان به‌نظام سازمانی و همکاران در قالب فساد و رفتارهای انحرافی کاری در محیط سازمان بر جای نمی‌گذارد. سطح رضایت شغلی کارمندان را با رعایت مسائلی از قبیل گسترش درک و آگاهی سرپرست در زمینه مسائل و مشکلات کارکنان، کوشش سرپرست برای کمک به کارکنان از طریق فراهم ساختن امکانات مالی و آموزشی و بهبود بخشیدن به مناسبات و ارتباطات میان کارکنان و همچنین کارکنان و مدیران می‌توان بالا برد. از طرف دیگر باید به این نکته نیز اشاره نمود که به نظر می‌رسد یکی از عواملی که نقش به‌سزایی در عدم مبارزه کارآمد با فساد و انحراف کاری در سازمان‌ها و مؤسسات حسابرسی داشته باشد، رجحان منافع فردی بر منافع سازمانی است. در تبیین این جمله می‌توان گفت در چنین سازمان‌هایی با رویکرد فردگرایی، منافع فردی به شدت به منافع جمعی اولویت داشته و سازمان‌ها و نهادهای تشکیل‌دهنده آن، از کار تیمی و مشارکت‌گريزان خواهند بود. از همین رو سیاست همکاری به‌شدت کاهش یافته و میزان رضایت شغلی رو به کاهش می‌نهد. در این سازمان‌ها از آنجاکه فرد به عضویت شبکه و یا تیم کاری درنیامده است بنابراین در برابر انجام اعمال خلاف قانون و مقررات از گروه طرد نشده و چنین شیوه‌ای به الگوی رفتاری رایج تبدیل می‌شود، بدون آنکه در گذر زمان نتایج زیان‌باری را برای فرد به همراه داشته باشد.

هر پژوهش با هر روش جمع‌آوری اطلاعات دارای نقاط قوت و ضعف است. پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که مهمترین آن محافظه

کاری برخی از آزمودنی‌ها در پاسخگویی به سؤال‌های پرسشنامه‌ها، از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد.

پی‌نوشت

۱	Enron	۸	Smart PLS 2
۲	Arthur Andersen	۹	Partial Least Squares (PLS)
۳	Worldcom	۱۰	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
۴	Parmalat	۱۱	Average Variance Extracted
۵	Lehman Brothers	۱۲	Goodness of Fit
۶	Sarbanes-Oxley		
۷	Structural Equation Modeling		

منابع

- اکبری، محسن؛ محفوظی، غلامرضا، هوشمند، رضوان، (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار ناکارآمد و تأثیر آن بر تغییر شغل حساب‌برسان. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۵ (۳) ۱۰۳-۱۲۶.
- باغومیان، رافیک. (۱۳۸۵). فرهنگ حسابداری و اخلاق حرفه‌ای: ضرورت بازاندیشی در اصول بنیادی حسابداری و حسابداری. حسابدار، دوره بیست و یکم: ۵ (۱۷۸)، ۱۹-۴۰.
- بهاری، امیر (۱۳۹۱). نقش استقلال در ارتقای کیفیت حسابداری در موسسه‌های حسابداری. مجله حسابرس، ۶۳ (۱۴)، ۱۱۶-۱۲۲.
- حافظ‌نیا، محمد رضا، (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حساس یگانه، ی.، مقصودی، ا. (۱۳۹۰). ارزش‌های اخلاقی در قضاوت حرفه‌ای حسابرس. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری: ۶ (۱) ۶۲-۷۳.
- حساس‌یگانه، یحیی؛ ظهیر، مصطفی و غفاری، زهرا (۱۳۹۵). بررسی رابطه میان نقش نظارتی حساب‌برسان و ارتقای سلامت نظام اداری. فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حسابداری و حسابداری مدیریت: ۵ (۱۸): ۹۳-۸۳.
- خسروآبادی، طاهره و بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۳). پیش‌بینی بی‌اخلاقی و فساد مالی با توجه به اعتماد اجتماعی در حرفه حسابداری. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دهم. شماره ۴، ص ۴۵-۵۳.

- داوری، علی و رضازاده، آرش، (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رضائیان، علی (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت. تهران، سمت.
- معقول، علی؛ قراری، محمد و دانایی شیرین. (۱۳۹۵). نقش ارتباطات سازمانی در نظام آموزشی. ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۴، ص ۱۲۸-۱۴۳.
- مومنی، منصور و فعال قیومی، علی، (۱۳۹۱). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران: انتشارات مؤلف.
- Akbari, Mohsen, Mahfouzi, Gholamreza & Houshmand, Rezvan (2016). Investigating the factor effecting dysfunctional behavior and its impact on the turnover of auditors in audit Institutions. *Journal of Empirical Research in Accounting*: 5 (3) ,103-126. (In Persian)
- Andersen, H. , & Rasmussen, E. S. (2004). The role of language skills in corporate communication. *Corporate Communications: An International Journal*, 9 (3) , 231-242.
- Azimi, Hossein; Atafar; Ali; Shaemi & Ali Borzaki; (2010). Investigating Effective Managerial and Organizational Factors in Administrative-Financial Corruption in Government Organizations in Isfahan and Zanjan Provinces, *Strategic Management Thought (Management Thought)* , 4 (2) ,129-147. (In Persian)
- Bagheri, Muslim & Tulaei, Rouhoallah. (2010). Investigating the effect of job satisfaction on the performance of organizations", *Human Development Bulletin of the Police*, seventh year: 30,96-73. (In Persian)
- Baghoumian, Rafik. (2006). Audit culture and professional ethics: The need for rethinking in the basic principles of accounting and auditing. *accountant.*: 20, (178) ,19-40. (In Persian)
- Bahari, Amir (2012) , The Role of Independence in Improving Audit Quality in Audit Institutions. *Journal of Auditors*, 63 (fourteenth year): 122-116. (In Persian)
- Belkaoui, A. , & Karpik, P. G. (1989). Determinants of the corporate decision to disclose social information. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 2 (1).
- Bennouri, M. , Nekhili, M. and Touron, P. (2012). Does auditors' reputation discourage related party transactions? The French case', (March 20, 2012). *Financial Markets & Corporate Governance Conference*. <http://ssrn.com>.
- Bolo, GH, Sadeghi, P. (2009). The effect of auditor's ethics factors on the usage of decision guid in the management cheating discovery. *Ethics in Science and Technology*; 5 (3): 74-83.

- Carmeli, A. & Freund, A. (2004). Work Commitment, Job Satisfaction, and Job Performance: an Empirical Investigation. *International Journal of Organization Theory and Behavior*, 7 (3): 289-309.
- Chen, J. C. , Silverthorne, C. , & Hung, J. Y. (2006). Organization communication, job stress, organizational commitment, and job performance of accounting professionals in Taiwan and America. *Leadership & organization Development journal*, 27 (4) , 242-249.
- Cranny, C. J. , Smith, P. C. , & Stone, E. F. (Eds.). (1992). *Job satisfaction: How people feel about their jobs and how it affects their performance*. Lexington Books.
- Davani, Ali & Rezazadeh, Arash (2013). *Structural Equation Modeling with PLS Software*. Tehran: Iranian Students Booking Agency. (In Persian)
- Davani, Gholam Hossein (2005). Challenges of the Audit Institutions. *Accountant Monthly*: 20 (3) ,11-15. (In Persian)
- Dessler, Gary; Phillips, Jean (2008). *Managing now!*. Boston New York, Houghton Mifflin Company.
- Elankumaran, S. (2004). Personality, Organizational Climate and Job Involvement: An Empirical Study. *Journal of Human Values*, 10 (2): 117-130.
- Ferris, D. L. , Brown, D. J. , & Heller, D. (2009). Organizational Supports and Organizational Deviance: The Mediating Role of Organization-Based Self-Esteem. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 108 (2) , 279–286.
- Ghazanfari, Ahmad & Mazrooee, Hossein (2015). The Survey of Organizational Communications in a Governmental Organization. *Journal of Organizational Culture Management*: 13 (2) ,581-599. (In Persian)
- Guerrero, M. , & Rodriguez-Oreggia, E. (2008). On the individual decisions to commit corruption: a methodological complement. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 65, 357–372.
- Gutiérrez Gutiérrez, L. J. , Lloréns-Montes, F. J. , & Bustinza Sánchez, Ó. F. (2009). Six sigma: from a goal-theoretic perspective to shared-vision development. *International Journal of Operations & Production Management*, 29 (2) , 151-169.
- Hafez Nia, Mohammad Reza (2005). *Introduction to the Research Method in the Humanities*, Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)
- Hasas Yeganeh, Yahya & Maqsudi, Omid. (2011). Ethical values in professional judgment of the auditor. *Journal of Ethics in Science and Technology*: 6 (1) ,62-73. (In Persian)

- Hasas Yeganeh, Yahya, Zahir, Mostafa & Ghaffari, Zahra (2016). The relationship between auditors and the supervisory role of the health promotion office. *Journal Management system*: 5 (18) ,83-93. (In Persian)
- Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: a review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20 (2) , 195-204.
- Kasra Barikarsfi, Saeid (2005). Job Satisfaction among Auditors Working in Audit Institutions and Accountants in Business Units and Comparison of Job Satisfaction in Two Groups, Master's Degree in Accounting, Faculty of Management, University of Tehran. (In Persian)
- Katou, A. A. (2013). The relationship between corrupt practices and organisational performance: an empirical investigation. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 8 (4) , 323-347.
- Katrinli, A. , Atabay, G. , Gunay, G. , & Cangarli, B. G. (2010). The Moderating Role of Leader-Member Exchange in the Relationship Between Psychological Contract Violation and Organizational Citizenship Behavior. *African Journal of Business Management*: 5 (1) , 1-6.
- Khammarnia, Mohammad & Baghbanian, abdoLvahab. (2011) An exploratory study of organizational and managerial factors influencing employees' workplace deviance at Zahedan Imam-Ali Hospital. *Sadra Medical Sciences Journal*: 1 (2) ,57-68. (in Persian)
- Khosroabadi, Tahereh & Banimimahd, Bahman. (2014). Prediction of Social Trust & Fiscal Corruption in Audit Profession, *Ethics in science and Technology*: 10 (4) ,45-53. (In Persian)
- Manteghi, Ali; Gharari, Mohammad & Danaei Shirin. (2016). The Role of Organizational Communication in the Educational System. *International Journals of Nations Research*, Volume 2, No 14, Pages 128-143. (In Persian)
- Marques P, Azevedo-Pereira J. (2009). Ethical ideology and ethical judgments in the Portuguese accounting profession. *Journal of Business Ethics*; 86: 227–242.
- Momeni, Mansour & faal ghayumi, Ali. (2012). Statistical analysis using SPSS, Tehran: Moalef's publication. (In Persian)
- Neves, P. ; Story, J. (2013). Ethical leadership and reputation: Combined indirect effects on organizational deviance. *Journal of Business Ethics*, 115 (1) , 1-12.
- Peterson, D. K. (2002). Deviant workplace behavior and the organization's ethical climate. *Journal of business and psychology*, 17 (1) , 47-61.
- Rezaeian, Ali (2000). The foundations of organization and management. Tehran, The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)

- Rezazadeh, Javad; Rajabzadeh Qatari, Ali & Devani Pour Iraj (2008). Investigating the effect of supervisors on job satisfaction of auditors and their motivation for continuing cooperation with audit institutions. The University of Tehran`s Scientific Journal Database: 15 (51) ,19-36. (In Persian)
- Robbins, Stephen p. (1991). *Organizational Behavior: concepts Controversies, and Applications*. Fourth edition, New Jersey: Prentice-Hall, Inc
- Robinson, S. ; Bennett, R. (1995). A typology of deviant workplace behaviors: A multi-dimensional scaling study. *Academy of Management Journal*, 38 (2) , 555-572.
- Rozhan, O. , Foo, F. E. , & Ng, L. S. (2010). Understanding Dysfunctional Leader-Member Exchange: Antecedents and Outcomes. *Leadership & Organization Development Journal*, 31 (4) , 337 - 350.
- Saleem, R. , Mahmood, A. , & Mahmood, A. (2010). Effect of work motivation on job satisfaction in mobile telecommunication service organizations of Pakistan. *International journal of business and management*, 5 (11) , 213.
- Spector, P. E. ; Fox, S. (2005). An emotion-centered model of voluntary work behavior: Some parallels between counterproductive work behavior and organizational citizenship behavior. *Human Resource Management Review*, 12 (2) , 269 - 292.
- Subramaniam, N. McManus, L. & Mia, L. (2002). Enhancing Hotel Managers' Organizational Commitment: An Investigation of the Impact of Structure, Need for Achievement a Participative Budgeting. *International Journal of Hospitality Management*. 21 (4): 303-20.
- Svensson, J. (2005). Eight questions about corruption. *Journal of Economic Perspectives*, 19, 19-42.
- Sweeney, B. and Boyle, B. (2005). Supervisory Actions, Job Satisfaction and Turnover Intentions of Irish Trainee Accountants, the *Irish Accounting Review*: 12, (2) ,47 -73.
- Taghizadeh, Houshang & Soltani, Gholamreza. (2017). Investigating the Role of Organizational Justice on Employee's Corruption Tendency in the Organization, *Organizational Culture Management*: 15 (3) ,529-550. (in Persian)
- Watson, A. M. , Thompson, L. F. , & Meade, A. W. (2007, April). Measurement invariance of the job satisfaction survey across work contexts. In 22nd Annual Meeting of the Society for Industrial and Organizational Psychology, New York.
- Wetzels, M. , Odekerken-Schroder, G. , & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *Management Information Systems Quarterly*, 33 (1) , 177-196.

Winter, R. Sarros, J. (2002). The Academic Work Environment in Australian Universities: A Motivational Place to Work?. Higher Education Research & Development, 21 (3): 241-243.

تأثیر تأخیر در گزارش حسابرسی و ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

رحمان ساعدی*، محسن دستگیر**

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۲۸

مقاله پژوهشی

چکیده

یکی از عوامل مهم جهت حل مسائل اقتصادی کشورها، بسط و توسعه سرمایه‌گذاری است، اما این امر به تنهایی کافی نیست و با توجه به محدودیت منابع مالی، علاوه بر مسئله توسعه سرمایه‌گذاری، افزایش کارایی سرمایه‌گذاری نیز از جمله مسائل با اهمیت است. این پژوهش به بررسی تأثیر تأخیر در گزارش حسابرسی و ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین منظور تعداد ۱۰۴ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه انتخاب گردیده است و سپس فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تأخیر در گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر تعداد روزهای سپری شده بین تاریخ امضای گزارش حسابرس و پایان سال مالی بر عدم کارایی سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کمتر از حد) تأثیری ندارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورت وجود ضعف کنترل‌های داخلی و یا افزایش تعداد ضعف کنترل‌های داخلی، عدم کارایی سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کمتر از حد) افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: تأخیر در گزارش حسابرسی، ضعف کنترل‌های داخلی، کارایی سرمایه‌گذاری، کیفیت اطلاعات مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: G32, M41

DOI: 10.22051/jera.2018.15889.1697

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول).

(Saedi.rahman@yahoo.com)

** استاد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران، (Dastmw@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

اهمیت سرمایه‌گذاری برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی به اندازه‌ای است که از آن به عنوان یکی از اهرم‌های قوی برای رسیدن به توسعه یاد می‌شود. اما باید خاطر نشان کرد که عدم توجه به این مقوله نیز می‌تواند موجب افت اقتصادی و قرار گرفتن در یک سیر نزولی شود. بنابراین، باید گفت که رشد اقتصادی و افزایش رفاه عمومی در بلندمدت بدون توجه به سرمایه‌گذاری و عوامل مهم موجود در محیط سرمایه‌گذاری، که بر آن تأثیر می‌گذارد، امکان پذیر نیست (ابزری و درخشنده، ۱۳۸۷).

یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی به موقع بودن اطلاعات می‌باشد. به موقع بودن، به در دسترس بودن اطلاعات در زمان مناسب دلالت دارد. در صورتی که اطلاعات در زمان مناسب در اختیار استفاده‌کنندگان قرار نگیرند، سودمندی خود را جهت اتخاذ تصمیم و قضاوت توسط استفاده‌کنندگان از دست می‌دهند (کلاتورسی و پیل، ۲۰۱۰). در ادبیات گزارش‌شگری مالی تأخیر در ارائه صورت‌های مالی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته است و در اغلب موارد موضوع به موقع بودن ارائه صورت‌های مالی در کنار به موقع بودن ارائه گزارش حسابرسی بحث می‌گردد. به موقع نبودن می‌تواند منجر به کاهش مربوط بودن و مفید بودن اطلاعات مالی شود (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰). افزون بر این، به موقع بودن گزارش‌های مالی شرکت‌ها عنصری ضروری برای بازار سرمایه با عملکرد خوب است (افیفی، ۲۰۰۹). سرمایه‌گذاران به اطلاعات به موقع تهیه شده به وسیله حسابداران اتکا می‌کنند. گزارش‌شگری مالی به موقع، اطلاعات را قبل از این که ظرفیت خود را برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌های تجاری از دست بدهد در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهد. اتلاف وقت در انتشار صورت‌های مالی موجب عدم قطعیت در ارتباط با تصمیم‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین، هر چه تأخیر در انتشار صورت‌های مالی بیشتر شود عدم اطمینان مربوط به تصمیم‌گیری‌های مبنی بر اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی افزایش می‌یابد (اشتون و همکاران، ۱۹۸۹). بنابراین سرعت گزارش‌شگری مالی و هم‌چنین کاهش تأخیر در زمان ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده همواره باید مورد توجه تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی قرار گیرد. به دلیل اینکه گزارش‌های مالی حسابرسی شده ابزاری مفید برای افشای عمومی اطلاعات مالی قابل اتکاست، می‌تواند باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردد. هر چه

اطلاعات حسابرسی شده، با تأخیر کمتری منتشر شود، به دلیل استفاده به موقع از اطلاعات قابل اتکاء، تصمیم‌گیری‌ها بهبود می‌یابد.

در سایه تفکیک مالکیت از کنترل و مشکل نمایندگی ناشی از آن در دنیای کسب و کار مدرن، سیستم راهبری نهادی ضرورت یافته است که از طریق آن، مدیریت نظارت و پایش می‌شود تا هزینه‌های نمایندگی کاهش یابد و منافع سهام‌داران با سرمایه‌گذاران همسو شود. یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای کنترلی که زمینه هدایت اثربخش و کارای سازمان‌ها را فراهم می‌آورد مجموعه تدابیری است که از آن‌ها تحت عنوان کنترل‌های داخلی یاد می‌شود. کنترل داخلی فرآیندی است که توسط هیات‌مدیره، مدیریت و دیگر کارکنان یک موسسه اجرا می‌شود و هدف از ایجاد آن، کسب اطمینانی منطقی و معقول از دستیابی به اهداف اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد به گزارشگری مالی و پایبندی به قوانین و مقررات جاری است. وجود سیستم کنترلی از دستیابی به اهداف سازمان و در عین حال، از منافع تمام گروه‌های ذینفع حفاظت می‌کند. از طرف دیگر، گزارشگری یکپارچه مالی و کنترل داخلی از طرف مدیران و حساب‌رسان مستقل و خطاب به سهامداران خارجی ارایه می‌شود. این گزارش‌های یکپارچه برای سرمایه‌گذاران مفید هستند، چرا که کنترل‌های داخلی اثربخش حاکم بر گزارشگری مالی در پیشگیری و کشف تحریف‌های مالی شامل تقلب، نقش حیاتی دارد. بنابراین انتظار می‌رود ضعف کنترل داخلی کیفیت اطلاعات مالی را کاهش دهد و در نتیجه شرایط فرصت‌طلبی را برای مدیران فراهم کند و شرکت‌های با ضعف کنترل‌های داخلی، نا کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. با توجه به مبانی مطرح شده، هدف این پژوهش بررسی تأثیر تأخیر در گزارش حسابرسی و ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، در نتیجه این سوال مطرح می‌شود که آیا تأخیر در گزارش حسابرسی و ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به خطرات اخلاقی، تضاد منافع بین سهامداران و مدیران و کمبود نظارت بر مدیران، این امکان وجود دارد که تلاش مدیران به پیشینه‌سازی منافع شخصی منجر شود، که این موضوع از طریق سرمایه‌گذاری‌هایی صورت می‌گیرد که ممکن است برای سهامداران مناسب

نباشند. مدیرانی که اطلاعات بهتری دارند، امکان دارد سرمایه‌گذاری اضافی انجام دهند، که این امر به علت ایجاد محدودیت، به رد برخی پروژه‌های سودآور و متعاقباً سرمایه‌گذاری ناکافی منجر خواهد شد (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). سرمایه‌گذاری بیش از حد و کمتر از حد بیانگر رفتارهای ناکارآمد سرمایه‌گذاری بوده که منجر به وقوع زیان و هدر رفتن سرمایه اجتماعی می‌شود. سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کمتر از حد به رفتارهای سرمایه‌گذاری غیر مؤثری وابسته است که سبب زیان‌های هنگفت برای سرمایه‌گذاران و هدر رفتن سرمایه اجتماعی شود (واعظ و رشیدی باغی، ۱۳۹۳).

تئوری سرمایه‌گذاری بر این اعتقاد است که شرکت‌ها مایل به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با نرخ بازده ثابت و بالاتر از هزینه سرمایه و نیازمند هزینه تامین مالی کمتر می‌باشند (مودیگلیانی و میلر، ۱۹۵۸). عدم تقارن اطلاعات و مسائل نمایندگی بازار سرمایه دلیل اصلی سرمایه‌گذاری ناکارآمد به وسیله شرکت‌ها بشمار می‌روند و با توجه به راهبری داخلی، هزینه نمایندگی را نیز کاهش می‌دهد (بال و همکاران، ۲۰۰۰). تصمیمات سرمایه‌گذاری به طور گسترده‌ای وابسته به عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی می‌باشند. عدم تقارن اطلاعاتی به همراه نوسانات بازار و تأثیری که بر تامین مالی برون سازمانی دارند، به سادگی منجر به سرمایه‌گذاری کمتر از حد در شرکت‌های مواجهه با محدودیت مالی می‌شود (فزاری و همکاران، ۱۹۸۸؛ التی، ۲۰۰۳)، در حالی که مشکلات نمایندگی معمولاً ناشی از سرمایه‌گذاری بیش از حد مدیران با توجه به منافع شخصی و سرمایه‌گذاری نادرست جریان‌های نقد آزاد در پروژه‌های با ارزش فعلی منفی می‌باشد (جنسن، ۱۹۸۶؛ استالز، ۱۹۹۰).

انتشار به موقع گزارش‌های مالی یک عامل کلیدی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود عملکرد بازار سرمایه است. تأخیرهای مرتبط با انتشار صورت‌های مالی عدم اطمینان مرتبط با تصمیمات سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. در ادبیات گزارشگری مالی، تأخیر در ارائه صورت‌های مالی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته است و در اغلب موارد موضوع به موقع بودن صورت‌های مالی در کنار به موقع بودن ارائه گزارش حسابرسی بحث می‌گردد. عدم ارائه به موقع گزارش حسابرسی نهایتاً منجر به تأخیر در انتشار اطلاعات می‌گردد. بنابراین مفید بودن اطلاعات افشا شده در صورت‌های مالی

سالیانه، با عدم ارایه به موقع گزارش حسابرسی، رابطه عکس داشته و منجر به کاهش سودمندی اطلاعات می‌گردد (مرادی و پورحسینی، ۱۳۸۸).

افزایش شفافیت اطلاعاتی سبب کاهش عدم قطعیت در ارتباط با سهام شرکت و در نتیجه سبب کاهش نوسان‌های بازده سهام می‌شود و در نهایت منجر به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود (پاستور و روزسی، ۲۰۰۳). نظارت بر شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا به دلیل هزینه‌های سرمایه‌گذاری اختیاری و چالش در مشاهده فعالیت مدیریت، دشوار است. شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا، سیستم کنترل داخلی ضعیف و سیستم حسابداری با قابلیت اعتماد کمتری دارند، که منجر به خطر حسابرسی بیشتر و تلاش بیشتر حسابرسان می‌شود (تسوی و همکاران، ۲۰۰۱). افزایش پیچیدگی و عدم اطمینان در ارتباط با فرصت‌های سرمایه‌گذاری منجر به افزایش خطر حسابرسی می‌شود، که با افزایش خطر، حسابرسان در شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا، دامنه و گسترش کار خود را افزایش می‌دهند، که خود منجر به تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌شود (کاهان، ۲۰۰۸).

اطلاعات حسابداری می‌تواند از طریق آگاهی سرمایه‌گذاران و ایجاد قراردادهای کارآمدتر نقش بااهمیتی را در نظام راهبری شرکت‌ها ایفا کند (لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۸). اطلاعات حسابداری می‌تواند بهره‌وری سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده و با ارتقای سازوکارهای کنترلی کارآ که موجب سوق مدیران به استفاده درست از منابع در پروژه‌ها و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران می‌شود، موجب خلق ارزش برای شرکت شود (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱). از آنجا که سرمایه‌گذاران و مدیران به منظور پیگیری و نظارت تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیریت بر اطلاعات حسابداری اتکا می‌کنند، چنین اثر نظارتی از طریق ضعف کنترل داخلی که موجب تسهیل دستکاری ارقام حسابداری و کاهش دقت و کیفیت اطلاعات مالی می‌شود، می‌تواند مورد ابهام و تردید قرار گیرد (دویلی و همکاران، ۲۰۰۷؛ آشباق-اسکایف و همکاران، ۲۰۰۸). گزار شگری مالی کنترل داخلی انعکاسی از کیفیت کلی سیستم اطلاعاتی شرکت از جمله سیستم حسابداری و گزار شگری خارجی می‌باشد. ناکارآمدی گزار شگری مالی کنترل داخلی صحت گزارش داخلی مدیریت را تحت تأثیر و موجب تأخیر در دسترسی اطلاعات داخلی می‌شود. از این رو ضعف کنترل داخلی می‌تواند منجر به تخصیص ناکارآمد منابع نقدی شرکت توسط مدیران شود (فینگ همکاران، ۲۰۰۹). کنترل داخلی می‌تواند از

طریق افزایش اتکاپذیری سیستم حسابداری کارایی عملیاتی را تسهیل و در نتیجه ارزش شرکت را افزایش دهد (گائو و جیا، ۲۰۱۶). از طرف دیگر نظارت ضعیف بر مدیران می‌تواند موجب هدر رفتن جریان نقدی شرکت و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های غیر کارا شود.

پژوهش‌های صورت گرفته بر اساس موضوع پژوهش شامل پژوهش‌های خارجی و پژوهش‌های داخلی می‌باشند. ابتدا پژوهش‌های خارجی و سپس پژوهش‌های داخلی ارائه خواهد شد.

آپادور و مهد نور (۲۰۱۳) با بررسی عوامل موثر بر تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی و حاکمیت شرکتی بیان نمودند که اندازه کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت، اندازه شرکت و میزان سودآوری با تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی رابطه دارد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که با افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش تعداد سهامداران بالای ۵ درصد مالکیت تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی به دلیل افزایش تقاضا برای انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر، افزایش خواهد یافت. میان اندازه شرکت و سودآوری با تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی نیز رابطه معکوس برقرار می‌باشد.

پام و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأخیر گزارش حسابرسی پرداخته‌اند. در این پژوهش ارتباط بین تأخیر گزارش حسابرسی و سطوح فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور ایالات متحده در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۲ با استفاده از مشاهدات ۸۵۲۰ سال-شرکت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا و تأخیر طولانی‌تر گزارش حسابرسی رابطه وجود دارد.

پارک و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت سهامداران کنترلی، نظارت سهامداران خارجی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. این پژوهش در بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۰ در شرکت‌های کره ای انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد با افزایش شکاف مالکیت کنترلی، کارایی سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که شکاف بالاتر مالکیت کنترلی با تمایل به بیش سرمایه‌گذاری تأثیر منفی بر عملکرد و تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت دارد.

لی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا ضعف بااهمیت در کنترل‌های داخلی حسابداری رابطه منفی با بهره‌وری سرمایه‌گذاری در کره دارد. این پژوهش در بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۰ در کشور کره انجام شده است. نتایج نشان داد که شرکت‌های با ضعف کنترل حسابداری داخلی تمایل به سرمایه‌گذاری بیش از حد و کمتر از حد دارند. همچنین نتایج نشان داد تعداد ضعف‌های کنترل داخلی حسابداری رابطه منفی با بازه سرمایه‌گذاری دارند.

زو و ژو (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کنترل داخلی و سرمایه‌گذاری بیش از حد با ریسک اعتباری شرکت‌ها چینی پرداخته‌اند. این پژوهش بر مبنای اطلاعات شرکت‌های بورس اوراق بهادار شانگهای و شنزن کشور چین در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۳ است. نتایج پژوهش نشان داد که کنترل داخلی و سرمایه‌گذاری بیش از حد بر ریسک اعتباری شرکت‌ها تأثیرگذار است.

آندریو و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان "تأثیر توانایی‌های مدیریتی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها"، به بررسی رابطه بین توانایی مدیران و سرمایه‌گذاری‌های شرکت در طول دوره بحران مالی، با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی نظیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، هیات مدیره و ویژگی‌های مدیر عامل شرکت‌های چینی پرداخته شده است. این پژوهش در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ در ۲۷۴۸ شرکت انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین توانایی‌های مدیریتی و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت وجود دارد. به طور کلی، نتایج با این دیدگاه سازگار است که توانایی بالا مدیریتی به کاهش مشکلات سرمایه‌گذاری در طول بحران کمک می‌کند، که به نوبه خود باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود.

مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و سطح سرمایه‌گذاری در شرایط نیاز یا عدم نیاز به تامین مالی و همچنین بررسی اثر مالکیت نهایی بر رابطه‌ی بین محافظه‌کاری و سطح سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش، شامل ۱۰۳ شرکت است که برای دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۱ بررسی شده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که نیاز به تامین مالی خارجی ندارند، رابطه محافظه‌کاری با سرمایه‌گذاری منفی است و در شرکت‌هایی که نیاز به تامین مالی خارجی دارند این رابطه

مثبت است. همچنین در شرکت‌هایی که مالکیت نهایی آن‌ها در اختیار بخش دولتی و شبه دولتی است، رابطه محافظه کاری و سرمایه‌گذاری منفی می‌باشد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی کنترل‌های داخلی موثر در شرکت‌های سرمایه‌گذاری از دیدگاه حساب‌برسان مستقل پرداخته‌اند. جامعه آماری تحقیق حاضر حساب‌برسان مستقل عضو جامعه حسابداران رسمی بوده که ۱۰۰ نفر از حساب‌برسان مستقل به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش موجب ارائه چک لیستی (تصویب آیین نامه معاملات توسط هیات مدیره، تفکیک وظایف، بررسی دوره‌ای معاملات و انطباق آن با دفاتر توسط مدیر عامل و...) از کنترل‌های داخلی موثر در شرکت‌های سرمایه‌گذاری گردیده است.

حاجیه و حسین نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی پرداختند. نمونه شامل ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. تجزیه و تحلیل‌های رگرسیون ترکیبی نشان داد که بین لگاریتم قیمت سهام در تعداد سهام، نسبت موجودی کالا به جمع کل دارایی و زیان با نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و تسعیر نرخ ارز، رشد درآمد، ارزش بازار بر ارزش دفتری، نمره Z آلتمن و جمع کل بدهی بر دارایی رابطه‌ای با نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی ندارد.

عفری و جنت مکان (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و دوره زمانی ارائه گزارش حساب‌برسی و ریسک سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نمونه پژوهش شامل ۸۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۳ می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که دوره زمانی ارائه گزارش حساب‌برسی در شرکت‌هایی که دارای دوره تصدی بالای موسسه حساب‌برسی و موسسات حساب‌برسی بزرگ هستند کوتاه‌تر است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه موسسه حساب‌برسی تأثیر مثبت و معناداری و بر خلاف آن دوره تصدی موسسه حساب‌برسی تأثیر منفی و معناداری بر ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند.

خورشیدزاده حقیقی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین محدودیت‌های مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نمونه،

شامل ۷۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ را در بر می‌گیرد. نتایج بدست آمده از این تحقیق حکایت از ارتباط منفی معنادار بین محدودیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری کمتر از حد، سرمایه‌گذاری بیشتر از حد می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: تأخیر گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معنادار مثبت دارد.
 فرضیه ۲: ضعف کنترل داخلی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معنادار مثبت دارد.
 فرضیه ۳: تعداد ضعف کنترل‌های داخلی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معنادار مثبت دارد.

معرفی و نحوه محاسبه متغیرها

متغیر وابسته

در این پژوهش از الگوی ریچاردسون (۲۰۰۶) برای محاسبه کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها استفاده شده است. الگوی ریچاردسون به شرح مدل (۱) است:

$$Inv_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Grow_{i,t-1} + \sum \Phi_j Control_{j,t,t-1} + v_{i,t} \quad (1) \text{ مدل}$$

که در آن:

$Inv_{i,t}$: تغییر در خالص دارایی‌های ثابت، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و دارایی‌های نامشهود تقسیم بر میانگین کل دارایی‌های شرکت i در سال t .

$Grow_{i,t-1}$: نرخ رشد درآمد فروش سالانه شرکت i در سال $t-1$.

$Control_{j,t,t-1}$: متغیرهای کنترلی می‌باشند که شامل:

$Levi_{i,t-1}$: اهرم مالی شرکت i در سال $t-1$ (نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها)

$Age_{i,t-1}$: سن شرکت i در سال $t-1$.

Cashi,t-1: نسبت نقدی (وجه نقد با اضافه سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت تقسیم بر میانگین دارایی‌ها در سال t-1).

Sizei,t-1: اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های سال t-1).

Reti,t-1: بازده سالانه سهام شرکت i در سال t-1.

بر اساس پژوهش ریچاردسون (۲۰۰۶)، از فروش به عنوان متغیری برای تخمین و برآورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری مورد انتظار استفاده می‌شود. مطابق با این رویکرد، سرمایه‌گذاری تابعی از فرصت‌های رشد و همچنین متغیرهای کنترلی تأثیرگذار بوده است. استدلال این الگو آن است که میزان فروش شرکت، انتظار از سرمایه‌گذاری شرکت را در بازار کارا نشان می‌دهد. با جای‌گذاری رقم محاسبه شده بابت سرمایه‌گذاری کل در معادله رگرسیون پسماند این مدل محاسبه می‌شود. منظور از کارایی سرمایه‌گذاری به صورت مفهومی، به معنی پذیرش طرح‌هایی با ارزش فعلی خالص مثبت است و منظور از ناکارایی سرمایه‌گذاری، گذر از این فرصت‌های سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری کمتر از حد) و یا انتخاب طرح‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی (سرمایه‌گذاری بیش از حد) است. پسماند مثبت (انحراف مثبت از سرمایه‌گذاری مورد انتظار) نشان‌دهنده انتخاب پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی یا همان سرمایه‌گذاری بیش از حد است و پسماندهای منفی (انحراف منفی از سرمایه‌گذاری مورد انتظار) نشان‌دهنده گذر از فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ارزش فعلی خالص مثبت یا در واقع سرمایه‌گذاری کمتر از حد خواهد بود (لی و وانگ، ۲۰۱۰؛ داس و پاندیت، ۲۰۱۰). مطابق پژوهش لی و وانگ (۲۰۱۰) از قدر مطلق پسماندهای الگو برای اندازه‌گیری کارایی سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود. مقدار این انحراف بیانگر شاخصی معکوس از کارایی سرمایه‌گذاری (عدم کارایی سرمایه‌گذاری) است.

متغیرهای مستقل

تأخیر گزارش حسابرسی: در این پژوهش مطابق با اشتون و همکاران (۱۹۸۹) و آل-آجمی (۲۰۰۸) از تعداد روزهای سپری شده بین تاریخ امضای گزارش حسابرس و پایان سال مالی برای محاسبه تأخیر گزارش حسابرس استفاده شده است.

ضعف کنترل داخلی: یک متغیر ساختگی است، مطابق با پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۶) در صورتی که شرکت دارای ضعف کنترل داخلی باشد کد ۱ و در غیر اینصورت صفر می‌گیرد. ضعف کنترل داخلی شرکت از گزارش حسابرس مستقل استخراج شده است. تعداد ضعف‌های کنترل داخلی: مطابق با پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۶) برابر است با تعداد ضعف‌های کنترل داخلی اعلام شده در گزارش حسابرس مستقل.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.
 بازده دارایی‌ها (ROA): نسبت سود خالص به کل دارایی‌های ابتدای دوره.
 زیان (LOSS): اگر شرکت در سال مالی زیان گزارش کرده باشد کد ۱ و در غیر اینصورت صفر است.
 نوع گزارش حسابرس (GC): اگر گزارش حسابرس در سال مالی مقبول باشد کد ۱ و در غیر اینصورت صفر است.
 نوع موسسه حسابرسی (BIG4): اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد کد ۱ و در غیر اینصورت صفر است.
 تغییر حسابرس (AUDCHG): اگر حسابرس شرکت در سال مالی تغییر کرده باشد کد ۱ و در غیر اینصورت صفر است.
 جریان نقدی آزاد شرکت (FCF): برابر است با نسبت جریان نقد آزاد (سود خالص به اضافه هزینه استهلاک منهای تغییرات دارایی‌های ثابت مشهود منهای تغییرات خالص سرمایه در گردش) به کل دارایی‌ها.
 اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است؛ بنابراین قلمرو مکانی پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

همچنین قلمرو زمانی پژوهش برای بررسی تأثیر ناخیر گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه گذاری سال‌های ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۴ و برای بررسی تأثیر ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ می‌باشد. برای نمونه‌گیری از روش حذف سامانمند استفاده شده است که شرایط آن به صورت زیر تعریف شده است:

- (۱) به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
 - (۲) به منظور همگن بودن اطلاعات، شرکت‌ها از بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری، بیمه و لیزینگ نباشند.
 - (۳) اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این تحقیق قابل دسترس باشد.
- با اعمال موارد پیش گفته تعداد اعضای نمونه این پژوهش شامل ۱۰۴ شرکت شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ ماهیت از نوع همبستگی است؛ زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون کشف یا تعیین می‌کند. با توجه به این مطالب پژوهش از لحاظ هدف بنیادی تجربی است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌های رگرسیون چند متغیره و داده‌های ترکیبی استفاده شده است. همچنین نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. آزمون اف لیمر و آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌ها ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای آزمون معنی‌داری کل مدل رگرسیون از آزمون اف فیشر و برای آزمون متغیرهای مستقل از آزمون تی استفاده شده است.

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

همچنین در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیون چند متغیره و داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در صورتیکه ضریب α_1 در مدل شماره (۲) معنادار باشد، فرضیه پژوهش رد نمی‌شود:

مدل (۲)

$$XINV_t = \alpha_0 + \alpha_1 ARL_t + \alpha_2 ROA_t + \alpha_3 LOSS_t + \alpha_4 GC_t + \alpha_5 BIG4_t + \alpha_6 SIZE_t + \alpha_7 AUDCHG_t + \epsilon_t$$

که در آن:

$XINV_t$: کارایی سرمایه‌گذاری شرکت

ARL_t : تأخیر گزارش حسابداری.

ROA_t : بازده دارایی‌ها

$LOSS_t$: زیان

GC_t : نوع گزارش حسابرس

$BIG4_t$: نوع موسسه حسابداری

$SIZE_t$: اندازه شرکت

$AUDCHG_t$: تغییر حسابرس

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه دوم و سوم از مدل (۳) استفاده شده است، در صورتیکه ضریب β_1 برای متغیرهای ضعف کنترل داخلی و تعداد ضعف‌های کنترل داخلی شرکت معنادار باشد، فرضیه اول و دوم پژوهش رد نمی‌شود:

مدل (۳)

$$XINV_t = \alpha_0 + \beta_1 (IC_t \text{ or } NIC_t) + \beta_2 FCF_t + \beta_3 LEV_t + \beta_4 SIZE_t + \beta_5 ROA_t + \epsilon_t$$

که در آن:

$XINV_t$: کارایی سرمایه‌گذاری شرکت i در سال t .

IC_t : ضعف کنترل داخلی شرکت i در سال t .

NIC_t : تعداد ضعف‌های کنترل داخلی شرکت i در سال t .

FCF_t : جریان نقدی آزاد شرکت i در سال t .

LEV_t : اهرم مالی شرکت i در سال t .

SIZE_t: اندازه شرکت *i* در سال *t*.

ROA_t: بازده دارایی‌های شرکت *i* در سال *t*.

آمار توصیفی

نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مدل‌ها را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، میانه، بیشینه و کمینه، چولگی و کشیدگی و... است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیر پارامتر	ARL	AGE	FCF	RET	LEV	ROA	SIZE	XINV
تأخیر	سن	جریان نقدی آزاد	بازده سهام	اهرم مالی	بازده دارایی	اندازه شرکت	کارایی سرمایه	
میانگین	۸۱/۵۹	۴۰/۹۲	۰/۱۴	۴۷/۵۲	۰/۷۰	۰/۱۴	۱۳/۸۲	۰/۰۱
میانه	۸۴/۰۰	۴۳/۰۰	۰/۰۷	۲۵/۷۲	۰/۶۵	۰/۰۸	۱۳/۶۵	۰/۰۱
بیشینه	۱۵۱/۰۰	۶۳/۰۰	۱۲/۱۶	۳۹۸/۸۶	۳/۷۶	۰/۹۳	۱۸/۴۷	۲/۴۶
کمینه	۱۵/۰۰	۱۷/۰۰	-۸/۰۸	-۱۱۰/۶۳	۰/۰۱	-۰/۸۲	۱۰/۸۲	-۲/۷۲
انحراف معیار	۳۵/۴۱	۱۰/۳۱	۰/۹۳	۹۲/۲۹	۰/۴۱	۰/۸۴	۱/۳۹	۰/۵۳
چولگی	۲/۴۰	-۰/۳۶	۴/۸۷	۳/۳۷	۵/۵۴	۴/۰۶	۰/۷۳	-۰/۲۳
کشیدگی	۱۹/۰۹	۲/۲۴	۷۹/۱۲	۲۲/۷۹	۵۳/۸۱	۱۹۶/۷۱	۳/۳۸	۶/۷۷

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر بازده دارایی‌ها برابر با ۰/۱۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود میانه این متغیر ۰/۰۸ می‌باشد که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها اهرم مالی

شرکت دارای کمترین و متغیر تأخیر گزارش حسابرسی بیشترین میزان پراکندگی را دارا می‌باشند. که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تغییرات را دارا می‌باشند. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. متغیر اهرم مالی شرکت بیشترین عدم تقارن و متغیر سن شرکت کمترین عدم تقارن را نسبت به توزیع نرمال دارند. میزان کشیدگی یا پخی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می‌نامند. متغیر نرخ بازده دارایی‌های شرکت بیشترین برجستگی و متغیر سن شرکت کمترین برجستگی را نسبت به منحنی نرمال دارد. هنگامی که مقدار کشیدگی برابر صفر باشد توزیع داده‌ها طبیعی است یعنی در شکل توزیع که بلند و رو به بالاست، داده‌ها تقریباً نزدیک به هم می‌باشند و واریانس کم است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

قبل از برآزش مدل جهت آزمون، باید نوع روش (روش تلفیقی یا تابلویی) و فروض کلاسیک رگرسیون بررسی شود.

آزمون F لیمر و هاسمن

خلاصه نتایج آزمون F لیمر در نگاره (۲) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار p-value برابر ۰/۹۰ و بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته شد، آزمون هاسمن اجرا نمی‌شود.

نگاره (۲): آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون F لیمر		
نتیجه	احتمال	آماره F لیمر
تلفیقی	۰/۹۰	۰/۸۲

آزمون عدم همبستگی باقیمانده‌ها

با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر $۲/۵۰$ می‌باشد، مشخص شد که مدل فوق دارای خود همبستگی نمی‌باشد.

نگاره (۳): آماره دوربین-واتسون

آماره دوربین واتسون	حدود عدم خودهمبستگی
۲/۵۰	$۱/۵ < DW < ۲/۵$

آزمون عدم ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها

با توجه به نگاره زیر و مقدار p-value بدست آمده برای آزمون وایت (White) که برابر $۰/۴۱$ می‌باشد و از سطح معنی داری $۰/۰۵$ بیشتر است ($p\text{-value} \geq ۰/۰۵$)، فرض صفر (وجود همسانی واریانس) پذیرفته می‌شود که نشان می‌دهد مشکل ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها وجود ندارد.

نگاره (۴): بررسی همسانی واریانس مدل

مقدار آماره	p-value
F-statistic (۰/۶۸)	۰/۴۱

نتایج برازش مدل جهت آزمون فرضیه اول در نگاره (۵) ارائه شده است.

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که برابر با صفر، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان تمامی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر معناداری دارد. با توجه به نگاره (۵) و مقدار p-value آماره t برای متغیر تأخیر گزارش حسابرسی (ARL)* که برابر $۰/۳۰۸$ می‌باشد و بیشتر از سطح خطای $۰/۰۵$ است ($p\text{-value} \geq ۰/۰۵$)، فرض صفر (فرض عدم وجود رابطه بین تأخیر گزارش حسابرسی و کارایی سرمایه گذاری) پذیرفته می‌شود و در نتیجه تأخیر گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه گذاری تأثیر معناداری ندارد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق رد می‌شود.

مقدار R^2 تعدیل شده مدل برابر $۰/۹۲$ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۹۲ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود.

نگاره (۵): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه اول

$XINV_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ARL_{it} + \alpha_2 ROA_{it} + \alpha_3 LOSS_{it} + \alpha_4 GC_{it} + \alpha_5 BIG4_{it} + \alpha_6 SIZE_{it} + \alpha_7 AUDCHG_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضریب	نحرف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	α	۵۷/۴۳۴	۳۰/۷۵۳	۱/۸۶۸	۰/۰۶۲
تأخیر گزارش حسابداری	ARL	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۲	-۱/۰۲۰	۰/۳۰۸
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	-۲/۵۳۴	۰/۰۱۲
زیان	LOSS	-۰/۰۱۸	۰/۰۱۰	-۱/۸۶۷	۰/۰۶۲
نوع گزارش حسابداری	GC	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۶	-۰/۱۹۱	۰/۸۴۹
نوع موسسه حسابداری	BIG4	۰/۰۰۰	۰/۰۲۶	۰/۰۱۹	۰/۹۸۵
اندازه شرکت	SIZE	-۱/۰۰۶	۰/۰۲۴	-۴۲/۴۴۴	۰/۰۰۰
تغییر حسابداری	AUDCHG	۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	۴/۸۹۴	۰/۰۰۰
		ضریب تعیین	۰/۹۲	آماره F	۹۱۳/۳
		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۲	سطح معنی داری آماره F	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه دوم

قبل از برآزش مدل جهت آزمون، باید نوع روش (روش تلفیقی یا تابلویی) و فروض کلاسیک رگرسیون بررسی شود.

آزمون F لیمر و هاسمن

خلاصه نتایج آزمون F لیمر در نگاره (۶) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار p-value برابر ۰/۱۱ و بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته شد، آزمون هاسمن اجرا نمی‌شود.

نگاره (۶): آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون F لیمر		
نتیجه	احتمال	آماره F لیمر
تلفیقی	۰/۱۱	۱/۲

آزمون عدم همبستگی باقیمانده‌ها

با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر $۲/۵۰$ می‌باشد، مشخص شد که مدل فوق دارای خود همبستگی نمی‌باشد.

نگاره (۷): آماره دوربین-واتسون

آماره دوربین واتسون	حدود عدم خود همبستگی
۲/۵۰	$۱/۵ < DW < ۲/۵$

آزمون عدم ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها

با توجه به نگاره زیر و مقدار p-value بدست آمده برای آزمون وایت (White) که برابر $۰/۲۴$ می‌باشد و از سطح معنی داری $۰/۰۵$ بیشتر است ($p\text{-value} \geq 0/05$)، فرض صفر (وجود همسانی واریانس) پذیرفته می‌شود که نشان می‌دهد مشکل ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها وجود ندارد.

نگاره (۸): بررسی همسانی واریانس مدل

مقدار آماره	p-value
$(۰/۸۸)F\text{-statistic}$	۰/۲۴

نتایج برازش مدل جهت آزمون فرضیه اول در نگاره (۹) ارائه شده است.

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که برابر با صفر می‌باشد، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان تمامی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر معناداری دارد. با توجه به نگاره (۹) و مقدار p-value آماره t برای متغیر ضعف کنترل داخلی شرکت (IC) که برابر صفر می‌باشد و کمتر از سطح خطای $۰/۰۵$ است ($p\text{-value} \leq ۰/۰۵$)، فرض صفر (فرض عدم تأثیر ضعف کنترل داخلی شرکت و کارایی سرمایه-گذاری) رد می‌شود و در نتیجه ضعف کنترل داخلی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد. در نتیجه فرضیه دوم تحقیق رد نمی‌شود. همچنین با توجه به ضریب متغیر ضعف کنترل داخلی شرکت که مثبت می‌باشد، نتیجه می‌شود ضعف کنترل داخلی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد.

مقدار R2 تعدیل شده مدل برابر ۰۳/۶ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۶۳ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود.

نگاره (۹): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه دوم

XINV _{it} = α ₀ + β ₁ IC _{it} + β ₂ FCF _{it} + β ₃ LEV _{it} + β ₄ SIZE _{it} + β ₅ ROA _{it} + ε _{it}					
متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	α	-۱/۸۹۰	۰/۱۷۶	-۷۳۲.۱۰	۰/۰۰۰
ضعف کنترل داخلی	IC	۰/۱۲۹	۰/۰۳۲	۴/۰۳۷	۰/۰۰۰
جریان های نقدی آزاد	FCF	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۹	-۲/۶۲۲	۰/۰۰۹
اهرم مالی	LEV	۰/۱۲۶	۰/۰۲۲	۵/۶۴۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۲۷	۰/۰۱۳	۹/۵۹۶	۰/۰۰۰
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	-۴/۵۲۶	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۷۶	آماره F	۵/۸۰	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۳	سطح معنی داری	آماره F	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه سوم

قبل از برآزش مدل جهت آزمون، باید نوع روش (روش تلفیقی یا تابلویی) و فروض کلاسیک رگرسیون بررسی شود.

آزمون F لیمر و هاسمن

خلاصه نتایج آزمون F لیمر در نگاره (۱۰) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار p-value برابر ۰/۱۱ و بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته شد، آزمون هاسمن اجرا نمی‌شود.

نگاره (۱۰): آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون F لیمر		
نتیجه	احتمال	آماره F لیمر
تلفیقی	۰/۱۱	۱/۲

آزمون عدم همبستگی باقیمانده‌ها

با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۵۰ می‌باشد، مشخص شد که مدل فوق دارای خود همبستگی نمی‌باشد.

نگاره (۱۱): آماره دوربین-واتسون

حدود عدم خودهمبستگی	آماره دوربین واتسون
$1/5 < DW < 2/5$	۲/۵۰

آزمون عدم ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها

با توجه به نگاره زیر و مقدار p-value بدست آمده برای آزمون وایت (White) که برابر ۰/۲۳ می‌باشد و از سطح معنی داری ۰/۰۵ بیشتر است ($p\text{-value} \geq 0/05$)، فرض صفر (وجود همسانی واریانس) پذیرفته می‌شود که نشان می‌دهد مشکل ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها وجود ندارد.

نگاره (۱۲): بررسی همسانی واریانس مدل

مقدار آماره	p-value
$(0/90)F\text{-statistic}$	۰/۲۳

نتایج برازش مدل جهت آزمون فرضیه سوم در نگاره (۱۳) ارائه شده است.

نگاره (۱۳): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه سوم

$XINV_{it} = \alpha_0 + \beta_1 NIC_{it} + \beta_2 FCF_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \epsilon_{it}$						
متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	
عرض از مبدا	α	-۱/۷۸۷	۰/۲۱۱	-۸/۴۶۴	۰/۰۰۰	
تعداد ضعف کنترل داخلی	NIC	۰/۰۲۴	۰/۰۰۶	۳/۸۰۶	۰/۰۰۰	
جریان نقدی آزاد	FCF	-۰/۰۲۴	۰/۰۰۶	-۴/۲۱۹	۰/۰۰۰	
اهرم مالی	LEV	۰/۱۱۱	۰/۰۲۴	۴/۷۱۴	۰/۰۰۰	
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۲۱	۰/۰۱۶	۷/۷۱۸	۰/۰۰۰	
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۹	-۲/۸۰۴	۰/۰۰۶	
ضریب تعیین		۰/۷۴	آماره F			۵/۴۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۱	سطح معنی داری آماره F			۰/۰۰۰

با توجه به مقدار p-value به دست آمده برای آماره F که برابر با صفر می‌باشد، فرض H_0 رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان تمامی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر معناداری دارد. با توجه به نگاره (۱۳) و مقدار p-value آماره t برای متغیر تعداد ضعف کنترل داخلی شرکت (IC) که برابر صفر می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است ($p\text{-value} \leq 0/05$)، فرض صفر (فرض عدم تأثیر تعداد ضعف کنترل داخلی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری) رد می‌شود و در نتیجه تعداد ضعف کنترل داخلی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد. در نتیجه فرضیه سوم تحقیق رد نمی‌شود. همچنین با توجه به ضریب متغیر تعداد ضعف کنترل داخلی شرکت که مثبت می‌باشد، نتیجه می‌شود تعداد ضعف کنترل داخلی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد.

مقدار R^2 تعدیل شده مدل برابر ۰/۶۱ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۶۱ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تأثیر تأخیر گزارش حسابرسی و ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای ۱۰۴ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آن به شرح زیر است:

۱) انتشار به موقع گزارش‌های مالی یک عامل کلیدی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود عملکرد بازار سرمایه است. تأخیرهای مرتبط با انتشار صورت‌های مالی عدم اطمینان مرتبط با تصمیمات سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی یکی از محدود متغیرهای مرتبط با کارایی حسابرسی است که به وسیله ذینفعان قابل مشاهده است و به طور مستقیم زمان اعلام سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، مفید بودن اطلاعات از منظر استفاده‌کنندگان به صحت اطلاعات و به موقع بودن آنها بستگی دارد. به صورتی که اگر اطلاعات با تأخیر در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد ارزش اقتصادی خود را از دست خواهد داد. به موقع بودن گزارش‌گری مالی یکی از

عامل‌های ضروری برای بنیانگذاری بازار سرمایه است. در نتیجه، با تأخیر در انتشار صورت‌های مالی و گزارش حسابرس، نبود قطعیت در مورد تصمیم‌های سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. بنابراین مفید بودن اطلاعات افشا شده در صورت‌های مالی سالانه، با عدم ارایه به موقع گزارش حسابرسی، رابطه عکس داشته و منجر به کاهش سودمندی اطلاعات می‌گردد در نتیجه کاهش کارایی سرمایه‌گذاری خواهد شد. نتایج به دست آمده از این پژوهش که با مبانی نظری مطابقت ندارد، نشان می‌دهد که تأخیر گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری ندارد. به عبارت دیگر تعداد روزهای سپری شده بین تاریخ امضای گزارش حسابرس و پایان سال مالی بر عدم کارایی سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کمتر از حد) تأثیری ندارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش پام و همکاران (۲۰۱۴) که نزدیک به موضوع این پژوهش می‌باشد، مطابقت ندارد. در این پژوهش تأثیر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأیید نشد لذا می‌توان استدلال کرد که مدیران از اطلاعات حسابرسی نشده یا گزارش‌های مالی قبل از ارائه گزارش حسابرسی جهت تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خود استفاده می‌کنند.

۲) اطلاعات حسابداری می‌تواند بهره‌وری سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده و با ارتقای سازوکارهای کنترلی کارآ که موجب سوق مدیران به استفاده درست از منابع در پروژه‌ها و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران می‌شود، موجب خلق ارزش برای شرکت شود (بوшمن و اسمیت، ۲۰۰۱). گزارشگری مالی کنترل داخلی انعکاسی از کیفیت کلی سیستم اطلاعاتی شرکت از جمله سیستم حسابداری و گزارشگری خارجی می‌باشد. ناکارآمدی گزارشگری مالی کنترل داخلی صحت گزارش داخلی مدیریت را تحت تأثیر و موجب تأخیر در دسترسی اطلاعات داخلی می‌شود. از این رو ضعف کنترل داخلی می‌تواند منجر به تخصیص ناکارآمد منابع نقدی شرکت توسط مدیران شود (فینگ همکاران، ۲۰۰۹). نتایج به دست آمده از این پژوهش که با مبانی نظری مطابقت دارد نشان می‌دهد که ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورت وجود ضعف کنترل‌های داخلی و یا افزایش تعداد ضعف کنترل‌های داخلی، عدم کارایی سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کمتر از حد) افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش

های سان (۲۰۱۶)، زو و ژو (۲۰۱۶)، لی و همکاران (۲۰۱۶) و چنگ و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که در اجرای پژوهش وجود داشته و در تعبیر و تفسیر نتایج پژوهش و قابلیت تعمیم آن بایستی مورد ملاحظه قرار گیرد به شرح زیر است:

(۱) از آنجایی که برای محاسبه متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی تهیه شده بر مبنای بهای تمام شده تاریخی استفاده شده است؛ در صورت تعدیل اطلاعات صورت‌های مالی برای تورم ممکن است نتایج تحقیق متفاوت از نتایج فعلی باشد.

(۲) نتایج پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است و با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اینکه سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه است، لذا در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش باید احتیاط لازم به عمل آید.

(۳) ناقص بودن اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی برخی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، به دلایلی نظیر مخدوش بودن فایل‌های موجود آن‌ها و در نتیجه حذف آن‌ها از جامعه آماری مورد بررسی

(۴) قلمرو زمانی پژوهش برای بررسی تأثیر تأخیر گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه‌گذاری، سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ بوده است و باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل و بعد از آن، جنبه احتیاط رعایت گردد.

(۵) با توجه به ماده ۱۷ دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مبنی بر اینکه حسابرس مستقل شرکت موظف است در گزارش خود به مجمع عمومی صاحبان سهام در خصوص استقرار و به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش توسط شرکت، با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی ذکر شده در فصل دوم این دستورالعمل، اظهار نظر کند، که در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۶ در ۱۸ ماده و ۲ تبصره به تصویب هیات مدیره‌ی سازمان بورس و اوراق بهادار رسید. لذا به دلیل نبود اطلاعات در

سال‌های قبل از ۱۳۹۱، قلمرو زمانی پژوهش برای بررسی تأثیر ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری، سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ بوده است و باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل، جنبه احتیاط رعایت گردد.

پیشنهاد‌های مبتنی بر نتایج پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تأخیر گزارش حسابرسی و ضعف کنترل‌های داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، که با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

۱) در این پژوهش فرضیه اول تأثیر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی بر کارایی سرمایه‌گذاری، تأیید نشد لذا می‌توان استدلال کرد که مدیران از اطلاعات حسابرسی نشده یا گزارش‌های مالی قبل از ارائه گزارش حسابرسی جهت تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خود استفاده می‌کنند. اما با توجه به مبانی نظری پیشنهاد می‌شود جامعه حسابداران رسمی و سازمان بورس اوراق بهادار بر کیفیت حسابرسی موسسات نظارت بیشتری داشته باشند. به نظر می‌رسد دقت نظر و اعمال کنترل‌های اضافی بر شرکت‌هایی که دارای سرعت گزارشگری پایینی هستند، دارای اهمیت است. بنابراین، مسؤولان بازار سرمایه باید با وضع قوانین و مقررات سختگیرانه‌تری در جهت بهبود بموقع بودن گزارش‌های مالی گام بردارند.

۲) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم و سوم این پژوهش می‌توان بیان داشت که کنترل‌های داخلی، می‌تواند عهده‌دار نقش‌های گوناگون بوده و در شرایط متفاوت به حل مسائل گوناگون کمک نماید. در شرایط حاضر و با توجه به بحث‌های جاری در میان مراجع استانداردگذار از قبیل هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. همچنین شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران می‌توانند به این موضوع توجه داشته باشند که افزایش کیفیت کنترل‌های داخلی می‌تواند به آن‌ها در حل مسائل گوناگون کمک کرده و در شرایط متفاوت به حل مسأله‌های خاص شرکت کمک نماید. زمانی که مسأله اصلی شرکت موضوع نمایندگی و هزینه‌های نمایندگی باشد، کاهش نقاط ضعف کنترل‌های داخلی از طریق ایفای نقش کنترلی به تخفیف و کاهش در این مسأله منجر می‌شود.

۳) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم و سوم این پژوهش به نهادهای مسول پیشنهاد می‌گردد، شرکت‌های که حاوی ضعف با اهمیت در کنترل‌های داخلی هستند را ملزم به اصلاح این ضعف‌ها نماید، نتایج این پژوهش می‌تواند در اتخاذ رویکردهای گزارشگری، مورد توجه مدیران مالی قرار گیرد. همچنین نتایج این پژوهش بر تصمیمات تحلیلگران و سرمایه‌گذاران نیز اثر خواهد بود. همچنین پیشنهاد می‌شود جامعه حسابداران رسمی و سازمان بورس اوراق بهادار بر کیفیت کنترل‌های داخلی شرکت‌ها نظارت بیشتری داشته باشند. به نظر می‌رسد دقت نظر و اعمال کنترل‌های اضافی بر شرکت‌هایی که دارای ضعف کنترل داخلی هستند، دارای اهمیت است. بنابراین، مسؤولان بازار سرمایه باید با وضع قوانین و مقررات سختگیرانه تری در جهت بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی گام بردارند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

با انجام هر کار علمی راه به سوی مسیر جدید باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام تحقیقات دیگری است. بدین لحاظ تحقیقاتی که در ادامه نتایج این تحقیق، ضروری به نظر می‌رسد به شرح زیر است:

۱) پیشنهاد می‌گردد که سایر مولفه‌های کیفیت حسابرسی با کارایی سرمایه‌گذاری برای تحقیقات آتی مورد بررسی قرار گیرد. لذا پژوهش‌های آتی می‌توانند متغیرهای دیگری علاوه بر متغیرهای بررسی شده در این پژوهش مانند حق الزحمه‌های حسابرسان، سطح مهارت کارکنان موسسه حسابرسی، چرخش حسابرس و غیره را مورد بررسی قرار دهند. همچنین پژوهش‌های آتی باید وضعیت بازار سرمایه را در دوره‌ی زمانی بین ارائه‌ی گزارش و واکنش بازار به آن را مورد ارزیابی قرار دهند.

۲) به منظور انجام پژوهش‌های آتی نیز پیشنهاد می‌شود این پژوهش به تفکیک صنایع مختلف بورس انجام گیرد تا ویژگی‌های متفاوت صنایع و الزامات قانونی حاکم بر هر نوع خاص صنعت، در نظر گرفته شود و نتایج دقیق تری به دست آید.

۳) در این پژوهش تنها شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفتند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، موضوع این پژوهش در سطح بین‌المللی

(مثلاً با در نظر گرفتن چند کشور آسیایی) و یا کلیه شرکت‌های موجود در بازار ایران بررسی شود.

منابع

آقایی، محمد، گلجاریان، محمد علی، نظری، کیانوش و امین اسدالهی. (۱۳۹۴). کنترل‌های داخلی موثر در شرکت‌های سرمایه‌گذاری از دیدگاه حساب‌برسان مستقل. پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۵ (۱۷) ۱-۱۲.

ابزری، مهدی و حامد درخشیده. (۱۳۹۲). تأثیر شفافسازی اطلاعات مالی بر رفتار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار اصفهان. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه ۱۸ (۱): ۷۵-۵۹.
حاجیها، زهره و سهیلا محمد حسین نژاد. (۱۳۹۴). عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی: ۷ (۲۶)، ۱۱۹-۱۳۷.

خورشیدزاده حقیقی، شیرین. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین محدودیت‌های مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری ۳ (۱): ۴۲۰-۴۲۸.

مرادزاده فرد، مهدی. فرج زاده، مریم. کرمی، شیما و مرتضی عدل زاده. (۱۳۹۳). بررسی رابطه محافظه کاری و کارایی سرمایه‌گذاری با توجه به وضعیت تأمین مالی و مالکیت نهایی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی ۱۲ (۴۴): ۹۷-۱۱۶.
واعظ، سید علی و محسن رشیدی باغی. (۱۳۹۳). تأثیر ساختار مالکیتی بر ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری. پیشرفت‌های حسابداری ۶ (۲): ۱۶۷-۱۹۵.

Abzari, M. and drkhshydh H. (2013). The effect of transparency of financial information on the behavior of investors on the stock exchange. *Journal of Management and Budget*. 18 (1): 59-75. (In Persian)

Al-Ajmi, J. (2008) , "Audit and reporting delays: evidence from an emerging market", *Advances in Accounting*: 24) 2 (217-226).

AFary, A. Jantmakan, N. (2016). The effect of audit quality on the reduction of the period of the audit report, investment risk and information asymmetry. *Journal of Management Studies and Accounting*. 2 (3): 1-16.

Aghai, M. Gljaryan, MA. Nazari, K. Assadullahi, A. (2015). Effective internal controls in Investment companies from the perspective of external auditors. *Empirical Research in Accounting*. 5 (17): 1-12. (In Persian)

- Ashbaugh-Skaife, H. , D. W. Collins, W. R. Kinney Jr, and R. LaFond. (2008). The effect of SOX internal control deficiencies and their remediation on accrual quality, *The Accounting Review*. 83 (1): 217–50.
- Ashton, R. H. & Graul, P. R. & Newton, J. D. (1989). " Audit Delay and Timeliness of Corporate Reporting", *Contemporary Accounting Research*,. 5 (2) , 657-673.
- Afify, H. A. E. (2009). Determinants of audit report lag: Does implementing corporate governance have any impact? Empirical evidence from Egypt. *Journal of Applied Accounting Research*, 10 (1) , 56-86.
- Apadore, Kogilavani. & Mohd Noor, Marjan. (2013). Determinants of Audit Report Lag and Corporate Governance in Malaysia. *International Journal of Business and Management*: 8) 15 (.
- Andreou PC, Karasamanib I, Loucaa C, Ehrlichd D. (2017). The Impact of Managerial Ability on Crisis-Period Corporate Investment. *Journal of Business Research*, 79 (2017): 107–122.
- Ball, R. , S. P. Kothari and A. Robin (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 29 (1): 1–52.
- Bushman, R. , & Smith, A. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting & Economics*. 31, 237-333.
- Cahan, S. F. , Godfrey, J. M. , Hamilton, J. , & Jeter, D. C. (2008). Auditor specialization, auditor dominance, and audit fees: The role of investment opportunities. *The Accounting Review*, 83 (6) , 1393-1423.
- Clatworthy, M. & Peel, M. (2010). "Does Corporate Governance Influence the Timeliness of Financial Reporting? Evidence from UK Private Companies", *Accounting and management control department research seminar*.
- Das, S. , Pandit, S. (2010). Audit quality, life-cycle stage and the investment efficiency of the firm. www.ssrn.com.
- Doyle, J. , W. Ge, and McVay S. (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting, *The Accounting Review*. 82: 1141-1170.
- Fazzari, Steven, R. Glenn Hubbard and Bruce Petersen (1988). Financing constraints and corporate investment. *Brookings Papers on Economic Activities*, 1: 141-195.
- Feng, M. , C. Li, and McVay S. (2009). Internal control and management guidance, *Journal of Accounting and Economics*. 48 (2–3): 190–209.
- Gao X. and Jia Y. (2016). Internal Control over Financial Reporting and the Safeguarding of Corporate Resources: Evidence from the Value of Cash Holdings, *Contemporary Accounting Research*. 2 (33): 783-814.

- Haji, Z. and S. Mohammad Hossein Nejad. (2015). Factors Influencing the importance of internal controls weaknesses. *Research of financial accounting and auditing*, 7 (26): 119-137. (In Persian)
- Jensen, M. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economic Review*, 76: 323-329.
- Khorshidzadeh, sh. (2016). Investigating the relationship between financial constraints and investment efficiency in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Management and Accounting Studies* 3 (1): 420-428. (In Persian)
- La Porta, R. F. Lopez-de-Silanes, A. Shleifer, R. Vishny (2002). Investor protection and corporate valuation. *Journal of Finance*, 57 (3): 1147-1170.
- Li, Q. , and Wang. T. (2010). Financial reporting quality and corporate investment efficiency: Chinese experience. *Nankai Business Review International*, 1 (2): 197-213.
- Lee, Jaehong. Cho, Eunjung. Choi, Hyunjung. (2016). The Effect Of Internal Control Weakness On Investment Efficiency. *The Journal of Applied Business Research*. 32 (3): 649-661.
- Modigliani & Miller (1958). The cost of capital corporate finance & theory of investment. *American Economic Review*.
- Moradzadeh, M. Farajzadeh, M. Karami, S and Adlzadh, m. (2014). The Relationship between conservatism and investment efficiency with respect to financing and final ownership in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Empirical studies of financial accounting*. 12 (44): 97-116. (In Persian)
- Pham, Trung. Mai Dao & Veena L. Brown. (2014). Investment Opportunities and Audit Report Lags: Initial Evidence, *Accounting and Finance Research*. 3 (4): 45-57.
- Park, Hyun-Young. Chae, Soo-Joon. Cho, Moon-Kyung. (2016). Controlling shareholders' ownership structure, foreign investors' monitoring, and investment efficiency, *Investment Management and Financial Innovations*: 13) 3 (, 159-170.
- Pastor, L. , and P. Veronesi. (2003). "Stock valuation and learning about profitability", *Journal of Finance* 58 ;1749-1789.
- Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. *Review of Accounting Studies*, 11 (2-3) , 159-189.
- Stulz, R. M. (1990). Managerial discretion and optimal financing policies. *Journal of Financial Economics*, 26 (1): 3-27.
- Tsui, J. S. L. , Jaggi, B. , & Gul, F. A. (2001). CEO domination, growth opportunities, and their impact on audit fees. , *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 16 (3) , 189-208.

- Xu, C. Zhou, Zongfang. (2016). The study of internal control and over-investment on corporate credit risk, *Procedia Computer Science*. 91; 109 – 113.
- Vaez, SA. Rshydybaghy, B. (2014). Impact of Ownership Structure on the relationship between accounting conservatism and efficiency of investment. *Accounting advances*. 6 (2): 167-195. (In Persian)

بررسی تأثیر عوامل رفتاری مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری و ارزش شرکت

مرتضی بیات*، محمد نوروزی**، زهرا میر اشرفی***، علی اکبر پور موسی****

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۷

مقاله پژوهشی

چکیده

تاکنون تأثیر عواملی مانند کیفیت گزار شگری مالی، محدودیت مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بر کارایی سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما بررسی تأثیر عوامل رفتاری مدیریت مانند خوش بینی یا بدبینی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری و ارزش شرکت‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر خوش بینی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری و ارزش شرکت‌ها می‌باشد. برای این منظور از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۱۸۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ انتخاب نموده و با استفاده از رگرسیون چند متغیره با روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته و داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان داد در بین شرکت‌هایی که کم سرمایه‌گذاری (بیش سرمایه‌گذاری) می‌نمایند، خوش بینی (بدبینی) مدیریت تأثیر معناداری بر میزان سرمایه‌گذاری شرکت ندارد. هم‌چنین نتایج بیانگر این بود که در بین شرکت‌هایی که کم سرمایه‌گذاری (بیش سرمایه‌گذاری) می‌نمایند، خوش بینی (بدبینی) مدیریت باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود. طبق نتایج بدست آمده خوش بینی (بدبینی) مدیریت تأثیری بر کارایی سرمایه‌گذاری ندارد، اما در مواقع ناکارایی سرمایه‌گذاری باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خوش‌بینی، کارایی سرمایه‌گذاری، ارزش شرکت.

طبقه‌بندی موضوعی: G34

DOI: 10.22051/jera.2018.17493.1806

* دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (shahenbayat@yahoo.com)

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، (norouzi.mohammad65@yahoo.com)

*** مربی حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (z_mirashrafi@pnu.ac.ir)

**** مربی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، محمود آباد، ایران، (alipourmousa@ut.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

ادبیات مالی رفتاری نشان می‌دهد، افراد بصورت سیستماتیک در مورد آنچه که فکر می‌کنند دچار اشتباه می‌شوند افراد ممکن است نسبت به عواقب تصمیم خود خوشبین باشند و یا اعتماد به نفس کاذب داشته باشند. خوشبینی در اینجا بدین معنی است که افراد بطور سیستماتیک نتایج رخدادهای آینده را بیش از حد مطلوب در نظر می‌گیرند (باروز و سیلورا، ۲۰۰۹). از سویی دیگر اعتماد به نفس کاذب نیز همانند خوشبینی، افراد توانایی شخصی خود را بالاتر از دیگران می‌بینند و در نتیجه دیدگاه و نظر خود را مقدم بر دیگران می‌دانند (هرشلیفر، ۲۰۱۲). در هر صورت این دو مورد سبب ایجاد تفاوت خواهد شد. اگرچه تأثیرگذاری رفتار فردی بر قیمت سهام در مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است (باربرایز، شیفلر و ویشنی، ۱۹۹۸ و باربرایز و تالر، ۲۰۰۳)، اما تعداد کمی از مطالعات به بررسی چگونگی تأثیرگذاری تعصبات فردی بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و بهره‌وری سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند (هرشلیفر، تئو و لاو، ۲۰۱۲). مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) بصورت تجربی به این نتیجه رسیدند که انحرافات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها با تعصبات و رفتارهای شخصی مدیران در ارتباط می‌باشد. بن دیوید، گراهام و هاروی (۲۰۱۱) میزان اشتباه مدیران را در مورد بازده سهام به عنوان اعتماد به نفس کاذب اندازه‌گیری کردند و به این نتیجه رسیدند که مدیران ارشد دچار اشتباه در صحت موارد سرمایه‌گذاری می‌شوند و اینکه این اشتباه بصورت معنادار بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

مدیران شرکت‌ها، با شناخت عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری و با به کارگیری آن‌ها در رسیدن به سطح سرمایه‌گذاری بهینه، می‌توانند نهایت بازدهی را ایجاد کنند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست ندهند و هم رضایت سهامداران را جلب نمایند (تهرانی و حصارزاده، ۱۳۸). (۸بی شک مساله سرمایه‌گذاری یکی از مهمترین وظایف مدیران شرکت می‌باشد. در صورتی که مدیران بتوانند به درستی فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ارزش (طرح‌های با ارزش فعلی خالص مثبت) در بازار را تشخیص دهند و به میزان مناسب در هر یک از آن‌ها سرمایه‌گذاری نمایند، در نهایت این امر سبب رشد شرکت شده و ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت و این امر سبب افزایش ارزش شرکت خواهد شد. اعتماد به نفس بیش از حد یک ویژگی شخصیتی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادات غیر واقعی

(مثبت) در رابطه با هر یک از جنبه‌های یک پیشامد در شرایط عدم اطمینان تعریف شود. مدیرانی که دارای اعتماد به نفس بالا هستند اکثراً نسبت به تصمیمات خود و نتایج آن‌ها علی‌الخصوص در زمینه تصمیمات سرمایه‌گذاری بسیار خوش‌بین هستند (ساکالا، ۲۰۰۸). بیش اطمینانی می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیم نادرست شده و با تحریف از سیاست‌های مناسب سرمایه‌گذاری هزینه‌های گزافی را برای شرکت بوجود آورد و در برخی موارد دیگر نیز می‌تواند منفعی داشته باشد (رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳). هیرشلیفر، تنو و لاو (۲۰۱۲) از اختیارات و فشارها به عنوان نماینده‌ای برای میزان اعتماد به نفس کاذب مدیران استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها با مدیر خود رای سرمایه‌گذاری بیشتری در فعالیت‌های دارای نوآوری و اختراع و مخارج تحقیق و توسعه انجام می‌دهند. تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری بخش جدایی‌ناپذیر و حیاتی از مدیریت هر شرکت می‌باشد. هیتون (۲۰۰۲) ابتدا به بررسی اینکه چگونه خوش‌بینی مدیریت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد پرداخت و به این نتیجه رسید که مدیران خوش‌بین در پروژه‌ها با ارزش فعلی خالص منفی به علت نیاز به منابع خارجی چشم‌پوشی می‌کنند. مطالعات عنوان شده به بررسی نقش نگرش مدیریت بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌پردازد ولی به بررسی نقش ویژگی‌های رفتاری مدیران بر تحریفات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها پرداخته نشده است. یک تصمیم‌گیری مناسب در سرمایه‌گذاری کارآمد ممکن است باعث افزایش ارزش شرکت شود. خوش‌طینت (۱۳۷۷) عنوان می‌دارد که از جمله عنوان ذهنیت‌گرایی پیش‌داوری می‌باشد که بر رفتار منطقی افراد تأثیر می‌گذارد. بنابراین انتظار می‌رود خوش‌بینی و بدبینی بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیرگذار باشد و از سویی دیگر با توجه به تحت تأثیر قرار گرفتن انتخاب پروژه‌ها با ریسک‌های متفاوت توسط خوش‌بینی و بدبینی مدیران می‌توان این انتظار رو داشت که ارزش شرکت نیز تحت تأثیر این رفتار مدیران قرار خواهد گرفت. اگر چه مطالعات قبلی شواهدی ارائه می‌کنند که سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ بر اساس اولویت شخصی مدیریتی و تعصبات رفتاری می‌باشد، اما این مطالعات در مورد چگونگی تأثیر خوش‌بینی کاذب مدیریت در مورد سرمایه‌گذاری کارآمد را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. از سویی دیگر مطالعات انجام شده تأثیر خوش‌بینی مدیریت را بر روی ارزش شرکت را همزمان با کارایی سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار نداده‌اند بنابراین این پژوهش به بررسی این موضوع که خوش‌بینی مدیریت چه تأثیری بر کارایی سرمایه‌گذاری و ارزش شرکت‌ها دارد خواهد پرداخت.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رشد و دگرگونی سریع روابط اقتصادی، منجر به رقابت شدیدی در عرصه تجارت، صنعت و سرمایه‌گذاری شده است. لذا شرکت‌ها برای بقاء و گسترش فعالیت‌های خود، نیاز به انجام سرمایه‌گذاری‌های مناسب و به‌موقع دارند. زمانی واحد تجاری در سرمایه‌گذاری کارا تعریف می‌شود که همه پروژه‌هایی را که خالص ارزش فعلی مثبت داشته باشند، انتخاب نماید. صرف‌نظر کردن از فرصت‌های سرمایه‌گذاری که خالص ارزش فعلی مثبت دارند، سرمایه‌گذاری کمتر از حد و هم‌چنین انتخاب پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی به معنای سرمایه‌گذاری بیشتر از حد می‌باشد که هر دو حالت بیان‌گر عدم کارایی سرمایه‌گذاری است.

تصمیم‌های سرمایه‌گذاری یکی از تصمیم‌های مهم و حیاتی در بقا و رشد شرکت‌ها به شمار می‌رود. سرمایه‌گذاران و سهام‌داران به منظور کسب سود و افزایش ارزش سهام به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری در شرکت هستند (تقی زاده خانقاه و زینالی، ۱۳۹۴). خوش‌بینی یا بدبینی یکی از مهمترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری می‌باشد. بررسی آثار اطمینان‌بخش از حد مدیران بر رویه‌های شرکت، شامل انتخاب رویه‌های حسابداری، از آن رو اهمیت دارد که می‌تواند منجر به تصمیمات نادرست در زمینه‌های گوناگون از جمله سرمایه‌گذاری شرکت‌ها شود. پژوهشگران به صورت عمومی به این نتیجه رسیدند که خوش‌بینی اعتقاد بر این است که این که یک پدیده خوب با احتمال بالایی رخ خواهد داد و یک پدیده با پیامد منفی با احتمال کمی رخ خواهد داد (گلاسر، ۲۰۰۸). مدیران با گرایش خوش‌بینی معمولاً جریان‌های نقدی آینده در ارتباط با تصمیم‌گیری‌های شرکت از جمله سرمایه‌گذاری، پرداخت سود سهام و... بیشتر برآورد می‌کنند. واحد تجاری زمانی کارآمد در سرمایه‌گذاری تعریف می‌شود که همه پروژه‌هایی را که ارزش فعلی خالص مثبت داشته باشد، انتخاب کند. بنابراین در شرایطی که هیچ اصطکاک‌کی مثل انتخاب ناسازگار یا هزینه‌های نمایندگی وجود ندارد، سرمایه‌گذاری ناکارا، صرف‌نظر کردن از فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ارزش فعلی خالص مثبت می‌باشد (کم سرمایه‌گذاری). بعلاوه سرمایه‌گذاری ناکارا شامل انتخاب پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص منفی نیز می‌شود (بیش سرمایه‌گذاری).

حداقل دو معیار نظری برای تعیین کارایی سرمایه‌گذاری وجود دارد اول اینکه، اگر یک شرکت تصمیم به تأمین مالی گیرد، هیچ تضمینی وجود ندارد که سرمایه‌گذاری صحیحی با

آن انجام شود. به عنوان مثال مدیران ممکن است با انتخاب پروژه‌های نامناسب در جهت منافع خویش و یا حتی سوء استفاده از منابع موجود، اقدام به سرمایه‌گذاری ناکارا نمایند. دوم اینکه یک شرکت نیاز دارد تا به منظور تأمین مالی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، منابع را جمع‌آوری نماید. در یک بازار کارا، همه پروژه‌ها با ارزش فعلی خالص مثبت باید تأمین مالی شوند. هر چند بخش عمده‌ای از ادبیات موجود در حوزه مالی نشان داده است که محدودیت‌های مالی، توانایی مدیران را برای تأمین مالی محدود می‌سازد (هابارد، ۱۹۹۸). هیتون (۲۰۰۲) به این نتیجه رسید که مدیران خوش‌بین تأمین مالی داخلی را بر تأمین مالی خارجی ترجیح می‌دهند چرا که سرمایه‌گذاران در صورت تأمین مالی خارجی ارزش شرکت را کم‌تر از واقع تخمین می‌زنند و از سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها را کاهش می‌دهند. چندین تحقیق از جمله لین و همکاران (۲۰۰۸) ها کبرس (۲۰۰۸) پیش‌بینی نظری هیتون را تایید کردند و چگونگی تأمین مالی سلسله‌مراتبی را در مدیران خوش‌بین نشان دادند. علاوه بر این باروس و سیلیورا (۲۰۰۹) نشان دادند که شرکت‌ها با مدیران خوش‌بین سیاست‌های مالی تهاجمی را انتخاب می‌کنند به همین دلیل این شرکت‌ها دارای نرخ اهرم بالا موثر بر ساختار سرمایه خود دارند. مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) اولین مطالعه در زمینه بررسی نقش خوش‌بینی مدیریت در تصمیمات سرمایه‌گذاری را انجام دادند. ایشان زمان ممارست مدیران برای اختیار خرید سهام را بعنوان نماینده‌ای برای خوش‌بینی مدیران انتخاب کردند و به این نتیجه رسیدند که مدیران بیش از حد خوش‌بین مسئولیت بیشتری در قبال جریان‌های نقدی دارند. گلاسر و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که سرمایه‌گذاری جریان‌های نقدی در شرکت‌های دارای مدیران خوش‌بین حساسیت بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

گرایش رفتاری مدیران نه تنها بر تصمیمات مالی شرکت تأثیر می‌گذارد بلکه بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها نیز موثر است. جنسن (۱۹۸۶) با استفاده مفهوم هزینه نمایندگی به این موضوع اشاره می‌کند که مدیران با توجه به منافع شخصی خود در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این مشکل نمایندگی می‌تواند سبب انجام بیش سرمایه‌گذاری شود و متعاقب آن سبب تحریف در سرمایه‌گذاری شود. میرز و ماجلاف (۱۹۸۴) اثبات کردند که وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و افراد خارج از شرکت سبب تحریف سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری کارآمد می‌شود. هانگک لین و چن

(۲۰۱۳) عنوان می‌کردند که چگونگی نگرش مدیریت می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری شرکت موثر باشد. تحریفات سرمایه‌گذاری بیش سرمایه‌گذاری یا کم سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به کاهش کارآمدی سرمایه‌گذاری شود (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). حداقل سازی تحریفات سرمایه‌گذاری می‌تواند به کارآمدی سرمایه‌گذاری منجر شود. در یک بازار کامل پروژه‌ها با ارزش فعلی مثبت تامین مالی می‌شوند در نتیجه سبب افزایش ارزش شرکت می‌شود. در نتیجه اجرای پروژه با ارزش فعلی مثبت سبب افزایش کارآمدی سرمایه‌گذاری‌ها خواهد شد (استن، ۲۰۰۳). با این حال در دنیای واقعی در صورتی که سرمایه‌گذاران همان اطلاعات مدیران را نداشته باشند سبب می‌شود تامین مالی پروژه‌ها با مشکل روبرو شود و این امر منجر به کاهش کارآمدی سرمایه‌گذاری خواهد شد (برترن و مایانسن، ۲۰۰۳). بیدل و هیلاری (۲۰۰۶) نشان دادند که با بهبود کیفیت گزارشگری مالی و متعاقب آن بهبود عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند بیش سرمایه‌گذاری یا کم سرمایه‌گذاری را کاهش دهد.

هوانگ و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان‌های نقدی و همچنین بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر رابطه مذکور پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که به طور میانگین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران باعث افزایش حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان‌های نقدی می‌شود و در شرکت‌هایی که هزینه نمایندگی بالاتری دارند این تأثیر به میزان قابل توجهی بیشتر است.

اخولم و پاسترناک (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "اعتماد به نفس بیش از اندازه و حجم سرمایه‌گذاری" به بررسی رابطه میان رفتار سرمایه‌گذاران و ظرفیت سرمایه‌گذاری خود در کشور فنلاند پرداختند. روش کار به این شکل بود که سرمایه‌گذاران در برابر واکنش به اخبار جدید مثبت و منفی مورد آزمایش قرار گرفته و عکس‌العمل آن‌ها در جهت‌های مثبت و منفی از دیدگاه ظرفیت و آستانه سرمایه‌گذاری مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که سرمایه‌گذاران جزئی‌تر و با اعتماد به نفس بالاتر، آسیب بیشتری از رفتارهای سرمایه‌گذاری خود می‌بینند. در پایان آن‌ها با جمع‌آوری نتایج حاصله به این باور دست یافتند که رفتار سرمایه‌گذار با اندازه و حجم سرمایه‌گذاری تغییر کرده و از آن متأثر است.

مهرانی و طاهری (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش بینی سود پرداختند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است بین هر دو معیار مذکور با خطای پیش بینی رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت مدیرانی که دارای اطمینان بیش از حد هستند، سود را بیش از مقدار واقعی آن پیش بینی می‌کنند.

خانقاه و زینالی (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در مراحل چرخه عمر شرکت‌ها پرداختند. ایشان با بررسی ۱۱۰ شرکت در طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۱ به این نتیجه رسیدند که اثر سود تقسیم شده در مرحله بلوغ شرکت در سرمایه‌گذاری آن تأثیر گذار است و در مراحل دیگر تأثیر گذار نمی‌باشد.

خدای پور، دره سده و پور اسماعیلی (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر محافظه‌کاری پرداختند. ایشان با بررسی ۱۹۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۱ به این نتیجه رسیدند که اطمینان بیش از حد مدیریت بر محافظه‌کاری تأثیر منفی دارد.

عربصالحی و اشرفی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "نقش ذخایر نقدی در تعیین حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان نقدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" با بررسی ۷۲ شرکت برای یک دوره زمانی ۱۰ ساله نشان دادند که ذخایر نقدی نقش مثبتی در افزایش حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان نقدی ندارد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که اختلافی در حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان نقدی شرکت‌های دچار کمبود نقدینگی با شرکت‌های فاقد کمبود نقدینگی مشاهده نمی‌گردد.

فرضیه اول: در بین شرکت‌هایی که کم سرمایه‌گذاری می‌نمایند، افزایش خوش‌بینی مدیریت باعث افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.

فرضیه دوم: در بین شرکت‌هایی که بیش سرمایه‌گذاری می‌نمایند، افزایش بدبینی مدیریت باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

زمانی که یک سرمایه‌گذاری تحریف می‌شود ممکن است کارآمدی سرمایه‌گذاری را کاهش دهد و احساسات مدیریت ممکن است بر ارزش شرکت تأثیر گذار باشد. جرویس و همکاران (۲۰۰۲) برای اولین بار بصورت نظری نشان دادند که مدیران خوش‌بین نسبت به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پر ریسک علاقه مند هستند و بهترین منافع در جهت سهام‌داران

می‌باشند. گول و تاکور (۲۰۰۵) به لحاظ نظری نقش مدیریت کم‌خوش‌بین را در کاهش عدم کارآمدی سرمایه‌گذاری را توضیح می‌دهند. به این دلیل می‌باشد که مدیران خوش‌بین معمولاً احتمال سود را بیشتر می‌دانند و به همین دلیل در پروژه‌ها به ریسک بالا سرمایه‌گذاری می‌کنند و این امر ممکن است بر ارزش شرکت نیز تأثیر گذار باشد. از آنجائیکه مدیران بیش از حد خوش‌بین در پروژه‌ها با احتمال کم بازده زیاد سرمایه‌گذاری می‌کنند ممکن در مقایسه با کم سرمایه‌گذاری کارآمدی سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و به همین جهت سبب افزایش ثروت سهام‌داران شود. کمپل و همکاران (۲۰۱۱) مشابه به منطق جرجیس و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که مدیران با خوش‌بینی متوسط به حداکثر رساندن سرمایه سهام‌داران کمک می‌کند. لیبی (۱۹۸۵) فرآیند تصمیم‌گیری افراد ممکن است موجب بهبود و کیفیت سرمایه‌گذاری شود و تخصیص منابع اقتصادی به نحو بهتری صورت بگیرد در نتیجه ارزش شرکت افزایش یابد. گول و تاکور (۲۰۰۸) به این نتیجه رسید که مدیران اجرایی با خوش‌بینی متوسط به حداکثر سازی ارزش شرکت کمک می‌کنند.

فرضیه سوم: در بین شرکت‌هایی که کم‌سرمایه‌گذاری می‌نمایند، افزایش خوش‌بینی مدیریت باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود.

فرضیه چهارم: در بین شرکت‌هایی که بیش سرمایه‌گذاری می‌نمایند، افزایش بدبینی مدیریت باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از منظر طرح تحقیق از نوع پس‌رویدادی می‌باشد. از نظر نوع استنتاج نیز پژوهش حاضر در دسته پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد. جهت آزمون فرضیه‌ها و مدل‌ها از داده‌های ترکیبی به دلیل مزایایی که نسبت به داده‌های مقطعی و سری زمانی دارند استفاده شده است. همچنین جهت تحلیل داده‌ها نیز از فنون آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد نظر تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ سهام آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران معامله شده است (زیرا پیش بینی درآمد هر سهم به طور کامل از سال ۱۳۸۹ اجرایی شده است و توسط شرکت‌ها ارائه می‌شود). نمونه آماری مورد نظر در این تحقیق بر اساس روش حذف سیستماتیک انتخاب می‌شود. در این تحقیق نمونه آماری شامل از شرکت‌هایی است که دارای تمام ویژگی‌های زیر باشند:

- (۱) شرکت‌هایی که جزء سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری نباشند؛ به دلیل ماهیت متفاوت شرکت‌های مزبور با سایر شرکت‌ها، این شرکت‌ها از نمونه آماری تحقیق حذف می‌گردند.
 - (۲) شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها پایان اسفند هر سال باشد. به دلیل قابلیت مقایسه بین شرکت‌ها و حذف اثرات فصلی لازم است پایان سال مالی پایان اسفند باشد.
 - (۳) شرکت‌هایی که در طول دوره تحقیق پایان سال مالی شان تغییر نکرده است؛ برای افزایش اعتبار محاسبات متغیرهای تحقیق برای آزمون فرضیات نایستی پایان سال مالی شرکت‌ها تغییر یابد.
 - (۴) شرکت‌هایی که پیش بینی درآمد هر سهم خود را بطور منظم به بورس ارائه کرده باشند (به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش)
- با اعمال شرایط فوق تعداد ۱۸۱ شرکت و ۱۰۸۶ سال-شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند.

مدل‌های پژوهش

مدل‌های اقتصادسنجی (۱) تا (۴) که برای آزمون فرضیه‌ها استفاده خواهد شد به صورت زیر می‌باشند: (چین ولین، ۲۰۱۳)

رابطه (۱)

$$\begin{aligned} \text{Invest}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{High} - \text{Opt}_{i,t} + \alpha_2 \text{High} - \text{Opt}_{i,t} \times \text{Under} - \text{Inv}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{Under} - \text{Inv}_{i,t} + \alpha_4 \text{Size}_{i,t} + \alpha_5 \text{MTB}_{i,t} + \alpha_6 \text{CF}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{Slack}_{i,t} + \alpha_8 \text{CCC}_{i,t} + \alpha_9 \text{Profit}_{i,t} + \alpha_{10} \text{Div}_{i,t} + \alpha_{11} \text{B}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

جهت پذیرش فرضیه اول بایستی α_2 در رابطه (۱) معنادار (غیر صفر) و مثبت باشد.

رابطه (۲)

$$\begin{aligned} \text{Invest}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Low} - \text{Opt}_{i,t} + \alpha_2 \text{Low} - \text{Opt}_{i,t} \times \text{Over} - \text{Inv}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{Over} - \text{Inv}_{i,t} + \alpha_4 \text{Size}_{i,t} + \alpha_5 \text{MTB}_{i,t} + \alpha_6 \text{CF}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{Slack}_{i,t} + \alpha_8 \text{CCC}_{i,t} + \alpha_9 \text{Profit}_{i,t} + \alpha_{10} \text{Div}_{i,t} + \alpha_{11} \text{B}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

جهت پذیرش فرضیه دوم بایستی α_2 در رابطه (۲) معنادار (غیر صفر) و منفی باشد.

رابطه (۳)

$$\begin{aligned} \text{Tobins } Q_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{High} - \text{Opt}_{i,t} + \alpha_2 \text{High} - \text{Opt}_{i,t} \times \text{Under} - \text{Inv}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{Under} - \text{Inv}_{i,t} + \alpha_4 \text{Size}_{i,t} + \alpha_5 \text{MTB}_{i,t} + \alpha_6 \text{CF}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{Slack}_{i,t} + \alpha_8 \text{CCC}_{i,t} + \alpha_9 \text{Profit}_{i,t} + \alpha_{10} \text{Div}_{i,t} + \alpha_{11} \text{B}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

جهت پذیرش فرضیه سوم بایستی α_2 در رابطه (۳) معنادار (غیر صفر) و مثبت باشد.

رابطه (۵)

$$\begin{aligned} \text{Tobins } Q_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Low} - \text{Opt}_{i,t} + \alpha_2 \text{Low} - \text{Opt}_{i,t} \times \text{Over} - \text{Inv}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{Over} - \text{Inv}_{i,t} + \alpha_4 \text{Size}_{i,t} + \alpha_5 \text{MTB}_{i,t} + \alpha_6 \text{CF}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{Slack}_{i,t} + \alpha_8 \text{CCC}_{i,t} + \alpha_9 \text{Profit}_{i,t} + \alpha_{10} \text{Div}_{i,t} + \alpha_{11} \text{B}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

جهت پذیرش فرضیه چهارم بایستی α_2 در رابطه (۴) معنادار (غیر صفر) و منفی باشد.

تعریف و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

متغیر وابسته

در رابطه (۱) و (۲) متغیر وابسته سرمایه‌گذاری (Invest) می‌باشد که برابر با حاصل جمع پرداخت بابت سود سهام و بهره و خالص پرداخت بابت خرید دارایی ثابت مشهود (پرداخت بابت خرید دارایی ثابت منهای دریافت بابت فروش دارایی ثابت) می‌باشد که به منظور هم مقیاس‌سازی بر جمع دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است.

در رابطه (۳) و (۴) نیز متغیر وابسته ارزش شرکت می‌باشد که از طریق نسبت کیو توبین (Tobins Q) محاسبه شده است. کیو توبین برابر جمع ارزش بازار سهام و ارزش دفتری کل بدهی است که بر جمع ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است.

متغیر مستقل

متغیر مستقل رابطه (۱) و (۳) تعامل کم‌سرمایه‌گذاری و خوش‌بینی مدیریت (High-Inv) و در رابطه (۲) و (۴) تعامل بیش‌سرمایه‌گذاری و بدبینی مدیریت (Low-Inv) می‌باشد.

تورش پیش‌بینی مدیریت از طریق تفاوت بین سود هر سهم پیش‌بینی شده (EEPS) و سود هر سهم واقعی (PEPS) طبق رابطه (۵) محاسبه می‌شود:

$$\text{Optimism} = \text{EEPS} - \text{PEPS}$$

متغیر خوش‌بینی (High-Opt) به صورت متغیری مجازی تعریف می‌شود به طوری که اگر مقدار تورش پیش‌بینی (Optimism) مثبت باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد. متغیر بدبینی (Low-Opt) نیز به صورت متغیری مجازی و معکوس با خوش‌بینی تعریف می‌شود به طوری که اگر مقدار تورش پیش‌بینی منفی باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد.

بیش‌سرمایه‌گذاری و کم‌سرمایه‌گذاری از طریق رویکرد بیدل و همکاران (۲۰۰۹) تعریف شده است. اگرچه سرمایه‌گذاری شرکت‌ها به دلیل ناکارایی بازار از میزان بهینه انحراف دارد، اما اندازه‌گیری این انحراف کار دشواری است. بیدل و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند برخی ویژگی‌های شرکتی امکان بیش‌سرمایه‌گذاری و کم‌سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. نتیجه برخی مطالعات مانند جنسن (۱۹۸۶)، اپلر و همکاران (۱۹۹۹) و استین (۲۰۰۳) نشان می‌دهد نگهداری ذخایر نقد زیاد امکان انحراف سرمایه‌گذاری از سطح بهینه را افزایش می‌دهد. با استدلالی مشابه میرز (۱۹۷۷) و استین (۲۰۰۳) معتقدند اهرم مالی بالای شرکت می‌تواند باعث بوجود آمدن مشکلاتی مانند ریسک و شکستگی و معلق بودن بدهی‌ها شده و متعاقباً باعث کم‌سرمایه‌گذاری می‌شود. علاوه بر این دو متغیر، لانگ و همکاران (۱۹۹۶) و بیدل و همکاران (۲۰۰۹) متغیر سومی به نام اهرم مالی صنعت را نیز در تعیین کم‌سرمایه‌گذاری و بیش

سرمایه گذاری دخیل می‌دانند. رویکرد ایشان بدین صورت است که ابتدا شرکت‌ها در هر سال طبق مانده نگهداشت وجه نقد، اهرم مالی شرکت و اهرم مالی تعدیل شده بر مبنای صنعت (اهرم مالی شرکت منهای اهرم مالی صنعت) از کوچک به بزرگ طبقه‌بندی می‌شوند. سپس به سال شرکت‌ها بر مبنای هر یک از متغیرها امتیازدهی انجام می‌گردد. در مورد نگهداشت وجه نقد مقادیر بالاتر از میانگین بیانگر احتمال بیش سرمایه‌گذاری و مقادیر کمتر از میانگین بیانگر احتمال کم سرمایه‌گذاری می‌باشد. در مورد اهرم مالی شرکت و اهرم مالی صنعت مقادیر بالاتر از میانگین بیانگر احتمال کم سرمایه‌گذاری و مقادیر کمتر از میانگین بیانگر احتمال بیش سرمایه‌گذاری می‌باشند. سپس بر مبنای امتیاز کلی کسب شده هر شرکت دو متغیر مجازی بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری تعریف می‌شود. به طوری که اگر شرکتی امتیاز کلی بالاتر از میانگین داشته باشد (احتمال بالای بیش سرمایه‌گذاری)، در متغیر بیش سرمایه‌گذاری مقدار یک و در متغیر کم سرمایه‌گذاری مقدار صفر را می‌گیرد و بالعکس اگر امتیاز کلی کمتر از میانگین داشته باشد (احتمال بالای کم سرمایه‌گذاری)، در متغیر بیش سرمایه‌گذاری مقدار صفر و در متغیر کم سرمایه‌گذاری مقدار یک را می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

هشت متغیر کنترلی با توجه به تحقیق چن و لین (۲۰۱۳) در مدل‌ها لحاظ شده‌اند:

متغیرهای کنترلی شامل متغیرهای مالی مانند اندازه، نسبت ارزش بازار به دفتری، اهرم مالی، جریان نقدی، محدودیت مالی، چرخه تبدیل نقدی، سودآوری و تقسیم سود می‌باشند (مانند آمیهود و لو، ۱۹۸۱؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹؛ گلاسر و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیتون، ۲۰۰۲؛ هوبارد، ۱۹۹۸؛ جنسن، ۱۹۸۶؛ لین و همکاران، ۲۰۰۵؛ مالمیندر و تیت، ۲۰۰۵؛ شلیفر و ویشنی، ۱۹۸۹). شرکت‌ها ممکن است پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارای خالص ارزش فعلی مثبت را در صورت عدم نقدینگی داخلی کافی رد نمایند. شرکت‌ها تمایل به افزایش سرمایه‌گذاری در صورت وجود فرصت سرمایه‌گذاری نیز دارند. بنابراین ما تأثیر متغیرهای فرصت سرمایه‌گذاری و منابع مالی داخلی بر سرمایه‌گذاری را کنترل نموده‌ایم. چهار متغیر جریان نقدی، چرخه تبدیل نقدی، محدودیت مالی و تقسیم سود نقدی به عنوان شاخص‌های نقدینگی داخلی لحاظ شده و تأثیر آن‌ها کنترل شده است. سطح بالای اهرم مالی نیز می‌تواند باعث کم سرمایه‌گذاری شود (میرز، ۱۹۷۷؛ ۱۹۸۴؛ استین، ۲۰۰۳). از طرفی مشکلات نمایندگی بین مدیران و

سهام‌داران بر سرمایه‌گذاری بهینه تأثیر گذار است. تمایل مدیران به ساختن امپراتوری و جبهه‌گیری منجر به انحراف سرمایه‌گذاری شرکت از سطح بهینه آن می‌شود و بر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد به همین دلیل تأثیر پاداش مدیران نیز به عنوان یک مکانیزم کاهش مشکلات نمایندگی در مدل کنترل شده است (آمیهود و همکاران، ۱۹۸۱).

اندازه (Size): اندازه از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها محاسبه شده است.

نسبت ارزش بازار به دفتری (MTB): برابر ارزش بازار سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می‌باشد.

جریان نقدی (CF): برابر سود عملیاتی به اضافه هزینه استهلاک است که بر جمع فروش سالانه تقسیم شده است.

محدودیت مالی (Slack): برای اندازه‌گیری محدودیت مالی از نسبت جمع کل ذخایر نقدی (شامل مانده وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت) تقسیم بر جمع دارایی ثابت مشهود محاسبه شده است.

چرخه تبدیل وجه نقد (CCC): از طریق تفاوت بین مجموع متوسط دوره وصول مطالبات و دوره گردش موجودی منهای متوسط دوره بازپرداخت بدهی‌ها محاسبه شده است.

سودآوری (Profit): سودآوری از طریق سود عملیاتی قبل از بهره و مالیات بعلاوه هزینه استهلاک تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها محاسبه شده است.

تقسیم سود (Div.): متغیری مجازی است که در صورت توزیع سود نقدی توسط یک شرکت در یک سال مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

پاداش مدیران (B): پاداش مدیران برابر پاداش نقدی مصوب مجمع عمومی سالانه است که بر سود خالص تقسیم شده است. (از طریق صورت‌تجسّات مجمع عمومی سالانه)

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در نگاره (۱) گزیده‌ای از آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	واحد محاسباتی	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
پاداش هیات مدیره	درصدی از سود خالص	۰/۰۰۱	۰/۰۲	۰	۰/۰۰۲
چرخه عملیاتی	تعداد روز	۲۱۳	۹۹۴	-۳۵۰	۱۷۳
جریان نقدی	درصدی از فروش	۰/۲۲	۱/۰۴	-۱/۰۵	۰/۲۱
تقسیم سود	احتمالی بین صفر و یک	۰/۷۵	۱	۰	۰/۴۳
سرمایه گذاری	درصدی از جمع دارایی‌ها	۰/۱۴	۰/۹۹	-۰/۴۲	۰/۱۱
نسبت ارزش بازار به دفتری	بدون واحد	۲/۴۹	۱۵/۱۱	-۲/۸۷	۱/۲۸
تورش پیش بینی سود مدیریت	احتمالی بین صفر و یک	۰/۵۳	۱	۰	۰/۴۹
سودآوری	درصدی از جمع دارایی‌ها	۰/۱۶	۰/۶۷	-۰/۳۸	۰/۱۳
محدودیت مالی	بدون واحد	۰/۴۱	۲/۲۶	۰/۰۰۱	۰/۵۶
بیش سرمایه گذاری	احتمالی بین صفر و یک	۰/۳۱	۱	۰	۰/۴۶
کم سرمایه گذاری	احتمالی بین صفر و یک	۰/۶۹	۱	۰	۰/۴۶

پاداش مدیران طبق قانون تجارت نمی‌تواند از ده درصد سود خالص سالانه تجاوز نماید که در مورد نمونه پژوهش حاضر بیشینه پاداش ۰/۰۲ است. چرخه عملیاتی به طور متوسط ۲۱۳ روز می‌باشد در حالی که کمینه آن ۳۵۰- روز است که در مورد شرکت‌هایی اتفاق می‌افتد که به صورت پیش دریافت فروش و تحویل کالا در آینده فعالیت می‌کنند مانند صنعت سیمان. احتمال پرداخت سود بطور میانگین ۰/۷۵ است که بیان‌گر تقسیم سود توسط ۰/۷۵ شرکت‌های نمونه می‌باشد. نسبت ارزش دفتری به بازار با متوسط ۲/۴۹ بیانگر وجود فرصت سرمایه‌گذاریدر شرکت‌های نمونه است. تورش پیش بینی مدیریت متوسطی نزدیک به ۰/۵۲ دارد که بیانگر متعادل بودن تورش می‌باشد (یعنی تقریباً نیمی از مدیران حدود ۰/۵۲ خوش بین و نیمی دیگر حدود ۰/۴۸ بدبین هستند). با توجه به آماره‌های کم سرمایه‌گذاری و بیش سرمایه‌گذاری مشخص است که غالب شرکت‌ها دچار مشکل کم سرمایه‌گذاری هستند که مویدهمان وجود فرصت رشد (نسبت ارزش بازار به دفتری است) می‌باشد.

نتایج آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن

برای تخمین مدل‌های ترکیبی سه روش پانل (Panel) یا تابلویی (که شامل دوروش اثرات ثابت و تصادفی می‌باشد) و روش تلفیق داده‌ها یا ترکیبی (Pool) وجود دارد؛ بنابراین بایستی به کمک آزمون‌های تشخیصی روش صحیح برآورد مدل‌ها را تعیین نمود. برای تعیین نوع داده‌هایی که باید در مدل رگرسیون بکار برده شود دو آزمون تشخیصی وجود دارد. آزمون اف لیمر برای تعیین نوع داده‌های ترکیبی یا تابلویی. در صورتی که داده‌های تابلویی تعیین شد باید از طریق آزمون هاسمن نوع داده‌های تابلویی (اثرات تصادفی و یا اثرات ثابت) مشخص گردد. با تفاسیر مذکور نتایج آزمون‌های لیمر و هاسمن برای مدل‌های پژوهش در نگاره (۲) بیان شده‌اند.

نگاره (۲): نتایج آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن

نتیجه آزمون هاسمن	معناداری آزمون هاسمن	نتیجه آزمون لیمر	معناداری آزمون لیمر	مدل
روش اثرات ثابت	۰/۰۰	داده‌های تابلویی	۰/۰۰	مدل (۱)
روش اثرات ثابت	۰/۰۰	داده‌های تابلویی	۰/۰۰	مدل (۲)
روش اثرات ثابت	۰/۰۰	داده‌های تابلویی	۰/۰۰	مدل (۳)
روش اثرات ثابت	۰/۰۰	داده‌های تابلویی	۰/۰۰	مدل (۴)

با توجه به نگاره (۲) هر چهار مدل پژوهش بایستی با روش اثرات ثابت برآورد شوند.

آزمون فرضیه اول

نتایج برآورد مدل (۱) به منظور قضاوت در مورد فرضیه اول در نگاره (۳) ارائه شده است.

با توجه به مقدار آماره F و معناداری آن که $۰/۰۰$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون معنادار است. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون نیز مشخص می‌شود که خودهمبستگی مرتبه اول بین اجزا خطا و متغیرهای توضیحی وجود ندارد. در مورد ضریب تعیین تعدیل شده نیز مقدار $۰/۷۷$ مقدار بالا و قابل قبولی است. به منظور آزمون فرضیه‌ها از آزمون t برای معناداری ضریب رگرسیون متغیر مستقل استفاده می‌شود. متغیر مستقل این فرضیه تعامل خوش بینی و کم سرمایه‌گذاری (Under-Inv) \times (i,t) - (High-Opt) ((i,t) - (می‌باشد. با توجه به نگاره (۳) و معناداری متغیر تعامل خوش بینی و کم

سرمایه گذاری که مقدار آن ۰/۵۸ می باشد و با توجه به اینکه این مقدار بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد، بنابراین فرضیه اول رد می شود و در شرکت هایی که کم سرمایه گذاری می نمایند، خوش بینی مدیریت تأثیر معناداری بر میزان سرمایه گذاری ندارد .

نگاره (۳): نتایج آزمون برآورد مدل (۱) پژوهش

$Invest_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 High - Opt_{i,t} + \alpha_2 High - Opt_{i,t} \times Under - Inv_{i,t} + \alpha_3 Under - Inv_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 MTB_{i,t} + \alpha_6 CF_{i,t} + \alpha_7 Slack_{i,t} + \alpha_8 CCC_{i,t} + \alpha_9 Profit_{i,t} + \alpha_{10} Div_{i,t} + \alpha_{11} B_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
معناداری	آماره F	ضریب رگرسیون	متغیر	
			نام	نماد
۰/۰۰	-۷/۲۶	-۰/۳۳۰۷۰۷	جز ثابت	α_0
۰/۴۹	-۰/۶۸	-۰/۰۰۲۹۷۱	خوش بینی مدیریت	$High - Opt$
۰/۵۸	-۰/۵۶	-۰/۰۰۲۵۹۳	تعامل خوش بینی و کم سرمایه گذاری	$High - Opt_{i,t} \times Under - Inv_{i,t}$
۰/۰۶	-۱/۸۷	-۰/۰۰۷۷۱۶	کم سرمایه گذاری	$Under - Inv$
۰/۰۰	۱۰/۱۷	۰/۰۳۳۲۳۵	اندازه	size
۰/۷۷	۰/۲۹	۰/۰۰۰۲۰۱	نسبت ارزش بازار به دفتری	MTB
۰/۲۵	-۱/۱۵	-۰/۰۱۴۱۵۰	جریان نقدی	CF
۰/۰۱	-۲/۶۸	-۰/۰۰۸۰۳۷	محدودیت مالی	Slack
۰/۰۰	-۴/۱۰	-۰/۰۰۰۰۰۴۱	چرخه تبدیل نقدی	CCC
۰/۰۰	۶/۶۴	۰/۱۴۰۹۲۷	سودآوری	Profit
۰/۰۵	۱/۹۱	۰/۰۰۷۵۵۰	تقسیم سود	Div
۰/۳۷	۰/۸۱	۰/۷۶۸۱۸۱	پاداش هیات مدیره	B
آماره های موزون				
۰/۰۰		معناداری آماره F	۰/۷۷	ضریب تعیین تعدیل شده
۲/۰۱		آماره دورین-واتسون	۱۹/۷۰	آماره F

آزمون فرضیه دوم

جهت آزمون فرضیه دوم از نتایج برآورد رابطه (۲) که در نگاره (۴) ارائه می شود استفاده شده است.

با توجه به مقدار آماره F و معناداری آن که ۰/۰۰ می باشد، می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون معنادار است. همچنین با توجه به مقدار آماره دورین-واتسون نیز مشخص می شود

که خودهمبستگی مرتبه اول بین اجزا خطا و متغیرهای توضیحی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده نیز مقدار ۰/۷۷ می‌باشد. به منظور آزمون فرضیه دوم نیز از آزمون t برای معناداری ضریب رگرسیون متغیر مستقل استفاده می‌شود. متغیر مستقل این فرضیه تعامل بدینی و بیش سرمایه‌گذاری $(i,t) \times [Over-Inv] - [Low-Opt]$ می‌باشد. با توجه به نگاره (۴) و معناداری متغیر تعامل بدینی و بیش سرمایه‌گذاری که مقدار آن ۰/۵۸ می‌باشد و با توجه به اینکه این مقدار بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه دوم رد می‌شود و در شرکت‌هایی که بیش سرمایه‌گذاری می‌نمایند، بدینی مدیریت تأثیر معناداری بر میزان سرمایه‌گذاری ندارد.

نگاره (۴): نتایج آزمون برآورد رابطه (۲) پژوهش

$Invest_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Low - Opt_{i,t} + \alpha_2 Low - Opt_{i,t} \times Over - Inv_{i,t} + \alpha_3 Over - Inv_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 MTB_{i,t} + \alpha_6 CF_{i,t} + \alpha_7 Slack_{i,t} + \alpha_8 CCC_{i,t} + \alpha_9 Profit_{i,t} + \alpha_{10} Div_{i,t} + \alpha_{11} B_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
معناداری	آماره t	ضریب رگرسیون	متغیر	
			نماد	نام
۰/۰۰	-۷/۶۳	-۰/۳۴۳۹۸۸	α_0	جز ثابت
۰/۰۲	۲/۳۶	۰/۰۵۵۶۴	$Low - Opt$	بدینی مدیریت
۰/۵۸	-۰/۵۶	-۰/۰۰۲۵۹۳	$Low - Opt_{i,t} \times Over - Inv_{i,t}$	تعامل بدینی و بیش سرمایه‌گذاری
۰/۰۰	۳/۱۸	۰/۰۱۰۳۱۰	$Over - Inv$	بیش سرمایه‌گذاری
۰/۰۰	۱۰/۱۷	۰/۰۳۳۲۳۵	Size	اندازه
۰/۷۷	۰/۲۹	۰/۰۰۰۲۰۱	MTB	نسبت ارزش بازار به دفتری
۰/۲۵	-۱/۱۵	-۰/۰۱۴۱۵۰	CF	جریان نقدی
۰/۰۱	-۲/۶۸	-۰/۰۰۸۰۳۷	Slack	محدودیت مالی
۰/۰۰	-۴/۱۰	-۰/۰۰۰۰۰۴۱	CCC	چرخه تبدیل نقدی
۰/۰۰	۶/۶۴	۰/۱۴۰۹۲۷	Profit	سودآوری
۰/۰۵	۱/۹۱	۰/۰۰۷۵۵۰	Div	تقسیم سود
۰/۳۸	۰/۸۸	۰/۷۶۸۱۸۱	B	پاداش هیات مدیره
آماره های موزون				
۰/۰۰		معناداری آماره F	۰/۷۷	ضریب تعیین تعدیل شده
۲/۰۱		آماره دورین-واتسون	۱۹/۷۰	آماره F

آزمون فرضیه سوم

نتایج برآورد رابطه (۳) به منظور قضاوت در مورد فرضیه سوم در نگاره (۵) ارائه شده است. با توجه به مقدار آماره F و معناداری آن که ۰/۰۰ می باشد، می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون معنادار است. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون نیز مشخص می شود که خودهمبستگی مرتبه اول بین اجزا خطا و متغیرهای توضیحی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز ۰/۹۱ می باشد.

نگاره (۵): نتایج آزمون برآورد رابطه (۳) پژوهش

$Tobins\ Q_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 High - Opt_{i,t} + \alpha_2 High - Opt_{i,t} \times Under - Inv_{i,t} + \alpha_3 Under - Inv_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 MTB_{i,t} + \alpha_6 CF_{i,t} + \alpha_7 Slack_{i,t} + \alpha_8 CCC_{i,t} + \alpha_9 Profit_{i,t} + \alpha_{10} Div_{i,t} + \alpha_{11} B_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
معناداری	آماره t	ضریب رگرسیون	متغیر	
			نام	نماد
۰/۲۲	-۱/۲۳	-۰/۵۰۹۵۹۹	α_0	جز ثابت
۰/۰۴	۲/۰۰	۰/۰۳۶۲۳۱	High - Opt	خوش بینی مدیریت
۰/۰۱	-۲/۵۳	-۰/۰۴۰۷۹۶	High - Opt _{i,t} × Under - Inv _{i,t}	تعامل خوش بینی و کم سرمایه گذاری
۰/۱۸	-۱/۳۳	-۰/۰۰۹۰۴۰	Under - Inv	کم سرمایه گذاری
۰/۰۰	۳/۲۹	۰/۰۹۵۱۰۷	Size	اندازه
۰/۰۰	۷۲/۷۰	۰/۲۷۶۷۸۷	MTB	نسبت ارزش بازار به دفتری
۰/۰۰	-۴/۴۶	-۰/۷۷۵۴۲۴	CF	جریان نقدی
۰/۱۳	۱/۵۱	۰/۰۱۹۱۹۱	Slack	محدودیت مالی
۰/۳۹	-۰/۸۵	-۰/۰۰۰۰۳۹	CCC	چرخه تبدیل نقدی
۰/۰۰	۴/۹۷	۱/۸۳۲۰۱۷	Profit	سودآوری
۰/۰۰	۹/۳۸	۰/۰۶۷۸۰۳	Div.	تقسیم سود
۰/۰۰	۲/۸۷	۹/۶۷۶۷۲۲	B	پاداش هیات مدیره
آماره های موزون				
۰/۰۰			معناداری آماره F	۰/۹۱
۱/۹۶			آماره دوربین-واتسون	۵۹/۴۲
			ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۱
			آماره F	۵۹/۴۲

جهت آزمون فرضیه سوم نیز از آزمون t برای معناداری ضریب رگرسیون متغیر مستقل استفاده می شود. متغیر مستقل این فرضیه تعامل خوش بینی و کم سرمایه گذاری (High-)

$(i,t) \times \text{[Under-Inv]}_{i,t} - \text{Opt}_{i,t}$ می‌باشد. با توجه به نگاره (۵) و معناداری متغیر تعامل خوش‌بینی و کم سرمایه‌گذاری که مقدار آن ۰/۰۱ می‌باشد و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه سوم در سطح معناداری ۰/۹۵ تایید می‌شود و در شرکت‌هایی که کم سرمایه‌گذاری می‌نمایند، افزایش خوش‌بینی مدیریت باعث کاهش ارزش (زیرا ضریب رگرسیون متغیر مستقل مقداری منفی است که بیانگر رابطه معکوس می‌باشد) شرکت می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم

نتایج برآورد رابطه (۴) به منظور قضاوت در مورد فرضیه چهارم در نگاره (۶) ارائه شده است.

نگاره (۶): نتایج آزمون برآورد رابطه (۴) پژوهش

$Tobins\ Q_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Low - Opt_{i,t} + \alpha_2 Low - Opt_{i,t} \times Over - Inv_{i,t} + \alpha_3 Over - Inv_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 MTB_{i,t} + \alpha_6 CF_{i,t} + \alpha_7 Slack_{i,t} + \alpha_8 CCC_{i,t} + \alpha_9 Profit_{i,t} + \alpha_{10} Div_{i,t} + \alpha_{11} B_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
معناداری	آماره F	ضریب رگرسیون	متغیر	
			نماد	نام
۰/۲۲	-۱/۲۳	-۰/۵۲۳۲۰۵	α_0	جز ثابت
۰/۷۱	۰/۳۷	۰/۰۰۴۵۶۶	High - Opt	بد بینی مدیریت
۰/۰۱	-۲/۵۳	-۰/۰۴۰۷۹۶	High - Opt _{i,t} × Under - Inv _{i,t}	تعامل بد بینی و بیش سرمایه‌گذاری
۰/۰۰	۴/۲۸	۰/۰۴۹۸۳۷	Under - Inv	بیش سرمایه‌گذاری
۰/۰۰	۳/۳۰	۰/۰۹۵۱۰۷	Size	اندازه
۰/۰۰	۷۲/۷۰	۰/۲۷۶۷۸۷	MTB	نسبت ارزش بازار به دفتری
۰/۰۰	-۴/۴۶	-۰/۷۷۵۴۲۴	CF	جریان نقدی
۰/۱۳	۱/۵۰	۰/۰۱۹۱۹۱	Slack	محدودیت مالی
۰/۳۹	۰/۸۶	۰/۰۰۰۰۳۹	CCC	چرخه تبدیل نقدی
۰/۰۰	۴/۹۷	۱/۸۳۲۰۱۷	Profit	سودآوری
۰/۰۰	۹/۳۷	۰/۰۶۷۸۰۳	Div	تقسیم سود
۰/۰۰	۲/۸۷	۹/۶۷۶۷۲۲	B	پاداش هیات مدیره
آماره های موزون				
۰/۰۰		معناداری آماره F	۰/۹۱	ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۹۵		آماره دوربین-واتسون	۵۹/۴۲	آماره F

با توجه به مقدار آماره F و معناداری آن که $0/00$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون معنادار است. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون نیز مشخص می‌شود که خودهمبستگی مرتبه اول بین اجزا خطا و متغیرهای توضیحی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز $0/91$ می‌باشد. جهت آزمون فرضیه چهارم نیز از آزمون t برای معناداری ضریب رگرسیون متغیر مستقل استفاده می‌شود. متغیر مستقل این فرضیه تعامل بدبینی و بیش سرمایه‌گذاری $((i,t) - \text{Over-Inv}) \times ((i,t) - \text{Low-Opt})$ می‌باشد. با توجه به نگاره و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از سطح خطای $0/05$ می‌باشد، بنابراین فرضیه چهارم در سطح معناداری $0/95$ تایید می‌شود و در شرکت‌هایی که بیش سرمایه‌گذاری می‌نمایند، افزایش بدبینی مدیریت باعث کاهش ارزش (زیرا ضریب رگرسیون متغیر مستقل مقداری منفی است که بیانگر رابطه معکوس می‌باشد) شرکت می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تأثیر تورش پیش‌بینی سود توسط مدیریت -به دو شکل خوش‌بینی و بدبینی- بر رفتار سرمایه‌گذاری و ارزش شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری ناکارا (دارای مشکل بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری) دارند بررسی شد. نتایج نشان داد در شرکت‌هایی که کم سرمایه‌گذاری می‌کنند، خوش‌بینی مدیریت باعث افزایش میزان سرمایه‌گذاری نمی‌شود و بالعکس در بین شرکت‌هایی که بیش سرمایه‌گذاری می‌کنند، بدبینی مدیریت باعث کاهش سرمایه‌گذاری نمی‌شود (رد فرضیه‌های اول و دوم). که این یافته برخلاف یافته چن و هانگک لین (۲۰۱۳) می‌باشد. همچنین نتایج بیان‌گر این بود که در بین شرکت‌هایی که کم سرمایه‌گذاری می‌کنند، خوش‌بینی مدیریت باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود و در مورد شرکت‌هایی که بیش سرمایه‌گذاری می‌نمایند نیز بدبینی مدیریت باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود (تایید فرضیه‌های سوم و چهارم) این یافته نیز برخلاف یافته چن و هانگک لین (۲۰۱۳) می‌باشد. طبق نتایج تحقیقات قبلی از جمله دلایلی که می‌تواند باعث ناکارایی سرمایه‌گذاری شود، عدم وجود فرصت سرمایه‌گذاری سودآور، هزینه تامین مالی بالا و کیفیت گزارشگری مالی می‌باشند (همانند مطالعات بیدل، هیلاری و ووردی، ۲۰۰۹ و گو مالیز و بالیستا، ۲۰۱۴). در این بین عوامل رفتاری مانند خوش‌بینی یا بدبینی مدیران نیز عاملی است که انتظار می‌رفت بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیرگذار باشد اما نتایج بدست آمده خلاف این پیش‌بینی را ثابت

نمود. براساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود مدیران در انتخاب پروژه‌ها خوش‌بینی را ملاک قرار نداده و براساس ارزش فعلی خالص اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند تا بدین ترتیب ارزش شرکت نیز افزایش یابد. براساس نتایج خوش‌بینی و بدبینی در حالت بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری منجر به کاهش ارزش می‌شود، بهترین راهکار با توجه به نتایج واقع‌بینی جهت بهبود سرمایه‌گذاری و افزایش ارزش شرکت می‌باشد. سویی دیگر شرکت‌ها برای باقی ماندن در فضای رقابتی به سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها با ارزش فعلی خالص مثبت نیاز دارند، از این رو خوش‌بینی و بدبینی می‌تواند منجر به تحریف سرمایه‌گذاری گردد که شرکت‌ها را دچار بحران مالی و غیره نماید.

برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد:

(۱) پژوهشگران تأثیر خوش‌بینی و بدبینی مدیران را بر ریسک شرکت‌ها مورد بررسی قرار دهند.

(۲) تأثیر رفتارهای مدیران بر انتخاب‌های رویه‌های حسابداری مورد بررسی قرار بگیرد.

(۳) تأثیر کارایی سرمایه‌گذاری بر نرخ تامین مالی و هزینه سرمایه مورد بررسی قرار گیرد

(۴) بررسی تأثیر خوش‌بینی و بدبینی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان موارد ذیل را عنوان داشت:

(۱) از محدودهای مهم تحقیق می‌توان به نمونه‌های انتخاب شده اشاره کرد که منجر به حذف شرکت‌ها گردیده است که تعمیم نتایج برای این شرکت‌ها دچار مشکل و ایراد می‌باشد.

(۲) با توجه به تغییرات نرخ تورم و نرخ برابری ارز رفتارهای مدیران نیز متعاقب آن دچار تغییر گردیده است که به عنوان یک محدودیت در تعمیم نتایج در نظر گرفته شود.

(۳) با توجه به دوره زمانی تحقیق تعمیم نتایج برای خارج از بازه زمانی تحقیق با احتیاط انجام گردد.

پی‌نوشت

منابع

- عرب صالحی، م، اشرفی، م. (۱۳۹۰). نقش ذخایر نقدی در تعیین حساسیت سرمایه گذاری - جریان نقدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. فصلنامه حسابداری مالی، ۳ (۳)، ۷۵-۹۴.
- خوش طیت، م. (۱۳۸۳). تأثیر آرایه اطلاعات حسابداری اجتماعی بر تصمیم گیری سرمایه گذاران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: ۳۷ (۲۰)، ۷۳-۹۲.
- خداسی پور، ا، دوری، م و پور اسماعیلی، ا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر محافظه کاری؛ با در نظر گرفتن نظارت بیرونی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲ (۲)، ۲۰۲-۱۸۳
- تقی زاده خانقاه، و، زینالی، و. (۱۳۹۴). نقش کیفیت گزارشگری مالی در کاهش اثرهای محدودکننده تقسیم سود بر سرمایه گذاری شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲ (۲)، ۱۶۱-۱۸۲
- تهرانی، ر، حصارزاده، ر. (۱۳۸۳). تأثیر جریان‌های نقدی آزاد و محدودیت در تامین مالی بر بیش و کم سرمایه گذاری. تحقیقات حسابداری: ۳، ۶۷-۵۳.
- رامشه، م، ملا نظری، م. (۱۳۹۳). بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری حسابداری. دانش حسابداری، ۵ (۱۶)، ۷۹-۵۵.
- مهرانی، س، طاهری، م. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش بینی سود. پژوهش تجربی حسابداری، ۷ (۲)، ۱۴۷-۱۶۴.
- Arab salehi, M. Ashrafi, M. (2011). The role of cash reserves in determining the investment-cash flow sensitivity of listed companies in Tehran Stock Exchange. Journal of financial accounting 3 (3) ; 75-94. (in Persian).
- Barros, L. , and Silveira, A. (2009). Overconfidence, Managerial Optimism, and the Determinants of Capital Structure. Brazilian Review of Finance 6 (3) ,293-335.
- Barberis, N. ; Shleifer, A. ; and Vishny, R. (1998). A Model of Investor Sentiment. Journal of Financial Economics 49: 307-343.
- Ben-David, I. T. ; Graham, J. R. ; and Harvey, C. R. Managerial Miscalibration. SSRN, Working Paper No. 1640552.
- Biddle, G. ; Hilary, G. ; and Verdi, R. (2009). How Does Financial Reporting Quality Relate to Investment Efficiency? Journal of Accounting and Economics 48: 112-131.
- Bertrand, M. , and Mullainathan, S. 2003. Enjoying the Quiet Life? Corporate Governance and Managerial Preferences. Journal of Political Economy 111. 1043-1075.

- Ekholm, A. , and Pasternake, D. (2007). Overconfidence and investor Size. *European financial management*. 14 (1) 82–98.
- Gomariz, M. F. C. & Ballesta, J. P. C. (2014). Financial reporting quality, Debt maturity and investment efficiency. *Journal of Banking & Finance*, 40 (3): 494-506.
- Hackbarth, D. (2008). Managerial Traits and Capital Structure Decisions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 43: 843-882..
- Hirshleifer, D. A. ; Teoh, S. H. ; and Low, A. (2012). Are Overconfident CEOs Better Innovators?. *The Journal of Finance*, 67: 1457-1498.
- Heaton, J. B. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management* 31: 33-45.
- Huang, W. , Jiang F. , Liu, Z. , and Zhang M. (2011). Agency cost, top executives' overconfidence, and investment-cash flow sensitivity — Evidence from listed companies in China. *Pacific-Basin Finance Journal*. 19, 261-277
- Hubbard, R. (1998). Capital-Market Imperfections and Investment. *Journal of Economic Literature*, 36 (1): 193-225
- Gervais, S. ; Heaton, J. ; and Odean, T. (2002). the Positive Role of Overconfidence and Optimism In Investment Policy. Working paper, University of California, Berkeley.
- Goel, A. M. , and Thakor, A. V. (2008). Overconfidence, CEO Selection, and Corporate Governance. *The Journal of Finance* 63: 2737–2784.
- Glaser, M. ; Schafers, P. ; and Weber, M. (2008). Managerial Optimism and Corporate Investment: Is the CEO Alone Responsible For the Relation? AFA 2008 New Orleans Meetings Paper. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=967649>.
- Khosh tenat, M. (1998). Presentation of the financial statements on the judgment of investors in investment decisions. *The Iranian Accounting and Auditing Review*: 7, (1) ,135-165 (in Persian).
- Khodamipour,A; Dorri Sedeh,M; Pouresmaily,A. (2015). The effect of managerial overconfidence on the conservatism with respect to the role of external monitoring. *The Iranian Accounting and Auditing Review*: 22 (2) ,143-278 (in Persian)
- Lang, L. ; Ofek, E. ; and Stulz, R. (1996). Leverage, Investment, and Firm Growth, *Journal of Financial Economics*, 40: 1996: 3-29.
- Robert Libby (1985). Availability and the Generation of Hypotheses in Analytical Review. *Journal of Accounting Research*: 23 (2) ;648-667
- Lin, Y. H. ; Hu, S. Y. ; and Chen, M. S. (2008). Testing Pecking Order Prediction from the Viewpoint of Managerial Optimism: Some Empirical Evidence from Taiwan, *Pacific-Basin Finance Journal* 16: 160–181.
- Malmendier, U. , and Tate, G. (2005a) , CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance* 60: 2661–2700.

- Mehrani, s. Taheri,m. (2017). Managerial Overconfidence and Earning Forecast Errors. *Journal of Empirical Researches in Accounting*: 7) 2) 147-164 (in Persian).
- Myers, S. (1977). Determinants of Corporate Borrowing, *Journal of Financial Economics*: 5; 147-175.
- Myers, S. , and Majluf, N. (1984). Corporate Financing and Investment Decisions When Firms Have Information That Investors Do Not Have. *Journal of Financial Economics* 13: 187-221.
- Opler, T. ; Pinkowitz, L. ; Stulz, R. ; and Williamson, R. (1999). The Determinants and Implications of Corporate Cash Holdings. *Journal of Financial Economics* 52: 3-46.
- Ramsheh,M, Molah nazari,M. (2014). Overconfidence, management and conservatism. *Lournal of accounting Knowledge*: 5 (16) ,55-79. (in Persian).
- Taghizadeh Khanqah;v. Zeynali,M. (2015). The role of financial reporting quality in mitigating the constraining effect of dividend on firms' investment. *The Iranian Accounting and Auditing Revie*:. 22 (2) 161-182 (in Persian)
- Tehrani,R. hesarzadeh,R. (2009). The effect of free cash flows and financial constraint on investment and low investment more. *Accounting and Auditing Research*: (3) ,50-67. (in Persian).
- Skala, D. (2008). Overconfidence in psychology and finance – an interdisciplinary literature review. *Bank i Kredyt*. 33-50.
- Stein, J. C. 2003. Agency, Information and Corporate Investment. In *Handbook of the Economics of Finance*, edited by G. M. Constantinides, M. Harris and R. Stulz, Elsevier 2003: 111-165.

آینده پژوهی حسابداری مدیریت: از منظر آموزش و پژوهش

جعفر باباجانی*، وجه ا... قربانی زاده**، عبدالخالق خنکا***

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۴

مقاله پژوهشی

چکیده

در فرایند جهانی شدن، رقابت شرکت‌ها امری غیرقابل اجتناب است. بدین منظور وجود حسابداران مدیریت کارا و توانمند برای مشاوره و راهنمایی مدیران کاملاً ضروری است و حسابداران مدیریت باید با برنامه‌ریزی آگاهانه و هوشمندانه، آمادگی لازم را برای ارائه خدمات مورد نیاز مدیران، فراهم نمایند. لازمه این کار نیز حرکت رو به جلو با آینده‌نگری آگاهانه و با برنامه و متناسب با پیشرفت‌ها و تحولات جامعه است. بنابراین در این پژوهش سعی گردید نیروهای پیشران حسابداری مدیریت در حوزه آموزش و پژوهش طی ۲۰ سال آینده شناسایی و ارایه گردد. پژوهش حاضر بر مبنای نوع داده، ترکیبی، بر مبنای هدف، کاربردی و بر مبنای نوع پژوهش، اکتشافی-پیمایشی است. برای شناسایی پیشران‌های اصلی از روش‌های پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز، مصاحبه و دلفی فازی با روش نمونه‌گیری قضاوتی و گلوله برفی از خبرگان و استادان متخصص و با تجربه در حوزه حسابداری مدیریت کشور استفاده گردید. نتایج نشان داد وضعیت حسابداری مدیریت، مطلوب نیست و برای بهبود آینده آن باید تلاش مضاعف نمود. از نظر خبرگان مرحله دلفی فازی، بحران آموزش و پژوهش مهمترین پیشران تأثیرگذار در آینده است و بر این موضوع دلالت دارد وضعیت آموزش و پژوهش نابسامان است و خواهد بود، طوری که خبرگان شرایط آن را به عنوان بحران تایید کرده‌اند. ارتباط دانشگاه‌ها و صنایع در جایگاه دوم قرار دارد و دلالت بر این موضوع دارد در آینده دانشگاه‌ها برای بهبود روابط خود با صنایع، تلاش مضاعف خواهند کرد. مطابق با نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد به منظور شکوفایی و رشد حرفه، بازیگران و فعالان تأثیرگذار بر حسابداری مدیریت، متناسب با پیشران‌های پژوهش، برنامه‌ریزی و اقدامات اجرایی بلندمدت برای آینده حسابداری مدیریت تدوین و اجرا نمایند.

واژه‌های کلیدی: نیروهای پیشران، آموزش، پژوهش، آینده حسابداری مدیریت.

طبقه‌بندی موضوعی: M49

10.22051/jera.2018.17799.1829:DOI

* استاد گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (jafar.babajani@gmail.com)

** دانشیار گروه مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (vghorbanizadeh@gmail.com)

*** استادیار گروه علوم اداری و اقتصادی دانشگاه گنبد کاووس، ایران، (Khonka.Khalegh@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

آینده پژوهی قائم به ذات نیست بلکه از دوره‌ای یا جامعه‌ای به دوره یا جامعه دیگر تغییر می‌کند و سه نو نگرش نسبت به آینده وجود دارد: نگرش انفعالی که به تقدیرگرایی و سرنوشت گرایی معتقد است و گاه مذهبی است؛ نگرش سازگاران که در واکنش به تغییرات سریع جهان پدید آمد و سعی در انطباق با تغییرات جهان دارد و البته اساساً گذشته‌نگر و بیشتر معتقد به تسلیم و رضا است تا اراده‌گرا و عمل‌گرا؛ نگرش سوم اراده‌گرایی است که به عمل‌گرایی معتقد است (حاجیان، ۱۳۹۴، ۳۰-۳۸).

دامنه فعالیت‌های حسابداری مدیریت محدود به سازمان نمی‌گردد، بلکه در سطح جامعه و عرصه بین‌المللی گسترده شده است. برای تجسم آینده، ابتدا نیاز به تدوین الگوی منظم و سیستماتیک است که در آن حسابداری مدیریت بتواند فعالیت خود را دنبال نماید. اجزاء اصلی این الگو عبارتند از: تغییرات آینده، افق زمانی، مکان جغرافیایی و نوع صنعت یا خدمت. عوامل موثر در تغییر و پیشبرد حسابداری مدیریت یک سازمان شامل دو گروه سازه‌های درونی و برونی است که این سازه‌ها تحت تأثیر عوامل افق زمانی، مکان جغرافیایی و نوع صنعت یا خدمت هستند. سازه‌های برونی شامل عوامل سیاسی، تکنولوژی، فرهنگ، قوانین، فنون نوین و متغیرهای اقتصادی است و سازه‌های درونی شامل تجسم آینده، ایجاد ارزش، گزارش‌دهی و تغییر رویه است (نمازی، ۱۳۷۸).

همچنین با توجه به تحولات سیاسی و اقتصادی، از جمله توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها و همکاری‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته، رقابت با شرکت‌های خارجی بیش از پیش شده است. از طرف دیگر خصوصی سازی شرکت‌ها نیز باعث می‌شود تا شرکت‌ها برای بقا در این صحنه رقابت و افزایش ثروت سهامداران تلاش مضاعف نمایند. با توجه به این موضوع مدیران شرکت‌های داخلی برای رسیدن به اهداف خود باید تصمیمات مناسب، به موقع و صحیح اتخاذ نمایند که لازمه آن داشتن اطلاعات صحیح، مربوط، قابل اتکا و به موقع است. یکی از اصلی‌ترین تهیه‌کنندگان اطلاعات، حسابداران مدیریت هستند و در دنیای کنونی از حسابداران مدیریت به عنوان مشاوران مدیریت و پیش‌گویان آینده نام می‌برند. بنابراین برنامه‌ریزی برای آینده حسابداری و حسابداران مدیریت هم از منظر دانشگاهی (آموزش دانشجویان حسابداری مدیریت، مفاهیم و روش‌ها، استعدادها و مهارت‌ها، نحوه آموزش و...) و هم از منظر حرفه

(تشکیل و یا توسعه انجمن‌های حرفه‌ای، کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی، ارائه مدارک حرفه‌ای ملی و بین‌المللی و...) بسیار حائز اهمیت است.

بنابراین ضروری است تا با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته و همچنین برنامه‌های آتی در ایران، اقتصاد جهان و پیشرفت‌های حوزه حسابداری و حسابداران مدیریت در کشورهای پیشرفته و همچنین با توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی و برنامه‌های توسعه ایران، برای حوزه حسابداری و حسابداران مدیریت در ایران برنامه‌ریزی صورت گیرد. در این راستا مطابق با مبانی آینده‌پژوهی دوره بلندمدت انتخاب و دوره پژوهش ۲۰ ساله تعیین گردید (دوره ۱، ۵ و ۱۰ سال طبق مبانی آینده‌پژوهی آینده نزدیک و کوتاه‌مدت هستند و عدم قطعیت آن چندان بالا نیست و دوره ۵۰ و ۱۰۰ سال نیز آینده دور هستند) سعی شد تا پیشرفت‌ها، نیازها و اولویت‌های آموزشی و پژوهشی حوزه حسابداری مدیریت بررسی شود تا بتوان همراه با پیشرفت جامعه حرکت و اطلاعات مورد نیاز تولید و اقتصاد را فراهم نمود. با توجه به موارد بیان شده سوال‌های اساسی پژوهش عبارتند از: ۱) پیشران‌ها و عوامل کلیدی آینده‌ساز حسابداری مدیریت در حوزه آموزش و پژوهش در ۲۰ سال آینده کدام هستند؟ ۲) برای همگام شدن با پیشرفت‌های کشور مانند چشم‌اندازها و سایر برنامه‌های راهبردی، باید برای آینده حسابداری مدیریت در حوزه آموزش و پژوهش چه برنامه و اقدامات اجرایی باید تدوین گردد؟

برای همراهی با پیشرفت‌های جامعه و نیز پاسخگویی به نیازهای مدیران، حسابداران مدیریت نه تنها باید به طور متناسب پیشرفت نمایند، بلکه باید پیشرو نیز باید باشد. بنابراین بررسی آینده حسابداری مدیریت در ایران با تاکید بر پیشران‌های آموزشی و پژوهشی به منظور تحقق برنامه‌ها و چشم‌اندازها ضروری است. همچنین تدوین برنامه‌ای بلندمدت که نقشه راه برای آینده حسابداری مدیریت اهمیت بسزایی دارد. به طور کلی اهداف این پژوهش عبارت از: شناسایی عوامل کلیدی موثر بر آینده حسابداری مدیریت در ۲۰ سال آینده در حوزه آموزش و پژوهش، ارائه برنامه برای آینده حسابداری مدیریت ایران از منظر آموزش و پژوهش، کمک به مسئولان و مدیران انجمن-های حرفه‌ای برای تدوین برنامه‌ای بلندمدت برای آینده حسابداری مدیریت ایران منظر آموزش و پژوهش، کمک به حسابداران مدیریت برای تطبیق

دادن خود با تغییرات در این حرفه، کمک به مقامات تصمیم گیرنده در رابطه با تعیین رئوس و سرفصل‌ها، هستند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کو کینز (۲۰۱۴) معتقد است تغییرات اصلی حسابداری مدیریت عبارت از توسعه تحلیل سودآوری محصول به تحلیل سودآوری مشتری، بسط دادن نقش حسابداری مدیریت با مدیریت عملکرد واحد تجاری، حرکت به سوی حسابداری پیش‌گویانه، تحلیل‌های تجاری با روش‌های مدیریت عملکرد شرکت ترکیب می‌شوند، بهبود و سازگارسازی روش‌های حسابداری مدیریت، مدیریت تکنولوژی اطلاعات و تلفیق خدمات با تجارت و ضرورت بهبود مهارت‌ها و شایستگی‌ها با مدیریت رفتاری بها می‌باشند. کاپلان (۱۹۹۴) در مقاله‌ای به انتقاد از این که چرا اغلب دانشگاهیان به جای استفاده از مثال‌های واقعی سازمان‌ها از مدل‌های اقتصادی استفاده می‌کنند پرداخته است. وی معتقد است که همین مسئله، باعث فاصله بین نظریه و عمل شده است. نوین و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهشی به بررسی مهارت‌ها و ویژگی‌های لازم برای فارغ‌التحصیلان حسابداری پرداختند که وارد مشاغل حسابداری مدیریت می‌شوند. آن‌ها معتقد بودند که بررسی این مهارت‌ها و ویژگی‌ها در ارائه ساختاری مناسب برای برنامه درسی حسابداری می‌تواند مفید واقع شود.

کتاب‌های درسی و بحث‌های کلاسی و امتحانات باید به دنبال کشف راه‌های ممکن که معاملات می‌توانند شناسایی و ثبت شوند و نتایج انواع روش‌های حسابداری برای بخش‌های مختلف و به طور کلی برای اقتصاد، حرکت کنند. چنین بحثی ذهن دانشجویان را به سمت تفکر اساسی و بنیادی سوق می‌دهد. این امر اجازه پاسخ‌های سیاه و سفید (صفر و یک) را نمیدهد و به جذب متفکران خلاق جهت ورود به حرفه حسابداری کمک می‌کند (ساندر، ۲۰۱۰). ساندر (۲۰۰۸) معتقد است بجای یادگیری طوطی‌وار و حافظه محور در کلاس‌های درس، یادگیری مبتنی بر تفکر و تجزیه و تحلیل را ترویج داد. تمرکز بر یادگیری طوطی‌وار، منجر به دلسردی و ناامیدی جوانان با استعداد از برنامه‌های دانشگاهی برای حسابداری خواهد شد و به احتمال زیاد موقعیت رشته حسابداری را در دوره تحصیلات دانشگاهی به مخاطره خواهد انداخت. سیگل و همکاران (۱۹۹۹) دریافتند که مدیریت عملکرد، دارایی، کنترل تجارت، سرمایه فکری، اطلاعات، کیفیت و مدیریت استراتژیک در آینده برای حسابداران

مدیریت بسیار مهم خواهند بود. راسل (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کند که نه تنها گسترش دانش حسابداری مدیریت اهمیت دارد بلکه مهارت‌های شخصی حسابداران مدیریت نیز باید گسترش یابد. ژیداس و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند خلاقیت به عنوان یکی از شاخص‌های عملکرد می‌تواند مفید باشد. همچنین در مهارت‌های شخصی نیاز به توسعه مهارت‌ها و آموزش بیشتر دارند از جمله در حوزه تجارت الکترونیکی. دروس دانشگاهی به تکنیک‌های فعلی مانند هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و الگوبرداری بیشتر تاکید کنند و بر آموزش مهارت‌هایی تمرکز کنند که به حل مسائل حسابداران مدیریت کمک کند. کوپر و دارت (۲۰۰۹) دریافتند تغییر حسابداری مدیریت به منظور بیان تغییر پارادایمی در حسابداران مدیریت استفاده می‌شود و شامل دو نوع توسعه است: ۱. پذیرش تکنیک‌ها و روش‌های جدید، که اکثر مواقع منشاء دانشگاهی دارد ۲. حرکت متخصص-رهبری به سمت نوع جدیدی از حسابداری مدیریت که در آن حسابداران مدیریت تنها تهیه‌کنندگان اطلاعات نیستند بلکه نقش مشاور در تصمیمات مدیریتی دارند. همچنین دریافتند اندازه سازمانی بیشتر از جهانی شدن اقتصاد و رقابت بخش‌ها بر تحول نقش حسابداران مدیریت تأثیرگذار است البته این بدان معنا نیست که جهانی شدن و رقابت‌پذیری بی‌تأثیر است. هیل و همکاران (۲۰۱۲) نتایج نشان دادند سطوح آموزشی در شرکت‌ها تحت تأثیر خانوادگی بودن قرار می‌گیرد. انجمن حسابداران خبره انگلیس و انجمن حسابداران مدیریت (۲۰۱۲) هفت حوزه اصلی و صد پیشران شناسایی و در نهایت چهار سناریو ارائه نموده‌اند. سناریوی خالق، مطلوب‌ترین سناریو برای حسابداری است. در سناریوی ایمن، حسابداری با اتکا بر فرصت‌های موجود، محافظه‌کارانه عمل می‌کند. در سناریوی دزدان دریایی، حسابداری بر نقاط قوت خود اتکا کرده و به دنبال منافع خود حرکت می‌نماید و در سناریوی نجات یافته‌گان فقط حفظ حسابداری اولویت است.

تکانه (۱): پیشران‌ها و سناریوهای پژوهش ACCA&IMA

سناریوها	عناصر کلیدی - چالش‌ها	حوزه‌های اصلی
خالق (تحول ساز)	زمینه‌های اقتصادی	اقتصادی
	چالش‌های تجارت	سیاسی و قوانین
ایمن	اولویت‌های و استراتژی‌های تجارت	تجارت
	تصور عموم از حسابداری	علم و فن آوری
دزد دریایی	اندازه‌گیری و گزارشگری	محیط زیست، انرژی و منابع
	رویه‌های حسابداری	رویه‌های حسابداری
بازمانده گان (نجات یافتگان)	مهارت‌ها، آموزش و تحقیق و توسعه	حرفه حسابداری
	کاربردهای علم و فناوری	حرفه حسابداری

همچنین انجمن حسابداران خبره انگلیس و انجمن حسابداران مدیریت (۲۰۱۳) دریافتند تأثیرگذارترین محرک‌ها عبارتند از محیط زیست، الزامات تجارت برای فراهم کردن بیش از پیش اطلاعات غیرمالی و تداوم کامل کردن مدل‌های گزارشگری، افزایش تأکید بر نقش حسابداران به عنوان شریک تجاری و داشتن مجموعه مهارت‌های گسترده، افزایش همگرایی استانداردهای حسابداری و کسب و کار در سطح جهان، تغییر ذخایر ارزی جهان از دلار آمریکا به سایر ارزها، تغییر در تأکید بر مؤسسات حاکمیتی، چالش‌های امنیت سایبری برای تجارت، دسترسی آسان به اینترنت توسط جامعه، تأثیر فعالیت‌های تجاری قدرت‌های اقتصادی نوظهور بر فعالیت‌های تجاری کشورهای توسعه یافته، تغییرات رادیکال سیستم استفاده از پول به عنوان سیستم مبادله و تغییر انتظارات اجتماعی و گسترده شدن نقش حسابداران. ویپو (۲۰۱۴) نشان داد مهم‌ترین مانع پیش‌رو و تأثیرگذار بر این تغییر نقش، برنامه تغییر نقش سازمانی می‌باشد و برنامه به‌روزرسانی در تغییر شکل نقش سازمانی حسابداران مدیریت موفق نبوده است. در نهایت نیز مدل تغییر چند وجهی جدید حسابداری مدیریت با سه وجه سطح سازمانی، سطح پذیرندگان تغییر و ذی‌نفعان تغییر و هر کدام در پنج طبقه شامل مشوق‌ها، تسهیل‌کننده‌ها، کاتالیزورها، مومنتوم و رهبران است، ارائه نمودند. همچنین موانع را نیز در سه طبقه اشتباه‌کنندگان، تعلل‌کنندگان (اهمال‌کنندگان) و تأخیرکنندگان ارائه نموده‌اند. نتایج پژوهش دبونو (۲۰۱۴) نشان داد اطلاعات حسابداری مدیریت نقش توانمندسازی شرکت‌های کوچک و متوسط را در مواجهه با تشدید عدم قطعیت دارند و حسابداری مدیریت داده‌های

مهم برای معنابخشی سازمانی فراهم می‌کند و در این میان اعتمادسازی نقش اساسی را در ایجاد این روابط بازی می‌کند. این پژوهش بیشتر بر ساختار رفتاری پیچیده از منظر روش شناسی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد تمرکز کرده است.

میتن درف (۲۰۱۵) نشان داد موضوعات اقتصادی ۴۳ درصد، جامعه‌شناسی ۴۰ درصد و روانشناسی ۱۵ درصد چاپ شده‌اند. مقالات حسابداری مدیریت هم در تعداد کل و هم در سهم از کل در حال رشد هستند و حدود ۷۰ درصد مقالات حسابداری مدیریت در حوزه کنترل و ۲۰ درصد در حوزه بهای تمام شده و مابقی سایر موضوعات است. در حال حاضر نیز بیشتر بر ارزیابی عملکرد انتزاعی و مدیریت ریسک و حوزه‌های راهبری شرکت تمرکز شده است. شیلدز (۲۰۱۵) نشان داد در حال حاضر پنج موضوع بیشتر تاکید می‌شود. ۱. بررسی نظارت، اندازه‌گیری، ارزیابی و پاداش اعمال، رفتار و عملکرد کارکنان. ۲. بافت درون سازمانی. ۳. اقتصاد رفتاری. ۴. نحوه تأثیرگذاری استراتژی‌های رقابتی بر سیستم‌های کنترل مدیریتی. ۵. تم‌های جدیدتر مربوط به بررسی ارتباط حسابداری مدیریت با خلاقیت و ریسک. مقبل و الرجوب (۲۰۱۵) نشان داد شرکت‌های اردنی بودجه عملیاتی، بودجه جریان‌های نقدی، بودجه مالی و بودجه جامع را تهیه می‌کنند که توسط حسابداران مدیریت انجام می‌شود. نتایج پژوهش انجمن حسابداران خبره انگلیس (۲۰۱۶) نشان داد قوانین و مقررات، فن‌آوری‌های دیجیتال، انتظارات جامعه از حرفه و جهانی‌سازی پیشران-های اصلی هستند. همچنین بهره‌حرفه‌ای را نیز به اخلاق و مهارت‌های فنی، هوش، خلاقیت، بهره‌دیجیتالی، هوش هیجانی، بصیرت و خبرگی تقسیم نمودند. گامیج (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان داد فن‌آوری کلان‌داده بر نقش و وظایف حسابداری تأثیرگذار است و دانشگاه‌ها و نهادهای حرفه‌ای حسابداری باید موضوع کلان‌داده را در موضوعات و سرفصل‌های درسی بگنجانند و دانشجویان را برای حرفه حسابداری در قرن ۲۱ به همراه مهارت‌های مربوط به تجزیه و تحلیل کلان‌داده آماده نمایند. سامکین و استاینبانک (۲۰۱۷) نشان داد در حال حاضر دانشگاه‌ها و معلمان و استادان حسابداری با چالشی روبه‌رو هستند که چگونه با توجه به روند حرکت و تغییر سریع محیط، در میدان رقابت باقی بمانند و همچنان یکی از بازیگران عرصه تجارت و اقتصاد باشند. برای رسیدن به این هدف باید رویکردهای نظری، روش‌شناختی و تجربی تغییر یابند و آموزش و یادگیری (تعلیم و

تربیت) باید یکی از حوزه‌های مهم برای تحول باشند و در پژوهش‌هایی به طور مفصل مورد بررسی قرار گیرند.

نمازی (۱۳۷۸) نشان داد حسابداران مدیریت باید خود را برای آینده از نظر توانایی‌های فنی و شایستگی حرفه‌ای و اخلاقی در ارائه اطلاعات مالی و غیرمالی، آماده سازند. در غیر این صورت مدیران، از روی اجبار به سایر اشخاصی مراجعه خواهند کرد که توانایی در عرصه اطلاعات مربوط و به‌هنگام دارند. در این حالت، آینده حسابداری مدیریت از نظر قدرت و ارتقای سازمانی به شدت به خطر خواهد افتاد و آنان جایگاه رفیع امروز خود را از دست خواهند داد. حسابداری مدیریت می‌باید به موضوعات عوامل انسانی، رفتاری و نقش این عوامل در مدیریت بیش از پیش توجه نماید. دیگر پیش‌شرط جوابگویی به نیازهای موجود، ارتقاء صلاحیت حرفه‌ای و اخلاقی حسابداران مدیریتی است. کرل (۲۰۱۳) آینده حسابداری مدیریت را بررسی نمود. ایشان عوامل تأثیرگذار بر تغییر در حسابداری مدیریت را به سه حوزه تقسیم و در مقابل این سه گروه محرک تغییر، چالش‌های سازمانی مقابل شرکت‌ها و سازمان‌ها را تشریح و در نهایت وظیفه حسابداری و حسابداران مدیریت را برای کمک به مدیران مشخص نمودند که در جدول ذیل بیان شدند.

نگاره (۲): پیش‌ران‌های آینده حسابداری مدیریت

وظایف حسابداران مدیریت	چالش‌های سازمانی	پیش‌ران‌های تغییر
توسعه نقش رهبری به منظور تلاش برای مدیریت ریسک	ضرورت شناسایی و واکنش موثر و مداوم در برابر تهدیدها، چالش‌ها و فرصت‌ها به صورت خلاقانه و زیرکانه	تغییرات اقتصادی، محیطی و جغرافیای سیاسی
نقش اصلی در توسعه آینده‌نگرانه و امکانات مدیریت عملکرد و مدیریت مالی خلاقانه و صحیح	جمع‌آوری اطلاعات از اقیانوس داده‌ها و ارائه آنها به تصمیم‌گیرندگان	پیشرفت تکنولوژی
توسعه نقش حسابداری مدیریت در حوزه سرمایه ساختاری و روابط انسانی	ضرورت بهبود ارزش‌گذاری، مدیریت و توسعه دارایی‌های نامشهود	تغییرات جمعیتی شناختی

حسابداران مدیریت متناسب با تحولات در حوزه وظایف حسابداران مدیریت، باید برای تأمین خواسته‌های مدیران و مشارکت مستقیم‌تر در فرایند تصمیم‌گیری و ایجاد ارزش افزوده در بنگاه آمادگی داشته باشند. بدین منظور باید در حوزه‌های عملیاتی، تکنولوژی پردازش و

تولید محصولات، سیستم‌ها، بازاریابی و مدیریت استراتژیک، دانش و مهارت‌های خود را به صورت گسترده توسعه دهند و به طور کلی حسابداری مدیریت باید بازسازی و نوسازی شود (پارکر، ۲۰۰۲). باربرا (۱۹۹۶) معتقد است که در آینده بر مهارت‌های فردی (شامل درک ابهام و توانایی ایفای رهبری)، مهارت‌های بین فردی (تسهیل کار گروهی، توانمندسازی کارکنان و نقش مشاوره‌ای)، مهارت‌های تحلیلی، توانایی تفکر بصری، تصنعی و خلاقانه و مهارت‌های سازمانی تاکید خواهد شد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای هدف پژوهش از نوع کاربردی محسوب می‌شود. همچنین به جهت گردآوری داده‌ها به صورت واقعی و بدون دست‌کاری در زمره پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی) محسوب می‌شود و بر مبنای نوع داده نیز از انواع پژوهش‌های ترکیبی (آمیخته) می‌باشد. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از هر دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شد. در این پژوهش از روش‌های پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز، مصاحبه و دلفی فازی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در عین حال، محققان در برخی موارد از روش‌های دیگری نظیر مشاهده، بررسی اسناد و مدارک و مشارکت خود پژوهشگر نیز استفاده نمودند. جامعه آماری شامل استادان و دانشجویان دکتری حسابداری (مدیریت)، اعضای انجمن حسابداران مدیریت، متخصصان حرفه حسابداری مدیریت در ایران است. در پژوهش کیفی معمولاً از نمونه‌گیری تصادفی اجتناب می‌کنند زیرا این روش مناسبی برای یافتن افراد با اطلاعات غنی نیست؛ یعنی در این روش، نمونه‌گیری مورد نیاز، نمونه‌گیری نظری و گلوله برفی است.

در این پژوهش برای انتخاب خبرگان از روش نمونه‌گیری قضاوتی و گلوله برفی و در مصاحبه انتخاب نمونه تا اشباع نظری ادامه یافت. خبرگان با نظرات استادان بر اساس تخصص، تجربه و دانش استادان در حوزه حسابداری مدیریت از میان استادان در سطح کشور انتخاب شدند. سپس به منظور شناسایی نیروهای پیشران ابتدا جلساتی به صورت پانل با خبرگان برگزار و نظرات خبرگان دریافت گردید. این جلسات به صورت ۲، ۳ و یا ۴ نفره برگزار شد و در مجموع ۹ فرد خبره متفاوت بودند. همچنین به منظور دریافت نظرات افراد متخصص که دسترسی حضوری به آن‌ها دشوار بود، سوالات کاملاً باز از طریق فضای مجازی ارسال و نتایج دریافت گردید. در این مرحله نیز میزان مشارکت خبرگان ۷ نفر بود. در مرحله بعد از

مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته با ۱۰ نفر از خبرگان در سطح کشور مصاحبه انجام گرفت. در مرحله مصاحبه ابتدا با استادان خبره در سطح کشور تماس و وقت ملاقات حضوری دریافت گردید و در مواردی نیز به صورت تلفنی مصاحبه انجام شد. لازم به ذکر است در پایان مصاحبه از خبره‌ها درخواست شد تا با توجه به اهداف پژوهش سایر افرادی که در این حوزه خبره هستند را معرفی نمایند. در مصاحبه، ابتدا تعدادی از اشخاص صاحب‌نظر و دارای تحصیلات و تجربه کافی مرتبط با موضوع، انتخاب می‌شوند و در پایان مصاحبه از آن‌ها درخواست شد که سایر افراد مطلع و صاحب‌نظر را معرفی نمایند. همچنین کفایت نمونه‌گیری با روش اشباع نظری محقق شده است و نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا کرد که به لحاظ نظری اشباع حاصل شود. از آن جا که با ابزار مصاحبه می‌توان بهتر به زبان خود شرکت‌کنندگان از تجربه‌ی آنان آگاه شد، در این پژوهش از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته به عنوان اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. مصاحبه‌ها در پژوهش کنونی با رویکردی اکتشافی هدایت شدند. به طور کلی سوال‌ها تقریباً باز و گسترده بودند اما نه آن قدر باز که همه چیز را در بر گیرد و نه آن قدر محدود که امکان اکتشاف‌های نو و جدید را از بین ببرد. برای ورود به مصاحبه‌ها، فرایندی که پژوهشگر دنبال نموده شامل معرفی شخصی، بیان هدف تحقیق، اظهار رازداری در مورد اطلاعات و توضیحی در این مورد بود که چرا مصاحبه‌شونده برای این مصاحبه انتخاب شده است. اطلاعات دریافتی از مصاحبه‌شوندگان، در جلسه مصاحبه توسط مصاحبه‌گر ضبط و یادداشت‌برداری و سپس طبقه‌بندی و تحلیل شد.

لازم به ذکر است پس از شناسایی پیشران‌های آینده‌ساز حسابداری مدیریت در حوزه آموزش و پژوهش طی یادشده، پرسش‌نامه دلفی فازی بر مبنای آن تهیه و دوباره توسط استادان مورد بررسی قرار گرفت تا روایی پرسش‌نامه افزایش یابد و در نهایت با جمع‌بندی، تعدیل و اصلاح پیشران‌ها، پرسش‌نامه نهایی دلفی فازی تهیه گردید. در انتخاب خبرگان مرحله پرسش‌نامه دلفی فازی نیز بر اساس نظرات استادان دانشگاه، خبرگان از میان استادان با سابقه در حوزه حسابداری مدیریت در ایران انتخاب گردیدند. این پرسش‌نامه بر مبنای طیف لیکرت ۵ تایی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم و در دو فرمت اینترنتی و ورد تهیه و به خبرگان از طریق فضای مجازی یا پست الکترونیکی ارسال و نظرات دریافت گردید. در مجموع در این مرحله ۲۱ پرسش‌نامه دریافت شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز و مصاحبه

به منظور جلوگیری از اطاله کلام نتایج حاصل از پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز و مصاحبه بخشی از نتایج به صورت خلاصه ارائه گردید و جمع‌بندی حاصل از آن که پیش‌رسان‌های نتایج سه مرحله است فقط. نتایج مصاحبه نشان داد صاحب‌نظران حرفه معتقد هستند در حوزه آموزش کیفیت آموزش در برخی دانشگاه‌ها پایین است اما به لحاظ محتوای آموزشی یعنی سرفصل‌های دروس چندان تفاوتی با دانشگاه‌های رده بالای جهان نداریم و تفاوت در عمق آموزش است و دانشگاه‌های رده بالا سرفصل‌ها را پررنگ‌تر و عمیق‌تر بررسی و تحلیل می‌کنند. برای نمونه بحث اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌های رده بالا در جهان شاید در چند واحد شامل یک یا دو درس ارائه گردد اما در آموزش حسابداری در کشور ما این مبحث شاید فقط در حدیه سرفصل یا اشاره کوتاه در کلاس باشد. بنابراین در نحوه و عمق آموزش باید تغییراتی ایجاد گردد. از جمله می‌توان به بکارگیری آزمایشگاه‌های حسابداری، ویدئوهای آموزشی، کارگاه‌ها و آموزش‌های کاربردی و عملی اشاره نمود. در حوزه بحران آموزش و پژوهش باید پذیرفت که کمیت و مدرک‌گرایی بیشتر شده و تقاضای مدارک ارشد و دکتری و مقالات افزایش قابل توجهی یافته است و در سطح تحصیلات تکمیلی به ویژه دکتری ادامه خواهد داشت که البته این تب مدرک‌گرایی در آینده دورتر فروکش خواهد کرد. از طرف دیگر باید واقع بین بود و نباید توقع داشت دانشجوی دکتری که در تامین حداقل‌های معیشتی خود با مشکل مواجه است و با مشکل و استرس روحی و روانی عدم تامین نیازهای حداقلی خانواده درگیر است، پژوهش‌های کیفی و یا کمی با کیفیت بالا انجام دهد. یکی از کارهایی که وزارت علوم باید برای کیفیت پژوهش و آموزش انجام دهد تعیین اسکالر شیپ متناسب با نیازهای دانشجویان دکتری است. قابل ذکر است که آموزش و پژوهش معلول (و علت وجود استادان و دانشجویان توانمند) هستند و با ارائه خدمات بهتر به دانشجویان تحصیلات تکمیلی به ویژه دکتری می‌توان کیفیت و کمیت آموزش و پژوهش را افزایش داد.

سیاست‌های نادرست وزارت علوم و دانشگاه‌ها در برنامه ترفیع استادان، گزنت‌ها، تبدیل وضعیت، انتخاب استاد یا دانشجوی نمونه، ارتقای رتبه دانشگاه یا دانشکده و ارائه فرصت‌های مطالعاتی و دفاع پایان‌نامه ارشد یا دکتری از جمله موارد تأثیرگذار بر بحران آموزش و پژوهش

در کشور است. کاستی‌های موجود در آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت علمی مثل معیارهای امتیازهای لازم برای ارتقاء اعضای هیأت علمی از استادیاری به دانشیاری و سپس استاد تمامی، مزید بر علت شده است. به نظر می‌رسد بحران اخلاق در این زمینه کاملا نمایان است و آموزش اخلاق حرفه‌ای که بیان گردید باید با شدت بیشتری و با ارایه چند درس پیگیری گردد تا کمی شدت بحران پژوهش و آموزش را کاهش دهد. برای بهبود این فضای بحرانی آموزش و پژوهش بهتر است وزارت علوم و دانشگاه‌ها سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به ارتقای علمی، پایان‌نامه‌های دکتری و ارشد، رعایت اخلاق حرفه‌ای، نظارت‌های کیفی بر آموزش و پژوهش و مجلات را بازنگری و شاخص‌های ارزیابی مقالات از کمی به کیفی سوق دهد و همچنین پرداخت‌ها و آیین‌نامه‌ها را به گونه‌ای تنظیم کند که متناسب با شرایط هر رشته و استاد انعطاف‌پذیر باشد و برای اجرای این برنامه‌ها از کمیته‌هایی تخصصی استفاده نماید. به منظور جذب افراد باهوش و با استعداد نیز باید رشته‌هایی با عناوین جذاب جدید تعریف نمود و از رشته‌های مختلف در سطح تحصیلات تکمیلی ورودی پذیرفت و متناسب با رشته کارشناسی و تخصص آن‌ها، برای آن‌ها واحدهای درسی پیش‌نیاز متفاوتی تعیین نمود طوری که خروجی آن‌ها یکسان باشد.

عدم توجه کافی به رشته‌هایی که می‌تواند راه تبدیل علم به ثروت را به دانشجویان و اساتید آموزش دهد باعث ناامیدی و فرار مغزها شده است. این موضوع از این منظر مهم است که ثروت کشور می‌بایست از راه توسعه علمی به دست آید و وظیفه دانشگاه‌ها نه تنها تولید علم بلکه آموزش تبدیل آن به فناوری و نوآوری است تا در قالب خدمات و محصولات در اختیار جامعه قرار گرفته و تبدیل به ثروت شود. در این ارتباط می‌توان با ایجاد آزمایشگاه‌هایی برای حسابداری و حسابداری مدیریت نیز می‌توان به ارتقای ارتباط صنعت و حرفه با دانشگاه قدم برداشت. برای ایجاد انگیزه در مدیریت شرکت‌ها برای بکارگیری حوزه حسابداری مدیریت باید با ایجاد ارتباط صنعت و دانشگاه و آشنا ساختن مدیران و مسئولان با مزایای حسابداری مدیریت و بهای تمام شده می‌توان تقاضا برای این حوزه را نیز افزایش داد. برای این کار می‌توان سمینارها و کارگاه‌های مشترک با مدیران و مسئولان شرکت‌ها و سازمان‌ها برگزار کرد. باید توجه داشت افراد متخصص این حوزه را نیز باید به تعداد کافی تربیت و آموزش داد تا پاسخگوی تقاضای مدیران و مسئولان باشند.

به طور کلی طی مراحل پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز و مصاحبه پیشران‌های: سیاست‌های وزارت علوم و دانشگاه‌ها و سیاست‌های انجمن‌های حرفه‌ای، افزایش تعداد استادان حسابداری مدیریت، بحران آموزش و پژوهش، گسترش کارگاه‌های آموزش عملی حرفه (همایش‌ها، کارگاه‌ها و...) و بکارگیری مدل‌های آموزش مجازی و آنلاین، افزایش کتاب‌ها، مجله‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های حسابداری مدیریت، افزایش دانشجویان حسابداری مدیریت، رقابت درون حرفه، حمایت مسئولان سازمانی، افزایش تعداد انجمن‌های حرفه‌ای، افزایش مفاهیم بین‌رشته‌ای در سرفصل‌ها (آمار، ریاضی، کامپیوتر، برنامه نویسی، شبکه‌های عصبی و...)، افزایش فعالیت‌های لازم برای تحقق اهداف دانشگاه نسل سوم، گسترش سیاست‌های جذب افراد با استعداد، باهوش، بین‌رشته‌ای و گسترش فعالیت‌ها و سیاست‌های ارتباط صنعت با دانشگاه در حوزه حسابداری مدیریت، به عنوان پیشران‌های آینده سازی حسابداری مدیریت در حوزه آموزش و پژوهش شناسایی شدند.

نتایج دلفی فازی

اطلاعات فردی و عمومی خبرگان

تمامی مشارکت‌کنندگان با تحصیلات دکتری و استادان دانشگاه در حوزه حسابداری و حسابداری مدیریت بودند. بنابراین این افراد هم به دلیل فعالیت در حسابداری مدیریت و هم دارا بودن تحصیلات دانشگاهی، از نظر تجربی و نظری افرادی آگاه هستند. همچنین تمامی مشارکت‌کنندگان در اکثر حوزه‌های حسابداری مدیریت، حسابداری، حسابرسی یا مدیریت مالی تجربه داشته‌اند. بنابراین این افراد از دیدگاه دانش نظری و تجربه برای نظرسنجی افرادی خیره و آگاه هستند.

آزمون پایایی و دوجمله‌ای

نتایج آزمون نشان داد آلفای کرونباخ، با توجه به تعداد سؤال‌های بخش آموزش و پژوهش و مشارکت تعداد ۲۱ نفر خبره، $0.86/7$ می‌باشد. نتایج آزمون نسبت یا دوجمله‌ای مندرج در نگاره ۳ مربوط به پیشران‌های حوزه آموزش و پژوهش نشان داد برای تمامی پیشران‌ها تعداد نظر موافق و مخالف در سطح معناداری 0.5 با هم برابر نیست و این نابرابری به نفع نظر موافق است. از این رو، به نظر پاسخ‌دهندگان تمامی پیشران‌های ارایه شده در حوزه آموزش و پژوهش،

جزء پیشران‌های آینده-ساز حسابداری مدیریت هستند و میانگین امتیازات تمامی پیشران‌ها بیشتر از ۳ است.

تکانه (۳): آزمون دوجمله‌ای مبتنی بر نظر موافق یا مخالف

میانگین	سطح معناداری	درصد موافق	تعداد مخالف 3 >=	تعداد موافق 3 <	سؤال‌های پرسش‌نامه
۴/۰۰	۰/۰۲۷	٪۷۶	۵	۱۶	سیاست‌های وزارت علوم و دانشگاه‌ها در حوزه حسابداری مدیریت
۴/۳۸	۰/۰۰۷	٪۸۱	۴	۱۷	بحران آموزش و پژوهش
۴/۰۰	۰/۰۰۱	٪۸۶	۳	۱۸	گسترش سیاست‌ها و فعالیت‌های انجمن‌های حرفه‌ای و افزایش تعداد انجمن‌های حرفه‌ای
۳/۷۱	۰/۰۰۷	٪۸۱	۴	۱۷	افزایش کتاب‌ها، مجله‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های حسابداری مدیریت
۴/۱۰	۰/۰۲۷	٪۷۶	۵	۱۶	افزایش متخصصان دانشگاهی (تعداد استادان، دانشجویان دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی حسابداری مدیریت)
۳/۹۰	۰/۰۲۷	٪۷۶	۵	۱۵	گسترش کارگاه‌های آموزش عملی حرفه (همایش‌ها، کارگاه‌ها و...) و بکارگیری مدل‌های آموزش مجازی و آنلاین در آموزش
۴/۲۹	۰/۰۰۷	٪۸۱	۴	۱۷	افزایش مفاهیم بین‌رشته‌ای در سرفصل‌ها (آمار، ریاضی، کامپیوتر، برنامه نویسی، شبکه‌های عصبی و...)
۴/۱۴	۰/۰۰۱	٪۸۶	۳	۱۸	افزایش فعالیت‌های لازم برای تحقق اهداف دانشگاه نسل سوم
۴/۱۰	۰/۰۰۷	٪۸۱	۴	۱۷	گسترش سیاست‌های جذب افراد با استعداد، باهوش، بین‌رشته‌ای و...
۴/۳۳	۰/۰۰۱	٪۸۶	۳	۱۸	گسترش فعالیت‌ها و سیاست‌های ارتباط صنعت با دانشگاه در حوزه حسابداری مدیریت

همچنین نتایج بر مبنای دلفی فازی بررسی گردید. نتایج حاصل از تحلیل دلفی فازی نشان داد تمامی پیشران‌های آموزش و پژوهش به عنوان پیشران‌های آینده‌ساز تایید می‌گردند و میانگین به دست آمده در حالت فازی بالاتر از حد آستانه که ۳ می‌باشد، است. بنابراین می‌توان این طور بیان داشت که بر تمامی معیارهای شناسایی شده در این پژوهش از دید خبرگان اجماع وجود دارد و هیچ معیاری از نظر خبره‌ها زائد یا ناکارآمد شناسایی نشده است که این نتایج با پژوهش‌های پارکر (۲۰۰۲)، کرل (۲۰۱۳) و انجمن حسابداران خبره انگلیس و انجمن حسابداری مدیریت (۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶) مطابقت دارد. همچنین پیشران‌ها بر مبنای میانگین امتیازات رتبه‌بندی شدند که بیشترین مقدار امتیاز مربوط به بحران آموزش و پژوهش با میانگین

۴. ۳۸ است و دلالت بر این موضوع دارد که در وضعیت آموزش و پژوهش بسیار نابسامان بوده، طوری که خبرگان شرایط فعلی و آتی آن را به عنوان بحران تایید کرده‌اند. ارتباط دانشگاه‌ها و صنایع با میانگین ۴/۳۳ در جایگاه دوم قرار دارد و دلالت بر این موضوع دارد در آینده وزارت علوم و دانشگاه‌ها برای بهبود روابطشان با صنایع، تلاش مضاعف خواهند کرد. نتایج دلفی فازی و رتبه‌بندی در نگاره شماره ۴ ارائه گردید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج نشان داد صاحب‌نظران معتقدند وزارت علوم به عنوان اصلی‌ترین سیاست‌گذار در حوزه آموزش و همچنین پژوهش کارنامه چندانی قابل قبولی ندارد. در حوزه آموزش عدم برنامه‌ریزی مناسب با آینده‌نگری بلندمدت باعث گردیده در هر دوره زمانی برای برخی از رشته‌ها تقاضا افزایش یابد. در بحث بحران آموزش و پژوهش نیز می‌توان به کم‌توجهی به کیفیت آموزش و وجود واحدهای درسی غیرمرتبط با رشته تحصیلی دانشجویان حتی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، عدم انطباق برخی دروس با نیازهای جامعه و صنعت، عدم وجود نگرش کاربردی محتوای دروس، کارآمد نبودن ملاک‌های پذیرش دانشجویان در مقاطع دکتری و یا جذب یا ارتقای اعضای هیات علمی بر مبنای تعداد مقالات (کمیت‌گرایی) بجای جهت‌دهی به سمت کیفیت و حل مسائل و مشکلات جامعه و صنعت، عدم وجود پایگاه داده جامع و صحیح، عدم نظارت بر کیفیت نشریات، افزایش تب مدرک‌گرایی،... اشاره نمود. به نظر می‌رسد طی ۲۰ سال آینده برخی مشکلات با تدابیر اتخاذ شده برطرف گردد و تب مدرک‌گرایی نیز کاهش یابد. این نتایج از منظر نامناسب بودن وضعیت حرفه در حوزه آموزش و پژوهش، لزوم تغییر سرفصل‌ها و واحدهای درسی و گنجانیدن مفاهیم بین‌رشته‌ای و فاصله دانشگاه با صنعت با نتایج کاپلان (۱۹۹۴)، ساندر (۲۰۰۸ و ۲۰۱۰)، راسل (۱۹۹۹)، گامیچ (۲۰۱۶) و سامکین و استاینبانک (۲۰۱۷) و نمازی (۱۳۷۸) مطابقت دارد.

تکانه (۴): دلفی فازی و رتبه بندی

پیشران	میانگین ساده	رتبه	L	میانگین هندسی	U	آستانه	میانگین فازی	وضعیت
بحران آموزش و پژوهش	۴/۳۸	۱	۳	۴/۳۰	۵	۳	۴/۱۵	تایید
گسترش فعالیت‌ها و سیاست‌های ارتباط صنعت با دانشگاه در حوزه حسابداری مدیریت	۴/۳۳	۲	۳	۴/۲۷	۵	۳	۴/۱۳	تایید
افزایش مفاهیم بین‌رشته‌ای در سرفصل‌ها (آمار، ریاضی، کامپیوتر، برنامه نویسی، شبکه‌های عصبی و...)	۴/۲۹	۳	۳	۴/۲۱	۵	۳	۴/۱۱	تایید
افزایش فعالیت‌های لازم برای تحقق اهداف دانشگاه نسل سوم	۴/۱۴	۴	۳	۴/۰۴	۵	۳	۴/۰۲	تایید
افزایش متخصصان دانشگاهی (تعداد استادان، دانشجویان دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی حسابداری مدیریت)	۴/۱	۵	۳	۴/۰۲	۵	۳	۴/۰۱	تایید
گسترش سیاست‌های جذب افراد با استعداد، باهوش، بین‌رشته‌ای و...	۴/۱	۵	۱	۳/۹۱	۵	۳	۳/۴۶	تایید
سیاست‌های وزارت علوم و دانشگاه‌ها در حوزه حسابداری مدیریت	۴	۶	۱	۳/۸۲	۵	۳	۳/۴۱	تایید
گسترش سیاست‌ها و فعالیت‌های انجمن‌های حرفه‌ای و افزایش تعداد انجمن‌های حرفه‌ای	۴	۶	۳	۳/۹۶	۵	۳	۳/۹۸	تایید
گسترش کارگاه‌های آموزش عملی حرفه (همایش‌ها، کارگاه‌ها و...) و بکارگیری مدل‌های آموزش مجازی و آنلاین در آموزش	۳/۹	۷	۲	۳/۸۱	۵	۳	۳/۶۶	تایید
افزایش کتاب‌ها، مجله‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های حسابداری مدیریت	۳/۷۱	۸	۱	۳/۴۸	۵	۳	۳/۲۴	تایید

در ۲۰ سال آینده سیاست‌های دانشگاه بیشتر به سمت ایجاد ارتباط بین دانشگاه و صنعت پیش رود و با ایجاد شرکت‌های دانش بنیان و استارت‌آپ‌ها به اقتصاد مقاومتی و تحقق اهداف نسل سه دانشگاهی کمک نمایند و همچنین افزایش تراز بین‌المللی دانشگاه‌ها و به ویژه رساندن چند دانشگاه به ترازهای بالا و افزایش کیفیت و کمیت پژوهش‌ها و قطب‌ها و نشریات علمی و بکارگیری فناوری‌ها و نرم‌افزارها در آموزش و پژوهش از اهداف این وزارت است. از دیگر برنامه‌های وزارت علوم و دولت می‌توان به ایجاد شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری و

مراکز رشد و انجمن‌های علمی و فناوری و ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر برای حمایت از شرکت‌ها نوآور و خلاق مانند دانش‌بنیان‌ها و استارت‌آپ‌ها اشاره نمود. همچنین با توجه به رفع تحریم‌ها، وزارت علوم و مجموعه دولت با دانشگاه‌ها و مراکز علمی بین‌المللی ارتباط بهتری برقرار نموده و با پایگاه‌های علمی تحریم شده دوباره قرارداد همکاری خواهند بست. از طرف دیگر پایگاه‌های علمی داخلی نیز توسعه خواهند یافت و پایگاه‌های داده قوی ایجاد خواهد شد.

در حال حاضر زنجیره ارزش بسیار گسترده شده و باید دید جهانی داشت. برای داشتن چنین دیدی لازم است از توانایی جامعه‌شناسی و روانشناسی و سایر علوم و رشته‌های مربوطه را افزایش دهیم. همچنین در حوزه حسابداری مدیریت و به ویژه برای محاسبه بهای تمام شده محصولات نیاز به دانش و علم و شناخت از عملیات و فعالیت‌های تولیدی شرکت است. بنابراین داشتن آشنایی حسابداران مدیریت از موضوعات فنی و مهندسی عمران و برق و... و ریاضی، آمار، تولید و فرایند تولید و کنترل کیفیت لازم است. بنابراین برای آموزش حسابداران مدیریت این موارد یا از طریق ارابه این دروس در واحدهای مصوب و یا از طریق جذب افراد بین‌رشته‌ای باید لحاظ شود تا حسابداران مدیریت بتوانند مشکلات شرکت را شناسایی و متناسب با آن پیشنهاد کاربردی ارابه نمایند به گونه‌ای که برای شرکت ایجاد ارزش افزوده نماید. برخی از صاحب‌نظران نیز معتقدند باید جذابیت حرفه را با مواردی مانند عناوین جذاب مانند رایانش مالی، مهندسی مالی،... و جذب افراد باهوش و با استعداد افزایش داد. در حوزه آموزش هر چه به سمت کاربردی کردن پیش بریم بهتر است.

برخی سیاست‌ها و برنامه‌های ناصحیح مانند عدم نظارت کافی بر کیفیت آموزش و پژوهش دانشگاه‌ها، تقدم کمیّت بر کیفیت در رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و استادان، مدرک محوری بجای شایسته-سالاری و تخصص محوری، عدم تناسب پذیرش دانشجویان در سطوح مختلف تحصیلات با نیازهای جامعه، دقت ناکافی برخی از استادان در پژوهش و پایان‌نامه، وجود شرط مقاله برای دفاع از پایان‌نامه دکتری و ارشد، ضعف علمی دانشجویان، رقابت بر سر جذب دانشجویان بیشتر توسط دانشگاه‌های آزاد، غیرانتفاعی و پردیس و... برای کسب منفعت بیشتر بدون توجه به کیفیت آموزش و پژوهش، عدم وجود سیاست‌های تنبیهی و تشویقی کارآمد و اثربخش و... منجر به بحران آموزش و پژوهش گردیده است و البته سیاست‌های پراخت هزینه

و شهریه دانشگاه توسط سازمان‌های دولتی برای کارمندان خود با شرط معدل و مقاله بر شدت بحران پژوهش و آموزش و همچنین تب مدرک‌گرایی افزوده است. همچنین مجلات حوزه حسابداری و حسابداری مدیریت نیز دچار بحران شده‌اند و با انبوهی از تقاضا به دلایل بیان شده در قسمت‌های قبل مواجه شده‌اند که در این میان برخی مجلات بدون توجه به کیفیت و برای کسب منافع به چاپ مقالات کم کیفیت یا بی-کیفیت پرداخته‌اند. در عوض برخی مجلات نیز با ایجاد فرایند داوری طولانی اوضاع را وخیم‌تر کرده‌اند.

به طور کلی خلاصه پیشنهادات کاربردی برای بازیگران اصلی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها، انجمن‌های حرفه، حسابداران مدیریت، دولت و بخش عمومی، شرکت‌ها و سایر بازیگران) در حوزه حسابداری مدیریت عبارتند از: همکاری بینارشته‌ای با رشته‌های مرتبط با حسابداری مدیریت و آموزش چند مهارتی شامل مهارت‌های ارتباطی، تحلیلی، انتزاعی و تجسمی، خلاقانه، سازمانی، کارگروهي و... به حسابداران مدیریت و آموزش مفاهیم بین‌رشته‌ای و جذب افراد باهوش و با استعداد، تفاهم‌نامه همکاری با دانشگاه‌های معتبر جهانی، افزایش تعداد دانشجویان و مطابقت تعداد دانشجویان حسابداری مدیریت با نیازهای کشور، افزایش کیفیت آموزش برای افزایش اثربخشی و کیفیت محور شدن پژوهش‌ها و آموزش‌ها در جذب و ارتقای اعضای هیات علمی (اصلاح آیین‌نامه‌ها)، ایجاد آزمایشگاه حسابداری مدیریت و حسابداری در دانشگاه‌ها، ایجاد مراکز ارتباط دانشگاه با حرفه و صنعت در دانشگاه‌ها، انجمن‌ها و شرکت‌ها، هدفمندسازی پایان‌نامه‌ها به سمت بازار کار و کنترل دقیق و صحیح بر کیفیت پایان‌نامه‌ها و تشویق استادان و دانشجویان جهت تحقق اهداف نسل سوم دانشگاه با تیم مالی خبره، تفاهم‌نامه همکاری با انجمن‌ها و موسسات حسابداری مدیریت و حسابداری معتبر جهانی و آموزش کاربردی فناوری‌های نوین در حسابداری مدیریت و برگزاری پانل‌ها و کارگاه‌های آموزشی-پژوهشی مشترک با متخصصان حوزه حسابداری مدیریت کشورهای پیشرفته و متخصصان داخلی، گسترش ارتباطات فضای مجازی و اینترنت با صاحب‌نظران جهانی حرفه و ایجاد آموزشگاه‌های حسابداری مدیریت جهت آموزش کاربرد و عملی حسابداری مدیریت.

منابع

- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). چاپ اول.
- نمازی، محمد. (۱۳۷۸). آینده حسابداری مدیریت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. سال نهم، شماره ۲۹. صص ۳-۳۴.
- ACCA& IMA. (2016). Professional accountants – the future: Drivers of change and future skills. <http://www.accaglobal.com/gb/en/technical-activities/technical-resources-search/2016/june/professional-accountants-the-future-report.html>
- ACCA& IMA. (2012). 100 drivers of change for the global accountancy profession. [www. accaglobal. com/content/dam/acca/global/PDF... /drivers-for-change-5mins. pdf](http://www.accaglobal.com/content/dam/acca/global/PDF/drivers-for-change-5mins.pdf)
- ACCA& IMA. (2013). Drivers of change: global perspective. [www. accaglobal. com/content/dam/acca/global/PDF-technical/... /pol-af-docgl. pdf](http://www.accaglobal.com/content/dam/acca/global/PDF-technical/pol-af-docgl.pdf)
- Barbera M (1996). Management Accounting Futures. Charter, December (66-68).
- Cooper. Ph. ; Dart. E. (2009). Change in the Management Accountant's Role: Drivers and Diversity. School of Management, University of Bath. Working Paper Series
- Cokins. G. (2014). Top7trends In Management Accounting: Part2. Strategic Finance. December: (41-48)
- Debono. F. (2014). Management accounting and sensemaking - A grounded theory study of Maltese manufacturing SMEs. Thesis for the degree of Doctor of Philosophy. University of Southampton faculty of Business and Law School of Management.
- Gamage, P. (2016). Big Data: are accounting educators ready. Accounting and Management Information Systems; 15 (3) ;588-604.
- Hajiani, A. (2013). The foundation, principles and methods of future studies. Tehran, Imam Sadiq University Press. First Edition. (In Persian)
- Hiebl. M. R. W. , Durstmüller. B. F. , Duller. C. (2012). The Changing Role of Management Accounting in the Transition from a Family Business to a Non-Family Business. Journal of Accounting & Organizational Change. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1937487>
- Kaplan, R. , and Cooper, R. (1998). Cost and Effect: Using Integrated Cost Systems to Drive Profitability and Performance. Harvard Business School Press, Boston, Massachusetts.

- Krell. E. (2013). Forecasting the Future Role of the Management Accountant: 2020 Vision Www. Cmaonline. Org/... /Management-Accounting-Roles-And-Challenges-A...
- Mittendorf B. (2015). Management Accounting Research: Knowledge Base, Themes, and Future Directions. *Journal of Management Accounting Research*: 27 (1) ;121-122
- Moqbel, M. A. ; Al-Rjoub. A. M. (2015). An Exploratory Study of Management Accounting Practices in Industrial Companies in Jordan (Case Study- Industrial Companies- ASE). *Global Journal of Management and Business Research (D). Accounting and Auditing*: 15) 2 (;10-21
- Namazi, M. (2000). The Future of Management Accounting. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*,9 (29) , 3-34. (In Persian)
- Novin, Pearson, & Sedge, (1990). Improving the curriculum for aspiring management accountants: The practitioner's point of views. *Journal of Accounting Education*, 8.
- Parker. L. D. (2002). Reinventing the Management Accountant. Transcript of CIMA address delivered at Glasgow University.
- Russell, Keith A. ; Siegel, Gary H. ; Kulesza, C. S. (1999). Counting More, Counting Less: Transformations in the Management Accounting Profession. *Strategic Finance*, September; (39-44).
- Samkin, G; Stainbank. L. (2017). Teaching and learning: Current and future challenges facing accounting academics, academics, and the development of an agenda for future research. *Meditari Accountancy Research*: 24 (3): 294-317.
- Shields. M. D. (2015). Established Management Accounting Knowledge. *Journal of Management Accounting Research*: 27 (1) ;123-132.
- Siegel, G. , Sorensen, J. (1999). Transformations in the Management Accounting Profession. the 1999 Practice Analysis of Management Accounting – Executive Summary, Institute of Management Accountants, (USA).
- Sunder, Sh. (2008). IFRS and the Accounting Consensus. Retrieved October 26,2012,from <http://ssrn.com/abstract=1208502>
- Sunder, Sh. (2010). Adverse effects of uniform written reporting standards on accounting practice, education, and research. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29 (2) , 99-114.
- Voipio. J. (2014). Management Accountant's Modern Role and Barriers to Role Change – Case Tech Inc. Master's Thesis of Accounting. Department of Accounting Aalto University School of Business
- Xydias-Lobo. M. , Tilt. C. , Forsaith. D. (2004). The Future of Management Accounting: A South Australian Perspective. *Journal of Management Accounting Research*: 2 (1) ;55-69.

تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر بکارگیری منابع مالی در هسته اصلی فعالیت تجاری شرکت‌ها

مسعود حمزه نیک نیافرده*، عباس افلاطونی**، زهرا نیکبخت***

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۴

مقاله پژوهشی

چکیده

رشد سریع روابط اقتصادی، موجب رقابت شدیدی در عرصه تجارت شده است. شرکت‌ها برای بقاء و گسترش فعالیت‌های خود نیاز به انجام سرمایه‌گذاری‌های مناسب و بهنگام دارند. ایجاد محیط اطلاعاتی شفاف و قابل اعتماد توسط دست‌اندرکاران بازار سرمایه، شرکت‌ها را برای بکارگیری منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی خود که موجب تخصیص بهینه منابع بازار می‌شود؛ تحت فشار قرار می‌دهد. در این پژوهش، تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر میزان بکارگیری منابع مالی در فعالیت‌های تجاری اصلی نمونه‌ای متشکل از ۱۳۷ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۲ بررسی شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره با کنترل اثرات سال‌ها و صنایع و نیز رویکرد داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء، میزان بکارگیری منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی شرکت‌ها، افزایش می‌یابد. همچنین، یافته‌ها بیان می‌کنند در مقایسه با کیفیت افشاء، کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر قوی‌تری بر معیار بکارگیری منابع مالی در فعالیت‌های تجاری اصلی واحد تجاری دارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت اطلاعات حسابداری، کیفیت افشاء، فعالیت تجاری اصلی، منابع مالی.

طبقه بندی موضوعی: G11، G14

10.22051/jera.2018.17840.1836.DOI

* دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (Masuodnike73@gmail.com)

** استادیار حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (نویسنده مسئول)، (A.Aflatooni@basu.ac.i)

*** مربی حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (zahra.nikbakht77@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بازار کارا، تخصیص بهینه منابع به شیوه‌ای است که برای تمامی ذینفعان منفعت داشته باشد. این امر زمانی تحقق می‌یابد که واحدهای تجاری، منابع خود را در فعالیت‌هایی با بازدهی بیشتر سرمایه‌گذاری کنند. عوامل مختلفی از جمله دسترسی به اطلاعات صحیح و مربوط (مانند اطلاعات حسابداری) در تخصیص بهینه سرمایه، مؤثرند. در بازارهای مالی، تمرکز زیادی بر تفسیر اطلاعات حسابداری وجود دارد که این موضوع در نهایت موجب نظارت قوی‌تر بر فرآیند اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط مدیران می‌شود. زمانی که سیاست‌های سرمایه‌گذاری اثری بلندمدت بر واحد تجاری دارند؛ تحلیل صحیح اطلاعات حسابداری به منظور اتخاذ تصمیمات تخصیص سرمایه، ضروری است (تیرامیسو، ۲۰۱۲).

به عقیده بیدل و همکاران (۲۰۰۹) اطلاعات حسابداری با کیفیت که خود به صورتی با کیفیت افشاء می‌شود؛ امکان نظارت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری اتخاذ شده توسط مدیران را بهبود می‌بخشد. کیفیت بالای اطلاعات حسابداری می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد و در نهایت منجر به کاهش هزینه تأمین مالی برون‌سازمانی شود. بوشمن و اسمیت (۲۰۰۳) عقیده دارند کیفیت بالای اطلاعات حسابداری و کیفیت بالای افشای آن، نظارت سرمایه‌گذاران بر مدیریت را تقویت می‌کند و از طریق محدود کردن پرداخت‌های مدیریت به مالکان و بستن کاران، موجب بهینه‌سازی فرآیند اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. افزون بر آن، کیفیت بالای اطلاعات حسابداری می‌تواند موجب افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران از گزینه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها شود و به آنان در نظارت بر فعالیت‌های مدیران یاری رساند. سطح بالای کیفیت اطلاعات حسابداری موجب درک بهتر وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری توسط ذینفعان برون‌سازمانی و تقویت نظارت بر رفتار مدیریت می‌شود (بیور، ۱۹۶۸؛ بال و برون، ۱۹۶۸).

از سوی دیگر، به عقیده ژای و وانگ (۲۰۱۶) تنها زمانی که منابع مالی شرکت‌ها در فعالیت تجاری اصلی^۱ آن‌ها سرمایه‌گذاری شود؛ بالاترین بازده را در بلندمدت خواهد داشت. از این جهت، کیفیت اطلاعات حسابداری^۲ و کیفیت افشای^۳ آن می‌تواند از طریق ایجاد امکان نظارت بر رفتار مدیران و روش اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط آنان، روی میزان سرمایه‌گذاری منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی واحدهای تجاری، مؤثر واقع شوند. با توجه

به موارد فوق، در این پژوهش بررسی می‌شود که آیا کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشای اطلاعات مالی بر میزان به کارگیری منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی واحدهای تجاری اثر دارد یا خیر؟ در ادامه، به ترتیب پیشینه پژوهش‌های خارجی و داخلی، فرضیه‌های پژوهش، روش شناسی پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری از پژوهش، ارائه شده است.

مروری بر پیشینه موضوع

به عقیده بیور (۱۹۸۹) هدف اصلی از ارائه اطلاعات حسابداری، کمک به کاربران جهت تصمیم‌گیری آگاهانه است. اطلاعات حسابداری دارای عملکردهای قیمت‌گذاری^۴ و راهبری شرکتی^۵ است. اطلاعات حسابداری از طریق تأثیر بر هزینه سرمایه و قیمت سهام، عملکرد قیمت‌گذاری را انجام می‌دهد. کیفیت بالای اطلاعات حسابداری می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی^۶ را کاهش دهد و منجر به کاهش هزینه تأمین مالی برون‌سازمانی شود (مایرز و مجلوف، ۱۹۸۴؛ ایزلی و اوهارا، ۲۰۰۴). عملکرد قیمت‌گذاری می‌تواند از طریق تأثیر بر قیمت سهام نیز محقق شود. قیمت سهام واحدهای تجاری تاحدودی بازتاب اطلاعات خاص در مورد آن‌هاست. کیفیت بالای اطلاعات حسابداری و شفافیت در افشای آن اجازه می‌دهد تا فرصت‌های رشد واحد تجاری، در قیمت سهام گنجانده شود و موجب جذب سرمایه‌گذاران جدید گردد. از سوی دیگر، اطلاعات حسابداری می‌تواند از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین طرفین قرارداد، عیوب قراردادها را کاهش دهد؛ بر رفتار فرصت‌طلبانه، نظارتی کارا را فراهم نماید و از این طریق عملکرد راهبری شرکتی را اعمال کند (ایننگ و ژنگفی، ۲۰۰۶).

کمیت و کیفیت اطلاعات حسابداری بر قضاوت سرمایه‌گذاران در خصوص ارزش ذاتی سهام شرکت تأثیر دارد. برای مثال، اولسن (۲۰۰۵) مدل منعکس‌کننده ارتباط بین اطلاعات حسابداری و ارزش سهام شرکت را ارائه کرد و سودمندی چنین اطلاعاتی را در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، تبیین نمود. سطح بالای کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند در شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کارا به سرمایه‌گذاران کمک کند؛ منجر به قیمت‌گذاری مجدد^۷ سهام شود و با اعمال فشار بر مدیریت واحد تجاری جهت تمرکز منابع مالی شرکت بر هسته اصلی فعالیت‌های تجاری، کارایی تخصیصی سرمایه را به دنبال داشته باشد (ژای و وانگ، ۲۰۱۶).

در پژوهش‌های خارجی، باتاچاریا و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند در کشورهای که درجه شفافیت اطلاعات حسابداری پایین‌تری دارند؛ هزینه سرمایه بالاتر و حجم معاملات سهام، کمتر است. نتایج بیدل و هیلاری (۲۰۰۶) نشان داد که کیفیت اطلاعات حسابداری باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی سرمایه می‌شود و به تبع آن، منجر به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری‌ها^۸ می‌گردد. لی (۲۰۰۹) دریافت که سطح بالای کیفیت اطلاعات حسابداری، خطر اخلاقی^۹ و ریسک انتخاب گزینه‌های سرمایه‌گذاری نامطلوب^{۱۰} را کاهش می‌دهد و از طریق بهبود نظارت، سرمایه‌گذاری کمتر و بیشتر از حد بهینه را کنترل می‌کند و در نهایت موجب بهبود کارایی تخصیص سرمایه در سطح شرکت می‌شود. چن و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند حتی زمانی که کیفیت اطلاعات حسابداری پایین است، باز هم اثر مثبت خود را بر کارایی سرمایه‌گذاری‌ها اعمال می‌کند.

جانگ و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند کیفیت بالای اطلاعات حسابداری، سرمایه‌گذاری غیربهینه در نیروی انسانی^{۱۱} را کاهش می‌دهد. وانگ و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند کیفیت بالای اطلاعات حسابداری، با سرمایه‌گذاری کم‌تر و بیش‌از حد بهینه، رابطه منفی دارد. همچنین، آنان دریافتند در شرکت‌هایی که وجه نقد آزاد زیادی دارند؛ کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه قوی‌تری با بیش سرمایه‌گذاری دارد؛ زیرا کیفیت بالای اطلاعات حسابداری موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. بیتار و بن‌لملی (۲۰۱۶) دریافتند که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشای اطلاعات مالی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی^{۱۲} شرکت‌ها و کارایی سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش می‌دهد. ژای و وانگ (۲۰۱۶) نشان دادند که افزایش در کیفیت اطلاعات حسابداری موجب بهینه‌تر شدن گزینه‌های سرمایه‌گذاری واحد تجاری می‌شود. به علاوه، آنان دریافتند در شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی قوی‌تر، میزان تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر بکارگیری منابع در فعالیت‌های اصلی واحد تجاری، قوی‌تر از سایر شرکت‌ها است.

در پژوهش‌های داخلی، مدرس و حصارزاده (۱۳۸۷) دریافتند کیفیت گزارشگری مالی با میزان کارایی سرمایه‌گذاری‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد و موجب بهبود کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود. نتایج پژوهش آنان نشان داد که کیفیت گزار شگری مالی می‌تواند از طریق کاهش بیش/کم سرمایه‌گذاری، موجب ارتقاء کارایی سرمایه‌گذاری در واحد تجاری

شود. ثقفی و عرب‌مازازی (۱۳۸۹) دریافتند که بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه‌گذاری کمتر و بیشتر از حد، رابطه معناداری وجود ندارد. خدایی و له‌زاقرد و یحیایی (۱۳۸۹) نشان دادند بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه‌گذاری کمتر از حد رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ ولی رابطه معناداری بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد وجود ندارد.

نتایج پژوهش امیدی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که با افزایش کیفیت گزارشگری مالی میزان کارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش ثقفی و همکاران (۱۳۹۰)، حیدرپور (۱۳۹۰) و افشارزاده (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری باعث کاهش بیش سرمایه‌گذاری می‌شود و در شرکت‌هایی با جریان نقدی آزاد بالا، تأثیر بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری بر کاهش بیش سرمایه‌گذاری، بیشتر از شرکت‌های با جریان نقدی آزاد پایین است. عباسی (۱۳۹۱) دریافت کیفیت گزارشگری مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران و نیز کاهش انتخاب نامطلوب گزینه‌های سرمایه‌گذاری توسط مدیران، منجر به کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران می‌شود و از طریق کاهش هزینه تأمین مالی و افزایش بازده سرمایه‌گذاری‌ها، کارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد.

نتایج پژوهش فخاری و رسولی (۱۳۹۲) بیان می‌کند که اعمال محافظه‌کاری، کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد اما رابطه معناداری بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری وجود ندارد. مشایخی و محمدپور (۱۳۹۳) دریافتند کیفیت گزارشگری مالی و سررسید کوتاه‌تر بدهی‌ها، کارایی سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش می‌دهد و شرکت‌هایی که استفاده بیشتری از بدهی کوتاه‌مدت می‌کنند؛ شاهد تأثیر بیشتر کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری‌ها خواهند بود. انواری رستمی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که بین پاداش هیأت مدیره و کارایی سرمایه‌گذاری، رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های زارعی (۱۳۹۴) و صفری گرایلی و رعنائی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری مالی و ساختار سررسید بدهی با کارایی سرمایه‌گذاری شرکت، رابطه مثبت معناداری دارند. به علاوه، آنان دریافتند رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری تحت تأثیر ساختار سررسید بدهی‌ها قرار دارد و با افزایش بدهی‌هایی با سررسید کوتاه‌مدت، این رابطه تضعیف

می شود. با در نظر گرفتن مبانی نظری و نتایج پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شوند:

فرضیه اول: با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، میزان به کارگیری منابع مالی در فعالیت‌های تجاری اصلی شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: با افزایش کیفیت افشاء، میزان به کارگیری منابع مالی در فعالیت‌های تجاری اصلی شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

فرضیه سوم: میزان تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر میزان به کارگیری منابع مالی در فعالیت‌های تجاری اصلی شرکت‌ها تفاوت معناداری از هم دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ نتایج از نوع کاربردی و از بُعد زمانی از نوع پس رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره^{۱۳} با کنترل اثرات سال‌ها و صنایع استفاده شده و برای بررسی حساسیت نتایج به روش برآورد مدل‌ها، از رویکرد داده‌های ترکیبی^{۱۴} و انتخاب الگوهای مناسب برآورد مدل، استفاده گردیده است. داده‌های مورد نیاز در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل‌های آماری از نرم افزارهای EViews و Stata استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ است که حائز شرایط زیر باشند:

(۱) پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه بوده و در طول دوره مطالعه، تغییر سال مالی نداشته باشند.

(۲) از شرکت‌های فعال در صنایع بیمه‌ای، بانکی و سرمایه‌گذاری مالی نباشند.

(۳) ارزش دفتری سهام آنها، منفی نباشد.

(۴) داده‌های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرها، در دسترس باشد.

با اعمال محدودیت‌های فوق، حجم جامعه آماری در دسترس برابر ۱۳۷ شرکت (۱۹۱۸ مشاهده) شده که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آن استفاده گردیده است.

مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش به ترتیب مدل‌های (۱) و (۲) برآورد شده‌اند:

$$CoreInv_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \sum_{j=1}^7 \theta_j Controls_{it,j} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$CoreInv_{it} = \beta_0 + \beta_1 DQ_{it} + \sum_{j=1}^7 \theta_j Controls_{it,j} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

در مدل‌های فوق، CoreInv معیار سنجش میزان بکارگیری منابع در فعالیت‌های تجاری اصلی یک واحد تجاری است که با پیروی از ژای و وانگ (۲۰۱۶) معادل ضریب همبستگی بین درآمد فروش شرکت و متوسط درآمد فروش صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌نماید؛ تعریف می‌شود. هر چه مقدار این معیار به عدد یک (منفی یک) نزدیک‌تر باشد؛ میزان بکارگیری منابع مالی شرکت در فعالیت‌های تجاری اصلی آن بیشتر (کمتر) خواهد بود. AQ کیفیت ارقام تعهدی و معادل منفی انحراف معیار باقیمانده‌های سه سال اخیر حاصل از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) است. در مدل مذکور، ارقام تعهدی بر روی جریان‌های نقد عملیاتی گذشته، حال و آینده و نیز تغییرات درآمد فروش و اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات، برآزش می‌شود و از باقیمانده‌های آن جهت محاسبه معیار کیفیت ارقام تعهدی استفاده می‌شود. DQ کیفیت افشاء و معادل لگاریتم امتیازات کیفیت افشاء در مبنای ده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۳). افزون بر آن، نماد $\sum_{j=1}^7 \theta_j Controls_{it,j}$ به متغیرهای اندازه شرکت Size (لگاریتم درآمد فروش شرکت در مبنای ده)، فرصت‌های رشد شرکت MTB (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام)، بازده دارایی‌ها ROA (نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها)، نوسانات درآمد فروش Std-Sales (انحراف معیار درآمد فروش در سه سال اخیر)، نسبت اهرمی Lev (نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها)، Tang (نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها) و نقدشوندگی دارایی‌ها Liq (نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری) اشاره دارد که با پیروی از ژای و وانگ (۲۰۱۶) به عنوان متغیر کنترلی در مدل‌ها لحاظ شده‌اند. در مدل‌های فوق، معنادار بودن ضرایب متغیرهای کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء به

ترتیب بیانگر عدم رد فرضیه‌های اول و دوم پژوهش است. افزون بر آن، جهت آزمون فرضیه سوم پژوهش، مدل زیر برآورد گردیده است:

$$CoreInv_{it} = \theta_0 + \theta_1 AQ_{it} + \theta_2 DQ_{it} + \sum_{j=1}^7 \theta_j Controls_{it,j} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

در مدل (۳)، معناداری اختلاف بین ضرایب متغیرهای کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء مبین عدم رد فرضیه سوم است. بدین منظور، آزمون والد ۱۵ بکار رفته است.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

آماره‌های توصیفی که شمایی کلی از وضعیت توزیع متغیرهای پژوهش را ارائه می‌کنند؛ در نگاره (۱) گزارش شده‌اند. میانگین معیار بکارگیری منابع در فعالیت تجاری اصلی ۰/۵۸۱ است و این موضوع نشان می‌دهد که میزان همبستگی بین درآمد فروش شرکت‌های مورد بررسی و میانگین درآمد فروش صنعتی که در آن فعالیت می‌کنند، حدود ۵۸ درصد است.

نگاره (۱): آماره‌های توصیفی

متغیرها	نماد متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
معیار بکارگیری منابع در فعالیت تجاری اصلی	CoreInv	۰/۵۸۱	۰/۵۵۳	۰/۹۶۳	-۰/۹۵۲	۰/۶۸۰
کیفیت افلام تعهدی	AQ	-۰/۰۶۹	-۰/۰۶۳	۰/۰۰۳	-۰/۲۷۸	۰/۰۴۲
کیفیت افشاء	DQ	۱/۷۳۴	۱/۷۹۲	۱/۹۲۶	۱/۱۳۱	۰/۲۰۴
اندازه شرکت	Size	۷/۸۳۵	۷/۸۰۴	۷/۲۹۴	۵/۸۳۱	۰/۳۲۴
فرصت‌های رشد	MTB	۲/۴۲۲	۱/۸۱۶	۱۶/۳۵۲	۰/۴۱۹	۲/۰۶
سودآوری	ROA	۰/۱۰۹	۰/۰۹۶	۰/۴۲۳	-۰/۱۷۱	۰/۱۱۲
نوسانات درآمد فروش	Std-Sale	۰/۲۱۳	۰/۱۱۳	۰/۹۶۶	۰/۰۲۴	۰/۲۲۴
نسبت اهرمی	Lev	۰/۶۱۹	۰/۶۲۷	۰/۹۵۷	۰/۱۲۴	۰/۱۵۹
دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها	Tang	۰/۲۵۲	۰/۲۱۳	۰/۷۱۳	۰/۰۳۴	۰/۱۵۷
نقدشوندگی دارایی‌ها	Liq	۱/۲۴۳	۱/۱۸۷	۲/۹۴۶	۰/۴۱۳	۰/۳۸۶

افزون بر آن، نتایج نشان می‌دهد که میانگین (میانه) کیفیت اقلام تعهدی (۰/۰۶۹-۰/۰۶۳)، کیفیت افشاء ۱/۷۳۴ (۱/۷۹۲) است. افزون بر آن، نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی، ارزش بازار سهام به طور میانگین حدود ۲/۵ برابر ارزش دفتری سهام است؛ سود خالص معادل حدود ۱۱ درصد دارایی‌هاست؛ حدود ۶۲ درصد از سرمایه شرکت از محل بدهی‌ها تأمین شده است؛ دارایی‌های ثابت حدود ۲۵ درصد از حجم کل دارایی‌ها را تشکیل می‌دهد و حجم دارایی‌های جاری حدود ۱/۲۵ برابر بدهی‌های جاری است.

آزمون فرضیه اول پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، مدل (۱) با رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع و نیز رویکرد داده‌های ترکیبی برآورد شده و نتایج آن در نگاره (۲) ارائه گردیده است. در رویکرد داده‌های ترکیبی، معناداری آماره لیمر (۱/۸۱۷) در سطح ۵ درصد بیانگر اولویت الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات مشترک (تلفیقی) است. افزون بر آن، معناداری آماره هاسمن (۱۷/۶۳۵) در سطح ۵ درصد بیانگر اولویت بکارگیری الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی است. در هر دو رویکرد اول (۱۶۲/۲۴۰) و دوم (۱۶۲/۸۲۰)، عدم معناداری آماره ویگینز-پوی بیانگر عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس در اجزای اخلاص مدل است.

همچنین، عدم معناداری آماره وو لدریج در هر دو رویکرد، مبین عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلاص مدل (۱) است. نتایج برآورد مدل (۱) با رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع نشان می‌دهد که ضریب متغیر کیفیت اقلام تعهدی (۰/۶۱۷) مثبت و معنادار است. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر کیفیت اقلام تعهدی (۰/۶۰۵) در رویکرد داده‌های ترکیبی نیز مؤید نتایج رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع است. همچنین، مقدار آماره تورم واریانس بیانگر عدم وجود مشکل همخطی بین متغیرهای مستقل مدل (۱) در هر دو رویکرد برآورد مدل است. در رویکردهای اول و دوم، متغیرهای مستقل به ترتیب حدود ۳۹ و ۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. به علاوه، معناداری آماره فیشر در رویکرد اول (۳۷/۹۲۵) و دوم (۳۱/۶۰۷) بیانگر معناداری کلی مدل است.

نگاره (۲): نتایج برآورد مدل (۱)

رویکرد داده های ترکیبی		رویکرد کنترل اثرات سال ها و صنایع		نماد متغیرها
تورم واریانس	ضریب	تورم واریانس	ضریب	
---	-۰/۰۴۸*	---	-۰/۲۰۲	عرض از مبدأ
۱/۶۵۲	۰/۶۰۵*	۱/۵۶۲	۰/۶۱۷**	AQ
۱/۴۰۵	۰/۰۵۴*	۱/۹۲۰	۰/۰۳۸	Size
۱/۰۲۷	۰/۰۵۹*	۲/۰۰۰	۰/۰۵۲*	MTB
۱/۲۵۳	-۰/۰۳۷	۱/۵۸۹	-۰/۰۳۷	ROA
۱/۲۰۱	-۰/۵۵۶*	۱/۶۰۲	-۰/۵۰۴*	Std-Sale
۱/۶۷۷	۰/۰۴۰	۱/۵۹۸	۰/۰۴۸*	Lev
۱/۰۱۱	-۰/۰۴۰	۱/۹۶۳	-۰/۰۶۰**	Tang
۱/۱۵۳	۰/۰۵۹**	۱/۱۶۳	۰/۰۶۷**	Liq
		--	کنترل شد	اثرات سالها
		--	کنترل شد	اثرات صنایع
۳۷/۰۲٪		۳۹/۱۵٪		ضریب تعیین تعدیل شده
(۰/۰۰۱) ۳۱/۶۰۷**		(۰/۰۰۰) ۳۷/۹۲۵**		آماره فیشتر (معناداری)
(۰/۰۳۶) ۱/۸۱۷*		---		آماره لیمر (معناداری)
(۰/۰۴۰) ۱۷/۶۳۵*		---		آماره هاسمن (معناداری)
(۰/۰۵۸) ۱۶۲/۸۲۰		(۰/۰۶۲) ۱۶۲/۲۴۰		آزمون ویگینز - پوی (معناداری)
(۰/۸۳۰) ۰/۰۴۶		(۰/۸۵۴) ۰/۰۳۴		آزمون وولدریج (معناداری)
*** و ** به ترتیب معناداری در سطح ۱ درصد و ۵ درصد				

مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر کیفیت اقلام تعهدی در رویکرد کنترل اثرات سال ها و صنایع و نیز رویکرد داده های ترکیبی به آن معناست که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، میزان به کارگیری منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی شرکت ها افزایش می یابد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد نمی شود.

آزمون فرضیه دوم پژوهش

جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش، مدل (۲) با رویکرد کنترل اثرات سال ها و صنایع و نیز رویکرد داده های ترکیبی برآورد شده و نتایج آن در نگاره (۳) گزارش گردیده است. در رویکرد داده های ترکیبی، معناداری آماره های لیمر (۲/۰۸۴) و هاسمن (۱۸/۹۶۸) در سطح

در صد بیانگر اولویت الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی است. در هر دو رویکرد، عدم معناداری آماره ویگینز — پوی بیانگر عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس در اجزای اخلال مدل است و عدم معناداری آماره ولدریج در هر دو رویکرد، مبین عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در جملات باقیمانده مدل (۲) است. نتایج برآورد مدل (۲) با رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع نشان می‌دهد که ضریب متغیر کیفیت افشاء (۰/۳۷۹) مثبت و معنادار است. افزون بر آن، مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر کیفیت افشاء (۰/۳۹۸) در رویکرد داده‌های ترکیبی تأییدکننده نتایج رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع است.

تکانه (۳): نتایج برآورد مدل (۲)

رویکرد داده‌های ترکیبی		رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع		نماد متغیرها
تورم واریانس	ضریب	تورم واریانس	ضریب	
---	-۰/۰۳۹	---	-۰/۳۴۶**	عرض از مبدأ
۱/۱۵۵	۰/۳۹۸**	۱/۶۹۴	۰/۳۷۹**	DQ
۱/۸۸۸	۰/۰۳۹	۱/۴۳۸	۰/۰۴۲	Size
۱/۲۴۶	۰/۰۴۱	۱/۵۹۰	۰/۰۴۱	MTB
۱/۹۲۵	-۰/۰۶۰**	۱/۴۵۲	-۰/۰۶۱**	ROA
۱/۴۱۶	-۰/۰۶۵**	۱/۴۸۸	-۰/۰۴۹*	Std-Sale
۱/۵۲۱	۰/۳۹۹	۱/۶۴۸	۰/۴۹۲*	Lev
۱/۶۵۹	-۰/۰۶۰**	۱/۱۹۷	-۰/۰۵۲*	Tang
۱/۹۱۸	۰/۰۴۷*	۱/۲۶۲	۰/۰۴۲	Liq
		--	کنترل شد	اثرات سالها
		--	کنترل شد	اثرات صنایع
۳۴/۰۲		۳۶/۴۲٪		ضریب تعیین تعدیل شده
(۰/۰۰۰) ۲۱/۶۴۴**		(۰/۰۰۰) ۲۵/۹۴۷**		آماره فیشر (معناداری)
(۰/۰۱۲) ۲/۰۸۴*		---		آماره لیمر (معناداری)
(۰/۰۲۶) ۱۸/۹۶۸*		---		آماره هاسمن (معناداری)
(۰/۰۶۳) ۱۶۲/۱۱۰		(۰/۰۶۶) ۱۶۱/۶۳۰		آزمون ویگینز - پوی (معناداری)
(۰/۸۹۹) ۰/۰۱۶		(۰/۸۴۹) ۰/۰۳۶		آزمون ولدریج (معناداری)
*** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱درصد و ۵درصد				

به علاوه، مقدار آماره تورم واریانس نشان می‌دهد که در هر دو رویکرد، بین متغیرهای مستقل مدل (۲) مشکل همخطی وجود ندارد. در رویکردهای اول و دوم، متغیرهای مستقل به ترتیب حدود ۳۶ و ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همچنین، معناداری آماره فیشر در هر دو رویکرد بیانگر معناداری کلی مدل است. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر کیفیت افشاء در هر دو رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع و نیز رویکرد داده‌های ترکیبی به آن معناست که با افزایش کیفیت افشای اطلاعات مالی، میزان به کارگیری منابع مالی در فعالیت‌های اصلی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. لذا، فرضیه دوم پژوهش نیز رد نمی‌شود.

آزمون فرضیه سوم پژوهش

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش با هدف مقایسه میزان تأثیر دو متغیر کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت افشاء بر میزان بکارگیری منابع در فعالیت تجاری اصلی شرکت‌ها، مدل (۳) با رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع بر آورد گردیده و نتایج رویکرد داده‌های ترکیبی نیز به عنوان یافته‌های تکمیلی در نگاره (۴) ارائه شده است. در رویکرد داده‌های ترکیبی، معناداری آماره‌های لیمر (۲/۴۷۰) در سطح ۱ درصد و هاسمن (۱۹/۴۷۳) در سطح ۵ درصد بیانگر اولویت الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی است. در هر دو رویکرد، عدم معناداری آماره ویگینز — پوی (به ترتیب ۱۶۱/۶۲۰ و ۱۶۲/۰۷۰) بیانگر عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس در اجزای اخلاص مدل است و عدم معناداری آماره وولدریج در هر دو رویکرد، مبین عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در باقیمانده‌های مدل (۳) است.

نتایج برآورد مدل (۳) با رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع نشان می‌دهد که ضریب متغیرهای کیفیت اقلام تعهدی (۰/۷۶۵) و کیفیت افشاء (۰/۶۱۰) مثبت و معنادار است. افزون بر آن، مثبت و معنادار بودن ضریب متغیرهای کیفیت اقلام تعهدی (۰/۷۵۵) و کیفیت افشاء (۰/۶۱۵) در رویکرد داده‌های ترکیبی، مؤید نتایج رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع است. افزون بر آن، مقدار آماره تورم واریانس نشان می‌دهد که در هیچ‌کدام از رویکردها، بین متغیرهای مستقل مدل (۳) مشکل همخطی وجود ندارد. در رویکردهای اول و دوم، متغیرهای مستقل به ترتیب حدود ۵۰ و ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. به علاوه، معناداری آماره فیشر در هر دو رویکرد مبین معناداری کلی مدل است.

تکانه (۴): نتایج برآورد مدل (۳)

رویکرد داده‌های ترکیبی		رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع		نماد متغیرها
تورم واریانس	ضریب	تورم واریانس	ضریب	
---	-۰/۰۴۴	---	-۰/۰۲۷	عرض از مبدأ
۱/۳۵۵	۰/۷۵۵*	۱/۹۸۶	۰/۷۶۵*	AQ
۱/۷۴۶	۰/۶۱۵**	۱/۴۳۵	۰/۶۱۰**	DQ
۱/۴۲۲	۰/۰۴۴*	۱/۶۷۶	۰/۰۴۴	Size
۱/۶۹۳	-۰/۰۵۱*	۱/۲۲۳	۰/۰۶۵**	MTB
۱/۱۸۸	-۰/۰۳۷	۱/۱۵۵	-۰/۰۴۳	ROA
۱/۵۵۳	۰/۴۷۳*	۱/۹۹۰	۰/۰۴۵	Std-Sale
۱/۸۵۹	-۰/۵۵۹*	۱/۹۰۳	-۰/۵۵۷*	Lev
۱/۰۱۰	۰/۰۶۳**	۱/۱۵۸	۰/۰۵۸*	Tang
۱/۹۵۸	-۰/۰۲۴	۱/۴۶۷	۰/۰۳۸	Liq
		--	کنترل شد	اثرات سالها
		--	کنترل شد	اثرات صنایع
۴۸/۰۱٪		۵۰/۳۵٪		ضریب تعیین تعدیل شده
(۰/۰۰۰) ۲۳/۶۱۹**		(۰/۰۰۰) ۴۷/۹۰۷**		آماره فیشر (معناداری)
(۰/۰۰۳) ۲/۴۷۰**		---		آماره لیمر (معناداری)
(۰/۰۲۲) ۱۹/۴۷۳*		---		آماره هاسمن (معناداری)
(۰/۰۰۰) ۴/۷۷۹**		(۰/۰۰۰) ۵/۳۲۳**		آماره والد (معناداری)
(۰/۰۶۳) ۱۶۲/۰۷۰		(۰/۰۶۶) ۱۶۱/۶۲۰		آزمون ویگنیز - پوی (معناداری)
(۰/۸۹۴) ۰/۰۱۸		(۰/۸۷۶) ۰/۰۲۵		آزمون وولدریج (معناداری)
*** و ** به ترتیب معناداری در سطح ادرصد و ۵درصد				

معناداری آماره والد در رویکرد کنترل اثرات سال‌ها و صنایع (۵/۳۲۳) در سطح ادرصد به آن معناست که میزان تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر میزان به‌کارگیری منابع مالی در فعالیت اصلی شرکت‌ها تفاوت معناداری از هم دارد. معناداری آماره والد در رویکرد داده‌های ترکیبی (۴/۷۷۹) در سطح ادرصد نیز نتایج اخیر را تأیید می‌نماید و نشان می‌دهد که در مقایسه با کیفیت افشاء، کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر بیشتری بر معیار بکارگیری منابع مالی در فعالیت‌های تجاری اصلی شرکت‌ها دارد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش نیز رد نمی‌شود.

نتیجه گیری

به عقیده بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، کیفیت بالای اطلاعات حسابداری مانع از اتخاذ تصمیم های سرمایه گذاری غیر عاقلانه و ایجاد امپراطوری مدیریت می شود و توان سرمایه گذاران را در نظارت بر رفتار سرمایه گذاری می بخشد. اطلاعات حسابداری با کیفیت که به شکلی با کیفیت افشاء شده اند؛ می توانند جهت درکی بهتر از عملکرد واحد تجاری و در نهایت انتخاب نوع مناسب سرمایه گذاری، به ذینفعان برون سازمانی یاری رسانند. در شرایط اقتصادی حال حاضر، برای اتخاذ تصمیمات با کیفیت، یک مدیر نیاز به حجم زیادی از اطلاعات حسابداری با کیفیت و قابل اعتماد دارد (میکو، ۱۹۹۸). این اطلاعات با ارائه نمایی از وضعیت موجود و مطلوب، نقش حیاتی در اتخاذ سیاست های صحیح، کارا و دقیق در رابطه با منابع انسانی، منابع مالی و... ایفا می نمایند (هافچ الله و همکاران، ۲۰۱۴). افزون بر آن، صرفاً وقتی منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی شرکت ها سرمایه گذاری شود؛ بالاترین بازده را خواهد داشت (ژای و وانگ، ۲۰۱۶).

در این پژوهش، تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر میزان بکارگیری منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی واحدهای تجاری بررسی شده است. یافته های پژوهش که با نتایج ژای و وانگ (۲۰۱۶) سازگار است، نشان می دهد که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و نیز افزایش در کیفیت افشاء، میزان بکارگیری منابع مالی در هسته اصلی فعالیت تجاری شرکت ها افزایش می یابد. حاصل این امر، افزایش کارایی سرمایه گذاری ها است که در نهایت توسعه و ارتقاء اقتصادی را به دنبال دارد. بنابراین، به مدیران توصیه می شود تا به منظور جذب حداکثری سرمایه ها، افزایش کارایی سرمایه گذاری ها و کاهش هزینه نمایندگی، در جهت افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری اقدام کنند و سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و سایر مراجع که به نحوی در تعیین سطح کیفیت اطلاعات حسابداری نقش دارند؛ سازوکار مناسب تری جهت افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء آن ایجاد کنند. به سرمایه گذاران نیز توصیه می شود منابع خود را به شرکت هایی اختصاص دهند که به واسطه کیفیت بالای اطلاعات حسابداری، ابهام کمتری در خصوص بازدهی و کارایی سرمایه گذاری دارند.

پی نوشت

۱	Core business	۹	Moral hazard	۱۷	Fixed effects
۲	Accounting information quality	۱۰	Inverse selection	۱۸	Pooled
۳	Disclosure quality	۱۱	Labor	۱۹	Hausman
۴	Pricing	۱۲	Social responsibility	۲۰	Random effects
۵	Corporate governance	۱۳	Multivariate regression	۲۱	Wiggins and Poi
۶	Information asymmetry	۱۴	Panel data	۲۲	White
۷	Re-pricing	۱۵	Wald test	۲۳	Wooldridge
۸	Information efficiency	۱۶	Limer		

منابع

- افشارزاده، زهرا سادات. (۱۳۹۱). تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی سرمایه‌گذاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری. دانشکده اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- امیدی، فاطمه. (۱۳۹۰). تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- انواری رستمی، علی‌اصغر؛ تجویدی، الناز و میثم جهانگرد (۱۳۹۴). تأثیر ساختار سرمایه و پاداش هیئت‌مدیره بر کارایی سرمایه‌گذاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۵ (۲)؛ ۱۰۹-۱۳۰.
- ثقفی، علی؛ بولو، قاسم و محمد محمدیان. (۱۳۹۰). کیفیت اطلاعات حسابداری، سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد و جریان نقد آزاد. پیشرفت‌های حسابداری ۲ (۳)؛ ۳۷-۶۳.
- ثقفی، علی؛ محمد عرب مازاریدی. (۱۳۸۹). کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری. پژوهش‌های حسابداری مالی. ۲ (۴)؛ ۱-۲۰.
- حیدریپور، فرزانه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و جریان نقدی آزاد با بیش‌سرمایه‌گذاری مدیران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشکده امور اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- خدایی وله زاقرد، محمد و منیره یحیایی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۳ (۵)؛ ۱-۱۵.

زارعی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی نقش کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی بر بهبود کارایی سرمایه‌گذاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

صفری گرایلی، مهدی و فاطمه رعنائی. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی با کارایی سرمایه‌گذاری و تأثیر ساختار سررسید بدهی‌ها بر این رابطه. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۵ (۱) ۸۳-۹۸.

عباسی، ابراهیم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی، کارایی سرمایه‌گذاری و وضعیت منابع وجه نقد قابل سرمایه‌گذاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

فخاری، حسین و شادی رسولی. (۱۳۹۲). بررسی اثر محافظه‌کاری و کیفیت اقلام تعهدی بر کارایی سرمایه‌گذاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۲ (۸) ۸۱-۱۰۰.

مدرس، احمد و رضا حصارزاده. (۱۳۸۷). کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری. فصلنامه بورس اوراق بهادار: ۱ (۲) ۸۵-۱۱۶.

مشایخی، بیتا و فرشاد محمدپور. (۱۳۹۳). کیفیت گزارشگری مالی، سررسید بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری. فصلنامه راهبرد مدیریت مالی: ۲ (۴) ۱-۱۴.

مهدوی، غلامحسین؛ بهپور، سجاد و فاطمه کاظم‌نژاد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه متقابل کیفیت افشاء و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات همزمان. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: ۲۱ (۳) ۳۷۱-۳۸۶.

Abbasi, E. (2012). Investigating the relationship between financial reporting quality, investment efficiency and the position of investable cash resources. M. A Thesis in Accounting, Faculty of Economic Sciences. (in Persian).

Afsharzadeh, Z. (2012). The effect of corporate governance on investment efficiency. M. A Thesis in Accounting, Islamic Azad University. (in Persian)

Anvary Rostami, A. S. , and Tajvidi, E. , and Jahangard, M. (2015). Empirical investigation on the effect of capital structure and board compensation on investment efficiency. Journal of Empirical Research in Accounting, 5 (2) , 109-130. (in Persian).

Ball, R. and Brown, P. (1968). An empirical evaluation of accounting income numbers. Journal of Accounting Research, 6 (2) , 159-178.

Beaver, W. H. (1968). The information content of annual earnings announcements. Journal of Accounting Research, 6 (3) , 67-92.

Bhattacharya, U. , Daouk, H. and Welker, M. (2003). The world price of earnings opacity. Accounting Review, 78 (3) , 641-678.

Biddle, G. and Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. Accounting Review, 81 (5) , 963-982.

- Biddle, G. , Hilary, G. and Verdi, R. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency?. *Journal of Accounting and Economics*, 48, 112–131.
- Bitar, M. and Benlemlih, M. (2016). Corporate social responsibility and investment efficiency. *Journal of Business Ethics*, 139) 1-25 (
- Bushman, R. and Smith, A. (2003). Transparency, financial accounting information and corporate governance. *Journal of Federal Reserve Bank of New York Economic Policy Review*, 9,) 65–87 (.
- Chen, F. , Hope, O. K. , Li, Q. Y. , Wang, X. (2011). Financial reporting quality and investment efficiency of private firms in emerging markets. *Accounting Review*, 86 (4) , 1255–1288.
- Easley, D. and O'Hara, M. (2004). Information and the cost of capital. *Journal of Finance*, 59, 1553–1583.
- Fakhari, H. , and Rasooli, S. (2013). The study of accruals and conservatism effect on investment efficiency. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 2 (4) , 81-100. (in Persian).
- Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. M. , & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality, *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1) , 295-327.
- Hafij Ullah, M. d. , Khonadakar, J. And Fahim, S. (2014). Role of accounting information in strategic decision making in manufacturing industries in Bangladesh. *Global Journals Incorporated (USA: 14) 1 (. 0975-5853.*
- Heydarpour, F. (2011). Investigate the relationship between the accounting information quality and free cash flow with managers' over-investment. M. A Thesis in Accounting, Islamic Azad University. (in Persian).
- Jung, B. , Lee, W. J. and Weber, D. (2013). Financial reporting quality and labor investment efficiency. *Journal of Accounting Research*, 31 (4) , 1047-1076.
- Khodaei Valahzaghari, M. , and Yahyaei, M. (2010). To survey the relationship between financial reporting quality & investment efficiency in Tehran Stock Exchange. *Management Accounting: 3 (5) , 1-16. (in Persian).*
- Li, Q. Y. (2009). Accounting information quality and capital allocation efficiency: empirical evidence of Chinese listed corporations. *Nankai Business Review*, 12,) 115–124 (.
- Mahdavi, G. , Behpour, S. , & Kazemnezhad, F. (2014). Exploring the relationship between disclosure quality and the performance of Tehran Stock Exchange companies using a simultaneous equations system. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (3): 371-386. (in Persian).
- Mashayekhi; B. , and Mohammadpour, F. (2014). Financial reporting quality, debt maturity and investment efficiency. *Journal of Financial Management Strategy*, 2 (4) , 1-14. (in Persian).
- Miko, L. (1998). Accounting management information used for strategic decisions, *Journal of Information and Organizational Sciences*, 22 (1) , 52-53.
- Modarres, A. , and Hesarzadeh, R. (2008). Financial reporting quality and investment efficiency. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 1 (2) , 85-116. (in Persian).
- Myers, S. C. and Majluf, N. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Accounting and Economics*, 13, 187–221.

- Ohlson, J. (2005). On accounting-based valuation formulae. *Review of Accounting Studies*, 10 (2) , 323-347.
- Omidi, F. (2011). The effect of accruals quality on investment efficiency in firms listed in Tehran Stock Exchange. M. A Thesis in Accounting, University of Isfahan. (in Persian)
- Safar graily, M. , and Ranaei, F. (2017). Investigating the relation between financial reporting quality and investment efficiency and the role of debt maturity in such relation among the companies listed in Tehran Stock Exchange. *Asset Management & Financing*: 5 (1) ,83-98. (in Persian).
- Sagafi, A. , Blue, G. , and Mohamadian, M. (2011). The association between accounting information quality, overinvestment and free cash flow. *Accounting Advances*, 3 (2) , 37-63. (in Persian)
- Saghafi, A. , and Arab Mazar Yazdi, M. (2011). Financial reporting quality and investment inefficiency. *Financial Accounting Researches*, 2 (4) , 1-20. (in Persian).
- Trimisiu, T. (2012). Accounting information as an aid to management decision making. *International Journal of Management and Social Sciences Research*, 1 (3) ;29-30.
- Wang, F. , Zhu, Z. and Hoffmire, J. (2015). Financial reporting quality, free cash flow, and investment efficiency. The 17th SHS Web of Conferences, Available in: <http://www.shs-conferences.org>.
- Ying, Z. , and Zhengfei, L. (2006). The relationship between disclosure quality and cost of equity capital of listed companies in China. *Economic Research Journal*, 2, 69-76.
- Zareei, H. (2015). Investigating the role of financial reporting quality and debts' maturity on improving investment efficiency. M. A Thesis in Accounting, Faculty of Economic Sciences. (in Persian).
- Zhai, J. , and Wang, Y. (2016). Accounting information quality, governance efficiency and capital investment choice. *China Journal of Accounting Research*, 9 (4) , 251-266.

بررسی نقش تعدیل کننده نوع مالکیت (دولتی) بر رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکتی و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

زهرة عارف منش^{*}، کبری عموزادی ریزی^{**}

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۱۲

مقاله پژوهشی

چکیده

ساز و کارهای راهبری شرکت موضوعی است که در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش رسوایی‌های مالی، مورد توجه محققان حوزه حسابداری قرار گرفته است. این ساز و کارهای راهبری شرکت است که تعیین می‌کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره شود تا حقوق ذی‌نفعان شرکت حفظ شده و متضرر نشوند. هدف از این پژوهش بررسی ارتباط ساز و کارهای راهبری شرکت و مدیریت سود واقعی و تعهدی و همچنین بررسی نقش تعدیل کننده نوع مالکیت (دولتی یا خصوصی بودن) در رابطه ساز و کارهای کنترلی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره در قالب داده‌های ترکیبی طی دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ بهره گرفته شد. نتایج پژوهش بیانگر این مطلب می‌باشد که از بین ساز و کارهای راهبری شرکت تنها اندازه هیات مدیره تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود تعهدی و در صد اعضای غیرموظف تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود تعهدی دارد و در صد مالکیت نهادی تأثیر مثبت و معنی دار بر مدیریت سود واقعی دارد. مالکیت دولتی تأثیر مثبت و معنی داری بر مدیریت سود واقعی دارد اما بر مدیریت سود تعهدی تأثیر معناداری ندارد. همچنین در شرکت‌های دولتی اندازه هیات مدیره بر مدیریت سود واقعی تأثیر مثبت و معنی داری دارد. بعلاوه در شرکت‌های دولتی، اندازه و استقلال هیات مدیره و تمرکز مالکیت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود تعهدی و در صد سرمایه گذاران نهادی رابطه منفی و معناداری با مدیریت سود تعهدی دارند.

واژه‌های کلیدی: ساز و کارهای راهبری شرکت، مدیریت سود، نوع مالکیت.

طبقه‌بندی موضوعی: G42, M32, M41

10.22051/jera.2019.19123.1942:DOI

* استادیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران،

(zohrehrefmanesh@gmail.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول)، (kamozadi@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

جدایی مالکیت از مدیریت یکی از ویژگی‌های شرکت‌های سهامی است و به دنبال آن تضاد منافع بین سهامداران و مدیران تحت عنوان مشکل نمایندگی مطرح می‌گردد و یکی از نتایج این مشکل عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران می‌باشد.

در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران ساز و کارهای راهبری توجه زیادی را به خود معطوف نموده است و به عنوان یکی از ساز و کارهای مهم برای اداره و کنترل شرکت‌ها مطرح گردیده است. برای ساز و کارهای راهبری شرکت تعریف جامع وجود ندارد، اما هدف نهایی ساز و کارهای راهبری شرکت دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت، انصاف و رعایت حقوق ذینفعان می‌باشد. دستیابی به اهداف ذکر شده با ایجاد ساز و کارهای داخلی و خارجی میسر می‌گردد. وجود ساز و کارهای راهبری مناسب می‌تواند شرکت‌ها را در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و تشویق آن‌ها به سرمایه‌گذاری یاری رساند. یکی از نقش‌های ساز و کارهای راهبری شرکت کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران می‌باشد. ساز و کارهای راهبری شرکت زمانی مفیدتر است که مدیران از منافع سهامداران منحرف می‌شوند. مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و واقعی نمونه‌ای از این انحرافات محسوب می‌شوند. ساز و کارهای راهبری شرکت وقوع مدیریت سود را کاهش می‌دهد. طبق مطالعات انجام شده، ساز و کارهای راهبری مناسب می‌تواند باعث کاهش اقدامات فرصت طلبانه مدیران یا به عبارتی مدیریت سود می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

جدایی مالکیت از مدیریت و به دنبال آن تضاد منافع بین سهامداران و مدیریت که تحت عنوان مشکل نمایندگی مطرح می‌گردد. عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران یکی از پیامدهای این مشکل می‌باشد. ساز و کارهای راهبری شرکت یکی از مکانیزم‌هایی است که جهت کاهش مشکل نمایندگی و کاهش عدم تقارن بین سهامداران و مدیران در بازار سرمایه است.

بررسی ادبیات موجود بیانگر این مطلب است که در مورد تعریف ساز و کارهای راهبری هیچ گونه توافقی به عمل نیامده است. تعریف‌های موجود از ساز و کارهای راهبری در یک

طیف گسترده قرار دارند. دیدگاه‌های محدود، ساز و کارهای راهبری به رابطه بین سهام‌داران و شرکت محدود می‌شود که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌گردد و از سوی دیگر ساز و کارهای راهبری به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفته می‌شود که میان شرکت و مالکان و تعداد زیادی از ذینفعان مانند کارکنان، فروشندگان، مشتریان و... وجود دارد. ساز و کارهای راهبری فرایند نظارت و کنترل جهت تضمین عملکرد مدیر مطابق با منافع سهام‌داران و سایر ذینفعان می‌باشد. سازمان همکاری و توسعه (OECD) ساز و کارهای راهبری را به این صورت تعریف کرده است: مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت، هیات مدیره، سهام‌داران و سایر ذینفعان می‌باشد. ساز و کارهای راهبری هم‌چنین ساختاری فراهم می‌آورد که از طریق آن اهداف شرکت تدوین و ابزارهای دستیابی به این اهداف و هم‌چنین نحوه نظارت بر عملکرد مدیران مشخص می‌گردد (آقایی و همکاران، ۱۳۸۸). ساز و کارهای راهبری به مرور زمان به وجود می‌آید. برخی شرکت‌ها دارای ساز و کارهای قوی راهبری شرکتی مانند تعداد اعضای مستقل هیات مدیره، حضور سرمایه‌گذاران نهادی می‌باشند. (نیکو مرام، محمدزاده، ۱۳۸۹). هیات مدیره از ارکان اصلی ساز و کارهای راهبری محسوب می‌گردد. مسئولیت اصلی هیات مدیره، ایجاد ساز و کارهای راهبری کارآمد برای امور شرکت، در راستای منافع سهام‌داران و تعادل در منافع ذینفعان می‌باشد. از اعضای هیات مدیره متخصص انتظار می‌رود که در جلوگیری یا محدود کردن رفتار فرصت طلبانه مدیریت (مدیریت سود) بهتر عمل کند. بنابراین به نظر می‌رسد که اندازه بزرگتر هیات مدیره مدیریت سود را کاهش می‌دهد (آقایی، چالاک‌کی، ۱۳۸۸). مدیران غیرموظف عضو هیات مدیره نسبت به سایر اعضای هیات مزبور انگیزه قوی تری برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرایند گزارشگری مالی دارند و نظارت بهتر بر کار مدیران اجرایی بر حفظ و ارتقای شهرت کاری اعضای غیرموظف هیات مدیره کمک می‌کند. هنگامی که مدیران غیرموظف بیشتری عضو هیات مدیره هستند، سرمایه‌گذاران و سهام‌داران اطلاعات مندرج در گزارش مالی را قابل اتکاتر و احتمال دستکاری در سود یا تحریف آن از طریق دستکاری فعالیت واقعی را کمتر می‌دانند. به نظر می‌رسد حضور اعضای غیرموظف در هیات مدیره مدیریت سود را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاران نهادی به سرمایه‌گذاری بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... می‌گویند. سرمایه‌گذاران نهادی نوع دیگر از ساز و کارهای راهبری قوی به شمار می‌رود. به عبارتی دیگر می‌توان بر مدیریت شرکت اعمال نظارت نماید و در اثرچنین نظارتی بر مدیریت شرکت نتایج

اساسی بدست می آید. به طوری که منافع مدیریت و سهامداران هم سو می گردد. سهامداران بزرگ انگیزه بیشتری برای نظارت بر مدیریت دارند، زیرا هزینه های مرتبط با نظارت مدیریت کمتر از منافع مورد انتظار سهامداران بزرگ شرکت می باشد. در شرکت هایی با مالکیت متمرکز هیات مدیره و سهامداران بزرگ می توانند به عنوان ناظرینی عمل کنند که قادر به افزایش کیفیت مدیریت و نیز ارتقای سطح کارایی شرکت باشند. تمرکز مالکیت بالاتر باید موقعیت شرکت را برای تغییر سودهای حسابداری کاهش داده و سودهای معتبر را افزایش دهند. بنابراین به نظر می رسد نظارت ایجاد شده توسط تمرکز مالکیت بالا، مدیریت سود را کاهش داده و اعتبار سودهای حسابداری را بالا می برد (عرب حسینی، ۱۳۹۲). دیدگاه فوق مبتنی بر دیدگاه نظارت فعال است که سهامداران نهادی به دلیل اهمیت ثروت سرمایه گذاری شده، احتمالاً فعالانه سرمایه گذاری خود را مدیریت می کنند. در مقابل فرضیه نظارت فعال، فرضیه منافع شخصی قرار دارد. حامیان این نظریه معتقدند سرمایه گذاران نهادی جهت اهداف تجاری بیشتر تمایل به دسترسی به اطلاعات محرمانه دارند. هر چه مالکیت متمرکز می شود احتمال دسترسی سهامداران بزرگ به اطلاعات محرمانه بیشتر می شود. در چنین شرایطی سهام داران بزرگ ممکن است تمایل کمتری به تشویق مدیریت برای گزارش سود با کیفیت داشته باشند. اگر چنین امری صحت داشته باشد فرضیه منافع شخصی یک رابطه منفی بین مالکیت متمرکز و کیفیت سود و در نتیجه رابطه مثبت بین مدیریت سود و مالکیت نهادی شرکت را انتظار دارد. (ولوری و جنکینز، ۲۰۰۶)

مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیر برای گزارشگری از قضاوت شخصی خود استفاده می کنند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی شرکت و یا برای تحت تأثیر قراردادن قراردادهایی که به ارقام حسابداری بستگی دارند، انجام می دهد. سودهای حسابداری زمانی قابل اطمینان هستند که رفتار فرصت طلبانه مدیران از طریق سیستم نظارتی کنترل شود. ساز و کارهای راهبری شرکت باعث کاهش توانایی مدیریت در مدیریت سود می گردد (رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۰).

در بیان اهمیت پژوهش لازم به ذکر است که شرکت هایی که دارای ساز و کارهای راهبری قوی هستند، احتمال دستکاری سود توسط مدیریت یا به بیانی دیگر مدیریت سود کاهش یافته و باعث افزایش قابلیت اتکای گزارشات مالی و در نتیجه باعث افزایش اعتماد سرمایه گذاران

و جذب سرمایه و افزایش توسعه اقتصادی کشور می‌گردد. اهمیت این موضوع در ایران زمانی افزایش می‌یابد که در سند چشم‌انداز بیست ساله و ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل چهار و چهار قانون اساسی که از آن به عنوان یک انقلاب اقتصادی و الگویی برای توسعه اقتصادی یاد می‌شود. در این قانون به رشد و توسعه اقتصادی کشور، گسترش بازار سرمایه و فراهم آمدن سرمایه خارجی مبذول شده است. با توجه به تحقیقات انجام شده در ایران، تاکنون به بررسی نقش مالکیت دولتی بر ارتباط ساز و کارهای راهبری و مدیریت سود پرداخته نشده است و مطالعات گذشته به بررسی ارتباط ساز و کارهای راهبری و مدیریت سود در بخش خصوصی پرداخته‌اند و با توجه به اینکه شرکت‌های دولتی نیز سهم بسزایی در توسعه و رشد اقتصادی کشور برعهده دارند و بخشی از منابع مالی کشور را جهت تحقق اهداف اقتصادی صرف می‌نمایند پس این نیاز احساس می‌شود که نقش مالکیت دولتی بر ارتباط ساز و کارهای راهبری و مدیریت سود در شرکت‌های دولتی بررسی و با بخش خصوصی مقایسه گردد.

پیشینه تحقیق

ساز و کارهای راهبری شرکت ابعاد فراوانی دارد که می‌توان به اندازه هیات مدیره، درصد استقلال هیات مدیره، تمرکز مالکیت و سهام‌داران نهادی و... اشاره نمود. در تحقیقات پیشین به بررسی ارتباط برخی از ابعاد ساز و کارهای راهبری شرکت و مدیریت سود در بخش خصوصی پرداخته شده است که در ادامه برخی از این پژوهش‌ها تشریح خواهد شد. یون و کیم (۲۰۰۸) در طی مطالعاتی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا بهبود حاکمیت شرکتی می‌تواند مدیریت سود را کاهش دهد. نتایج تحقیقات نشان داد که اندازه هیات مدیره، تمرکز مالکیت و سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر معناداری و منفی بر مدیریت سود تعهدی دارد و کمیته حسابرسی تأثیری بر مدیریت سود تعهدی ندارد. دولت آبادی (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط ارزشی، مدیریت سود و ساز و کارهای راهبری شرکت را با روش رگرسیون در طی بازه زمانی ۸۹-۹۳ پرداخته است و نشان داد که مالکیت سهام‌داران نهادی باعث کاهش مدیریت سود تعهدی می‌شود لیکن سهام‌داران عمده و حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی مدیریت سود تعهدی را افزایش می‌دهد. قدرتی، فیضی (۱۳۹۴) تأثیر ساز و کارهای راهبری بر میزان مدیریت سود را بررسی نمودند و دریافتند که بین سهام‌داران نهادی و نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره و مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد. پورزمانی و همکاران

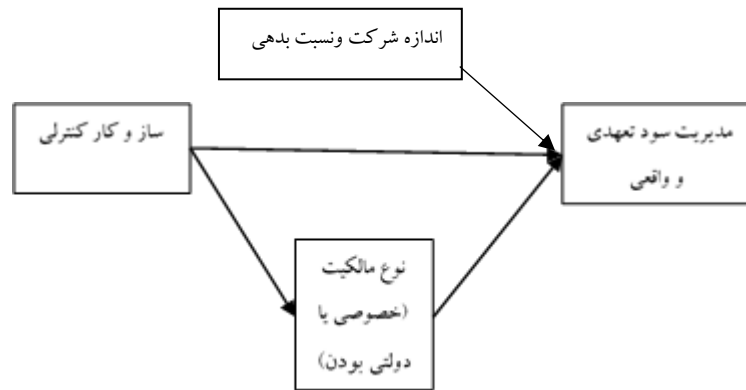
(۱۳۹۳) به بررسی تأثیر اجرای ساز و کارهای راهبری شرکت بر مدیریت سود تعهدی پرداخت و نتایج تحقیقات ایشان بیانگر این موضوع می‌باشد که با افزایش استقلال هیات مدیره مدیریت سود تعهدی کاهش می‌یابد. صفایی (۱۳۹۳) به بررسی ویژگی‌های هیات مدیره و ساز و کارهای راهبری بر مدیریت سود واقعی پرداخت و نشان داد که بین اندازه هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه منفی وجود دارد. مظفری (۱۳۹۳) رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکت و اندازه حسابرس را با کاهش مدیریت سود تعهدی بررسی نمود و بیان کرد که با افزایش تعداد اعضای هیات مدیره و اعضای غیرموظف هیات مدیره مدیریت سود تعهدی کاهش می‌یابد. عرب حسینی (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط بین برخی ساز و کارهای راهبری و مدیریت واقعی سود پرداخت و نشان داد که با افزایش اندازه هیات مدیره، اعضای غیرموظف، مدیریت سود واقعی کاهش می‌یابد و با افزایش مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت مدیریت سود واقعی کاهش می‌یابد. رودپشتی (۱۳۹۱) به بررسی ارائه الگوی سنجش ساز و کارهای راهبری بر مدیریت سود تعهدی پرداختند و نشان دادند که بین تمرکز مالکیت و نسبت اعضای غیرموظف و هیات مدیره با مدیریت سود تعهدی رابطه منفی دارد و بین سهام‌داران نهادی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت وجود دارد. نیکومرام، محمدزاده (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین ساز و کارهای راهبری و مدیریت سود پرداختند و دریافته‌اند که ساز و کارهای راهبری قوی یکی از عوامل تعیین کننده موثر بر مدیریت سود می‌باشد. شرکت‌های با ساز و کارهای راهبری قوی دارند ارقام تعهدی کمتری داشته، مدیریت سود تعهدی کاهش می‌یابد. ژیون لی و مینگ لو (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر ساز و کارهای راهبری بر شکل‌گیری مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ساز و کارهای راهبری بر مدیریت سود تعهدی اثر مثبت دارد و ساز و کارهای راهبری در بهبود شفافیت گزارشگری مالی موثر است. آبادی و حجازی (۲۰۱۶) به بررسی اثر کیفیت ساز و کارهای راهبری بر مدیریت سود تعهدی پرداختند و نشان دادند که ساز و کارهای راهبری اثر منفی بر مدیریت سود تعهدی دارد. تمامی ساز و کارهای راهبری اثر منفی بر مدیریت سود تعهدی دارد. کوکی و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر ساز و کارهای راهبری شرکت بر مدیریت سود تعهدی پرداخته و نشان دادند که وجود کمیته حسابرسی مستقل، عدم وجود دوگانگی وظیفه مدیر عامل، مدیریت سود تعهدی را کاهش می‌دهد. رهنمای رودپشتی، نبوی (۲۰۱۱) به بررسی اثر مکانیزم‌های راهبری بر مدیریت سود تعهدی پرداختند و دریافته‌اند که

تمرکز مالکیت تأثیر منفی بر روی مدیریت سود دارد و انتصاب مدیرانی مستقل از شرکت به هیات مدیره باعث بهبود ساز و کارهای راهبری می‌شود.

با توجه به اینکه دولت‌ها مالکیت شرکتهای بزرگ را بر عهده دارند و با امتیازاتی که به شرکت‌های دولتی اعطا شده است مدیران انگیزه بیشتری در جهت منافع شخصی خود دارند. مشکلات مختلف نمایندگی از تسلط دولت بر شرکت‌ها نشأت می‌گیرد زیرا ساز و کارهای راهبری شرکت‌ها در شرکت‌های دولتی ضعیف است و مدیران روش‌های مختلفی را بکار می‌برند تا موقعیت سیاسی و پاداش شخصی خود را افزایش دهند. فرث (۲۰۰۷) بیان می‌دارد که ارتباط مثبت میان مالکیت دولتی و مدیریت سود وجود دارد و این شواهد احتمالاً به علت ساز و کارهای راهبری ضعیف در شرکت‌ها باشد، زیرا جایی که دولت به عنوان سهام‌دار عمده قدرت بیشتری برای تسلط بر اعضای هیئت مدیره دارد. تضاد نمایندگی و مقررات متناقض بازار فرصت‌هایی ایجاد می‌کند که مدیران دست به دستکاری سود بزنند. اگرچه عموماً این باور وجود دارد که شرکت‌های دولتی بر نظارت بر مدیران موثر نیستند که مطالعات تجربی خلاف آن را بیان می‌دارد. وانگ و یانگ (۲۰۱۱) اثر مالکیت دولتی را در شرکت‌های چینی بررسی نمودند و دریافتند که شرکت‌هایی با درصد بالای مالکیت دولتی گرایش بیشتری دارند تا از اعمال مدیریت سود جلوگیری نمایند. کبر و همکاران (۲۰۱۶) تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در کشور ویتنام در طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۰ را بررسی نمودند و دریافتند که درصد بالای مالکیت دولتی اثر منفی بر مدیریت سود دارد و مالکیت دولتی مدیریت سود تعهدی را کاهش می‌دهد. مهدوی، تقوی (۱۳۹۴) با استفاده از مدل‌های رگرسیون تحقیقات سانچز بالستا (۲۰۰۷) و خولیو گریو (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین ساز و کارهای راهبری، ساختار مالکیت بر مدیریت سود پرداخت و نشان داد که تفکیک وظایف مدیر عامل از هیئت مدیره موجب روشن شدن مسئولیت پاسخگویی و رفع ابهامات در زمینه وظایف این دو نهاد می‌گردد و در ضمن مدیر عامل مستقل می‌تواند نقش مؤثری در حاکمیت مناسب شرکت‌ها داشته باشد و همچنین بیان کردند که ساز و کارهای راهبری باعث کاهش مدیریت سود می‌گردد و با افزایش مالکیت دولتی مدیریت سود افزایش می‌یابد و با افزایش درصد مالکیت نهادی در شرکت‌های دولتی مدیریت سود کاهش می‌یابد.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مطالعات اکتشافی و بررسی پیشینه پژوهش که در قسمت‌های قبل بیان شد، مدل مفهومی زیر که مبنای تدوین فرضیه‌های پژوهش قرار گرفته به شرح شکل (۱) است:



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

همانگونه که بیان شد، هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر ساز و کارهای راهبری شرکت بر مدیریت سود و نقش تعدیل کننده مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در راستای این هدف و مدل مفهومی پژوهش چهار فرضیه تدوین می‌گردد که به شرح زیر می‌باشد.

(۱) ساز و کارهای راهبری شرکت بر میزان مدیریت سود واقعی تأثیر معناداری دارد.

(۲) ساز و کارهای راهبری شرکت بر میزان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تأثیر معناداری دارد.

(۳) نوع مالکیت شرکت (دولتی یا خصوصی بودن شرکت) بر رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکت و مدیریت سود واقعی تأثیر معناداری دارد.

(۴) نوع مالکیت شرکت (دولتی یا خصوصی بودن شرکت) بر رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکت و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تأثیر معناداری دارد.

روش تحقیق

جهت جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش از روش‌هایی همچون مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به سایت‌های اینترنتی مانند سایت بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ می‌باشند و شرکت‌هایی انتخاب شده‌اند که سال مالی آن‌ها به ۲۹ اسفندماه ختم می‌شود و طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ تغییر سال مالی نداشته باشند و شرکت‌ها تا پایان سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ از بورس خارج نشده باشند و اطلاعات مالی مورد نیاز آن‌ها در دسترس باشد. با توجه به هدف اصلی این پژوهش شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه‌ای، بانکها، هلدینگ‌ها با توجه به متفاوت بودن نوع فعالیت و صورت‌های مالی آن‌ها از جامعه آماری حذف شده‌اند با حذف مشاهدات پرت حجم نمونه تصادفی معادل ۷۰ شرکت برآورد گردید. که در نهایت نمونه این پژوهش ۴۹۰ سال - شرکت تشکیل شده است که از این تعداد ۸۴ سال - شرکت‌های دولتی است که سهم مالکیت دولت در آن‌ها بیش از ۵۰٪ می‌باشد.

مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش و تعریف متغیرها

با استفاده از مبانی نظری موضوع در این تحقیق جهت بررسی ارتباط میان ساز و کارهای راهبری شرکت و مدیریت سود (واقعی، تعهدی) از مدل رگرسیون چند متغیره در قالب داده‌های ترکیبی به شرح مدل (۱) استفاده می‌شود.

$$REM = \alpha + \beta_1 \text{Sizedirect} + \beta_2 \text{Outdirect} + \beta_3 \text{Institutionalowner} + \beta_4 \text{ownerconcern} + \beta_5 \text{size} + \beta_6 \text{debt} + \varepsilon \quad \text{مدل (۱)}$$

جهت آزمون فرضیه دوم از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره در قالب داده‌های ترکیبی به شرح مدل (۲) استفاده می‌شود.

$$AEM = \alpha + \beta_1 \text{Sizedirect} + \beta_2 \text{Outdirect} + \beta_3 \text{Institutionalowner} + \beta_4 \text{ownerconcern} + \beta_5 \text{size} + \beta_6 \text{debt} + \varepsilon \quad \text{مدل (۲)}$$

جهت آزمون فرضیه سه از تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون و به شرح مدل (۳) استفاده خواهد شد.

$$REM = \alpha + \beta_1 \text{Sizedirect} + \beta_2 \text{ outdirect} + \beta_3 \text{ institutionalowner} + \beta_4 \text{ ownerconcern} + \gamma * G + \delta_1 * (\text{Sizedirect} * G) + \delta_2 * (\text{outdirect} * G) + \delta_3 * (\text{institutionalowner} * G) + \delta_4 * (\text{ownerconcern} * G) + \beta_5 \text{ size} + \beta_6 \text{ debt} + \varepsilon$$

مدل (۳)

جهت آزمون فرضیه چهارم از تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون به شرح مدل (۴) استفاده خواهد شد.

$$AEM = \alpha + \beta_1 \text{Sizedirect} + \beta_2 \text{ outdirect} + \beta_3 \text{ institutionalowner} + \beta_4 \text{ ownerconcern} + \gamma * G + \delta_1 * (\text{Sizedirect} * G) + \delta_2 * (\text{outdirect} * G) + \delta_3 * (\text{institutionalowner} * G) + \delta_4 * (\text{ownerconcern} * G) + \beta_5 \text{ size} + \beta_6 \text{ debt} + \varepsilon$$

مدل (۴)

متغیرهای مستقل

اندازه هیات مدیره (sizedirect): این متغیر براساس تعداد اعضای هیات مدیره محاسبه می شود. درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره (outdirect): این معیار بیانگر استقلال هیات مدیره می باشد. درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره از نسبت اعضای غیرموظف (مستقل) هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره بدست می آید. مالکیت نهادی (institutionalowner): برابر درصد سهام نگهداری شده توسط بانک ها و بیمه ها، هلدینگ ها، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق بازنشستگی، تأمین سرمایه، صندوق های سرمایه گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت های دولتی، سازمان های دولتی، نهادهای عمومی و دولتی می باشد. تمرکز مالکیت (ownerconcent): درصد سهام عادی که توسط ۵ سرمایه گذار بزرگ نگهداری می شود.

متغیرهای وابسته

REM: مدیریت سود واقعی

برای تخمین درجه مدیریت سود واقعی از مدل کوهن و زاروین (۲۰۱۰) استفاده شده است. در این مطالعه مدیریت سود واقعی بوسیله مقدار کاهش در مخارج اختیاری شامل هزینه های فروش، عمومی و اداری، تحقیق و توسعه و تبلیغات اندازه گیری می شود. مخارج اختیاری غیر

عادی بوسیله انحراف معادله زیر تخمین زده می‌شود. نسبت بین DISX و مقدار دارایی‌ها با عنوان REM_DISX مشخص شده است.

$$\frac{DISX}{Assets} = k_1 \frac{1}{Assets} + k_2 \frac{Sales}{Assets} + \epsilon_{i,t}$$

که در معادله بالا:

DISX_{i,t}: مقدار مخارج اختیاری (مجموع هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، تحقیق و توسعه و تبلیغات) در سال t

Assets_{i,t}: کل دارایی‌ها برای شرکت i در سال t-

Sales_{i,t}: کل درآمد فروش برای شرکت i در سال t-

$\epsilon_{i,t}$ = جمله باقیمانده برای شرکت i در سال t

سطح غیر عادی مخارج اختیاری با تخمین باقیمانده رگرسیون اندازه گیری می‌شود. باقیمانده را در عدد ۱- ضرب نموده (REM_DISX) ارزش بالاتر نشان دهنده مقدار بیشتر مخارج اختیاری حذف شده توسط شرکت بمنظور افزایش سود گزارش شده می‌باشد (زنک ۲۰۱۲)

AEM: مدیریت سود تعهدی

مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

به منظور اندازه گیری مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است. (جونز ۱۹۹۱، دکو و همکاران ۱۹۹۵، سیرامنیم ۱۹۹۶)

برای تعیین ارزش تعهدی‌های اختیاری (DACC) مراحل زیر به ترتیب طی شده است:

$$TAA_{i,t} = ONI_{i,t} - OCF_{i,t}$$

که در معادله بالا

TAA_{i,t} = ارزش قطعی کل تعهدی‌ها برای شرکت i در سال t

ONI_{i,t} = سود خالص حاصل از عملیات برای شرکت i در سال t

OCF_{i,t} = جریان نقدی حاصل از عملیات برای شرکت i در سال t می‌باشد.

سپس نسبت ارزش قطعی کل تعهدی‌ها برای شرکت i در سال t ($TAA_{i,t}$) و کل دارایی‌ها برای شرکت i در سال $t-1$ (A_{t-1}) محاسبه می‌شود:

$$\frac{TAA}{A} = a_{1t} \frac{1}{A} + a_{2t} \frac{Sales-REC}{A} + a_{3t} \frac{PPE}{A} + \epsilon_{it}$$

در معادله بالا:

$Sales_{i,t}$ = تغییرات در درآمد فروش برای شرکت i در سال t

$REC_{i,t}$ = تغییرات در حسابهای دریافتی برای شرکت i در سال t

$PPE_{i,t}$ = ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات برای شرکت i در سال t

$\epsilon_{i,t}$ = جمله باقیمانده برای شرکت i در سال t

سپس برای محاسبه تعهدی‌های غیر اختیاری از معادله زیر استفاده نمودیم:

$$NDACC_{i,t} = a_{1t} \frac{1}{A} + a_{2t} \frac{Sales-REC}{A} + a_{3t} \frac{PPE}{A}$$

برای بدست آوردن $DACC$ برای شرکت i در سال t به طریق زیر عمل می‌کنیم:

$$DACC_{i,t} = \frac{TAA}{A} NDACC_{i,t}$$

متغیر تعدیل کننده

نوع مالکیت: (G) طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور شرکت دولتی واحد سازمانی می‌باشد که با اجازه قانون تشکیل شده و بیش از ۵۰٪ سهام آن به طور مستقیم و یا غیرمستقیم متعلق به دولت باشد. G یک متغیر ساختگی است که اگر شرکتی بیش از ۵۰٪ سهام آن متعلق به دولت باشد کد ۱ و در غیر این صورت از کد صفر استفاده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت ($size$): لگاریتم کل فروش شرکت. نسبت بدهی ($debt$): تقسیم مجموع بدهی‌ها (کوتاه مدت، بلند مدت) بر میانگین دارایی‌ها.

تجزیه و تحلیل مدل‌های پژوهش

از داده‌های ترکیبی جهت تجربه و تحلیل داده‌های ترکیبی استفاده شده است. بدین ترتیب در طول زمان چندین شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در داده‌های ترکیبی ابتدا باید از آزمون F لیمر جهت انتخاب دو روش پانل و تلفیقی استفاده شود. رد فرضیه صفر بیانگر معنادار بودن اثرات ثابت و استفاده از روش اثرات ثابت می‌باشد. در مرحله بعدی از آزمون ها سمن جهت تصمیم‌گیری در مورد استفاده از اثرات ثابت و تصادفی استفاده می‌شود. اگر فرضیه صفر در آزمون هاسمن قابل رد کردن نباشد، از روش تصادفی استفاده می‌شود.

آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است در نگاره شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه، انحراف معیار و... آورده شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	مینیم	ماکزیمم
دولتی/خصوصی	۴۹۰	۰/۰۵	۰/۰	۰/۲	۰	۱
اندازه هیئت مدیره	۴۹۰	۵/۱۹	۵/۰۹	۰/۴۵	۴/۹	۷/۸
درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۴۹۰	۰/۷	۰/۶۹	۰/۱۷۹	۰	۱
سهام‌داران نهادی	۴۹۰	۰/۶	۰/۶۸	۰/۲۳	۰	۱
تمرکز مالکیت	۴۹۰	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۱۵۶	۰/۲۸	۱
اندازه شرکت	۴۹۰	۱۲/۲۱	۱۲/۱۱	۰/۷۴	۱۰/۳	۱۴/۰۳
نسبت بدهی	۴۹۰	۰/۵۹	۰/۶۲	۰/۱۹	۰/۱	۰/۹۵
مدیریت سود واقعی	۴۹۰	۰/۰۰۱	۰/۰	۰/۲	-۰/۰۸	۰/۰۸
مدیریت سود تعهدی	۴۹۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۱	۰/۱۹	-۰/۴	۱/۱۸

با نگاهی به نگاره (۱)، می توان دریافت که در بین متغیرها، اندازه شرکت با مقدار ۱۲/۲۱ دارای بالاترین میانگین و مدیریت سود واقعی با مقدار ۰/۰۰۱ دارای کمترین میانگین می باشد. هم چنین اندازه شرکت با مقدار ۰/۷۴ از انحراف معیار و دامنه گسترده تری بیشتری برخوردار است، که نشان دهنده این موضوع است که اندازه شرکت اکثر شرکت ها از میانگین، فاصله زیادی دارد و مدیریت سود واقعی با مقدار ۰/۰۲ از انحراف معیار و دامنه گسترده تری کمتری برخوردار است.

نتایج آزمون فرضیه ها

نتایج آزمون فرضیه های ۱ و ۲:

با توجه به نگاره (۲) نتایج ناشی از مدل اول جهت آزمون فرضیه اول تحقیق حاکی از این مطلب است که در بین ساز و کارهای راهبری شرکت تنها مالکیت نهادی اثر مثبت و معناداری بر مدیریت سود واقعی دارد. با توجه به ادبیات تحقیق، تحقیق صفایی (۱۳۹۳) با عنوان بررسی ویژگی های هیات مدیره و مکانیزم های حاکمیت شرکتی اذعان داشت که بین اندازه هیات مدیره و مدیریت سود واقعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که با مطابق با نتایج تحقیق حاضر نیست. همچنین تحقیق عرب حسینی (۱۳۹۲) با عنوان بررسی ارتباط برخی مکانیزم های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود واقعی نتیجه این تحقیق نشان داد که بین اندازه هیات مدیره، اعضای غیرموظف، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت رابطه منفی و معناداری وجود دارد که موید نتایج این تحقیق نمی باشد. نتایج این فرضیه تایید کننده دیدگاه فرضیه منافع شخصی است که رابطه مثبتی بین مدیریت سود و مالکیت نهادی را انتظار دارد و در قسمت مبانی نظری مفصل در مورد این دیدگاه و دیدگاه مقابل آن توضیح داده شده است. همچنین ادبیات تحقیق انجام شده در این زمینه بیانگر این مطلب است که زمانی که در صد مالکیت مالکیت نهادی بالا باشد، مالکیت آن ها بر روی مدیریت سود موثر خواهد بود و نسبت های مالکیت پایین سرمایه گذاران نهادی (که همانند سرمایه گذاران خرد جلوه می نمایند) نمی توانند بر روی تصمیمات مدیریتی اعمال نفوذ موثری نمایند.

نگاره (۲): نتایج آزمون فرضیه های یک و دو

size ownerconcern+ β_7 Institutionalowner+ β_8 Outdirect+ β_9 Sizedirect+ β_{10} REM= $\alpha+\beta$ (۱) debt + ϵ + β						
size ownerconcern+ β_7 Institutionalowner+ β_8 Outdirect+ β_9 Sizedirect+ β_{10} AEM= $\alpha+\beta$ (۲) debt + ϵ + β						
بخش الف: نتایج آزمون F لیمر (چاو)، هاسمن و ناهمسانی واریانس						
آزمون فرضیه دو (مدل ۲)			آزمون فرضیه یک (مدل ۱)			
نتیجه آزمون	p-value	آماره	نتیجه آزمون	p-value	آماره	
تلفیقی	۰/۵۲	۰/۹۹	پانل	۰/۰۰۰۶	۲/۲۷	آزمون F لیمر
			ثابت	۰۰/۰	۲۵/۱۵	آزمون هاسمن
بخش ب: نتایج برازش مدل جهت آزمون فرضیه های یک و دو						
مدل (۲)			مدل (۱)			
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	متغیرهای توضیحی
۰/۳۵	۰/۹۸	۰/۶۱	۰/۲۴	-۱/۲۲	-۲/۷۶	عرض از مبدا
۰/۰۰۳	-۳/۰۶	-۰/۲۷	۰/۴۸	-۰/۷۴	-۰/۱۸	SIZEDIRECT
۰/۰۰۶	۲/۹	۰/۵۸	۰/۱۸	۱/۳۸	۰/۴۹	OUTDIRECT
۰/۴۹	۰/۷۲	۰/۰۹	۰/۰۵	۱/۹۳	۰/۶۸	INSTITUTIONALOWNER
۰/۳۷	۰/۹۲	۰/۲۵	۰/۸۳	-۰/۲۳	-۰/۲۴	OWNERCONCENT
۰/۹۵	۰/۰۸	۰/۰۰۴	۰/۶	۰/۵۶	۰/۱۷	SIZE
۰/۰۴	۲/۱۴	۰/۴۳	۰/۹	۰/۱۶	۰/۰۹	DEBT
۰/۳۵		۰/۵۵		R تعدیل شده		
۱/۸۶		۲/۴۴		دوربین واتسون		
۴/۰۲		۲/۱		آماره F		

نتایج مدل دوم جهت آزمون فرضیه دوم تحقیق نشان داد که بین اندازه هیات مدیره و مدیریت سود تعهدی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین درصد اعضای غیرموظف و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه به پیشینه تحقیق، تحقیق مظفری (۱۳۹۳) با عنوان رابطه بین نظام راهبری شرکت با مدیریت سود تعهدی که بیان نمود که بین اندازه هیات مدیره و مدیریت سود تعهدی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که مطابق

با نتایج این تحقیق است. همچنین نتایج فرضیه دوم تحقیق با تحقیق رودپشتی (۱۳۹۱) با عنوان بررسی ارائه الگوی سنجش مکانیزم حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود تعهدی پرداخت که نشان می‌دهد بین اندازه هیات مدیره و مدیریت سود تعهدی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین سهام‌داران نهادی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، سازگار است. همچنین می‌توان به نتایج تحقیق ژیون لی و مینگ لو (۲۰۱۶) با عنوان بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر شکل‌گیری مدیریت سود تعهدی اشاره نمود که اذعان نمود حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود تعهدی اثر مثبت و معناداری وجود دارد که موید نتایج تحقیق حاضر نمی‌باشد. همچنین نتایج ناشی از مدل دوم با تحقیق آبادی و حجازی (۲۰۱۶) با عنوان بررسی اثر کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود که نشان داد که تمام مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی اثر منفی بر مدیریت سود تعهدی دارند که مطابق با نتایج این تحقیق نمی‌باشد. در تفسیر نتیجه این فرضیه باید به این نکته توجه داشت که آیا در کشور ما مدیران غیرموظف به ایفای نقش نظارتی می‌پردازند یا نه. زیرا که اگر مدیران غیرموظف صرفاً در تصمیم‌گیری‌ها دخالت نموده و از نقش نظارتی غافل شوند عملاً اثربخشی آن‌ها کاهش خواهد یافت. در این تحقیق مدیرانی که در شرکت سمت اجرایی ندارند و به عنوان مدیر غیرموظف تعریف شدند و فرض گردید که مستقل از شرکت هستند، در حالیکه ظاهراً مستقل از شرکت بوده، لیکن عملاً مستقل از شرکت نمی‌باشند و به شرکت وابستگی داشته باشند.

نتایج آزمون فرضیه سه و چهار

با توجه به نگاره (۳) مالکیت دولتی تأثیر مثبتی بر مدیریت سود واقعی دارد. به عبارت دیگر با افزایش مالکیت دولتی مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد همچنین اندازه هیات مدیره در شرکت‌های دولتی رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود واقعی دارد و مالکیت دولتی بر تأثیر سایر متغیرهای راهبری شرکتی بر مدیریت سود واقعی تأثیر معناداری ندارد. بنابراین فرضیه سوم رد می‌شود. براساس بررسی‌های نگارندگان تاکنون پژوهشی در این خصوص انجام نگرفته است. با توجه به شرایط ایران می‌توان دلایل نتایج بدست آمده را اینگونه توجیه کرد. شاید یکی از دلایل آن ساز و کارهای راهبری ضعیف و ناکارآمد و عدم وجود قوانین مناسب جهت نظارت بر مدیران بخش دولتی باشد. همچنین وابستگی سیاسی مدیران و توان تأثیر گذاری شرکت‌های دولتی و انحصاری کردن برخی محصولات باشد.

نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه‌های سه و چهار

$REM = \alpha + \beta_1 \text{Sizedirect} + \beta_2 \text{outdirect} + \beta_3 \text{institutionalowner} + \beta_4 \text{ownerconcern} + \gamma * G + \delta_1 * (\text{Sizedirect} * G) + \delta_2 * (\text{outdirect} * G) + \delta_3 * (\text{institutionalowner} * G) + \delta_4 * (\text{ownerconcern} * G) + \beta_5 \text{size} + \beta_6 \text{debt} + \varepsilon \quad (۳)$						
$AEM = \alpha + \beta_1 \text{Sizedirect} + \beta_2 \text{outdirect} + \beta_3 \text{institutionalowner} + \beta_4 \text{ownerconcern} + \gamma * G + \delta_1 * (\text{Sizedirect} * G) + \delta_2 * (\text{outdirect} * G) + \delta_3 * (\text{institutionalowner} * G) + \delta_4 * (\text{ownerconcern} * G) + \beta_5 \text{size} + \beta_6 \text{debt} + \varepsilon \quad (۴)$						
بخش الف: نتایج آزمون F لیمر (چاو)، هاسمن						
آزمون فرضیه چهار (مدل ۴)			آزمون فرضیه سه (مدل ۳)			
نتیجه آزمون	p-value	آماره	نتیجه آزمون	p-value	آماره	
تلفیقی	۰/۵۳	۰/۹۷	پانل	۰/۰۰۱	۲/۱۹	آزمون F لیمر
			تصادفی	۱	۰/۰	آزمون هاسمن
بخش ب: نتایج برازش مدل جهت آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم						
مدل (۴)			مدل (۳)			
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	متغیرهای توضیحی
۰/۴	-۰/۸۶	-۰/۵۵	۰/۳	-۱/۰۷	-۲/۴	عرض از مبدا
۰/۰۰۳	-۳/۰۶	-۰/۲۶	۰/۵	-۰/۷۳	-۰/۱۸	SIZEDIRECT
۰/۰۰۵	۳	۰/۵۸	۰/۱۶	۱/۴۶	۰/۵۴	OUTDIRECT
۰/۴۵	۰/۸	۰/۰۹۶	۰/۰۶	۱/۹۴	۰/۶۸	INSTITUTIONALOWNER
۰/۲۶	۱/۱۹	۰/۳۴	۰/۹۷	۰/۰۶	۰/۰۶	OWNERCONCENT
۰/۳۲	۱/۰۳	۲/۱۶	۰/۰	۴/۵	۰/۰۶	نوع مالکیت G
۰/۰	۲/۹۳	۱/۱۴	۰/۰	۳/۸	۰/۰۸	G* SIZEDIRECT
۰/۰	۳/۰۱	۱/۵	۰/۷۶	-۰/۳۵	-۰/۵	G* OUTDIRECT
۰/۰	-۲/۹	-۱/۳۹	۰/۶۴	۰/۵	۴/۵	G* INSTITUTIONALOWNER
۰/۰	۳	۲/۸۲	۰/۱۵	-۱/۶	-۱۳	G* OWNERCONCENT
۰/۷۵	-۰/۳۷	-۰/۰۲	۰/۸	۰/۳	۰/۰۹	SIZE
۰/۰۵۸	۱/۹۶	۰/۴	۰/۵۷	۰/۶	۰/۳۵	DEBT
۰/۳۳			۰/۶۲			۲R تعدیل شده
۱/۹			۲/۴۴			دوربین واتسون
۳/۲۲			۲/۰۵			F آماره

با توجه به نگاره شماره (۳) بین درصد مالکیت دولتی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد. اما در شرکت‌های دولتی اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، تمرکز مالکیت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود تعهدی دارند و درصد مالکیت نهادی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود تعهدی دارد. یعنی این که با افزایش درصد مالکیت نهادی، مدیریت سود تعهدی کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌گردد که با نتایج پژوهش مهدوی، تقوی (۱۳۹۴) همسو می‌باشد و نتایج آزمون فرضیه چهارم با نتایج مطالعات وانگ و یانگ (۲۰۱۱) که اثر مالکیت دولتی را در شرکت‌های چینی بررسی نمودند و دریافتند که شرکت‌هایی با درصد بالای مالکیت دولتی گرایش بیشتری دارند تا از اعمال مدیریت سود جلوگیری نمایند سازگار نیست. کبر و همکاران (۲۰۱۶) تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در کشور ویتنام در طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۰ را بررسی نمودند و دریافتند که درصد بالای مالکیت دولتی اثر منفی بر مدیریت سود دارد و مالکیت دولتی مدیریت سود تعهدی را کاهش می‌دهد. که نتایج پژوهش یاد شده نتایج تحقیق حاضر را تأیید نمی‌کند. دلیل نتایج بدست آمده از آزمون فرضیات را می‌توان این چنین بیان کرد، در شرکت‌های دولتی، سیاست‌های دولتی باعث می‌شود که انتخاب مدیران دولتی بیش از آنکه تابع اهداف و منافع شرکت‌های دولتی باشد، تابع اهداف جناح‌های حاکم در آن باشد. اگرچه دولت در نقش نماینده مردم مالکیت شرکت‌های دولتی را بر عهده دارد در واقع این جناح‌های قدرت هستند که در شرکت‌های دولتی اهداف خود را دنبال می‌کنند و با توجه به اینکه مدیریت و مالکیت در شرکت‌های دولتی تفکیک ناپذیر هستند و ساز و کارهای راهبری شرکت ضعیف و ناقص هستند. اگرچه سهام‌داران نهادی بتوانند با نظارت مدیریت سود تعهدی را کاهش دهند ولی قدرت مدیران و وابستگی سیاسی اعضای هیات مدیره نظارت سهام‌داران نهادی را خنثی می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شرکت‌های سهامی، تفکیک مالکیت از مدیریت و تضاد بالقوه بین سهام‌داران و مدیران تحت عنوان مشکل نمایندگی می‌باشد. عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهام‌داران یکی از نتایج این مشکل می‌باشد. ساز و کارهای راهبری شرکت در بلندمدت حیات بنگاه‌های اقتصادی را مورد توجه قرارداده و از منافع سهام‌داران در مقابل

مدیریت حفاظت می‌کند. مدیران شرکت‌ها جهت حفظ منافع خود سود شرکت را دستکاری کرده و به عبارتی دیگر از مدیریت سود استفاده می‌کنند. ساز و کارهای راهبری شرکت با استفاده از مکانیسم‌های خود در جهت حقوق ذینفعان، بر مدیران شرکت نظارت می‌کند و این باعث کاهش مدیریت سود در شرکت‌ها می‌گردد. هدف اصلی این پژوهش، پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا بین درصد مالکیت (دولتی، خصوصی) در ساز و کارهای راهبری و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش بیان‌گر این مطلب می‌باشد که مالکیت دولتی تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود واقعی دارد اما بر مدیریت سود تعهدی تأثیر معناداری ندارد. همچنین مالکیت دولتی بر رابطه اندازه هیأت-مدیره بر مدیریت سود واقعی تأثیر مثبت و معناداری دارد. یعنی در شرکت‌های دولتی، با افزایش اندازه هیأت مدیره میزان مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد. مالکیت دولتی بر مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری ندارد. اما در شرکت‌های دولتی، استقلال هیأت مدیره و تمرکز مالکیت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود تعهدی و درصد سرمایه‌گذاران نهادی رابطه منفی و معناداری با مدیریت سود تعهدی دارد.

این پژوهش نیز همانند پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌هایی روبرو بوده است از جمله:

(۱) با توجه به این که در این پژوهش شرکت‌هایی به عنوان شرکت دولتی انتخاب شدند که در صد مالکیت دولت در آن‌ها بیش از پنجاه درصد می‌باشد. لذا تعداد محدود شرکت دولتی در این محدوده قرار داشتند.

(۲) جهت تفکیک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صنایع در برخی از صنایع، شرکت دولتی جهت مقایسه با شرکت‌های خصوصی وجود نداشت

(۳) پیا توجه به محدود بودن جامعه آماری و محدودیت‌های نمونه‌گیری نمی‌توان نتایج این پژوهش را به سایر شرکت‌ها تعمیم داد.

بر اساس نتایج پژوهش مبنی بر این که بین درصد مالکیت نهادی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های دولتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شرکت‌هایی را انتخاب نمایند که میزان مالکیت نهادی بیشتری دارند.

با توجه به این مطلب که در این پژوهش شرکت‌هایی به عنوان شرکت‌های دولتی انتخاب شدند که درصد مالکیت دولتی بیش از پنجاه درصد می‌باشد با توجه به این که ممکن است درصد مالکیت دولت کمتر از پنجاه درصد باشد. ولی جزء سهام‌داران عمده شرکت محسوب شده و بتواند بر عملکرد شرکت کنترل و نظارت داشته باشد. لذا به محققان پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آتی شرکت‌هایی را به عنوان نمونه انتخاب نمایند که درصد مالکیت دولت متفاوت از رقم ذکر شده باشد.

منابع

- آقایی، محمدعلی، چالاک، پری (۱۳۸۸). بررسی ارتباط مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله تحقیقات حسابداری: ۴(۱)، ۷۷-۵۴.
- انصاری، عبدالمهدی، دری سده، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی دستکاری فعالیت‌های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین کنفرانس ملی حسابداری ایران.
- باباجانی، جعفر، عبدی، مجید (۱۳۸۹). ارتباط بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری و مالی، ۲(۳)، ۶۵-۸۶.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۵). تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود واقعی و کیفیت حسابرسی. مجله تحقیقات تجربی حسابداری: ۵(۲۰)، ۲۳-۴۵.
- دولت آبادی، رضا (۱۳۹۵). ارتباط ارزشی، مدیریت سود و نظام راهبری شرکت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار.
- رودپشتی، فریدون (۱۳۹۱). ارایه مدل برای ارزیابی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری، مدیریت: (۵)، (۱۲)، ۷۹-۱۰.
- قدرتی، حسن، فیضی، سعید (۱۳۹۴). تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری: ۱۴(۵۸)، ۲۰۳-۲۰۵.
- صفایی، نرجس (۱۳۹۳). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- عرب حسینی، سعید (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود واقعی. یازدهمین کنفرانس ملی حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد.

- مظفری، حبیب. آزاد، حامد (۹۳). رابطه نظام راهبری شرکت و اندازه حسابرس با کاهش مدیریت سود. دومین همایش ملی رویکردی بر حسابداری، مدیریت و اقتصاد.
- مشایخی، بیتا. حسین پور، امیرحسین (۹۴). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی: ۱۳ (۴۹)، ۲۹-۵۱.
- مهدوی، سهیلا. تقوی، زهره (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۸.
- مهام، کیهان. صباح بک، مهدی (۱۳۹۵). رابطه مدیریت سود عملکرد جاری و عملکرد آتی با امنیت شغلی مدیر عامل. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸ (۲۹)، ۱۹-۳۸.
- نیکومرام، هاشم. محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۸۹). رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود. مجله مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت): ۴ (۱۵)، ۱۸۷-۲۰۹.
- Aghaie, M. A. Chalaki, P. (2008). Investigating the Relationship between Corporate Governance Features and Earnings Management in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research: 4 (1) 54-77. (In Persian).*
- Ansari, A. Dari Sadeh, M. (2012). The Effect of Manipulating Actual Activities on Accrual Earning Management in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. 11th of the National Accounting Conference of Iran. (In Persian).
- Arab Hosseini, S. (2012). Investigating the Relationship Between Certain Mechanisms of Corporate Governance and Real Earning Management. 11th National Accounting Conference of Iran, Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian).
- Babajani, J. Abdi, M. (2010). The Relationship Between Corporate Governance and Income Taxes of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Finance: 3 (1) ,65-86. (In Persian).*
- Dolatabadi, R (2015). Value-added value, Earning management and company's corporate governance system. Graduate Degree at the Islamic Azad University of Sabzevar. (In Persian).
- Firth, M. P. Fung, J. Rui. O. M (2007). Ownership, two-tier board structure, and the informativeness of earnings: Evidence from China, *Journal of Accounting and public policy: 26 (4) ,463-496.*
- Ghodrati, H. Faizi, S. (2014). The Effect of Corporate Governance on the Level of Earnings Management in Companies Accepted in Tehran

- Stock Exchange. Journal of Audit Knowledge: 14, 203-205. (In Persian).
- Hasas,yeganeh, Y. (2015). Effect of corporate governance on real Earning management and audit quality. Journal of empirical accounting research, : 5 (20) ,23-45. (In Persian).
- Kim,H. Yoon,S. (2008). The impact of corporate governance on earning management in Korea. Malaysian accounting review: 7 (1). 43-59.
- Mozafari, H. Azad, H. (2013). The Relationship Company's Corporate Governance System and Auditor's Size with Reducing Earnings Managemen. 2th National Conference of Approach to Accounting. Management, & Economics (In Persian).
- Mashayekhi, B. Hossinpour,A. (2014). The Relationship between Real Earning Management and Accruals Management in Suspected Companies to Fraud Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. Journal of Empirical Financial Accounting, Thirteenth: (49). 29-51. (In Persian).
- Mahdavi, S. Taghavi, Z. (2014). Investigating the Relationship Between Corporate Governance and Property Structure with Earning Management in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. Accounting and Audit Research Journal: (28). (In Persian).
- Maham,K. Sabah Bek, M. (2015). The Relationship Between Earnings Management and Future Performance with Managerial Occupational Safety. Journal of Financial Accounting and Auditing: 8 (29) ,19-38. (In Persian).
- Nicomaram, H. Mohammadzadeh Soltah, H. (2009). The Relationship between Corporate Governance and Earnings Management.. Journal of Efficiency Management (Beyond Management): 4 (15) ,187-209. (In Persian).
- Pourzamani, Zahra. Abdollahiyan, Javad (2013). The Impact of Corporate Governance of Tehran Stock Exchange on Earning Management. , Journal of Accounting,Management 7 (20) 1-10. (In Persian).
- Roodushti, F. (2011). Presentation of a model for assessing the impact of corporate governance mechanisms on the Earning management of companies admitted to Tehran Stock Exchange. Journal of Accounting,Management: 5, (12) 79-100 (In Persian)..
- Rahnama Roodposhti,F. Nabavi chashmi ,S. (2011). Impact of Corporate Governance mechanism on Earning management. African Journal of Business management: 5 (11) ,4143-4151. (In Persian).
- Safai, Narjes. (2013). Investigating the Impact of Corporate Governance Features on Real Earning Management in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. Master's thesis of Islamic Azad University of Marvdasht. (In Persian).

- Sinan,s,Abbadi. Qutabia,F,Hejazi. S,AL-Rahahleh. (2016). Corporate Governance quality and Earning management. Australasian Accounting , Business and finance journal: 2 (10) ,54-75
- Samy, E. Rezaul, K. Huy Tuan, N. (2016). Does Corporate Governance affect Earning management evidence from Vietnam. www.semanticscholar.org
- Velury ,U, Jenkins D. S. (2006). Institutional ownership and the quality of earnings. Journal of Business Research,59
- Wang ,Y. Yung , K. (2011). Do state enterprise management Earning more than privately owned firms?The case of china. Journal of Business finance &Accounting: 38, (78) 794-812.
- Zhijun. L, Ming,L. (2016). The impact of Corporate Governance on informative Earning management in the china Market. ABACUS: 3 (52) , 568-609.

دانشگاه الزهراء (ع) و انشاده علوم اجتماعی و اقتصاد

پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال نهم، شماره ۳۵، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۳۹-۱۵۸

تحلیل محتوای نشریه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های تجربی حسابداری» طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷

غلامرضا سلیمانی امیری*، مصطفی ایزدپور**، فاطمه گرامی راد***

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۰۱

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف از این مطالعه، شناخت ویژگی‌های محتوایی مقالات موجود در شماره‌های ۱ تا ۲۶ فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های تجربی حسابداری»، وابسته به دانشگاه الزهراء (س) است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش تحلیل محتوا است و جامعه آماری آن را ۲۴۳ مقاله چاپ شده در ۲۶ شماره بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ تشکیل می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۶۰۷ نفر در نوشتن مقالات نقش داشته‌اند. ۷۴ درصد از نویسندگان مقالات را مردان و ۲۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۲۳۶ اثر (۹۷ درصد) حاصل کار گروهی و ۸ اثر (۴ درصد) حاصل کار انفرادی است. ۲۷ درصد از نویسندگان مقالات، استادیار، ۱۵ درصد دانشیار، ۱۳ درصد دانشجوی دکتری، ۵ درصد استاد تمام می‌باشند و مابقی سطوح علمی جایگاه پایین‌تری را کسب کرده‌اند. بررسی وابستگی سازمانی نویسندگان نشان می‌دهد که ۳۸ اثر (۱۶٪) حاصل تلاش پژوهشگران دانشگاه الزهراء (س) است و دانشگاه‌های علامه طباطبایی، شیراز، تهران و مازندران به ترتیب در رتبه‌های بعدی خلق آثار قرار دارند. از نظر موضوعی ۵۸ درصد مقالات در حوزه حسابداری مالی، ۱۲ درصد حسابداری مدیریت، ۱۱ درصد حسابرسی، ۸ درصد حاکمیت شرکتی و ۲ درصد در حوزه مالیات بوده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، مقالات حسابداری، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های تجربی حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M41 , B40

10.22051/jera.2019.21103.2093:DOI

*دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران،

(gh.soleimany@alzahra.ac.ir)

** هیئت علمی، گروه حسابداری، دانشگاه قم، قم، ایران، (ezadpour@gmail.com)

*** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران،

ایران، (f.geramirad@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

پیدایش و گسترش رسانه‌های ارتباطی، گرایش به سوی تخصصی شدن علوم، افزایش شمار پژوهشگران و دانشمندان در زمینه‌های تخصصی و افزایش فعالیت‌های پژوهشی، باعث افزایش حجم انتشارات و اطلاعات مختلف شده است. نشریات از اصلی‌ترین قالب‌های انتقال دانش در سطح علمی-پژوهشی به حساب می‌آیند و کانون توجه مجامع بین‌المللی را از آن خود کرده‌اند، به طوری که اختراعات، اکتشافات و یافته‌های نوین را می‌توان در چارچوب همین محمل‌های خاص اطلاعاتی که تا حد امکان تخصصی شده‌اند، پیدا نمود. نشریات دو کارکرد اجتماعی تولید و ارتباط علمی را برعهده دارند و یکی از مهمترین ابزارهای اشاعه نتایج پژوهش‌های علمی هر رشته هستند. مقالات منتشر شده در نشریات نیز به لحاظ تازگی مطالب و تخصصی بودن محتوا و همچنین سهولت دسترسی از ضروری‌ترین منابع مورد نیاز پژوهش‌اند (قبادی، محمداسماعیل و میرحسینی، ۱۳۹۵) و نقش موثری را در جهت‌دهی به اقدامات و پژوهش‌های آتی در حوزه تخصصی‌شان ایفا می‌کنند.

جدیدترین یافته‌های علمی بیشتر در مجلات علمی منتشر می‌شود و این مجلات از منابع مهم اطلاعات علمی و فنی در جهان کنونی محسوب می‌شوند. لذا بسیاری از مراکز و مجامع علمی و فرهنگی می‌کوشند مجله‌ای برای اشاعه اطلاعات مد نظر خود یا مجرایی برای ارتباط با مخاطبان بالفعل و بالقوه خویش بیابند. به همین دلیل لازم است مقوله تولید علم و ارزیابی آن به وسیله تحقیقات علم سنجی همیشه مورد توجه قرار گیرد. (محمدی، متقی دادگر و مطهری نیا، ۱۳۹۴)

مقالاتی که در نشریات منتشر می‌شوند در تولید و انتشار دانش نقش اساسی دارند، در این بین نشریاتی که در حوزه‌های تخصصی با رتبه «علمی - پژوهشی» منتشر می‌شوند دارای ارزش و اهمیت علمی بیشتری نسبت به سایر نشریات می‌باشند و محتوای مقالات چنین نشریاتی معمولاً دربردارنده مطالب و اطلاعات موثق، بنیادین و جدید در حوزه مربوطه بوده و نقش موثری در جهت‌دهی به اقدامات و پژوهش‌های آتی در آن حوزه تخصصی دارند (سلک و بزرگی، ۱۳۸۹) بنابراین ضرورت دارد از مجلات مزبور ارزیابی‌هایی به عمل آید. تحلیل محتوا یکی از انواع ارزیابی‌ها است. تحلیل محتوا دربردارنده نتایج مفید و مربوط در خصوص وضعیت فعلی تحقیقات، کمیت و کیفیت مقالات و میزان ارزش و اعتبار نشریات و همچنین

راهگشایی برای انجام تحقیقات آتی می‌باشد (سلک و بزرگی، ۱۳۸۹) و در راستای یافتن چگونگی پیوند میان ایده‌ها، زبان و محتوای آن‌ها، شناسایی و تعیین اهداف و مقاصد عینی و ضمنی، گرایش‌های فردی، گروهی و سازمانی نقش دارد (محمدی مهر، ۱۳۸۷)؛ لذا این پژوهش در صدد است با تحلیل محتوای مقالات مجله «پژوهش‌های تجربی حسابداری» نشان دهد که وضعیت مقالات منتشر شده در این نشریه از نظر موضوعی، رتبه علمی نویسندگان، جنسیت نویسندگان، وابستگی سازمانی و ... چگونه است.

با استفاده از یافته‌های این پژوهش، پراکندگی موضوعی مقاله‌های منتشر شده در نشریه «پژوهش‌های تجربی حسابداری» بررسی خواهد شد. وضعیت و روند موضوعی مقالات و همچنین شناسایی حوزه‌های پژوهشی فعال، دورنمایی است که پژوهش حاضر به آن نظر دارد. به طور کلی، هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت ویژگی‌های محتوایی مقاله‌های نشریه «پژوهش‌های تجربی حسابداری» است. علاوه بر این موارد زیر را می‌توان به عنوان اهداف فرعی این پژوهش قلمداد کرد:

۱. تعیین تعداد کل مقاله‌های منتشر شده
۲. بررسی جنسیت نویسندگان مقالات، سطح تحصیلی و رتبه علمی آن‌ها
۳. مشخص شدن سطوح علمی نویسندگان
۴. تعیین وابستگی سازمانی تولیدکنندگان مقالات
۵. تعیین گرایش موضوعی مقالات
۶. تعیین میزان همکاری علمی در تولید مقالات
۷. تعیین روش تحقیق
۸. به روز بودن تحقیقات انجام شده در سطح بین‌المللی

برای دستیابی به اهداف فوق، پرسش‌های زیر در نظر گرفته شدند:

۱. وضعیت مقالات منتشر شده در دوره زمانی مورد بررسی چگونه بوده است؟
۲. توزیع فراوانی مقالات بر اساس جنسیت نگارندگان مقالات به چه صورت است؟
۳. توزیع فراوانی سطوح علمی نگارندگان مقالات به چه صورت است؟
۴. توزیع فراوانی وابستگی سازمانی نگارندگان مقالات به چه صورت است؟

۵. طبقه‌بندی موضوعی مقالات به چه شکل است؟
۶. میزان مشارکت علمی میان نویسندگان به چه صورت است؟
۷. روش تحقیق‌های به کار رفته در مقالات چه هستند؟
۸. چند درصد از مقالات منتشر شده همگام با موضوعات روز بین‌المللی هستند؟

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های تجربی در حسابداری»، وابسته به دانشگاه الزهراء (س) با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقالات پژوهشی در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. اولین شماره این نشریه پاییز ۹۰ منتشر شد. با گذشت ۶ سال از فعالیت این نشریه، ارزیابی فعالیت‌های انجام شده ضروری است. برای این منظور می‌توان از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. این روش تصویری عینی از شرایط موجود نشریه مذکور را ارائه می‌دهد. همچنین نشان‌دهنده گرایش‌های موضوعی و کمبودهای احتمالی موجود در مقالات این نشریه است. پژوهش حاضر می‌تواند جهت‌گیری‌ها، اولویت‌ها و نیازهای پژوهشی آینده مجله را مشخص کند و متعاقباً منجر به برنامه‌ریزی صحیح مسئولان برای برطرف کردن کاستی‌ها و پیشرفت و بهبود کیفی این نشریه شود.

مروری بر پیشینه

تحلیل محتوا یکی از روش‌های مهم و پرکاربرد پژوهش است. این روش از آن جهت به دیگر روش‌ها برتری دارد که در آن نیاز به تولید اطلاعات نیست، بلکه اطلاعات موجود است و باید تحلیل شود و نتیجه‌گیری لازم به عمل آید (محمدی، حسن‌خانی و امید، ۱۳۹۶). محققان این پژوهش با گردآوری و تحلیل اطلاعات مقالات نشریه «پژوهش‌های تجربی در حسابداری» تلاش کردند افقی را پیش روی دست‌اندرکاران آن باز کنند. البته این امر محدود به این مجله نیست بلکه پژوهش‌های گوناگونی در خصوص نشریات دیگر نیز انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

نمازی و ناظمی (۱۳۸۴) به بررسی، طبقه‌بندی و تحلیل مطالعات انجام شده در بازار سرمایه ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲ پرداختند. در این مطالعه ۴۰۵ پژوهش مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. طبق نتایج این پژوهش ۵۷ درصد از مقالات در حوزه امور مالی، ۱۴ درصد حسابداری مالی، حسابرسی ۵ درصد، حسابداری مدیریت ۴ درصد و ۱۹ درصد در سایر

موضوعات نگاشته شده است. همچنین بیشترین پژوهش‌ها به ترتیب در زمینه محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی، تصمیم‌گیری و گزارش‌گیری مالی، پیش‌بینی (قیمت، بازده، سود) و کارایی بازار بوده است.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل محتوای نشریات دارای رتبه علمی - پژوهشی رشته حسابداری در ایران، ضمن تحلیل محتوای ۱۱۵۴ مقاله منتشر شده در نشریات علمی - پژوهشی حسابداری طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ دریافتند که پژوهش‌های حسابداری مالی با ۳۳۴ مقاله (۲۹ درصد) بیشترین درصد انتشار مقالات را از آن خود کرده است. موضوع مالی با ۲۴ درصد، حسابداری مدیریت با ۲۲ درصد، حسابرسی با ۱۴ درصد، مدیریت با ۶ درصد و حسابداری دولتی با ۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

گرامی‌راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) مقاله‌های مجلات علمی - پژوهشی حسابداری و مالی منتشره بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ را تحلیل محتوا نمودند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که طی سال‌های مورد بررسی، ۱۲۴۱ مقاله در مجلات مذکور به چاپ رسیده است که در سال‌های اولیه رشد دو و سه برابری داشته و در سال‌های بعدی روندی صعودی داشته است. ۲۸۷۱ نویسنده در تولید این مقالات شرکت داشته‌اند که ۲۳۶۵ نفر از آنان را مردان و ۵۰۶ نفر آن‌ها را زنان تشکیل داده‌اند. از نظر رتبه علمی، استادیاران ۳۱ درصد و دانشیاران ۱۲ درصد آثار را منتشر کرده و مربیان و استادان نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ۷ درصد مقالات تک نویسنده‌ای و ۹۳ درصد حاصل کار گروهی بودند. در بین دانشگاه‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی با ۵۷۱ مقاله در رتبه اول و دانشگاه تهران با ۱۷۵ مقاله در رتبه دوم قرار گرفت. از نظر گرایش موضوعی مقالات، بیش از نیمی از آثار منتشره (۵۳ درصد) در حوزه حسابداری مالی بوده و علوم مالی با ۲۷ درصد و حسابرسی با ۸ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیل محتوای نشریات علوم مالی دارای رتبه علمی - پژوهشی ایران و مقایسه با نشریه فاینانس آمریکا، پس از بررسی ۵۴۶ مقاله منتشر شده در نشریات علمی پژوهشی بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۱ و مقایسه آن‌ها با ۴۶۷۹ مقاله منتشر شده در نشریه معتبر فاینانس بین سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۴۶ دریافتند که موضوعات مدیریت مالی با ۳۶ درصد، مدیریت سرمایه‌گذاری و پرتفوی با ۱۹ درصد، ۱۸ درصد موضوعات بین رشته‌ای، ۹ درصد مالی رفتاری و عصبی، ۸ درصد مهندسی مالی، ۶ درصد حسابداری مالی، ۳

در صد مالی اسلامی، ۱ در صد حسابرسی، ۰/۳ در صد حسابداری مدیریت در مقالات فارسی مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ در حالی که مقالات مجله فاینانس، ۲۸ در صد از مقالات به موضوع مدیریت مالی، ۲۴ در صد به موضوعات بین‌رشته‌ای، ۱۶ در صد مدیریت سرمایه‌گذاری و پرتفوی، ۱۳ در صد به مهندسی مالی، ۱۰ در صد مالی رفتاری و عصبی، ۹ در صد مهندسی مالی، ۳ در صد حسابداری مدیریت، ۲ در صد حسابداری مالی و حسابرسی و صفر در صد به موضوع اسلامی تعلق داشته است. بر این اساس روند پرداختن به موضوع مدیریت مالی در مجلات تخصصی علوم مالی ایران و آمریکا در صدر مقالات منتشره در این نشریات بوده است، اما در کنار آن تنوع انتخاب مقالات در مجلات تخصصی حوزه مالی نیز وجود دارد.

ساعی، لاری دشت‌بیاض و فاتح گوش (۱۳۹۴) به بررسی و تحلیل محتوای پژوهش‌های علمی - پژوهشی حسابرسی طی دو دهه اخیر پرداختند. بر این اساس با بهره‌مندی از طبقه‌بندی شانزده‌گانه لسج و وچلر (۲۰۱۲)، ۱۱۸ مقاله از ۱۶ مجله علمی - پژوهشی طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۱ تجزیه و تحلیل محتوایی شدند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در برخی از طبقه‌ها پژوهشی صورت نگرفته است و تنوع در طبقه‌های فرعی حوزه‌های یاد شده نیز چشمگیر نیست. به لحاظ تنوع مطالعات، پژوهش لسج و وچلر نسبت به مطالعات داخلی از تنوع بیشتری برخوردار است و دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ به لحاظ کارکرد موضوعی، شباهت بسیاری به دوره مدرن اشاره شده در پژوهش لسج و وچلر دارد. عمده پژوهش‌ها روی نمونه نسبتاً کوچکی اجرا شده‌اند و روش پژوهش به کار برده شده از تنوع خاصی برخوردار نیست.

نمازی، رجب درّی و میمندی (۱۳۹۶) به بررسی تعداد و تحلیل محتوای مقاله‌های منتشر شده اخلاق حسابداری و مشخص کردن اولویت پژوهشی زیرمجموعه‌های آن در ایران پرداختند. یافته‌ها نشان داد که تعداد مقاله‌های اخلاق حرفه‌ای حسابداری تا پایان شهریور ۱۳۹۴ برابر با ۱۱۰ (۲ درصد مقالات نشریات حسابداری) مقاله است که رقم بسیار کوچکی است.

شیلدز (۱۹۹۷) مطالعات حسابداری مدیریت منتشر شده در ۶ نشریه برجسته را بر اساس عنوان، محیط، نظریه، روش تحقیق طبقه‌بندی کرد. طبق یافته‌های این پژوهش اقتصاد زیربنایی‌ترین پیش زمینه نظری در مطالعات حسابداری مدیریت بوده است. شایع‌ترین محیط پژوهش یک صنعت یا یک فعالیت واحد (اغلب کارخانه) است و بیشترین روش تحقیق مورد استفاده روش تحقیق تحلیلی است.

لیند کوئست و اسمیت (۲۰۰۹) تحلیل محتوایی از مقالات JMAR انجام دادند. طبق نتایج این پژوهش کنترل، به عنوان رایج ترین عنوان، نظریه‌های حسابداری به عنوان رایج ترین نظریه‌های استفاده شده، و روش تحقیق تحلیلی به عنوان رایج ترین روش تحقیق شناسایی شد.

گافی و هارپ (۲۰۱۷) نشریه تحقیقات حسابداری مدیریت را بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۳ تحلیل محتوای توصیفی نمودند. مقالات منتشر شده در نشریه مذکور با استفاده از روش تحقیق، موضوع و نظریه‌های زیربنایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و اطلاعاتی در مورد تغییر در محتوای مقالات و شناسایی روند بالقوه ارائه شد. آن‌ها نشان دادند که روش‌هایی از قبیل پیمایش، مطالعات مروری و مطالعات میدانی در طی زمان روندی نزولی داشته‌اند.

جمع بندی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که به استثنای یک مقاله خارجی (گافی و هارپ، ۲۰۱۷)، سایر پژوهش‌ها به مجموع مقالات مرتبط به یک حوزه موضوعی در حسابداری یا کلیه نشریات رشته حسابداری پرداخته‌اند در حالیکه این مطالعه قصد دارد بر روی یک نشریه علمی پژوهشی تمرکز کند تا بتواند مروری بر توسعه، روند، جهت گیری، جایگاه فعلی و سهم ادبیات آن به علاقمندان و دست اندرکاران نشریه ارائه کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی و توصیفی بوده و با استفاده از داده‌های موجود در نشریه علمی «پژوهشی پژوهش‌های تجربی حسابداری» انجام شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل محتوا به عنوان روش اصلی پژوهش استفاده شده است. تحلیل محتوا یکی از انواع روش‌های تحقیق است که به منظور تجزیه و تحلیل نظام‌مند ارتباطات میان منابع موجود مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از محققین این روش را برای بررسی روند تولیدات علمی و شناسایی الگوهای توسعه در مفاهیم و موضوعات خاص بکار گرفته‌اند (لو و نپال، ۲۰۰۹). جامعه مورد بررسی در این پژوهش، کلیه مقالات منتشر شده در نشریه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های تجربی حسابداری» از ابتدا تا پایان سال ۱۳۹۶ می‌باشد که جمعاً شامل ۲۴۳ عنوان مقاله می‌شود. در پژوهش حاضر با مراجعه به تک تک شماره‌ها و محتویات مقالات، اطلاعات لازم مانند نوع مقاله، جنسیت نویسندگان، وابستگی سازمانی، گرایش موضوعی و ... جمع‌آوری و به کمک نرم‌افزار اکسل تحلیل گردید.

یافته‌های پژوهش

در این بخش سوالات پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها پاسخ داده می‌شود:
سوال اول: وضعیت مقالات منتشر شده در دوره زمانی مورد بررسی چگونه بوده است؟
با بررسی شماره نشریه «پژوهش‌های تجربی حسابداری» بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ مشخص شد که در طول این ۶ سال ۲۴۳ مقاله (میانگین ۴۰/۵ مقاله در هر سال و تقریباً ۱۰ مقاله در هر شماره) منتشر شده است.

نگاره (۱): تعداد مقالات منتشر شده

سال	تعداد شماره‌ها	تعداد مقالات منتشر شده	درصد
۹۰	۲	۱۴	۶٪
۹۱	۴	۲۹	۱۲٪
۹۲	۴	۳۶	۱۵٪
۹۳	۴	۴۴	۱۸٪
۹۴	۴	۴۰	۱۶٪
۹۵	۴	۴۰	۱۶٪
۹۶	۴	۴۰	۱۶٪
جمع	۲۶	۲۴۳	۱۰۰٪

طبق داده‌های نگاره فوق، بیشترین تعداد مقاله (۴۴ عنوان) در سال ۱۳۹۳ و کمترین میزان آن (۱۴ مقاله) در سال ۱۳۹۰ بوده است. کم بودن مقالات در سال اول به این علت است که نشریه کار خود را از فصل پاییز ۱۳۹۰ شروع کرده است.

سوال دوم: توزیع فراوانی جنسیت تولیدکنندگان مقالات به چه صورت است؟

نگاره (۲): جنسیت نویسندگان

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۴۵۲	۷۴٪
زن	۱۵۵	۲۶٪
جمع	۶۰۷	۱۰۰٪

همان‌طور که داده‌های نگاره (۲) نشان می‌دهد، ۷۴ درصد از نویسندگان مقالات را مردان و ۲۶ درصد دیگر را زنان تشکیل می‌دهند.

سوال سوم: توزیع فراوانی سطوح علمی نویسندگان مقالات به چه صورت است؟ بدون شک یکی از موارد اثرگذار در غنای مقالات منتشر شده در یک نشریه، سطح علمی و میزان تحصیلات نویسندگان مقالات است. نگاره زیر موارد مذکور را به تصویر می‌کشد:

نگاره (۳): سطوح علمی نویسندگان

سطح علمی	تعداد مقاله	درصد مقالات چاپ شده
استاد	۳۱	۵٪
دانشیار	۹۰	۱۵٪
استادیار	۱۶۳	۲۷٪
مربی	۹	۱٪
دکتری	۶	۱٪
دانشجوی دکتری	۷۷	۱۳٪
کارشناسی ارشد	۱۳۹	۲۳٪
دانشجوی کارشناسی ارشد و سایر	۹۲	۱۵٪

همان‌گونه که نگاره (۳) نشان می‌دهد استادیاران با ۲۷ درصد، بیشترین سهم را در نگارش مقالات دارند، دانشیاران و دانشجویان دکتری به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

سوال چهارم: توزیع فراوانی وابستگی سازمانی تولیدکنندگان مقالات به چه صورت است؟ همان‌طور که داده‌های نگاره فوق نشان می‌دهد دانشگاه الزهراء^(س) با داشتن ۳۸ مقاله رتبه نخست را در بین سایر دانشگاه‌ها به خود اختصاص داده است، پس از آن دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه شیراز به ترتیب با ۲۵ و ۱۸ مقاله در رتبه‌های بعدی قرار دارند. داده‌های نگاره حاکی از آن است که اکثریت نویسندگان مقالات این نشریه از مراکز علمی معتبر کشور هستند و این نکته قابل توجه است.

تکانه (۴): وابستگی سازمانی پرکارترین نویسندگان

ردیف	دانشگاه	فراوانی	درصد
۱	الزهراس	۳۸	۱۶٪
۲	علامه طباطبایی	۲۵	۱۰٪
۳	شیراز	۱۸	۷٪
۴	تهران	۱۶	۷٪
۵	مازندران	۱۳	۵٪
۶	فردوسی	۱۲	۵٪
۷	ارومیه	۱۲	۵٪
۸	شهید بهشتی	۱۲	۵٪
۹	اصفهان	۱۱	۵٪
۱۰	تربیت مدرس	۹	۴٪
۱۱	علوم و تحقیقات تهران	۹	۴٪
۱۲	شهید چمران	۸	۳٪
۱۳	آزاد قزوین	۷	۳٪
۱۴	آزاد تهران مرکزی	۷	۳٪
۱۵	آزاد نیشابور	۶	۲٪
۱۶	خوارزمی	۶	۲٪

سوال پنجم: توزیع فراوانی طبقه‌بندی موضوعی مقالات به چه شکل است؟

برای پاسخگویی به این سوال نگارندگان پژوهش حاضر، دسته‌بندی موضوعی معرفی شده توسط اولر و همکاران (۲۰۰۹) و پیکرد و همکاران (۲۰۱۱) و همچنین طبقه‌بندی‌های موضوعی نشریات معتبر را مبنای کار خود قرار دادند. این حیطه‌ها عبارتند از:

• **حسابداری مالی**

- ✓ گزارشگری مالی برون‌سازمانی
- ✓ بازارهای مالی
- ✓ تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات مالی
- ✓ استانداردهای حسابداری مالی

✓ کیفیت سود

✓ مدیریت سود

• حسابداری مدیریت

✓ قیمت گذاری

✓ ویژگی‌های شرکت

✓ چسبندگی هزینه

✓ تکنیک‌های حسابداری مدیریت

✓ ارزیابی عملکرد

• حسابرسی

✓ کیفیت حسابرسی

✓ اظهار نظر حسابرسی

✓ استقلال حسابرسی

✓ حق الزحمه حسابرسی

✓ افشا

✓ تقلب

✓ ویژگی‌های حسابرس

• حاکمیت شرکتی

✓ حاکمیت و کنترل شرکت

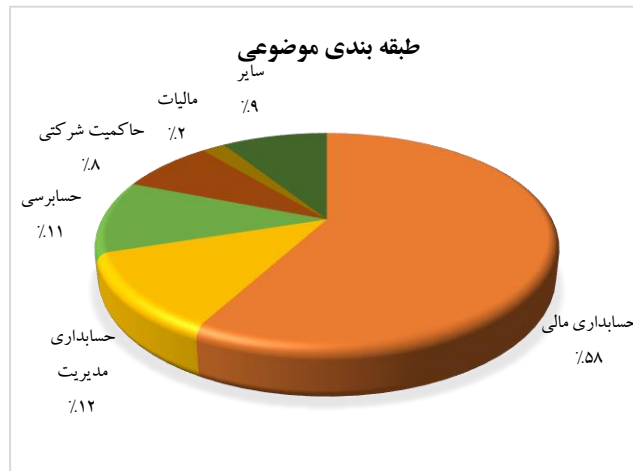
✓ ساختار هیئت مدیره

• مالیات

• سایر

نگاره (۵): توزیع فراوانی طبقه‌بندی موضوعی مقالات

ویژگی‌های حسابرسی	تقلب	افشا	حق‌الزحمه حسابرسی	استقلال حسابرسی	اظهارنظر حسابرسی	کیفیت حسابرسی	حسابرسی
۷	۵	۲۲	۱۳	۱۴	۹	۲۳	تعداد
۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۰	۰/۲۵	درصد
۹۳							مجموع
۰/۱۱۸							درصد کل
	مدیریت سود	کیفیت سود	استانداردهای حسابداری مالی	تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات مالی	بازارهای مالی	گزارشگری مالی برون سازمانی	حسابداری مالی
	۴۵	۶۸	۱۳	۷۲	۱۲۰	۱۳۹	تعداد
	۰/۱۰	۰/۱۵	۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۲۶	۰/۳۰	درصد
۴۵۷							مجموع
۰/۵۸							درصد کل
		ارزیابی عملکرد	تکنیک‌های حسابداری مدیریت	چسبندگی هزینه	ویژگی‌های شرکت	قیمت‌گذاری	حسابداری مدیریت
		۱۵	۲۲	۷	۲۱	۳۰	تعداد
		۰/۱۶	۰/۲۳	۰/۰۷	۰/۲۲	۰/۳۲	درصد
۹۵							مجموع
۰/۱۲							درصد کل
				حاکمیت و کنترل شرکت	حقوق صاحبان سهام	ساختار هیئت مدیره	حاکمیت شرکتی
				۱۸	۸	۳۶	تعداد
				۰/۲۹	۰/۱۳	۰/۵۸	درصد
۶۲							مجموع
۰/۰۸							درصد کل
						مالیات	مالیات
						۱۵	تعداد
						۰/۰۲	درصد کل
						سایر	سایر
						۶۹	تعداد
						۰/۰۹	درصد کل



نمودار (۱): طبقه بندی موضوعی مقالات

همان گونه که در نمودار مشاهده می شود، پژوهش های حوزه حسابداری مالی، بسیار بیشتر از سایر موضوعات مورد توجه نویسندگان مقالات بوده است (۵۸ درصد کل مقالات) و حسابداری مدیریت و حسابرسی به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است که ۹ درصد مقالات مربوط به موضوعات فوق نبوده و در ارتباط با موضوعاتی از قبیل حسابداری اجتماعی، مالی رفتاری، آموزش و ... می باشند.

سوال ششم: میزان مشارکت علمی میان نویسندگان به چه صورت است؟ این پرسش به تعیین میزان مشارکت علمی در تولید مقالات اختصاص یافته است. داده های نگاره زیر نشان می دهد که مقالات دو نویسنده ای با ۵۱ درصد میزان کل مقالات بیشترین فراوانی را دارند. پس از آن مقالات سه نویسنده ای قرار دارند (۳۸ درصد) و مقالات تک نویسنده ای کمترین فراوانی (۳ درصد) را به خود اختصاص داده اند.

نگاره (۶): میزان مشارکت علمی میان نویسندگان

تعداد نویسندگان	فراوانی	درصد
۱	۸	۳٪
۲	۱۲۵	۵۱٪
۳	۹۲	۳۸٪
۴ و بیشتر	۱۸	۷٪

سوال هفتم: روش تحقیق‌های به کار رفته در مقالات چه هستند؟

برای پاسخ به این سوال از روش تحقیق‌های ارائه شده در کافی و هارپ (۲۰۱۷) استفاده شده است. طبق مطالعه مذکور عمده‌ترین روش تحقیق‌های مورد استفاده در حسابداری عبارتند از: مطالعه مروری - آزمایش - پیمایش - مطالعات آرشیوی - مطالعات تحلیلی - مطالعات موردی و ..

تکراه (۷): روش تحقیق‌های به کار رفته در مقالات

روش تحقیق	فراوانی	درصد
آرشیوی	۱۹۳	۰/۷۹۴
پیمایشی	۳۷	۰/۱۵۲
سایر	۱۳	۰/۰۵۳

با توجه به داده‌های نگاره فوق مطالعات آرشیوی با ۷۹٪ در صدر نگاره قرار دارند و نتیجه می‌شود جهت گیری اصلی مقالات این نشریه مطالعات آرشیوی است.

سوال هشتم: چند درصد از مقالات منتشر شده به روز هستند؟

از نظر نگارندگان پژوهش حاضر مبنای به روز بودن بودن مقالات میزان فاصله زمانی انتشار مقاله مورد نظر و مقاله مرجع (بیس) آن در مجلات خارجی است که برای مقالات به روز این فاصله حداکثر ۲ سال است.

تکراه (۸): میزان به روز بودن مقالات

وضعیت مقاله مرجع	فراوانی	درصد
ترکیبی از مقاله‌های مرجع	۲۰	۰/۰۸
فاقد مقاله مرجع	۲۸	۰/۱۲
مقاله مرجع به روز	۸۵	۰/۳۵
مقاله مرجع قدیمی	۱۱۰	۰/۴۵

با توجه به یافته‌های نگاره فوق ۳۵ درصد مقالات منتشر شده در این نشریه همگام با موضوعات روز بین‌المللی و شامل موضوعاتی از قبیل چسبندگی هزینه، تکنیک‌های حسابداری مدیریت، ارزیابی عملکرد، افشاء، تقلب و ... بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد جهت‌گیری‌های نشریه «پژوهش‌های تجربی حسابداری» از حیث تعداد مقالات چاپ شده، جنسیت نویسندگان، سطح علمی آنان، میزان مشارکت نویسندگان و گرایش‌های موضوعی مقاله‌های منتشر شده مشخص شود. تحلیل تعداد مقالات منتشر شده نشان می‌دهد که کمترین تعداد مقاله چاپ شده در هر شماره ۷ عنوان می‌باشد که این موضوع بیانگر آن است که نشریه مورد بررسی، مقررات وزارت علوم (حداقل ۶ مقاله در هر شماره) را رعایت نموده است. البته همه مجلات دارای درجه موظفند به آیین‌نامه‌های ابلاغی پایبند باشند، این نتیجه حاکی از آن است که وضعیت نشریه «پژوهش‌های تجربی حسابداری» از نظر تعداد مقالات منتشر شده در هر شماره مطلوب است. بررسی توزیع فراوانی چاپ مقالات نیز حاکی از چاپ حدوداً ۴۰ مقاله بطور سالانه است؛ البته باید توجه داشت که زمان شروع به کار مجله پاییز سال ۱۳۹۰ بوده است، بنابراین استثنائاً در سال مذکور تعداد مقالات چاپ شده به مراتب کمتر بوده است. تحلیل روند تعداد مقالات چاپ شده در سال‌های اخیر گویای سیاست مجله در مورد تعداد مقالات (حدوداً سالانه ۴۰ عنوان) منتشر شده است.

بررسی توزیع فراوانی جنسیت نگارندگان مقالات نشان می‌دهد که از مجموع ۶۰۷ نویسنده مقالات، ۷۴ درصد (۴۵۲ مورد) را مردان و ۲۶ درصد (۱۵۵ مورد) را زنان تشکیل می‌دهند. این ارقام گویای نقش سه برابری مردان نسبت به زنان در تولید مقالات مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری دانشگاه الزهراء (س) است. پایین بودن میزان مشارکت زنان فقط مختص این پژوهش نبوده بلکه گرامی‌راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) نیز میزان حضور زنان را در تولید مقاله‌های حسابداری در مقایسه با مردان ۱۸ درصد گزارش کرده‌اند. حاسلیک و همکارانش (۲۰۱۲) نیز عنوان کرده بودند که اساتید مرد نسبت به اساتید زن دارای بهره‌وری پژوهشی بیشتری هستند. این امر را می‌توان به نابرابری تعداد اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی از لحاظ جنسیت نسبت داد. در مجموع می‌توان اظهار داشت که سهم زنان در تولید مقالات مجله مورد بررسی نسبت به سایر مجلات فارسی‌زبان در حوزه حسابداری پررنگ‌تر است.

بررسی توزیع فراوانی رتبه علمی نویسندگان مقالات بیانگر آن است که استادیاران با سهم ۲۷ درصدی در جایگاه نخست و پس از آن، دانشیاران و دانشجویان دکتری قرار دارند. این نتیجه شاید به دلیل مسائل مربوط به ترفیع پایه اساتید بخصوص استادیاران و دانشیاران و

همکاری دانشجویان دکتری در این زمینه است و البته بخشی از اختلاف نقش آفرینی گروه‌های مورد بررسی در تولید مقالات، قابل انتساب به افزایش تخصص گروه‌های مذکور در رابطه با مهارت‌های مقاله نویسی و بررسی موضوعات تخصصی است. این نتیجه همسو با پژوهش گرامی راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) و رشیدی آشتیانی و لاریجانی (۱۳۹۰) است.

وابستگی سازمانی تولیدکنندگان مقالات چاپ شده نشان می‌دهد که دانشگاه الزهرا (س) به عنوان صاحب امتیاز مجله بیشترین نقش را در نگارش مقالات ایفا نموده است. پس از آن دانشگاه‌های علامه طباطبایی، شیراز و تهران قرار دارند. هر چهار دانشگاه مذکور سابقه بالایی در پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دارند و همین امر حضور آنان در رتبه‌های بالای جدول را توجیه می‌نماید. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که تا ده رتبه اول وابستگی سازمانی تولیدکنندگان مقالات از نظر تعدادی توسط دانشگاه‌های دولتی تسخیر شده است و از میان سایر دانشگاه‌ها، واحدهای علوم و تحقیقات تهران، قزوین، تهران مرکزی و نیشابور از دانشگاه آزاد در این رتبه‌بندی حضور دارند. به‌طور کلی نتایج بدست آمده از تحلیل بالا حاکی از آن است که اکثریت نویسندگان مقالات این نشریه، وابسته به مراکز علمی معتبر کشور می‌باشند.

تحلیل موضوعی مقالات منتشر شده در نشریه حکایت از آن دارد که حوزه حسابداری مالی به تنهایی ۵۸ درصد از موضوعات مقالات را به خود اختصاص داده است. در رتبه‌های بعدی، پژوهش‌های حوزه حسابداری مدیریت و حسابرسی با فاصله‌ای بسیار نزدیک قرار دارند. این نتیجه نشان می‌دهد که پژوهش‌های حسابداری مالی پرتعدادترین حوزه پژوهشی حسابداری در نشریه پژوهش‌های تجربی در حسابداری دانشگاه الزهراست و این نتیجه با پژوهش رهنمای رودپشتی، بنی طالبی دهکردی و کاویان (۱۳۹۱)، گرامی راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) و به‌طور کلی به جریان پژوهشی حاکم در اکثر مجلات مشابهت دارد. بررسی دلایل اقبال پژوهشگران ایرانی به پژوهش‌های حسابداری مالی خود به تنهایی موضوع پژوهش دیگری است که انجام آن بسیار ضرورت دارد. از لحاظ نظری، دلایلی چون روش‌شناسی مرسوم‌تر (به نسبت ساده‌تر) پژوهش‌های حوزه حسابداری مالی، تمایل مجلات به پذیرش موضوعات این حوزه و تخصص عمده پژوهشگران داخلی در حیطه مزبور قابل طرح است. همچنین، نتایج بدست آمده از این تحلیل‌ها، نشان از پابندی نشریه به حوزه‌های تخصصی تعریف شده خود

دارد، به طوری که اکثریت قریب به اتفاق مقالات چاپ شده از لحاظ موضوعی در حوزه‌های تعریف شده برای نشریه قرار می‌گیرند.

بررسی میزان مشارکت علمی نویسندگان در نگارش مقالات نشان می‌دهد که مقالات دو نویسنده‌ای با سهم ۵۱ درصد در تولید مقالات بیشترین نقش را از لحاظ تعداد نویسندگان ایفا می‌کنند. پس از آن مقالات سه نویسنده‌ای قرار دارند (۳۸ درصد) و مقالات تک نویسنده‌ای کمترین فراوانی (۳ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. به طور کلی، حدود ۹۷ درصد از مقالات حاصل یک کار گروهی است که این نتیجه با فضای حاکم در سایر مجلات حسابداری داخلی و خارجی از جمله زکی (۱۳۸۵)، رشیدی آشتیانی و لاریجانی (۱۳۹۰)، گرامی راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳)، لوزادیس و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. تبیین دلایل پایین بودن آمار پژوهش‌های انفرادی یا تمایل پژوهشگران داخلی به انجام کارهای مشارکتی، موضوعی است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد عنایت پژوهشگران قرار گیرد.

بررسی مقالات از حیث روش پژوهش بکار گرفته شده بیانگر آن است که روش آرشیوی پرکاربردترین روش پژوهش در مقالات چاپ شده در نشریه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که روش پژوهش ۷۹ درصد از مقالات، آرشیوی و روش پژوهش ۱۵ درصد از دیگر مقالات، پیمایشی است. جالب این که تنها ۵ درصد از مقالات روشی را به غیر از آرشیوی و پیمایشی به کار گرفته‌اند. به بیان دیگر؛ فقط درصد کمی از مقالات با روش مروری، آزمایشگاهی، تحلیلی، موردی و... انجام شده است. تحلیل دلایل استقبال پژوهشگران داخلی از روش آرشیوی پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد، هرچند که می‌توان دلایلی را نظیر سادگی نسبی روش آرشیوی، حاکم بودن روش آرشیوی در پژوهش‌های پایه مقالات داخلی، تمرکز آموزش‌های دانشگاهی بر روش آرشیوی، متناسب بودن این روش با جنس سوالات مطرح شده در پژوهش‌های حسابداری و... نام برد.

در نهایت، تحلیل پژوهش‌های مرجع مقالات نشان می‌دهد که ۳۵ درصد مقالات نشریه مورد بررسی، از مقالات روز بین‌المللی استفاده کرده‌اند و همگام با موضوعات روز حسابداری بین‌المللی بوده‌اند. ۱۲ درصد مقالات نیز بدون مقاله مرجع، و حاصل تلاش فکری و نوآوری

نویسندگان آن مقالات بوده‌اند. سایر موارد یا حاصل ترکیبی از مقاله‌های مرجع بوده‌اند و یا از مقاله‌های مرجع قدیمی‌تر ایده گرفته‌اند.

در پایان، لازم به ذکر است که پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. محدودیت عمده‌ای که بر سر راه پژوهشگران وجود داشته است، مساله طبقه‌بندی مقالات از لحاظ موضوعی و روش‌شناسی است. البته این مساله دامن‌گیر تمام پژوهش‌های تحلیل محتواست، چراکه بحث طبقه‌بندی و تفکیک پژوهش‌ها امری است که همواره با قضاوت پژوهشگر گره می‌خورد.

منابع

- رشیدی آشتیانی، اعظم؛ لاریجانی، حسن. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای نشریه‌های علمی-پژوهشی در حوزه موضوعی اقتصاد در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۵. برنامه ریزی و بودجه، ۱۶(۳)، ۱۳۳-۱۵۷.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ وکیلی فرد، حمیدرضا؛ بنی طالبی دهکردی، بهاره، کاویان، مریم. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای نشریات علوم مالی دارای رتبه علمی-پژوهشی ایران و مقایسه با نشریه finance آمریکا. فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار ۷۱-۸۶.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ کاویان، مریم. (۱۳۹۱). تحلیل محتوای نشریات دارای رتبه علمی-پژوهشی رشته حسابداری در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۱۲۱-۱۴۳.
- ساعی، محمدجواد؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ فاتح گوش، حسین. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل محتوای تحقیقات علمی-پژوهشی حسابداری در دو دهه اخیر. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی - ۲۰۳، ۲۲۰.
- سلک، محسن؛ بزرگی، اشرف السادات. (۱۳۸۹). تحلیل محتوای مقالات منتشر شده در دو نشریه فصلنامه "کتابداری و اطلاع رسانی" و "فصلنامه کتاب" در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶. فصلنامه دانش شناسی، ۴۰-۲۵.
- قبادی، مریم؛ محمداسماعیل، صدیقه؛ میرحسینی، زهره. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای مقالات فصلنامه علمی-پژوهشی النهج طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۴. فصلنامه النهج، ۱۰۴-۸۵.
- گرامی راد، فاطمه؛ محمدی، مهدی؛ سرلک، نرگس. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای مجلات علمی-پژوهشی حسابداری و مالی منتشره بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۲. فصلنامه علمی-پژوهشی حسابداری مدیریت، ۱۰۵-۱۲۲.

- محمدی، مهدی؛ حسن‌خانی، معصومه؛ امید، معصومه. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای مقاله‌های دوفصلنامه تربیت اسلامی و دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۱۵۱-۱۶۷.
- محمدی، مهدی؛ دادگر، امیرمتقی؛ مطهری نیا، ایمان. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای مقالات فصل‌نامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۱. فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم، ۱۴۹-۱۷۱.
- نمازی، محمد؛ رجب‌دری، حسین؛ روستا میمندی، اعظم. (۱۳۹۶). بررسی تعداد و تحلیل محتوای مقاله‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای حسابداران در ایران. پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱۹۳-۲۲۶.
- نمازی، محمد؛ ناظمی، امین. (۱۳۸۴). بررسی تحلیلی تحقیقات انجام شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی، ۱۳۵-۱۶۶.
- Daryl M. Guffey ؛Nancy L. Harp. (2017). The Journal of Management Accounting Research: A Content and Citation Analysis of the First 25 Years. *JOURNAL OF MANAGEMENT ACCOUNTING RESEARCH*, 93-110.
- Derek K. Oler ؛Mitchell J. Oler ؛Christopher J. Skousen ؛. (2009). Characterizing Accounting Research. *Accounting Horizons*, 635-670.
- Geramirad, F., Mohamadi, M., Sarlak, N. (2014). Content analysis of scientific journals of accounting and financial published between 2009-2012. *Management Accounting*, 7(23), 105-122. (in Persian)
- Ghobadi, M., Mohammad Esmaeil, S., Mirhosseini, Z. (2016). Content Analysis of Journal;s articles of pazhoheshhaye nahjbalagha (1394 - 1389).. *Research of Nahjbalagheh*, 14(2), 85-104. (in Persian)
- Hasselback. James R , Reinstein. Alan , and Abdolmohammadi. Mohammad . (2012). Benchmarking the Research Productivity of Accounting Doctorates. *Accounting Education*: November 2012: 27(4), 943-978.
- Jeffrey Pickerd, Nathaniel M. Stephens, Scott L. Summers, and David A. Wood. (2011). Individual Accounting Faculty Research Rankings by Topical Area and Methodology. *ACCOUNTING EDUCATION*, 471-505.
- Luzadis. Valerie A ... [et al] (2010). The science of ecological economics: A content analysis of ecological economics 1989- 2004. *Annals of the New York Academy of Science*, 1185 (1), 1-10
- Mohammadi, M., Motaghy Dadgar, A., Motaharinia, E. (2015). Content Analysis of the Articles Published in the Journal of Philosophical-Theological Research during (1999-2012). *The Journal of Philosophical - Theological Research*, 149-171. (in Persian)

- Mohammadi, M, Hasankhani, M, Omid, M. (2017). Content analysis of two-part articles "Islamic Education" in the years 2005-2015. *Islamic Education*, 151-167. (in Persian)
- Namazi, M, Nazemi, A. (2005). Analytical review of research conducted in Tehran Stock Exchange. *Financial Research Journal*, 135-166. (in Persian)
- Namazi, M., Rajabdoory, H., Roostameymandi, A. (2017). Investigation of the Frequency and Content Analysis of The Articles Relating to Accounting Professional Ethics in Iran. *Journal of Accounting Advances*, 192-226. (in Persian)
- Rahnama, F., Bani Talebi, B. & Kavian, M. (2012). A content analyzing of Iranian accounting research. *Journal of management accounting*, 5 (15): 121-143. (in Persian)
- Rahnama Roodposhti, F, Vakili Fard, H, Bani Talebi Dehkordi, B, Kavian, M. (2014). Analyzing the contents of financial sciences publications by Iranian research rank and comparing with the US financial magazine. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 71-86. (in Persian)
- Rashidi Ashtiani, Azam; Larijani, Hassan. (1390). Analyzing the content of scientific and research publications in the field of economics in the years 2010-2010. *Planning and Budget*, 16 (3), 157-133. (in Persian)
- Saei, M.J, Lari Dashtbayaz, M, Fateh Goush, H. (2015). A review and content analyzing of Iranian auditing research: Two recent decades. *Journal of accounting and auditing review*, 203-220. (in Persian)
- Sallak, M, sadat bozorgi, A. (2010). Content analysis of articles published in "Faslname-ye Ketab" and "Library and Information Science" quarterlies in 2006 and 2007. *Quarterly Journal of knowledge studies*, 25-40 . (in Persian)

حساب شویی و ناتوانی مالی

بهروز قربانی*، مهرداد قنبری**، بابک جمشیدی نوید***، علیرضا مرادی****

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۰۸

مقاله پژوهشی

چکیده

حساب شویی مبین رفتاری است که طی آن مدیریت قصد دارد با افزایش هزینه‌ها در دوره نامطلوب، ظرفیت شرايطی ایده‌آل را برای دوره بعد ایجاد کند تا بدین وسیله به حداکثر مطلوبیت ممکن دست یابد. این الگو زمانی اتفاق می‌افتد که شرکت دچار ناتوانی مالی و تجدید ساختار و زیان است و به سود پیش‌بینی شده دست نیافته است. هدف این پژوهش، تحلیل و بررسی شیوه بکارگیری تکنیک حساب شویی در شرایط ناتوانی مالی می‌باشد. داده‌های پژوهش با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره ۱۰ ساله (۱۳۸۶ الی ۱۳۹۵) به روش داده‌های ترکیبی و مدل رگرسیون چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش بیانگر آن است که بین فقدان نقدینگی، شکست عملیات و ورشکستگی با حساب شویی رابطه معناداری وجود ندارد و دلیل آن، این است که شرکت‌ها در شرایط ناتوانی مالی توجه بهینه به استفاده از تکنیک حساب شویی نداشته‌اند. همچنین بین ناتوانی در ایفای تعهدات با حساب شویی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌های مواجه با ناتوانی در ایفای تعهدات، تکنیک حساب شویی را مورد استفاده قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: حساب شویی، ناتوانی مالی، عدم نقدینگی، ناتوانی در ایفای تعهدات، ورشکستگی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G01

10.22051/jera.2019.22443.2203:DOI

*دانش‌آموخته دکتری حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(behrooz_ghorbani_9@yahoo.com)

**استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

(ghanbari@iauksh.ac.ir)

***استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (jamshidinavid@iauksh.ac.ir)

****استادیار گروه اقتصاد، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (alirezamoradi_econ@iauksh.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

اطلاعات حسابداری با کیفیت می‌تواند در تخصیص بهینه منابع موثر باشد. یکی از عوامل بیرونی که بر تمام جنبه‌های فعالیت یک شرکت و بر کیفیت اطلاعات حسابداری موثر است ناتوانی مالی می‌باشد (ثقفی و محمدی، ۱۳۹۱). در ادبیات حسابداری، ناتوانی مالی که از آن با عنوان بحران مالی نیز استفاده می‌شود به عنوان موضوعی جدانشدنی در حیات شرکت‌ها، آن چنان با اهمیت و مهم است که می‌تواند تداوم فعالیت یک سازمان را تحت تأثیر قرار دهد و حتی منجر به انحلال یک شرکت شود. بنابراین مدیران این شرکت‌ها قصد خواهند داشت که به هر طریق ممکن این موضوع را مدیریت نمایند تا با کمترین هزینه ممکن این دوران را سپری نمایند (کریمی و سیدحسینی، ۱۳۹۱). اصولاً ناتوانی مالی یک فرآیند طولانی مدت است که بر بسیاری از جنبه‌های مالی و عملیاتی یک شرکت تأثیر می‌گذارد و وضعیتی است که شرکت برای کسب منابع مالی کافی جهت ادامه فعالیتش ناتوان است (طالب بیدختی، ودیعی و کازرونی، ۲۰۱۱). بنابراین در ناتوانی مالی، شرکت‌ها به منظور اجتناب از آن و مقابله با عواقب آن دست به تدابیر لازم می‌زنند و در شرایط ویژه اقدام به استفاده از ابزارهای حسابداری می‌نمایند تا با بکارگیری خلاقانه و هدفمند اصول و استانداردهای حسابداری و همچنین مدیریت فعالیت‌های واقعی بتوانند به اهداف خاص خود دست یابند (پرایسچیا و بانرجی، ۲۰۱۳). یکی از راهکارهای مهم در ناتوانی مالی استفاده از روش‌های مدیریت سود است. مدیریت سود در حالتی که منجر به کاهش کیفیت سود نگردد یکی از جنبه‌های موثر و کارآ در دوره‌های ناتوانی مالی محسوب می‌شود (گار سیالارا، گار سیا او سما و نئوفیتو، ۲۰۰۹). اهمیت مدیریت سود نیز از آن حیث است که سود حسابداری منطبق با استانداردهای پذیرفته شده حسابداری به دلیل وجود برخوردهای جایگزین برای رویدادهای حسابداری که مجاز شناخته شده‌اند می‌تواند مورد دستکاری قرار گیرد و به این ترتیب برای مطلوب نشان دادن وضعیت موجه یا غیرموجه شرکت استفاده گردد (حجازی و معصومی، ۱۳۹۰). حساب‌شویی یکی از رویکردهای نوین و موثر در مدیریت سود است که در ادبیات حسابداری چندان مورد بررسی و مطالعه تجربی قرار نگرفته است. هدف این پژوهش نیز تبیین حساب‌شویی در شرایط ناتوانی مالی می‌باشد. در فرآیند مدیریت سود، مدیریت اقدام به کاهش سود جاری به منظور افزایش سودهای آتی خواهد کرد که به این روش حمام بزرگ یا حساب‌شویی گفته می‌شود. مفهوم

حساب شویی به این موضوع می‌پردازد که شرکت‌ها در زمانی که اخبار بد نظیر جریان وجوه نقد عملیاتی منفی دارند قصد خواهند کرد که این اخبار منفی را تا حد ممکن نامطلوب جلوه دهند تا در دوره‌های مالی بعدی از پتانسیل ناشی از تعجیل در شناسایی هزینه‌ها طی دوره جاری حداکثر استفاده را ببرند (کرچینهادر و ملوماد، ۲۰۰۲). حساب شویی مبین رفتاری است که طی آن مدیریت قصد دارد با افزایش هزینه‌ها در طی دوره نامطلوب، ظرفیت ایجاد دوره‌ای ایده‌آل در دوره بعدی را ایجاد کند تا به حداکثر مطلوبیت ممکن در طی دوره دست یابد (والش، کرایگ و کلارک، ۱۹۹۱). در حسابداری، حساب شویی یک راهکار مناسب برای مواجهه با ناتوانی مالی است. بنابراین مساله اصلی این پژوهش آن است که ناتوانی مالی بر وضعیت مالی و عملیاتی یک شرکت به چه نحوی تأثیر می‌گذارد؟ چگونه می‌توان با استفاده از روش حساب شویی، ناتوانی مالی را بهبود بخشید؟ نقش متغیرهای تئوری اثباتی در این فرآیند به چه صورت می‌باشد؟

در ادامه به بررسی مبانی نظری، پیشینه پژوهش و تحلیل مدل‌های پژوهش پرداخته می‌شود و در نهایتاً نتایج حاصل از شیوه بکارگیری حساب شویی ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نیوتن مراحل نامطلوب شدن شرایط مالی شرکت را به دوره نهفتگی، کسری وجه نقد، نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری، نبود قدرت پرداخت دیون کامل و در نهایت ورشکستگی تقسیم کرد و اغلب ورشکستگی‌ها از این مراحل پیروی می‌کنند (نیوتن، ۲۰۱۰). هم‌چنین بین شرکت‌های دارای ناتوانی مالی ولی غیرورشکسته تفاوت وجود دارد. به این ترتیب که شرکت‌های دارای ناتوانی مالی ولی غیرورشکسته می‌توانند مشکلات نقدینگی خود را از طریق تجدید ساختار عمده یا ترکیب با شرکت دیگری حل کنند (نمازی، ۱۳۸۴). با توجه به اینکه میزان وقوع شرایط نابسامان مالی در سال‌های اخیر در سراسر جهان بیش از هر زمان دیگری است در دو دهه اخیر ارقام اقتصادی بیانگر افزایش بی‌سابقه‌ای از میزان ناتوانی مالی و به تبع آن ورشکستگی است و یکی از راه‌هایی که مدیران شرکت‌ها ممکن است برای مخفی کردن عملکرد ضعیف خود (به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی)، از آنان استفاده می‌کنند مدیریت سود است که استفاده از آن، باعث کاهش قابلیت اتکای سود شرکت‌ها می‌شود (روسنر، ۲۰۰۳).

در هر یک از وضعیت‌های ناتوانی مالی شیوه خاصی باید مورد استفاده قرار گیرد و شرکت‌های دارای ناتوانی مالی ولی غیرورشکسته می‌توانند وضعیت خود را بهبود بخشند و در این فرآیند، یکی از تکنیک‌هایی که بر بهبود وضعیت مالی می‌تواند موثر واقع شود حساب‌شویی است، در نتیجه این پژوهش بدنبال آن است تا با تدوین فرضیه‌هایی شرایط مختلف ناتوانی مالی را با حساب‌شویی مورد ارزیابی قرار داده و میزان بکارگیری و تأثیر این تکنیک را در ناتوانی مالی مورد آزمون قرار دهد. در این بخش پیشینه پژوهش که در خارج و داخل از کشور انجام شده است ارائه می‌گردد.

کیا و صفری‌گرایی (۱۳۹۶)، به بررسی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت تعهدی سود و مدیریت واقعی سود در شرکت‌های دارای درماندگی مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، موجب کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی شده و در مقابل مدیریت سود اقلام واقعی افزایش می‌یابد.

دارایی و جنتی (۱۳۹۵)، به بررسی اثرات هموارسازی سود بر ارزش افزوده اقتصادی با در نظر گرفتن تعدیلات سنواتی در قالب اصول و خارج از اصول، شرکت‌های دارای بحران مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌های هموارساز به طور معناداری از شرکت‌های غیرهموارساز کمتر است.

سیدنژاد فهیم و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی تعدیلات سنواتی ابزاری جهت هموارسازی سود در شرکت‌های دارای درماندگی مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین تعدیلات سنواتی و هموارسازی سود وجود ندارد.

احمدپور و شهسواری (۱۳۹۳)، به بررسی مدیریت سود و تأثیر کیفیت سودآوری آتی شرکت‌های ورشکسته بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نحوه استفاده از اقلام تعهدی برای شرکت‌ها قبل از ورشکستگی به صورت کارآمد می‌باشد لیکن شرکت‌های ورشکسته به صورت ناکارآمد اقدام به مدیریت سود می‌کنند.

بلو و کرمی (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی الگوی جریان وجوه نقد و الگوی برنامه‌ریزی ژنتیک در پیش‌بینی درماندگی مالی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که الگوی جریان‌های نقدی دارای قدرت پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها در ایران است.

ثقفی و جمالیان پور (۱۳۹۲)، به بررسی رفتار اقلام تعهدی در شرکت‌های دچار بحران مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دچار بحران مالی به نسبت شرکت‌های سالم از اقلام تعهدی غیرمنتظره به میزان متفاوت تری استفاده می‌کنند.

کیم و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی حساب‌شویی بزرگ در شرکت سامسونگ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در سال‌های گذشته شرکت سامسونگ که دارای زیان بوده از سال ۲۰۰۸ به طور متناوب طی سال اقدام به حساب‌شویی نموده و در طی این سال‌ها با بازاریابی گسترده و مدیریت هزینه‌ها از طریق حساب‌شویی عملکرد آتی و سود را بهبود بخشیده است.

چنگ و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود بر ضریب واکنش سود فعلی و سودهای آتی شرکت‌های دارای ناتوانی مالی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌های با محیط نامطلوب مالی، انتظارات سرمایه‌گذاران از سودهای آتی با اثر هموارسازی سود فقط موجب افزایش ضریب واکنش سود جاری و در شرکت‌های با محیط مطلوب مالی، ضریب واکنش سودهای آتی نیز با افزایش هموارسازی سود افزایش می‌یابد.

لنکا زمانکوا (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی حساب‌شویی به عنوان عامل تعیین‌کننده در حسابداری ساختگی شرکت‌های کوچک و متوسط پرداختند. بر مبنای نتایج حاصله، از طریق مدیریت سود و تغییر رویکرد شرکت، حسابداری ساختگی و حساب‌شویی انجام پذیرفته است.

کارولین و کاریسون (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی حساب‌شویی و آسیب‌رسیدن به سرقفلی در شرکت‌های صنعتی اروپا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هر چند حساب‌شویی پتانسیل دوره مطلوب آتی را فراهم می‌کند اما با مدیریت سود، سرقفلی می‌تواند تغییرات مطلوبی را نداشته باشد.

با توجه به پژوهش‌های قبلی انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که ناتوانی مالی و روبه‌های متفاوت حسابداری از جنبه‌های مختلف ارزیابی گردیده اما راهکاری جامع که در هر وضعیت بتوان از روشی مناسب برای مواجهه با آن استفاده نمود ارائه نشده است. از سوی دیگر هیچ‌یک از تحقیقات قبلی به بررسی حساب‌شویی در ناتوانی مالی نپرداخته است که این موضوع از نقاط قوت این پژوهش محسوب می‌گردد.

فرضیه و مدل های پژوهش

ناتوانی مالی در برگیرنده چهار مولفه: فقدان نقدینگی، ناتوانی ایفای تعهدات، شکست عملیات تجاری و ورشکستگی می باشد که با حساب شویی در قالب فرضیه های پژوهش ارائه می گردند:

(۱) در دوره های فقدان نقدینگی، تأثیر معناداری در بکارگیری تکنیک حساب شویی وجود دارد .

$$BBA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 iliquidity_{i,t} + \beta_2 Political_{i,t} + \beta_3 Debt_{i,t} + \beta_4 Bonus_{i,t} + \beta_5 Agency_{i,t} + \beta_6 iliquidity \times Political_{i,t} + \beta_7 iliquidity \times Debt_{i,t} + \beta_8 iliquidity \times Bonus_{i,t} + \beta_9 iliquidity \times Agency_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(۲) در دوره های ناتوانی ایفای تعهدات، تأثیر معناداری در بکارگیری تکنیک حساب شویی وجود دارد .

$$BBA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 obligation_disability_{i,t} + \beta_2 Political_{i,t} + \beta_3 Debt_{i,t} + \beta_4 Bonus_{i,t} + \beta_5 Agency_{i,t} + \beta_6 obligation_disability \times Political_{i,t} + \beta_7 obligation_disability \times Debt_{i,t} + \beta_8 obligation_disability \times Bonus_{i,t} + \beta_9 obligation_disability \times Agency_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(۳) در دوره های شکست عملیات، تأثیر معناداری در بکارگیری تکنیک حساب شویی وجود دارد .

$$BBA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 oper_fail_{i,t} + \beta_2 Political_{i,t} + \beta_3 Debt_{i,t} + \beta_4 Bonus_{i,t} + \beta_5 Agency_{i,t} + \beta_6 oper_fail \times Political_{i,t} + \beta_7 oper_fail \times Debt_{i,t} + \beta_8 oper_fail \times Bonus_{i,t} + \beta_9 oper_fail \times Agency_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(۴) در دوره های ورشکستگی، تأثیر معناداری در بکارگیری تکنیک حساب شویی وجود دارد .

$$BBA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 bankruptcy_{i,t} + \beta_2 Political_{i,t} + \beta_3 Debt_{i,t} + \beta_4 Bonus_{i,t} + \beta_5 Agency_{i,t} + \beta_6 bankruptcy \times Political_{i,t} + \beta_7 bankruptcy \times Debt_{i,t} + \beta_8 bankruptcy \times Bonus_{i,t} + \beta_9 bankruptcy \times Agency_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۵ می باشد. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات و پس از اعمال

محدودیت‌ها، تعداد ۱۴۱ شرکت انتخاب شدند که در مجموع نمونه نهایی، ۱۴۱۰ سال-شرکت می‌باشد که مورد آزمون قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ استفاده شده است.

الف) نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: ناتوانی مالی

وضعیتی است که شرکت برای کسب منابع مالی کافی جهت ادامه فعالیتش ناتوان است و در انجام امور خود دچار تلاطم‌های مالی و عملیاتی می‌گردد (مک وی، ۲۰۰۶). در این وضعیت شرکت برای مواجه شدن با تعهدات خود در سررسید ناتوان می‌شود (آلتمن و هاتچیکس، ۲۰۰۵).

بنابر ادبیات موجود بحران مالی دارای چهار جزء اصلی است که عبارتند از:

۱) شکست در عملیات تجاری: هرگاه شرکت در دستیابی به اهداف خود موفق نباشد به آن شکست گفته می‌شود. معیار محاسبه آن نیز زیان ناخالص می‌باشد (زیان ناخالص برابر است با: درآمد منهای بهای تمام شده کالای فروش رفته).

۲) عدم نقدینگی: وضعیتی است که در آن شرکت‌ها قادر به ایفای تعهدات کوتاه‌مدت خود نباشند و از طریق فزونی جریان نقدی ناشی از هزینه‌های مالی بر جریان‌های نقدی عملیاتی محاسبه می‌شود.

۳) ناتوانی در ایفای تعهدات در سررسید: زمانی که پیش‌بینی می‌شود شرکت نتواند تعهدات خود را در سررسید (غیر کوتاه مدت) ایفا نماید. از طریق نسبت ناتوانی مالی محاسبه می‌شود که برابر است با: «ارزش بازار دارایی‌ها منهای نقطه ناتوانی» تقسیم بر «ارزش بازار دارایی‌ها ضربدر نوسانات ارزش دارایی‌ها»؛ (منظور از ارزش بازار دارایی‌ها، همان ارزش بازار شرکت است) (آلتمن و هاتچیکس، ۲۰۰۵).

۴) ورشکستگی: دچار شدن به مشکلات حقوقی و قضایی به دلیل عدم توانایی ایفای تعهدات خود در آینده قابل پیش‌بینی را ورشکستگی می‌نامند. برای تعیین شرکت‌های ورشکسته از دو معیار استفاده شده است:

الف) مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت باشد (بر اثر زیان های وارد شده حداقل ۵۰ درصد سرمایه شرکت از بین رفته باشد). ب) شاخص آلتمن: از طریق فرمول نگاره (۱) ارزیابی می گردد.

نگاره (۱): شاخص آلتمن

مدل	منطقه بحرانی	معادله
Z آلتمن	$Z < 2/675$	$Z = 1/2 (WC/TA) + 1/4 (RE/TA) + 3/3 (EBIT/TA) + 0/6 (MVE/BVD) + 0/999 (S/TA) +$
ZSCORE		سرمایه در گردش: WC و کل دارایی: TA و سود انباشته: RE سود قبل از بهره و مالیات: EBIT و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام: MVE ارزش دفتری کل بدهی: BVD و کل درآمد: S

متغیر وابسته

حسابشویی (استقبال از زیان)

وضعیتی که طی آن شرکت از پتانسیل ایجاد شده توسط اخبار منفی، اقدام به شناسایی حداکثری هزینه ها بدون توجه به اصل تطابق و با اتکا بر مفهوم محافظه کاری می نماید. در واقع نوعی مدیریت سود است که اقدام به شناسایی حداکثری هزینه ها مرتبط با دوره جاری و آتی می شود تا ظرفیت ایجاد دوره مطلوب آتی میسر گردد. در این پژوهش از معیار تغییرات منفی سود به تغییرات منفی جریان وجه نقد استفاده می شود. زمانی که تغییرات وجه نقد عملیاتی منفی نیست بنابراین فرض لازم برای حسابشویی وجود نخواهد داشت (والش و همکاران، ۱۹۹۱). از این رو هرگاه یکی از دو شرط ذکر شده وجود نداشته باشد می توان چنین گفت که فرض وجود حسابشویی منفی خواهد بود. بنابراین به زبان ریاضی برای اندازه گیری میزان حسابشویی از فرمول زیر استفاده شده است:

$$BBA_{i,t} = \begin{cases} 0, & \text{if } (CFO_{i,t} > 0) \\ \frac{\Delta RNP_{i,t}}{\Delta CF_{i,t}}, & \text{if } (CFO_{i,t} \leq 0) \end{cases}$$

شاخص میزان حسابشویی = BBA و خالص جریان وجه نقد عملیاتی = OCF

سود خالص گزارش شده = RNP و خالص جریان وجه نقد = CF

در فرمول فوق اگر رقم خالص جریان نقدی عملیاتی (که از فرمول فوق بدست می‌آید) کوچکتر یا مساوی صفر باشد بیانگر آن است که حساب شویی وجود دارد. بنابراین فرض اصلی برای وجود حساب شویی آن است که جریان نقدی عملیاتی منفی باشد (والش و همکاران، ۱۹۹۱).

متغیرهای تعدیل کننده: متغیرهای تعدیل کننده این پژوهش، که بر روابط بین متغیر مستقل و وابسته تأثیر می‌گذارند به شرح زیر می‌باشند:

الف) هزینه‌های سیاسی: از آنجایی که هزینه‌های سیاسی باعث خروج وجه نقد از شرکت می‌شود و در محاسبه حساب شویی وجه نقد یکی از عوامل اساسی است بنابراین هزینه سیاسی از طریق تراکم سرمایه (نسبت خالص دارایی‌های ثابت به فروش) و اندازه شرکت به عنوان یک عامل موثر دیگر در هزینه‌های سیاسی محاسبه می‌گردد.

ب) هزینه بدهی: از طریق معیار اهرم مالی محاسبه می‌گردد.

ج) هزینه پاداش: از طریق بررسی پاداش هیات مدیره (مصوب مجمع عمومی صاحبان سهام، اعم از نقدی و غیرنقدی) محاسبه می‌گردد (زمی ژوسکی و هیگرم، ۱۹۸۱).

د) هزینه‌های نمایندگی: از طریق معیار جریان وجه نقد آزاد سهام‌داران و شاخص کیوتوبین محاسبه می‌گردد (مک نایت و ویر، ۲۰۰۹).

ب) آزمون‌های آماری

آمار توصیفی: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها، در نگاره (۲) ارائه شده است.

با توجه به نگاره (۲)، میانگین متغیر حساب شویی صفر بدست آمده است. برای این منظور ابتدا از طریق فرمول حساب شویی، شرکت‌های دارای حساب شویی مشخص گردید سپس بر مبنای داده‌های این گروه شرکت‌ها، محاسبات آمار توصیفی انجام شده است. هم‌چنین میانگین متغیر فقدان نقدینگی ۵۷٪ بیان‌گر آن است که ۵۷٪ شرکت‌ها با فقدان نقدینگی مواجه بوده و بر مبنای نتایج فوق، بیشتر شرکت‌های مورد بررسی، با ناتوانی در ایفای تعهدات و شکست عملیات مواجه نبوده‌اند.

نگاره (۲): نتایج آمار توصیفی

تعداد مشاهده	نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	چولگی	کشیدگی
۱۴۴۰	حساب شویی	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	-۵/۵۱۴۸
۱۴۴۰	فقدان نقدینگی	۰/۵۷۳۶	۱/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۹۴۷	-۰/۲۹۷۷
۱۴۴۰	ناتوانی ایفای تعهدات	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	-۲/۳۳۸۵
۱۴۴۰	شکست عملیات	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۳۷۳	۲/۷۷۶۹
۱۴۴۰	هزینه بدهی	۰/۶۱۳۷	۰/۶۲۴۹	۰/۹۲۵۰	۰/۲۸۰۹	۰/۱۷۶۳	-۰/۱۳۵
۱۴۴۰	هزینه پاداش	۰/۰۰۴۱	۰/۰۰۱۶	۰/۰۱۹۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۵۵	۱/۴۰۷۳
۱۴۴۰	هزینه نمایندگی	۰/۰۸۴۵	۰/۰۶۱۱	۰/۴۶۳۴	-۰/۱۸۹۷	۰/۱۵۴۸	۰/۶۹۶۶
۱۴۴۰	ورشکستگی	۰/۲۹۵۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۵۶۶	۰/۸۹۴۷
۱۴۴۰	هزینه سیاسی	۰/۳۹۹۳	۰/۳۳۳۳	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۲۸۶۴	۰/۲۲۰۱

ماخذ: یافته های پژوهش

در ارتباط با دو متغیر ورشکستگی و هزینه سیاسی که در انتهای نگاره آمده است با توجه به ماهیت آن‌ها (دامی بودن)، ابتدا بر مبنای فرمول‌های پایه، شرکت‌ها بر مبنای صفر و یک تفکیک شده سپس محاسبات آمار توصیفی فوق انجام شده است. بنابراین میانگین متغیر ورشکستگی حدود ۲۹٪ است که به این میزان شرکت‌های مورد بررسی با ورشکستگی مواجه بوده‌اند. همچنین میانگین متغیرهای تعدیل گر شامل هزینه سیاسی با مقدار ۳۹٪، هزینه بدهی با مقدار ۶۱٪، هزینه پاداش با مقدار کمتر از ۱٪ و هزینه نمایندگی با مقدار ۸٪ در آزمون‌های مورد بررسی موثر هستند.

آمار استنباطی

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش شامل چهار فرضیه می‌باشد که متغیر وابسته هموارسازی سود با توجه به چهار متغیر مستقل و متغیرهای تعدیل‌کننده که بر رابطه آن‌ها تأثیر می‌گذارند مورد آزمون قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه اول: نگاره (۳)، نتایج آزمون فرضیه اول را بر مبنای مدل (۱) ارائه می‌نماید.

نگاره (۳): ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی فرضیه فرعی اول پژوهش

احتمال آماره t	آماره t	انحراف استاندارد	ضرایب	نماد متغیر	نام متغیر
۰/۰۶۰۰	-۱/۸۸۲۱	۰/۰۱۶۴	-۰/۰۳۰۸	liquidity	فقدان نقدینگی
۰/۲۷۳۹	۱/۰۹۴۶	۰/۰۰۳۲	۰/۰۰۳۵	Political	هزینه سیاسی
۰/۲۷۵۱	۱/۰۹۱۸	۰/۰۱۸۲	۰/۰۱۹۹	Debt	هزینه بدهی
۰/۴۲۶۳	۰/۷۹۵۷	۰/۷۶۰۱	۰/۶۰۴۸	Bonus	هزینه پاداش
۰/۲۶۵۹	۱/۱۱۳۰	۰/۰۱۵۲	۰/۰۱۶۹	Agency	هزینه نمایندگی
۰/۳۹۶۴	۰/۸۴۸۴	۰/۰۳۱۹	۰/۰۲۷۰	liquidity × Political	اثر متقابل فقدان نقدینگی و هزینه سیاسی
۰/۰۲۷۴	۲/۲۰۸۴	۰/۰۲۱۰	۰/۰۴۶۳	liquidity × Debt	اثر متقابل فقدان نقدینگی و هزینه بدهی
۰/۱۱۶۸	-۱/۵۶۹۳	۰/۵۵۳۵	-۰/۸۶۸۶	liquidity × Bonus	اثر متقابل فقدان نقدینگی و هزینه پاداش
۰/۸۶۶۸	۰/۱۶۷۸	۰/۰۰۷۵	۰/۰۰۱۳	liquidity × Agency	اثر متقابل فقدان نقدینگی و هزینه نمایندگی
۰/۰۵۷۶	-۱/۹۰۰۶	۰/۰۱۰۰	-۰/۰۱۹۱	C	مقدار ثابت
آماره دوربین-واتسون		آماره F	احتمال آماره F (Prob)	ضریب تعیین تعديل شده R ²	ضریب تعیین R ²
۱/۹۱۹۱		۷/۵۷۶۳	۰/۰۰۰۰	۰/۲۶۵۶	۰/۳۶۱۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در نگاره (۳) مقدار احتمال آماره F برابر ۰/۰۰۰۰ بوده که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بر مبنای ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۶۵۶ تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل در الگوی رگرسیونی پژوهش توضیح داده می‌شوند. نتایج آزمون دوربین-واتسون برای استقلال مشاهدات با آماره ۱/۹۱۹۱ حاکی از این است که مشکل خود همبستگی وجود ندارد. با توجه سطح احتمال متغیر فقدان نقدینگی در این مدل که برابر است با ۰/۰۶۰۰ و با توجه به اینکه این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فقدان نقدینگی رابطه معناداری با حساب شویی ندارد.

آزمون فرضیه دوم: برای آزمون فرضیه دوم، مدل (۲) برآورد گردیده که نتیجه آن در نگاره (۴) ارائه شده است.

نگاره (۴): ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی فرضیه فرعی دوم پژوهش

احتمال آماره t	آماره t	انحراف استاندارد	ضرایب	نماد متغیر	نام متغیر
۰/۰۱۷۶	-۲/۳۷۶۱	۰/۱۴۲۵	-۰/۳۳۸۵	obligation_disability	ناتوانی در ایفای تعهدات
۰/۹۰۴۹	-۰/۱۱۹۵	۰/۶۲۴۹	-۰/۰۷۴۷	Political	هزینه سیاسی
۰/۳۷۱۷	-۰/۸۹۳۵	۰/۱۱۰۷	-۰/۰۹۹۰	Debt	هزینه بدهی
۰/۶۲۴۷	۰/۸۹۳۳	۰/۹۳۰۷	۰/۸۳۱۴	Bonus	هزینه پاداش
۰/۶۲۱۱	۰/۹۴۳۵	۰/۶۷۴۰	۰/۶۳۵۹	Agency	هزینه نمایندگی
۰/۲۴۲۳	۱/۱۶۹۹	۰/۳۴۷۵	۰/۴۰۶۵	obligation_disability × Political	اثر متقابل ناتوانی در ایفای تعهدات و هزینه سیاسی
۰/۰۰۹۲	۲/۶۰۹۱	۰/۱۹۶۶	۰/۵۱۳۰	obligation_disability × Debt	اثر متقابل ناتوانی در ایفای تعهدات و هزینه بدهی
۰/۲۶۶۲	-۱/۱۱۲۳	۰/۳۹۹۷	-۰/۴۴۴۶	obligation_disability × Bonus	اثر متقابل ناتوانی در ایفای تعهدات و هزینه پاداش
۰/۹۸۹۹	-۰/۱۲۷۰	۰/۱۱۴۲	-۰/۰۱۴۵	obligation_disability × Agency	اثر متقابل ناتوانی در ایفای تعهدات و هزینه نمایندگی
۰/۵۳۷۶	۰/۶۱۶۶	۰/۸۲۲۹	۰/۵۰۷۴	C	مقدار ثابت
آماره دورین- واتسون		آماره F	احتمال آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده R ²	ضریب تعیین R ²
۱/۸۵۳۰		۱/۱۷۵۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۶۰۹	۰/۰۷۳۴

ماخذ: یافته های پژوهش

در نگاره (۴) مقدار احتمال آماره F برابر ۰/۰۰۰۰ بوده که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد. بر مبنای ضریب تعیین تعدیل شده، ۶٪ تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل در الگوی رگرسیونی پژوهش

توضیح داده می‌شوند. نتایج آزمون دورین-واتسون برای استقلال مشاهدات با آماره $1/8530$ حاکی از این است که مشکل خود همبستگی وجود ندارد. با توجه سطح احتمال متغیر ناتوانی در ایفای تعهدات در این مدل که برابر است با $0/0176$ و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از $0/05$ می‌باشد، بنابراین ناتوانی در ایفای تعهدات رابطه معناداری با حساب شویی دارد و با توجه به منفی بودن ضریب ($-0/3385$) رابطه معکوس و معنادار می‌باشد و فرضیه فرعی دوم تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه سوم: برای آزمون فرضیه سوم، مدل (۳) برآورد گردیده که نتیجه آن در نگاره (۵) ارائه شده است.

نگاره (۵): ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی فرضیه فرعی سوم پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
شکست در عملیات	oper_fail	-0/2266	1/0738	-0/2110	0/8329
هزینه سیاسی	Political	0/0039	0/0036	1/1017	0/2708
هزینه بدهی	Debt	0/0106	0/0045	2/3408	0/0194
هزینه پاداش	Bonus	1/4005	0/6242	2/2438	0/0250
هزینه نمایندگی	Agency	0/0057	0/0067	0/8463	0/3975
اثر متقابل شکست در عملیات و هزینه سیاسی	oper_fail × Political	0/7302	0/4361	1/6745	0/0943
اثر متقابل شکست در عملیات و هزینه بدهی	oper_fail × Debt	0/4097	0/9106	0/4499	0/6528
اثر متقابل شکست در عملیات و هزینه پاداش	oper_fail × Bonus	-71/8830	6/1297	-11/7270	0/0000
اثر متقابل شکست در عملیات و هزینه نمایندگی	oper_fail × Agency	0/4347	0/5603	0/7759	0/4380
مقدار ثابت	C	-0/0138	0/0036	-3/8319	0/0001
ضریب تعیین R ²	ضریب تعیین تعدیل شده R ²	احتمال آماره F	آماره F	آماره دورین-واتسون	
0/3311	0/3269	0/0000	78/6828	1/8830	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در نگاره (۵) مقدار احتمال آماره F برابر $0/0000$ بوده که کمتر از سطح خطای $0/05$ است و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بر مبنای ضریب تعیین

تعدیل شده حدود ۳۳٪ تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شوند. نتایج آزمون دوربین-واتسون برای استقلال مشاهدات با آماره $1/8830$ حاکی از این است که مشکل خود همبستگی وجود ندارد. با توجه سطح احتمال متغیر شکست عملیات در این مدل که برابر است با $0/8329$ و با توجه به اینکه این مقدار بیشتر از $0/05$ می باشد، بنابراین شکست در عملیات رابطه معناداری با حساب شویی ندارد.

آزمون فرضیه چهارم: برای آزمون فرضیه چهارم، مدل (۴) برآورد گردیده که نتیجه آن در نگاره (۶) گزارش شده است.

نگاره (۶): ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی فرضیه فرعی چهارم پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
ورشکستگی	banckrubtscy	۰/۲۴۴۲	۰/۱۳۱۶	۱/۸۵۵۳	۰/۰۶۳۸
هزینه سیاسی	Political	۰/۰۳۷۷	۰/۰۱۷۶	۲/۱۴۱۲	۰/۰۳۲۴
هزینه بدهی	Debt	۰/۱۱۶۹	۰/۰۶۷۴	۱/۷۳۴۹	۰/۰۸۳۰
هزینه پاداش	Bonus	۰/۵۷۹۶	۱/۶۴۸۹	۰/۳۵۱۵	۰/۷۲۵۳
هزینه نمایندگی	Agency	۰/۰۲۸۷	۰/۰۱۶۵	۱/۷۳۷۰	۰/۰۸۲۶
اثر متقابل ورشکستگی و هزینه سیاسی	banckrubtscy × Political	-۰/۱۹۲۷	۰/۰۸۱۳	-۲/۳۷۰۲	۰/۰۱۷۹
اثر متقابل ورشکستگی و هزینه بدهی	banckrubtscy × Debt	-۰/۱۹۰۱	۰/۱۳۵۲	-۱/۴۰۶۲	۰/۱۵۹۹
اثر متقابل ورشکستگی و هزینه پاداش	banckrubtscy × Bonus	-۰/۵۰۴۱	۰/۴۵۹۵	-۱/۰۹۷۲	۰/۲۷۲۸
اثر متقابل ورشکستگی و هزینه نمایندگی	banckrubtscy × Agency	۰/۰۳۸۴	۰/۱۸۰۴	۰/۲۱۳۱	۰/۸۳۱۳
مقدار ثابت	C	-۰/۱۳۰۴	۰/۰۳۴۸	-۳/۷۵۰۰	۰/۰۰۰۲
ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده R^2	احتمال آماره F	آماره F	آماره دوربین-واتسون	
۰/۱۱۹۱	۰/۰۱۵۰	۰/۰۰۰۰	۱/۱۴۴۹	۲/۱۶۱۳	

ماخذ: یافته های پژوهش

در نگاره (۶) مقدار احتمال آماره F برابر $0/0000$ بوده که کمتر از سطح خطای $0/05$ است و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد. بر مبنای ضریب تعیین

تعدیل شده حدود ۲٪ تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شوند. نتایج آزمون دوربین-واتسون برای استقلال مشاهدات با آماره $2/1613$ حاکی از آن است که مشکل خود همبستگی وجود ندارد. با توجه سطح احتمال متغیر ورشکستگی در مدل فوق که برابر است با $0/0638$ و با توجه به اینکه این مقدار بیشتر از $0/05$ می‌باشد، بنابراین ورشکستگی رابطه معناداری با حساب شویی ندارد.

نتیجه گیری

در این پژوهش روشی متفاوت در پژوهش‌های حسابداری ایران تحت عنوان حساب شویی به عنوان شیوه‌ای برای مدیریت سود در کنار سایر روش‌های مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش دارای چهار فرضیه فرعی می‌باشد و بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، هر چهار مدل ارائه شده برای تکنیک حساب شویی، معنادار هستند. در بررسی فرضیه فرعی اول مشخص شد که بین فقدان نقدینگی و حساب شویی رابطه معنادار وجود ندارد. مقدار ثابت (عرض از مبدا) این مدل $0/0191$ - است و با توجه به سطح احتمال فقدان نقدینگی، شرکت‌ها در دوره‌هایی که نقدینگی نداشته‌اند از روش حساب شویی استفاده ننموده‌اند. البته سطح معناداری متغیر فقدان نقدینگی 6% می‌باشد و به طور قطعی نمی‌توان گفت در فقدان نقدینگی از حساب شویی استفاده نشده است زیرا با اختلاف جزئی (1%) در این خصوص نمی‌توان بر عدم بکارگیری حساب شویی تاکید نمود. اما در خصوص اثر متغیرهای تعدیلی، هزینه بدهی با مقدار ($0/0274$) که کمتر از 5% می‌باشد به عنوان یکی از عوامل موثر در فقدان نقدینگی شرکت‌های مورد بررسی می‌باشد و بیانگر آن است که در فقدان نقدینگی شرکت‌ها، هزینه بدهی یکی از عوامل موثر بوده است.

در بررسی نتایج فرضیه فرعی دوم مشخص گردید بین ناتوانی در ایفای تعهدات با حساب شویی رابطه وجود دارد. مقدار ثابت (عرض از مبدا) مدل این فرضیه $0/5074$ است و با توجه به منفی بودن ضریب متغیر ناتوانی در ایفای تعهدات ($-0/3385$)، رابطه معکوس می‌باشد و به این مفهوم است که شرکت‌ها هنگام ناتوانی در ایفای تعهدات، از تکنیک حساب شویی استفاده ننموده‌اند. به عبارت بهتر با توجه به وجود رابطه معکوس بین دو متغیر مذکور، استفاده از حساب شویی منجر به کاهش ناتوانی مالی ایفای تعهدات می‌گردد و بالعکس. همچنین اثر هزینه بدهی با مقدار 1% و به عنوان متغیر تعدیلی، در ناتوانی ایفای تعهدات شرکت‌ها مؤثر بوده

و بیانگر آن است که یکی از عوامل ناتوانی در ایفای تعهدات شرکت‌ها، اثرات هزینه بدهی می‌باشد. به عبارت بهتر کاهش هزینه بدهی می‌تواند باعث بهبود وضعیت ناتوانی مالی شرکت گردد.

نتایج فرضیه فرعی سوم نشان می‌دهد که بین شکست عملیات و حساب‌شویی رابطه معنادار وجود ندارد. مقدار ثابت (عرض از مبدا) این مدل $0/138-$ است و با توجه به سطح احتمال شکست عملیات، شرکت‌ها در دوره‌هایی که با شکست عملیات مواجه بوده‌اند از روش حساب‌شویی استفاده نکرده‌اند. در تحلیل این فرضیه، هزینه بدهی و هزینه پاداش به عنوان متغیر کنترلی و هزینه پاداش به عنوان متغیر تعدیلی با مقادیر کمتر از 5% بر شکست عملیات شرکت‌ها مؤثر بوده و بیانگر آن است که یکی از دلایل شکست در عملیات شرکت‌ها، هزینه‌های بسیار زیاد بدهی و پاداش می‌باشد و کاهش هزینه بدهی و پاداش می‌تواند در بهبود شکست عملیات مؤثر واقع شود.

در بررسی فرضیه فرعی چهارم نیز مشخص شد که بین ورشکستگی و حساب‌شویی رابطه معنادار وجود ندارد. مقدار ثابت (عرض از مبدا) این مدل $0/1304-$ و با توجه به سطح احتمال ورشکستگی، هنگام مواجهه با ورشکستگی شرکت‌ها از روش حساب‌شویی استفاده ننموده‌اند. البته سطح معناداری متغیر ورشکستگی 6% می‌باشد و به طور قطعی نمی‌توان گفت در فقدان نقدینگی از حساب‌شویی استفاده نشده است زیرا با اختلاف جزئی (1%) در این خصوص نمی‌توان بر عدم بکارگیری حساب‌شویی تأکید نمود. در این میان، سطح احتمال هزینه سیاسی به عنوان متغیر کنترلی (3%) و به عنوان متغیر تعدیلی ($1/79\%$)، کمتر از 5% می‌باشد و بیانگر آن است که هزینه‌های سیاسی بر ورشکستگی شرکت‌ها مؤثر بوده و بیانگر آن است که یکی از دلایل ورشکستگی شرکت‌ها، هزینه‌های زیاد سیاسی است که تکنیک حساب‌شویی نقش مهمی در کاهش و کنترل این نوع هزینه‌ها می‌تواند ایفا نماید. جهت مقایسه با سایر پژوهش‌ها، تحقیقات تجربی چندانی در حوزه حساب‌شویی انجام نشده است. اما به طور کلی، یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های کیم و همکاران (۲۰۱۸) و لنکا زمانکو (۲۰۱۵) مطابقت داشته و با پژوهش‌های کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶)، سیدنژادفهم و همکاران (۱۳۹۴)، دارایی و جنتی (۱۳۹۵) مشابهت دارد.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که شرکت‌های مواجهه با ناتوانی مالی، ابتدا تحلیل مناسبی از وضعیت مالی خود داشته باشند و ترتیبی اتخاذ نمایند که در کدام یک از مراحل ناتوانی مالی قرار دارند تا شیوه برخورد با هر وضعیت میسر گردد. بر مبنای نتایج فرضیه‌ها می‌توان تفسیر کرد که در کوتاه‌مدت یا بلندمدت بیشتر شرکت‌ها استفاده مناسبی از حساب شویی نداشته‌اند و پیشنهاد می‌شود این شرکت‌ها برای رفع فقدان نقدینگی یا عدم شکست عملیات و جلوگیری از ورشکستگی، از تکنیک حساب شویی استفاده نمایند. زیرا یک تکنیک مدیریت سود است که می‌تواند با انتقال هزینه‌های دوره‌های آتی به دوره جاری باعث بهبود عملکرد آتی شده و ناتوانی مالی شرکت را بهبود بخشد. همچنین برخی از شرکت‌های دارای ناتوانی در ایفای تعهدات، استفاده مناسبی از حساب شویی داشته‌اند اما توصیه می‌شود تا زمان خروج از شرایط نامساعد مالی، حساب شویی را متناسب با شرایط مالی ادامه دهند. این پژوهش روش حساب شویی را در ناتوانی مالی و مبتنی بر رویکرد سودزایی مورد بررسی قرار داد و برای پژوهش‌های آتی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

(۱) ارزیابی و سنجش حساب شویی بر اقلام دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود

(۲) شناسایی رابطه حساب شویی و حسابداری خارج از اصول پذیرفته شده

(۳) حساب شویی به عنوان عامل ایجاد کننده حسابداری ساختگی

(۴) تأثیر استانداردهای حسابداری بر رفتار حساب شویی

منابع

- احمدپور، احمد. شهنواری، معصومه. (۱۳۹۳). مدیریت سود و تأثیر کیفیت سود بر سودآوری شرکت‌های ورشکسته بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی ۱۱ (۴۱): ۵۸-۳۷.
- بولو، قاسم. کرمی، اصغر. (۱۳۹۳). ارزیابی میزان اثربخشی الگوهای جریان وجوه نقد و مدل برنامه ریزی ژنتیک در پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی: (۲۲)، ۷۰-۹۳.

- ثقفی، علی. جمالیان پور، مظفر. (۱۳۹۲). اقلام تعهدی غیرمنتظره، انحراف پایداری سود و بحران مالی. دانش حسابداری: (۴)، ۷-۳۴.
- ثقفی، علی. محمدی، امیر. (۱۳۹۱). جریان‌های نقدی آتی، اقلام تعهدی غیرعادی و ریسک ورشکستگی. پژوهش‌های حسابداری مالی: ۳ (۴)، ۱-۱۲.
- حجازی، رضوان. معصومی بیلندی، زهرا. (۱۳۹۰). اثر رشد و رفتار گزارشگری مدیریتی بر محافظه کاری. دانش حسابداری: (۶) ۱۱۱-۱۲۸.
- دارابی، محسن. جنتی، مهناز. (۱۳۹۵). بررسی اثرات هموارسازی سود بر ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌های صنایع شیمیایی و دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری: ۱۶ (۶۳): ۱۷۷-۱۸۷.
- سیدنژاد فهیم، سیدرضا. اقدامی، اسماعیل. جوزیرکند، محمد. (۱۳۹۴). تعدیلات سنواتی ابزاری جهت هموارسازی سود. دانش حسابداری: ۱۵ (۵۹)، ۱۷۷-۱۷۸.
- کریمی، غلامرضا. سیدحسینی، سیدمجتبی. (۱۳۹۱). سودمندی اطلاعات حسابداری نسبت به اطلاعات بازار در پیش‌بینی ورشکستگی. دانش حسابداری: ۳ (۱۰)، ۹۳-۱۱۶.
- کیا، علی. صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۶). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود. دانش حسابداری مالی (۱۳)، ۱۳۷-۱۱۵.
- نمازی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ۲۲ (۲) ۱۴۸-۱۶۴.

- Ahmadpoor, Ahmad. , Shahsavari, Maesome. (2014). Earnings management and the effect of earnings quality on profitability of bankrupt companies in Tehran Stock Exchange. Empirical studies on financial accounting, 11th) 41 (,37-58. (In Persian).
- Altman, E. I. , Hotchkiss, E. (2005). Corporate Financial Distress and Bankruptcy: Predict and Avoid Bankruptcy. Analyze and Invest in Distressed Debt: Wiley.
- Bolo, Ghasem. , Karami, Asghar. (2014). Evaluating the Effectiveness of Cash Flow and Cash Flow Patterns and Genetic Planning Model in the Prevention of Financial Corporations of Firms. Quarterly journal of accounting and auditing: 22, 70-93. (In Persian).
- Cheng, C. S. A. , Li, Sh. (2017). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness? A Comparison between the US and China Markets. China Accounting and Finance Review: 16 (2) ,128-147.
- Darabi, Mohsen, Janati, Mahnaz. (2016). The Effect of Smoothing Smooth on the Economic Value Added of Chemical and Pharmaceutical

- Industries Accepted in Tehran Stock Exchange. *Audit knowledge*, 16th Year.: 63,177-187. (In Persian).
- Garcia Lara, J. M. , Garcia Osma, B. , Neophytou, E. (2009). Earning quality in ex post failed firms. *Journal of Accounting and Business research*:. 39) 2 (. 411-437.
- Hejazi, Rezvan. , Maesomi, Zahra. (2011). Effect of Growth and Management Reporting Behavior on Conservatism. *Accounting Knowledge*: 6,111-128. (in persian).
- Karoline. Karisson , Amalia. Reimbert. (2015) , Big Bath and impairment of Goodwill, Master Thesis of Accounting, jonkoping University (International Business School): 117-130.
- Karami, Gholamreza. , Seidhoseini, Seyedmojtaba. (2012). The usefulness of accounting information in relation to market information in predicting bankruptcy. *Accounting Knowledge*, Third, 10, pp: 93-116. (in persian).
- Kia, Ali. , Safari geraili, Mehdi. (2017). Ability to compare financial statements, earnings management and real-profit management, *Journal of Financial Accounting*: 13;115-137. (In Persian).
- Kim. , Tae-Gyu. (2018) , Samsung Accused of Big Bath Accountin. www.Koreatimes.co.kr.
- Kirschenhruter, m. , Melumad, N. D. (2002). Can Big Bath and Earning Smoothing Coexist as Equilibrium Financial Reporting Strategies?. *Journal of Accounting Research*, 40 (2) ,761-796.
- Lenka, Zemankova. (2015) , Big Bath As a Determinant of Creative Accounting in Small and Micro Enterprises, *Acta Universitatis Agriculturae*:. 63) 5 (; 1779-1782.
- Mc Vay. , Srah Elizabeth. (2006). Earning Management Using Classification Shifting: An Examination of Core Earning and Special Items. *Accounting Review*, 81 (3) ,501-531.
- Mcknight, Philip. J. , weir, Charlie. (2009). Agency Costs, Corporate governance mechanisms and ownership structure in large Uk publicly quoted companies: Apanel data analysis. *The Quarterly review of Economics and finance*, 49 (2) , 139-158.
- Namazi, Mohammad. (2005) , Investigating the applications of representation theory in management accounting. *Journal of Social Sciences and Human Sciences*, Shiraz University, Twenty-second period, 2,148-164. (in persian).
- Newton, G. w. (2010). *Bankruptcy and Insolvency Accounting, practic and procedure*. John Wiley & Sons, Volume1, Seventh Edition: 37-49.
- Pryschaya, o. , Aretz. , Banerjee, S. (2013). Can investors restrict managerial behavior in distressed firms?. *Journal of corporate finance*: 23,222-239. Doi: 10,1016/j/jcorpfin. 2013,08,006.

- Rosner, R. L. (2003). Earning Manipulation in Failing Firms. *Contemporary Accounting Research*, 20 (2) ,361-408.
- Saghafi, Ali. , Mohamadi, Amir. (2012). Future cash flows, unusual accruals and bankruptcy risk. *Financial Accounting Research*, 3 (4) ,1-12. (in persian).
- Saghfi, Ali. , Jmalianpoor, Mozafar. (2013). Unexpected accruals, distortion of profit stability and financial crisis. *Accounting Knowledge*, 4,7-34. (in persian).
- Seyednejhad Fahim, Seyedreza. , Eghdami Esmail. , Jozbarkand, Mohammad. (2015). Adjustment Tools A tool to smooth the profit, *Audit knowledge*, 15th year,: 59,177-187. (In Persian).
- Taleb Beydokhti, A. , Vadiee, M. H. , Kazeroni, A. (2011). The Impact of Income Smoothing on the Information Content of Earnings. *Financial Accounting and Auditing Researches*, 3 (9) , 167-191.
- Walsh. Paul. , Craig. Russel. , Clarke. Frank. (1991). Big Bath Accounting Using Extraordinary Items Adjustments. *Journal of Business Finance and Accounting*, (18) 2,173-189.
- Zmijewski, M. E. , Hagerman, R. L. (1981). An Income Strategy Approach to the Positive Theory of Accounting Standard Setting/Choice. *Journal of Accounting & Economics*, 3 (2) ,129-149.

نقش رقابت پذیری در قیمت گذاری ناقرینگی و کیفیت اطلاعات حسابداری

ابراهیم ابراهیمی*، کاوه مهرانی**، محسن نظری***

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۷

مقاله پژوهشی

چکیده

مطابق با ادبیات و تئوری‌های تناسب ریسک و بازده، سرمایه‌گذاران درجه‌ی ریسکی را که به اطلاعات حسابداری می‌دهند، با توجه به ارزیابی خود از ویژگی‌های محیطی اطلاعاتی مورد تجدید نظر قرار می‌دهند. هر چه محیط اطلاعات حسابداری با ابهام کمتر و اطمینان بالاتری وجود داشته باشد، ریسک اطلاعات را کاهش می‌دهند و با کاهش ریسک، بازده کمتری را طلب می‌کنند و در نتیجه هزینه سرمایه برای شرکت پایین‌تر خواهد بود. ریسک اطلاعات حسابداری نیز متأثر از دو عامل کیفیت اطلاعات و توزیع اطلاعات (ناقرینگی اطلاعات) است که وجود رقابت بر سر کسب این اطلاعات، این دو عامل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این تحقیق سه ویژگی محیط اطلاعاتی حسابداری، یعنی ناقرینگی، کیفیت و رقابت‌پذیری اطلاعات و اثر آن بر هزینه سرمایه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون سؤالات نشان داد که میزان وضعیت رقابتی، بر قیمت‌گذاری ناقرینگی اطلاعات و کیفیت اطلاعات اثرگذار است و رقابت میزان انعکاس دو متغیر ناقرینگی و کیفیت در قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: ناقرینگی اطلاعات، کیفیت اطلاعات، رقابت.

طبقه‌بندی موضوعی: D81

10.22051/jera.2019.21292.2110:DOI

* دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (ebrahimi705@gmail.com)

** دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، ایران، (kmehrani@ut.ac.ir)

*** دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، ایران، (Mohsen.nazari@ut.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

سرمایه گذاران با توجه به ارزیابی های خود از ویژگی های محیط اطلاعاتی، میزان ریسک اطلاعات را مورد تجدیدنظر قرار می دهند. هرچه محیط اطلاعات مطلوب تر و مساعدتر باشد، ریسک اطلاعات را کاهش می دهند. با کاهش ریسک، آن ها بازده کمتری را طلب می کنند و در نتیجه هزینه سرمایه برای شرکت پایین تر خواهد بود.

نبود سازهی اطلاعاتی در مدل های نظری و نماگرهای مورد استفاده در کارهای تجربی، تفسیر ادبیات موجود دربارهی اثر ریسک اطلاعات را با سؤالات تجربی متفاوتی روبه رو کرده است. اما آنچه میان تحقیقات، تقریباً رایج است، اطلاعات حسابداری به عنوان مهم ترین منبع محیط اطلاعاتی است که به عنوان یک سامانهی انتقال اطلاعات و کاهش نا اطمینانی تعریف می شود که این همان رویکرد اطلاعاتی به حسابداری است.

در رابطه با اطلاعات حسابداری، دو ویژگی اصلی مطرح است: کیفیت این اطلاعات و توزیع آن (ناقرینگی). به اعتقاد بوشمن و اسمیت (۲۰۰۱) اطلاعات حسابداری مبهم، رابطهی ارقام حسابداری و واقعیات اقتصادی را تضعیف و در نتیجه موجب افزایش ناقرینگی اطلاعاتی می شود. بنابراین وجود یک محیط اطلاعاتی مطلوب حسابداری، موجب افزایش توان گزارش های مالی در انتقال اطلاعات شرکت و از طرف دیگر، موجب توزیع برابرتر این اطلاعات میان فعالان بازار می شود. بنابراین رسالت یک محیط مطلوب اطلاعاتی حسابداری، کاهش نا اطمینانی و رفع هر چه بیشتر ابهام است. بتجریا و دیگران (۲۰۱۲) نیز ریسک اطلاعات را به همین دو عامل کیفیت و ناقرینگی نسبت می دهند.

در این تحقیق، انعکاس هر یک از این دو ویژگی محیطی اطلاعات حسابداری در قیمت ها مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، وضعیت رقابت اطلاعاتی سهم می تواند دو عامل محیط اطلاعاتی، یعنی کیفیت و توزیع اطلاعات، را هدایت و در نتیجه ارزیابی سودمندی اطلاعات را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو در این تحقیق این موضوع نیز مورد بررسی قرار گرفت که میزان رقابت اطلاعاتی بر قیمت گذاری اجزای محیط اطلاعات حسابداری چه تأثیری دارد.

در ادامه این مقاله، ابتدا منطق نظری تحقیق که برگرفته از مطالعات اکتشافی ادبیات موضوع است، تشریح می گردد و با ارائه مدل مفهومی ادامه می یابد. در بخش دوم مقاله، چارچوب

تحلیلی ارائه شده است که مشتمل بر طرح سؤالات و روش آزمون سؤالات است. در بخش پایانی نیز نتایج آزمون تجربی سؤالات تحقیق و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تحقیقات متعددی در ادبیات حسابداری، ارزیابی اقتصادی ویژگی‌های محیط اطلاعاتی حسابداری شرکت‌ها را بررسی کرده‌اند. به‌طور نمونه در زمینه توزیع اطلاعات، بتجریا و دیگران (۲۰۱۱) اشاره کرده‌اند که مزیت اطلاعاتی معامله‌گران مطلع، در شرکت‌هایی که با محیط اطلاعاتی نسبتاً ضعیف فعالیت می‌کنند، بیشتر خواهد بود. ایسلی و اوهارا (۱۹۹۲) دریافتند وقتی ناقربنگی اطلاعاتی افزایش یابد، ارزش ذاتی سهم شرکت باارزشی که سرمایه‌گذاران در بازار برای آن سهم حاضر به معامله هستند، متفاوت خواهد بود. ایسلی و اوهارا (۲۰۰۴) تفاوت‌های موجود در ترکیب اطلاعات بین اطلاعات خصوصی و اطلاعات عمومی را تجزیه و تحلیل کردند. آن‌ها عنوان می‌کنند که معامله‌گران کمتر مطلع تشخیص می‌دهند که در یک وضعیت بد اطلاعاتی قرار دارند و در نتیجه دارایی‌های کمتری نگهداری می‌کنند. این به‌نوبه‌ی خود قیمت اوراق بهادار با درجه‌ی بالایی از اطلاعات خصوصی را به سمت پایین هدایت می‌کند، از این‌رو ناقربنگی اطلاعاتی برای این شرکت‌ها افزایش می‌یابد. در مقابل، وانگ (۱۹۹۳) دریافت که افزایش درصد سرمایه‌گذاران مطلع در اقتصاد، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد. وانگ اشاره می‌کند که این نتایج قابل انتساب به اثر مشترک هر دوی ناقربنگی اطلاعاتی و میانگین دقت اطلاعات است. ادماتی (۱۹۸۵) نیز نشان داد که میانگین دقت اطلاعات خصوصی سرمایه‌گذاران، برای تعیین هزینه سرمایه، مربوط و اثرگذار است.

در زمینه تحقیقات داخلی نیز نتایج قائمی و وطن‌پرست (۱۳۸۴) نشان داد که ناقربنگی اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران وجود دارد و این امر دوره‌های قبل از اعلام سود به‌مراتب بیشتر از دوره‌های پس از اعلام سود است. رحیم‌پور (۱۳۸۸) به این نتیجه رسید که بعد از اعلام سودهای فصلی، ناقربنگی اطلاعاتی کاهش نمی‌یابد و این اعلام‌ها حاوی محتوای اطلاعاتی برای کاهش ناقربنگی اطلاعاتی نیست. احمد پور و عجم (۱۳۸۹) نشان دادند که ناقربنگی اطلاعاتی پس از اعلام سود افزایش می‌یابد. خوبانی (۱۳۸۹) به این نتیجه رسید که کیفیت سود هیچ تأثیری بر میزان ناقربنگی اطلاعاتی ندارد. شواهد ایزدی نیا و رسائیان (۱۳۸۸) نشان

می دهد که تنها ۲۷٪ تغییرات در دامنگ، توسط تغییر در کیفیت سود توضیح داده می شود. نتایج رحیمیان و دیگران (۱۳۹۱) نشان داد که بین میزان کیفیت سود و ناقربینگی اطلاعاتی ارتباط معناداری وجود دارد و کاهش کیفیت سود منجر به افزایش ناقربینگی اطلاعاتی می گردد.

همان طور که ادبیات نشان می دهد در باب پیامدهای اقتصادی محیط اطلاعاتی حسابداری تحقیق های زیادی صورت گرفته است که عمدتاً باهدف تسهیل پیش بینی و تصمیم گیری سرمایه گذاران، افزایش اطمینان و کاهش ابهام بوده است. هنوز ادبیات به طور واضح به این پاسخ نرسیده اند که اطلاعات حسابداری یا محیط اطلاعاتی شرکت تا چه حد ریسک های غیرقابل متنوع سازی در اقتصاد دارای اوراق بهادار متنوع را کاهش می دهند. بنابراین چالش محققان حسابداری این است که مشخص کنند آیا و چگونه ویژگی های محیط اطلاعات حسابداری در قیمت ها، هزینه سرمایه، یا دیگر پیامدها، علی رغم نیروهای متنوع سازی، بازتاب می یابند. در این میان، وضعت رقابتی محصول نیز بر این قیمت گذاری ویژگی های کیفیت و ناقربینگی اثر گذار است (لمبرت و دیگران، ۲۰۱۲؛ لمبرت و ورچیا، ۲۰۱۵؛ آرمسترانگ، ۲۰۱۱؛ آکینز و دیگران، ۲۰۱۲).

اثر رقابت بر محیط اطلاعاتی

ورچیا (۲۰۱۲) عنوان می دارد که وضعت های متفاوت بازار سرمایه ممکن است ملاحظات سیاسی متفاوتی برای افشا داشته باشد. آنچه ممکن است در وضعیتی رقابت کامل درست باشد، ممکن است هیچ ربط پذیری در وضعت رقابت ناقص نداشته باشد و برعکس. از این رو، رقابت اطلاعاتی سهام در بررسی اثر قیمتی محیط اطلاعاتی مؤثر است و باید در تحقیقات مدنظر قرار گیرد.

در حوزه رقابت، تئوری ها نشان می دهد که برای سطح معینی از ناقربینگی اطلاعاتی، درجه ی بهره گیری از اطلاعات خصوصی توسط معامله گران مطلع در حالت رقابت بالا، کمتر است (هلدن و سابرمانیان، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ فاستر و ویسوناتن، ۱۹۹۳، امیر و لوی، ۲۰۱۷). این به آن علت رخ می دهد که رقابت نهایتاً منجر به آن می شود که اطلاعات خصوصی در قیمت ها با

سرعت بیشتری انعکاس یابند (به عبارتی، قیمت‌ها در باره ارزش بنیادی اطلاع دهنده‌تر می‌شوند).

لمبرت و دیگران (۲۰۰۷) خاطر نشان می‌سازند ناقربنگی اطلاعاتی وقتی بازار رقابتی کامل است، بعد از کنترل متوسط آگاهی سرمایه‌گذاران، آن‌چنان مسئله نیست. بنابراین وقتی بازارها رقابتی کامل هستند، ناقربنگی هیچ نقشی ندارد زیرا هر سرمایه‌گذار بر این باور است که تقاضای او برای یک دارایی، هیچ اثری بر قیمتی که تقاضای او به آن قیمت اجرا می‌شود، ندارد.

لمبرت و ورچیا (۲۰۱۵) اشاره می‌کنند که در بازارهای با درجه نقد شوندگی بالا که معمولاً رقابتی کامل نیستند، ناقربنگی اطلاعاتی و رقابت می‌تواند نقد شوندگی بازار را تحت تأثیر قرار داده و بنابراین موجب تغییر هزینه سرمایه می‌شود حتی اگر میانگین دقت اطلاعاتی سرمایه‌گذاران کنترل شود. آکیتز و دیگران (۲۰۱۲) برای کنترل دقت اطلاعاتی، از معیارهای مبتنی بر حسابداری کیفیت اطلاعات به‌عنوان شاخصی برای ناقربنگی اطلاعاتی استفاده کردند و به شواهدی دست یافتند که نشان می‌دهد قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات با رقابت کاهش می‌یابد.

آرمسترانگ و دیگران (۲۰۱۱) نشان دادند که بهنگام بررسی رابطه‌ی بین ناقربنگی اطلاعاتی و هزینه سرمایه، درجه‌ی رقابت بازار یک متغیر شرطی مهم است. در حقیقت یک نتیجه‌ی تعادلی این است که شرکت‌ها ممکن است ناقربنگی اطلاعاتی را ترجیح دهند، زیرا هزینه‌های کاهش این ناقربنگی اطلاعاتی بیشتر از منافع آن برحسب کاهش هزینه سرمایه است. البته این تحقیق در داخل کشور نیز توسط خانی و قجاوند (۱۳۹۱) انجام شد. نتایج آن‌ها نشان داد که در سطح رقابت کامل، نماگرهای اندازه‌گیری ناقربنگی اطلاعاتی ارتباط معناداری با هزینه سرمایه ندارد. همچنین نتایج نشان داد که بازار رقابت ناقص به‌عنوان یک عامل مؤثر در رابطه‌ی بین ناقربنگی اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام عادی است.

همان‌طور که ملاحظه شد، تحقیقات بر نقش رقابت بر ارزیابی ویژگی‌های محیط اطلاعاتی اثرگذار است. اما سؤال کلیدی این است که رقابت اطلاعاتی چگونه تعریف می‌شود. با بهره‌گیری از مفهوم رقابت در نظریه‌های اقتصادی، رقابت در بازار سهم نیز می‌تواند تعریف شود. در بازارهای رقابت کامل سهام، هر سرمایه‌گذار بر این باور است که تقاضای او هیچ

اثری بر قیمت ندارد؛ سرمایه گذاران قیمت پذیر هستند یا به عبارت اقتصادی، "منحنی تقاضای سهام افقی است" (اشلیفر، ۱۹۸۶). برخی از ادبیات خاطر نشان می سازند این فرض که معامله گران اثری بر قیمت ندارند، به طور ضمنی به این فرض تکیه می کند که تعداد معامله گران بسیار زیاد (بی شمار) هستند. هر سرمایه گذار پیش بینی می کند که نه معامله ی او و نه معامله ی دیگران اثری بر قیمت نخواهد داشت. این فرض منحنی های صاف تقاضا اشاره بر آن دارد که سرمایه گذاران مطلع می توانند آن قدر که می خواهند، بدون هیچ اثری بر قیمت ها، دادوستد کنند (آرمسترانگ و دیگران، ۲۰۱۱). رقابت کامل مطابق با بازارهایی است که عمیق، نقد شونده و جذاب برای عمده ی سرمایه گذاران است (ورچیا، ۲۰۱۲). این نوع بازارها که در آن ها به حد کافی برای اوراق بهادار، حجم خرید و فروش به قیمت تعادلی وجود دارد، بازارهای روان نیز نامیده می شوند. در بازارهای روان و عمیق، حجم معاملات بالاتر و ریسک آن نیز کمتر است، در نتیجه قیمت پیشنهادی خرید و فروش بازارساز نزدیک به قیمت تعادلی بوده و دامنگ کم است. تغییرات قیمت در چنین بازارهایی اغلب پیوسته و اوراق بهادار دارای برگشت پذیری زیاد خواهد بود (قائمی و وطن پرست، ۱۳۸۴).

در بازارهای رقابت ناقص سهم، هر سرمایه گذار بر این باور است که تقاضای او بر قیمتی که تقاضای او در آن قیمت انجام خواهد شد، اثر گذار است. رقابت ناقص مطابق با بازارهایی است که عمیق نیستند، غیر نقد شونده است و برای سرمایه گذاران نسبتاً اندکی جذاب است (ورچیا، ۲۰۱۲). رقابت ناقص عموماً با این مشخصه است که خودباوری هر سرمایه گذار این است که او با منحنی تقاضای شیب نزولی یا منحنی قیمت با شیب صعودی برای سهام شرکت رو به رو است (مانند کیلی، ۱۹۸۹، لمبرت و ورچیا، ۲۰۱۲)، و این سناریو وقتی رخ می دهد که تعداد معامله گران محدود (متناهی) است. وقتی تعداد معامله گران متناهی است، هر سرمایه گذار اثری را که بر قیمت دارد شناسایی می کند، و بنابراین منحنی های قیمت به طور صعودی با تقاضا پیش می روند. وقتی منحنی های قیمت به طور صعودی با تقاضا پیش می روند، منحنی برای سرمایه گذارانی که مطلع تر هستند، به احتمال زیاد شیب تندتری نسبت به منحنی برای سرمایه گذاران کمتر مطلع دارد. این موضوع از آن حقیقت ناشی می شود که معاملات سرمایه گذاران مطلع تر، به دلیل برتری آگاهی این سرمایه گذاران بر قیمت اثر دارد. وقتی سرمایه گذاران دارای سطوح متفاوت آگاهی با منحنی های قیمتی متفاوتی رو به رو هستند، این

احتمال می‌رود که ناقرینگی اطلاعاتی (به عنوان بازتابی از این سطوح آگاهی متفاوت) در قیمت آشکار شوند. شاید مطابق با این مشاهدات، ایسلی و دیگران (۲۰۰۲)، فرانسیز و دیگران (۲۰۰۵)، لیوز و ورچیا (۲۰۰۰) و هیل و لیوز (۲۰۰۶) در میان سایرین روابط منفی قوی بین شاخص‌های کیفیت اطلاعات و شاخص‌های هزینه سرمایه را مستند کردند.

در بازارهای ناقص، تعداد خریداران و فروشندگان کمتر است، از این رو به بازارهای ضعیف نیز معروف هستند. این بازارها کم عمق هستند و در آن تغییرات قیمت به صورت جهشی و ناپیوسته است. تغییر قیمت‌ها در بازارهای کم عمق بیشتر از بازارهای عمیق است. بنابراین ریسک بازار سازها در بازارهای کم عمق بیشتر از بازارهای عمیق است (قائمی و وطن پرست، ۱۳۸۴).

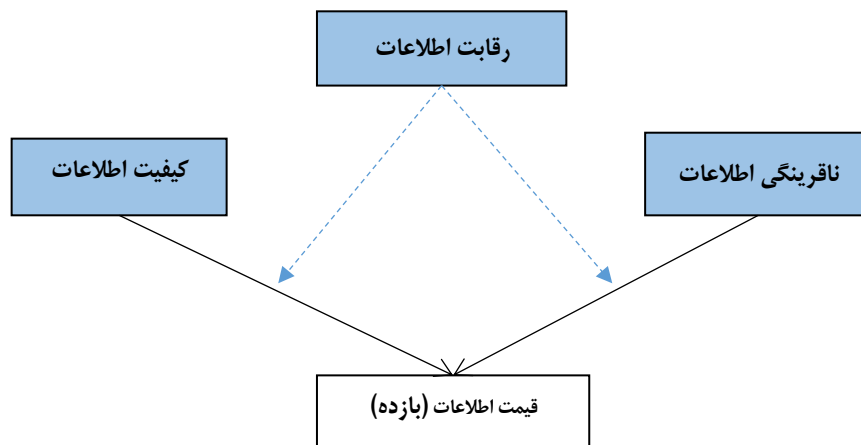
بنابراین به لحاظ مفهومی می‌توان ارتباطی نظری بین اقتصاد اطلاعات و تئوری‌های رقابت برقرار ساخت. با در نظر گرفتن اطلاعات به عنوان یک کالا (برگرفته از تئوری‌های اقتصاد اطلاعات)، توزیع برابرتر اطلاعات میان سرمایه‌گذاران منجر به رقابت بیشتر می‌شود. هر چند توزیع اطلاعات مستقیماً قابل مشاهده نیست، لکن مطابق با بازارهای محصول که بنگاه‌های بزرگتر قدرت چانه‌زنی بالاتری دارند، فرض می‌شود سرمایه‌گذاران دارای تملک بالاتر سهام یک شرکت احتمالاً اطلاعات خصوصی بیشتری دارند.

قیمت گذاری محیط اطلاعاتی حسابداری

لحاظ نمودن همزمان سه ویژگی محیطی زیربنایی اطلاعات حسابداری به ندرت در تحقیقات دیده می‌شود. در مطالعاتی این سه ویژگی به صورت اثر متقابل دیده شده‌اند و یا با کنترل یک ویژگی، اثر ویژگی‌های دیگر بررسی شده است. به طور نمونه، لمبرت و دیگران (۲۰۱۲) برای بررسی اثر ناقرینگی اطلاعاتی بر هزینه سرمایه، دو متغیر دیگر یعنی رقابت کامل و دقت اطلاعات (کیفیت) را وارد مدل کردند. مدل تحلیلی آن‌ها نشان داد وقتی بازار سرمایه، از نوع رقابت کامل باشد و سرمایه‌گذاران به عنوان قیمت‌پذیر عمل کنند، ناقرینگی اطلاعاتی می‌تواند هزینه سرمایه را تنها از طریق اثر بر میانگین دقت اطلاعات سرمایه‌گذاران تحت تأثیر قرار دهد. در این وضعیت افزایش کیفیت اطلاعات در دسترس عموم می‌تواند ناقرینگی اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را کاهش و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش دهد. بتچریا و

دیگران (۲۰۱۲) کار لمبرت و دیگران (۲۰۱۲) را این گونه تفسیر کردند که احتمال ارتباط غیرمستقیم از کیفیت سود به هزینه حقوق صاحبان سهام که به واسطه‌ی ناقربنگی اطلاعاتی میانجی‌گری می‌شود، در بازار سرمایه‌ای که کمتر رقابتی است وجود دارد. بتجریا و دیگران (۲۰۱۲) بین مدل‌هایی که در آن خصوصیات اطلاعات خاص شرکت منطقاً همراه با دو بعد مرتبط با هم قیمت گذاری می‌شوند، تمایز قائل می‌شوند. آن‌ها با تمرکز بر مقدار بی‌دقتی اطلاعات، دریافتند کیفیت سود به عنوان شاخصی برای بی‌دقتی اطلاعاتی مستقیماً هزینه سرمایه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با تمرکز بر توزیع اطلاعات، اثر کیفیت سود غیر مستقیم است. بتجریا و دیگران (۲۰۱۲) بر کیفیت حسابداری، و به طور خاص بر کیفیت سود، به عنوان متغیر منبعی تمرکز کردند که از طریق ناقربنگی اطلاعاتی واسطه می‌شود، هم به دلیل اینکه آن یک گزاره‌ی طبیعی و بی‌طرف به عنوان سنججه‌ی ریسک اطلاعات دارد و به دلیل ارتباط مستقیم آن با جریان‌های نقدی، هدف نفع سرمایه‌گذار پیش فرض است. از آنجا که کیفیت سود از طریق مدل کسب و کار واحد گزارشگر، محیط عملیاتی، و اجرای رهنمودهای حسابداری مصوب تعیین می‌شود، این متغیر، خودش مشخصه‌ی بازار سرمایه نیست. در این تحقیق اثر همزمان رقابت بر دو ویژگی کیفیت و ناقربنگی مورد آزمون قرار گرفت. مدل نظری تحقیق به شرح زیر می‌باشد:



نمودار (۱): مدل نظری تحقیق

روش تحقیق

مطابق با ادبیات قبلی و نیز تئوری‌های پشتوانه که نشان می‌دهند در سطح معینی از ناقرینگی اطلاعاتی، درجه‌ی بهره‌گیری از اطلاعات در حالت رقابت بالا، کمتر است (مانند هلدن و سابرمانیان، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ ایسلی و آهارا، ۲۰۰۴؛ لمبرت و دیگران، ۲۰۰۷؛ لمبرت و ورچیا، ۲۰۱۲؛ آکینز و دیگران ۲۰۱۲) سؤال اول به شرح زیر بیان می‌گردد:

سؤال اول: رقابت‌پذیری اطلاعات چه اثری بر رابطه‌ی بین ناقرینگی اطلاعاتی با بازدهی دارد؟

ادعا می‌شود که با افزایش رقابت اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران، کیفیت اطلاعات نیز افزایش می‌یابد (آکینز و همکاران، ۲۰۱۲) و این خود موجب می‌شود که در بازار با رقابت کامل، کیفیت اطلاعات مسئله‌چندان مهمی برای سرمایه‌گذاران نباشد زیرا در وضعیت‌های رقابت کامل، اثر کاهش نقد شوندگی ناشی از عدم تمایل برخی سرمایه‌گذاران مشخص به جمع‌آوری اطلاعات خصوصی و مشارکت در داد و ستد سهام یک شرکت احتمالاً ناچیز و قابل چشم‌پوشی است زیرا بازار قبلاً فرض شده بود که عمیق است. بنابراین سؤال دوم، به شرح زیر بیان می‌گردد:

سؤال دوم: آیا رقابت‌پذیری قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

لمبرت و دیگران (۲۰۱۲) نشان دادند افزایش کیفیت اطلاعات در دسترس عموم می‌تواند ناقرینگی اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را کاهش و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش دهد. اما این اثر بر هزینه سرمایه صرفاً به این دلیل رخ می‌دهد که افزایش کیفیت اطلاعات عمومی، میانگین دقت اطلاعات سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد، نه به این دلیل که فی‌نفسه ناقرینگی اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. بنابراین تا اندازه‌ای که کیفیت اطلاعات ضعیف‌تر ناقرینگی اطلاعاتی بالاتر را در خود جای دهد، قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات باید با رقابت آگاهانه‌تر نیز کاهش یابد.

تعریف عملیاتی متغیرها

برای آزمون سوالات تحقیق و نیز استخراج متغیرهای مورد نیاز برای ساخت مدل، متغیرهای تحقیق به شرح زیر تعریف می شوند.

ناقربنگی اطلاعات - ناقربنگی اطلاعاتی، در واقع خود مستقیماً اندازه گیری نمی شود بلکه از طریق نماگرهایی که به نوعی پیامدهای آشکار این ناقربنگی را نشان می دهند اندازه گیری می شوند. در این تحقیق از نماگر دامنک مؤثر استفاده شده است. بتچریا و دیگران (۲۰۱۱) دامنک مؤثر را به طریق زیر پیشنهاد می دهند:

$$\text{Percentage effective spread} = \frac{2D_{it} (\text{Price}_{it} - \text{Mid}_{it})}{\text{Mid}_{it} 100}$$

که در آن Price_{it} قیمت معامله برای سهم i در لحظه t Mid_{it} نقطه ی میانی قیمت های مظنه خریدی و فروش قبل از زمان t و D_{it} یک متغیر دو گانه است که اگر سفارش خرید باشد، ۱ و اگر سفارش فروش باشد، ۱- است. برای تعیین جهت معامله هم از آزمون تیک استفاده شده است. آزمون تیک، تکنیکی است که جهت معامله را از طریق مقایسه قیمت آن با قیمت معامله مشخص می کند. در این آزمون، وقتی قیمت معامله، بالاتر از قیمت قبلی باشد، معامله از نوع خرید (خریدار آغازگر) و اگر قیمت معامله کمتر از قیمت قبلی باشد، معامله از نوع فروش (فروشنده آغازگر) طبقه بندی می شود.

کیفیت اطلاعات - شاخص کیفیت اطلاعات در این تحقیق، کیفیت اقلام تعهدی است که با استفاده از کار فرانسیز و دیگران (۲۰۰۵) برآورد شده است. یعنی انحراف استاندارد باقیمانده های مدل طی دوره های $t-5$ تا $t-1$ از مدل اقلام تعهدی دیچو و دیچاو (۲۰۰۲)، که توسط مک نیکولز (۲۰۰۲) تعدیل شده است. این مدل به شرح ذیل است:

مدل (۱)

$$TCA_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t-1} + \alpha_2 CFO_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

که در آن:

$TCA_{j,t}$: کل اقلام تعهدی در سال t که از طریق سود قبل از استهلاک منهای جریان نقد

عملیاتی محاسبه شده است؛

CFO: جریان نقد عملیاتی

ΔREV : تغییر در آمد عملیاتی بین سال $t-1$ و سال t

PPE: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال t است.

همه‌ی متغیرها با میانگین جمع دارایی‌های اندازه‌گیری شده در طی سال $t-1$ و t هم مقیاس می‌شوند.

رقابت - شاخص‌های زیر برای اندازه‌گیری رقابت استفاده شد:

(الف) تعداد سهامداران: منظور تعداد سهامداران ثبت شده در تاریخ پایان سال است. آرمسترانگ دیگران (۲۰۱۱) از این معیار استفاده کرده‌اند.

(ب) تعداد سرمایه‌گذاران نهادی. برخی با عطف به تئوری‌های رقابت اطلاعاتی در بازارهای سرمایه و تئوری اقتصاد مدعی‌اند که درجه‌ی رقابت را معامله‌گران مطلع مشخص می‌کنند از این رو استفاده از تعداد سرمایه‌گذاران مطلع را توصیه می‌کنند (مانند آدماتی و فلیدر ۱۹۸۸؛ هولدن و سابرامانیا ۱۹۹۲؛ فاستر و ویسوناتن ۱۹۹۳؛ ایسلی و آهارا ۲۰۰۴؛ آکینز و دیگران، ۲۰۱۲).

(ج) شاخص هرفیندال. علاوه بر تعداد سرمایه‌گذاران مطلع، توزیع اطلاعات خصوصی میان سرمایه‌گذاران مطلع می‌تواند رفتار معاملاتی و در نتیجه سود آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. توزیع برابرتر اطلاعات خصوصی به معنای آن است که به علت رقابت معاملاتی بیشتر میان سرمایه‌گذاران مطلع، اطلاعات سریع‌تر در قیمت منعکس می‌شوند (فاستر و ویسوناتن ۱۹۹۴).

نابراین استفاده از توزیع مالکیت نهادی (به عنوان شاخصی برای توزیع اطلاعات خصوصی) در بازار اوراق بهادار شبیه به استفاده از توزیع اندازه یا فروش برای برآورد توزیع قدرت بازار در بازارهای محصول است. برای اندازه‌گیری این شاخص از شاخص هرفیندال استفاده شد. این معیار، تعداد و نسبت تملک سهام هر سرمایه‌گذاری نهادی را برای یک شرکت خاص محاسبه می‌کند. محاسبه این شاخص به طریق زیر است:

$$HerfInst_i = \sum_{j=1}^N \left(\frac{investor_{ij}}{investor_i} \right)^2 \quad \text{مدل (۲)}$$

که در آن،

$Investor_i =$ تعداد سهام تحت تملک سرمایه گذار نهادی i در سهم i است.

$Investors_i =$ کل سهام تحت تملک تمام سرمایه گذاران نهادی سهم i است.

$N =$ کل تعداد سهامدار نهادی در سهم i

با توجه به اینکه شاخص هر فیندال تمرکز را اندازه گیری می کند، این شاخص در -1 ضرب می شود، بنابراین ارزش بالاتر شاخص $HerfInst$ به معنی رقابت بیشتر در معاملات سهام i است.

دامنه و جامعه آماری تحقیق

قلمرو زمانی تحقیق ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ است. جامعه آماری این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از بعد از ۱۳۸۳ در بورس پذیرفته شده اند. جامعه آماری با اعمال محدودیت هایی که آن هم به واسطه ای انقطاع زمانی مشخص برای انجام آزمون و استخراج قیمت ها است، محدود شد.

روش آزمون سوالات تحقیق

سوالات تحقیق در واقع آزمون نقش رقابت پذیری بر قیمت گذاری ناقزینگی و کیفیت اطلاعات حسابداری است. آزمون این سوالات در سطح هر سال - شرکت انجام شد. بدین منظور مدل رگرسیونی برازش شد که در آن متغیر وابسته، بازده و متغیرهای مستقل اصلی آن کیفیت اطلاعات و ناقزینگی اطلاعات می باشد. برای بررسی اثر رقابت بر این رابطه، متغیر رقابت نیز وارد مدل شد. در اینجا، رقابت خود چون دربرگیرنده عوامل بازار است، مستقیم و غیر مستقیم بر بازده مؤثر است. منظور از غیر مستقیم، اثر تعاملی آن با یکی از متغیرهای ناقزینگی یا کیفیت اطلاعات است. بدین منظور دو مدل رگرسیون ذیل برازش شد:

مدل (۳): مدل قیمت گذاری ناقزینگی اطلاعات:

$$R_{i,t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 \beta_{i,t} + \alpha_2 Size_{i,t} + \alpha_3 BTM_{i,t} + \lambda_1 IA_{i,t} + \lambda_2 Comp_{i,t} + \lambda_3 IA_{i,t} \times Comp_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$$

مدل (۴): قیمت گذاری کیفیت اطلاعات:

$$R_{i,t+1} = \theta_0 + \theta_1 \beta_{i,t} + \theta_2 Size_{i,t} + \theta_3 BTM_{i,t} + \varphi_1 AQ_{i,t} + \varphi_2 Comp_{i,t} + \varphi_3 AQ_{i,t} \times Comp_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$$

R_{t+1} : بازده ماهانه سهم i طی دوره ۱۲ ماهه

$\beta_{i,t}$: یکی از عوامل کنترلی است و برابر با بتای سهم سال t است.

$Size_{i,t}$: برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت در پایان سال t است.

$BTM_{i,t}$: یکی از عوامل کنترلی است و برابر با نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهم در پایان

سال مالی سال t است

IA : متغیر ناقرینگی اطلاعاتی سهم i برای سال t است.

AQ : متغیر کیفیت اطلاعاتی سهم i برای سال t است. این متغیر کیفیت اقلام تعهدی است.

$Comp$: شاخص رقابت سهم i است که به یکی از طرق، تعداد سهامداران، تعداد سهامداران

نهادی، و توزیع اطلاعات میان سهامداران نهادی (شاخص هرفیندال) محاسبه می‌شود.

در رگرسیون بالا، ضریب مورد نظر، برای آزمون نقش رقابت در قیمت‌گذاری ناقرینگی اطلاعاتی، ضریب اثر تعاملی بین رقابت (Comp) و ناقرینگی اطلاعاتی (IA) یعنی λ_3 است و برای آزمون نقش رقابت در قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات، ضریب اثر تعاملی بین رقابت و کیفیت اقلام تعهدی یعنی ϕ_3 می‌باشد. ضرایب خود متغیرهای ناقرینگی (λ_1)، کیفیت (ϕ_1) و رقابت (λ_2) و (ϕ_2) در واقع اثرات مجزای این سه متغیر را نشان می‌دهد و ضرایب اثر تعاملی، در واقع جزء قیمت‌گذاری اضافی مازاد بر عوامل مجزا را نشان می‌دهد. بر مبنای سوالات و طرح نظری مساله تحقیق، قیمت‌گذاری ناقرینگی اطلاعاتی و کیفیت اطلاعات، در رقابت کاهش می‌یابد، بنابراین انتظار می‌رود ضرایب λ_3 و ϕ_3 منفی باشد. در حقیقت ضریب منفی در این اثر تعاملی نشان دهنده‌ی آن است که رقابت با سطح قیمت‌گذاری ناقرینگی و کیفیت اطلاعات مرتبط است.

آمار توصیفی تحقیق

مطابق نگاره (۱) نماگر دامنک برای سازه ناقرینگی اطلاعاتی دارای میانگین $-0/025$ و میانه $-0/0119$ می‌باشد. اینکه دامنک منفی است نشان می‌دهد به طور متوسط قیمت پیشنهادی فروش (ask) پایین‌تر از متوسط قیمت پیشنهادی خرید (bid) است. این نشان می‌دهد به طور متوسط تقاضاهای فروش نسبت به خرید بالاتر بوده است. البته در مورد متغیر دامنک مؤثر که

قیمت میانی مظنه‌ها را در خود لحاظ کرده است، نتیجه متفاوت است و به طور میانگین دامنه‌ک مؤثر حدود ۰/۰۳۰۹ است. توزیع متغیر کیفیت اقلام تعهدی دارای انحراف استاندارد ۰/۰۳۶۴ در محدوده میانگین ۰/۰۲۶۳ است. چون متغیر محاسبه شده، خطای برآورد در نگاهت اقلام تعهدی به جریان‌های نقدی را ثبت می‌کند، ارزش کوچک‌تر نشان‌دهنده‌ی کیفیت بهتر اقلام تعهدی است. میانگین متغیرهای بتا و نسبت ارزش بازار به دفتری نیز برابر با ۰/۵۸۰۶ و ۱/۳۵۶ است. پایین بودن نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار می‌تواند بیانگر نامربوط بودن اطلاعات ترازنامه و نیز رویکرد محافظه‌کارانه شرکت‌ها باشد. در صد سهامداران نهادی در شرکت‌های نمونه بالا است. همچنین به طور متوسط تعداد این سهامداران نهادی در میان شرکت‌ها حدود ۳ نفر می‌باشد. سرمایه‌گذاران نهادی، برخلاف سرمایه‌گذاران خرد، به احتمال خیلی زیاد سرمایه‌گذاران مطلع هستند (آریل و استربل، ۱۹۸۳؛ سیاس و استارکز، ۱۹۹۷؛ بارتو و دیگران، ۲۰۰۰؛ ژامبالو و دیگران، ۲۰۰۲). با فرض اینکه تعداد معامله‌گران مطلع را برای بیان حدود رقابت استفاده کنیم، هر چه تعداد معامله‌گران مطلع بیشتر باشد، رقابت بیشتر است. در حالی که تعداد پایین سهامداران نهادی در شرکت‌های نمونه نشان می‌دهد که رقابت اطلاعاتی پایین است.

یافته‌های تحقیق

پیش از برآورد پارامترهای مدل، چگونگی پایایی متغیرها با استفاده از دو آزمون لوین، لین و چو و فیلیپس- پرون بررسی شده است. نتایج کمی آزمون پایایی متغیرهای تحقیق نشان داد که متغیرهای تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد پایا هستند؛ بنابراین می‌توان پارامترها را بدون نگرانی از کاذب بودن آن‌ها برآورد کرد.

تکاوره (۱): آمار توصیفی تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
نماگرهای ناقرینگی اطلاعاتی					
دامنک	-۰/۰۰۲۵	-۰/۰۰۱۹	۰/۰۱۱۹	۰/۰۶۱۲	-۰/۰۴۰۷
دامنک مؤثر	۰/۰۳۰۹	۰/۰۲۸۵	۰/۰۱۷۸	۰/۱۳۵۳	۰/۰۰۰۰
نماگرهای کیفیت اطلاعات					
کیفیت اقلام تعهدی	۰/۰۲۴۳	۰/۰۰۹۳	۰/۰۳۶۴	۰/۲۰۶۷	۰/۰۰۰۱
انحراف معیار جریان نقد	۰/۱۰۵۲	۰/۰۱۷۸	۰/۱۸۷۷	۱/۰۷۸۰	۰/۰۰۰۳
متغیرهای مؤثر بر ویژگی‌های محیطی اطلاعات حسابداری					
اندازه شرکت	۵/۹۲	۵/۸۵	۰/۶۱۲۴	۸/۰۰۵۷	۴/۴۶۵
بتا	۰/۵۸۰۶	۰/۱۷۰۰	۲/۳۹۵۸	۲/۰۰۰۰	-۱/۶۹۰۰
نسبت ارزش بازار به دفتری	۱/۳۵۶	۱/۱۷۳۵	۰/۱۸۷۷	۴۸/۶۹	-۵/۶۹۹
نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره	۰/۶۵۲۳	۰/۶۰۰۰	۰/۱۲۴۳	۰/۸۳۳۳	۰/۴۰۰۰
درصد سهام شناوری	۰/۲۰۲	۰/۱۸۵۸	۰/۱۲۲۴	۰/۵۶۴۴	۰/۰۲۱۴
میانگین حجم معاملات روزانه	۲۳۳۲۴۲	۵۸۶۰۹	۶۸۸۶۴	۵۶۰۱۱۹۴	۸۵۴.۱
تعداد روزهای معامله	۱۱۶	۱۱۸	۷۶	۱۸۶	۶۵
بازده	۰/۳۹۳	۰/۳۷۶	۰/۲۴۶۵	۱/۱۴۵	-۰/۰۹۸
رقابت اطلاعاتی					
تعداد سهامداران	۸۲۹۹	۳۰۷۰	۱۹۳۶۹	۱۸۴۲۸۵	۹
تعداد سهامداران نهادی	۳	۲/۹۶	۱/۵۲۴	۱۲	۱
درصد سهامداران نهادی	۰/۶۴۲۳	۰/۶۱۱۱	۰/۲۹۹۲	۰/۹۹۶۱	۰/۰۴۱۲
شاخص هرفیندال (تمرکز سهامداران)	۰/۶۵۸۴	۰/۵۵۴۶	۰/۲۵۹۱	۱	۰/۰۰۴۱۰

بررسی نتایج کمی حاصل از برآورد مدل‌ها

برای برآورد الگوی سؤالات طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۳ در چارچوب داده‌های ترکیبی، ابتدا از آزمون چاو مقید استفاده شد. این آزمون تعیین‌کننده‌ی استفاده از مدل‌های ترکیبی یا مدل اثرات ثابت است.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیبر برای الگوهای تحقیق

نماگر اطلاعات	معیار رقابت	آماره	سطح معناداری	روش پذیرفته شده
ناقرینگی اطلاعات	دامنک مؤثر	۱/۶۸۰۲	۰/۰۰۰۱	الگوی اثرات ثابت
	دامنک مؤثر	۱/۰۴۵۴	۰/۳۷۰۴	Pooled
	دامنک مؤثر	۱/۱۲۷۲	۰/۱۸۹۷	Pooled
کیفیت اقلام تعهدی	کیفیت اقلام تعهدی	۱/۷۵۹۳	۰/۰۰۰۰	الگوی اثرات ثابت
	کیفیت اقلام تعهدی	۱/۰۵۵۰	۰/۳۴۸۲	Pooled
	کیفیت اقلام تعهدی	۱/۲۲۸۰	۰/۰۶۸۱	Pooled

همان‌طور که در نگاره بالا مشاهده می‌شود، آماره F در سطح خطای ۵ درصد برای برخی از الگوها معنی دار و برای سایر الگوها معنادار نشده است، بنابراین، آزمون چاو، مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره‌ها را برای برخی از الگوها به‌طور قوی رد و برای سایر الگوها رد نکرده است. از این‌رو، در این آزمون روش اثرات ثابت و ترکیبی پذیرفته می‌شود. در مرحله بعد، روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی آزمون می‌شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شده است. اگر آماره‌ی محاسباتی در سطح خطای ۵ درصد معنی دار باشد، فرضیه اثرات تصادفی رد می‌شود و مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. به‌منظور بررسی انتخاب روش برآورد، نتایج آزمون هاسمن در نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن برای الگوهای تحقیق

معیار ناقرینگی	معیار رقابت	آماره	سطح معناداری	روش پذیرفته شده
مدل قیمت گذاری ناقرینگی اطلاعات				
دامنک مؤثر	تعداد سهامداران	۱/۰۳۹۷	۰/۹۵۹۳	الگوی اثرات تصادفی
دامنک مؤثر	تعداد سرمایه‌گذاران نهادی	-	-	-
دامنک مؤثر	شاخص هرfindال	-	-	-
کیفیت اقلام تعهدی	تعداد سهامداران	۱/۲۸۵۹	۰/۹۳۶۴	الگوی اثرات تصادفی
کیفیت اقلام تعهدی	تعداد سرمایه‌گذاران نهادی	-	-	-
کیفیت اقلام تعهدی	شاخص هرfindال	-	-	-

آماره‌ی محاسباتی آزمون هاسمن در سطح خطای ۵ درصد در تمامی مدل‌ها معنی دار نشده است، بنابراین، عدم وجود رابطه بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی در این مدل رد شده است. از این‌رو، برای برآورد مدل‌ها از روش اثرات تصادفی استفاده شد.

نتایج آزمون سؤالات تحقیق

سؤال اول: قیمت گذاری ناقزینگی اطلاعات

نگاره ۴ نتایج حاصل از برآورد پارامترهای مدل قیمت گذاری ناقزینگی اطلاعات را نشان می‌دهد. مقدار احتمال مربوط به آماره‌ی F جهت تصریح از ۵ درصد کمتر است. در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی دار بودن مدل پذیرفته می‌شود. مطابق نگاره ۴، ناقزینگی اطلاعات که برحسب نماگر دامنگر مؤثر اندازه گیری شده است، به طور متوسط قیمت گذاری می‌شود. ضریب ناقزینگی اطلاعات (۱) در حالی که از تعداد سهامداران (۲/۸۲۷۸) $t=$ و شاخص هر فیندال (۱/۶۲۷۳) $t=$ به عنوان معیار رقابت استفاده شده است، مثبت و معنی دار است اما تنها در حالی که از تعداد سهامداران نهادی برای اندازه گیری آن استفاده شده است به لحاظ آماری معنی دار نیست. ضریب رقابت پذیری (۲) نیز در تمامی الگوها به استثنای حالتی که از تعداد سرمایه گذاران نهادی برای اندازه گیری آن استفاده می‌شود به لحاظ آماری معنی دار است هر چند جهت معنی داری آن‌ها متفاوت است. به سخنی دیگر، زمانی که از تعداد سهامداران به عنوان معیار رقابت استفاده می‌شود بین رقابت و بازده، در سطح خطای ۱۰٪ رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد (۱/۶۲۶۳) $t=$ از طرف دیگر زمانی که از شاخص هر فیندال به عنوان معیار رقابت استفاده می‌شود، با افزایش رقابت بازده مازاد کاهش می‌یابد (۲/۵۷۷۹-). $t=$ ضریب اثر تعاملی رقابت با ناقزینگی (یعنی (۳) که آزمون نقش رقابت پذیری بر قیمت گذاری ناقزینگی اطلاعات است، در هر سه الگو معنی دار است. البته در نماگر تعداد سهامداران برای سازه رقابت، این ضریب مثبت و در دو نماگر دیگر منفی است و نشان می‌دهد که رقابت پذیری از طریق اثر تعاملی خود با ناقزینگی اطلاعاتی موجب کاهش سطح قیمت گذاری ناقزینگی اطلاعاتی شده و کاهش بازدهی را به همراه دارد (۳/۴۹۸۵- و ۲/۵۵۶۷ $t=$).

این نتیجه مطابق با پیش بینی تحقیق (قیمت گذاری ناقزینگی اطلاعات با رقابت بیشتر کاهش می‌یابد) و نیز نتیجه مطالعات سایر محققانی همچون ایسلی و اوهارا (۲۰۰۴)، آکینز و دیگران (۲۰۱۲)، و آرمسترانگ و دیگران (۲۰۱۱) و لمبرت و ورچیا، (۲۰۱۲؛ ۲۰۱۵) است.

نگاره (۴): نتایج حاصل از برآورد مدل قیمت گذاری ناقربینگی اطلاعات

$R_{i,t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 \beta_{i,t} + \alpha_2 \text{Size}_{i,t} + \alpha_3 \text{BTM}_{i,t} + \lambda_1 \text{IA}_{i,t} + \lambda_2 \text{Compi}_{i,t} + \lambda_3 \text{IA}_{i,t} \times \text{Compi}_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$						
معیار ناقربینگی (IA): دامنگ مؤثر						
معیار رقابت (Comp)						
شاخص هرفیندال		تعداد سرمایه گذاران نهادهی		تعداد سهامداران		متغیر
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
**۲/۱۳۳۸	۰/۰۲۸۱	۱/۵۲۱۶	۰/۰۱۶۴	۱/۶۰۳۳	۰/۰۰۵۰	اندازه شرکت (Size)
**۳/۰۳۵۸	۰/۱۲۱۲	۳/۸۱۱۸	۰/۱۳۹۲	۱/۰۴۳۴	۰/۰۲۹۳	ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM)
**۱/۶۲۳۷	۰/۱۵۴۳	-۰/۲۰۴۴	-۰/۰۶۶۱	**۲/۸۲۷۸	۰/۱۶۸۱	ناقربینگی (IA)
**۲/۵۷۷۹	-۰/۰۰۱۵	۰/۱۲۲۷	۰/۰۰۰۹	**۱/۶۲۶۳	۰/۰۰۰۹	رقابت (Comp)
**۳/۴۹۸۵	-۰/۰۰۷۹	**۲/۵۵۶۷	-۰/۰۶۳۸	**۲/۰۸۵۸	۰/۰۰۰۲	IA × Comp
**۲/۰۶۶۷	-۰/۱۵۹۳	-۱/۵۰۳۹	-۰/۰۹۴۷	-۱/۴۱۹۷	-۰/۰۲۷۶	جز ثابت
۰/۰۴۶۳		۰/۰۲۹۳		۰/۰۱۷۷		ضریب تعیین
۰/۰۳۷۶		۰/۰۲۰۹		۰/۰۱۱۱		ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۵۰۸۳		۱/۹۴۱۲		۲/۰۰۷۷		آماره دورین_واتسون
۵/۳۱۶۷		۳/۵۱۷۴		۲/۷۰۰۴		آماره F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۳		۰/۰۱۹		احتمال آماره F
,,*** به ترتیب بیانگر معناداری در سطوح خطای ۱، ۵ و ۱۰ درصد می باشد.						

سؤال دوم: قیمت گذاری کیفیت اطلاعات

سؤال دوم تحقیق این بود آیا رقابت پذیری بر قیمت گذاری کیفیت اطلاعات اثر گذار است؟ خروجی برازش مدل به شرح نگاره ۵ می باشد. ضرایب مربوط به کیفیت اقلام تعهدی نشان می دهد که وقتی از شاخص تعداد سهامداران برای اندازه گیری رقابت استفاده می شود، این ضریب معنی دار و مثبت است (۰/۰۳۳۱) - معنی داری آن در سطح ۱۰٪ است - و وقتی از دو شاخص دیگر یعنی تعداد سهامدار نهادی و شاخص هرفیندال استفاده می شود، ضریب کیفیت اقلام تعهدی منفی و غیر معنی دار است. نتیجه این ضریب برای این دو شاخص، متناسب با نتایج تحقیق کور و دیگران (۲۰۰۸) و آکیتز و دیگران (۲۰۱۲) است که دریافتند کیفیت اقلام

تعهدی به طور متوسط قیمت گذاری نمی شود. در ردیف مربوط به اثر تعاملی کیفیت و رقابت، نتیجه آزمون سؤال سوم تحقیق مشخص شده است. بر مبنای سؤالات و طرح نظری مسئله تحقیق، قیمت گذاری کیفیت اطلاعات، با افزایش سطح رقابت کاهش می یابد، بنابراین انتظار می رود ضریب ϕ_3 منفی باشد.

نگاره (۵): نتایج حاصل از برآورد مدل کیفیت اطلاعات

$R_{i,t+1} = \theta_0 + \theta_1 \beta_{i,t} + \theta_2 \text{Size}_{i,t} + \theta_3 \text{BTM}_{i,t} + \phi_1 \text{AQ}_{i,t} + \phi_2 \text{Compi}_{i,t} + \phi_3 \text{AQ}_{i,t} \times \text{Compi}_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$					
معیار کیفیت اطلاعات (AQ): کیفیت اقلام تعهدی					
معیار رقابت (COMP)					
شاخص هرفیندال		تعداد سرمایه گذاران نهادهی		تعداد سهامداران	
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب
**۲/۱۶۷۵	۰/۰۲۹۵	*۳/۶۶۰۳	۰/۰۱۴۱	۰/۷۵۷۲	۰/۰۰۲۶
**۲/۰۶۲۳	۰/۱۳۳۲	*۳/۰۷۴۸	۰/۰۷۵۱	۱/۰۵۴۱	۰/۰۲۸۴
-۰/۳۰۶۷	-۰/۰۲۶۳	-۰/۰۷۱۹	-۰/۰۰۴۰	**۱/۸۱۴۴	۰/۰۳۳۱
**۲/۴۸۷۶	-۰/۰۰۱۶	۰/۵۲۶۸	۰/۰۰۲۵	*۵/۶۸۰۷	۰/۰۰۰۴
**۲/۶۶۳۰	-۰/۰۰۷۸	-۰/۶۶۶۱	-۰/۰۱۷۸	**۲/۸۵۲۹	-۰/۰۰۰۴
**۱/۹۷۸۴	-۰/۱۶۰۵	*۲/۹۲۶۹	-۰/۰۷۳۰	-۰/۱۵۶۸	-۰/۱۵۶۸
۰/۱۶۴۴		۰/۰۲۰۶		۰/۰۰۷۷	
۱/۸۵۹۸		۱/۸۹۰۸		۲/۰۰۶۵	
۱/۸۸۷۹		۳/۳۷۵۹		۱/۱۰۹۳	
۰/۰۰۰		۰/۰۰۵		۰/۰۰۳	
* و ** به ترتیب بیانگر معناداری در سطح خطای ۱ و ۵ درصد می باشند.					

با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ۵، سطح معنی داری مربوط به سؤال سوم تحقیق (به استثنای معیار تعداد سرمایه گذاران نهادهی) کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد معیارهای مربوط به الگوی قیمت گذاری کیفیت اقلام تعهدی پذیرفته می شود. ضریب اثر تعاملی برای الگوی اول که از تعداد سهامداران به عنوان شاخص رقابت استفاده شده است، $-۰/۰۰۰۴$ و معنی دار است و برای الگوی سوم که از شاخص هرفیندال به عنوان شاخص رقابت استفاده شده است، $-۰/۰۰۷۸$ می باشد. البته نتایج برای الگوی اول ضعیف است.

نتیجه گیری

جریان اطلاعات، به عنوان یک کنش گرا در محیط بازار، رفتار فعالان بازار را تحت تأثیر قرار می دهد. آنچه بیش از پیش اهمیت دارد، دو مفهوم از این جریان است: مفهوم اول محیط اطلاعاتی حسابداری است که شرکت در آن فعالیت می کند و دیگری، میزان ارزیابی این محیط و قیمت گذاری ویژگی های آن از منظر سودمندی در تصمیم است.

استفاده از اطلاعات مالی و حسابداری به منظور برقراری توازن بین ریسک و بازده، منجر به بهبود تصمیم گیری سرمایه گذاران می شود؛ زیرا اغلب تصمیمات مالی در حالت عدم اطمینان اتخاذ می شود و اطلاعات در این گونه موارد، نقش مهمی در کاهش عدم اطمینان خواهد داشت. نتایج سؤالات این تحقیق نشان داد که سه بعد محیط اطلاعاتی حسابداری، یعنی ناقربینگی، کیفیت و رقابت پذیری اطلاعات منجر به ایجاد تفاوت در تصمیم می شود اثرات تعاملی این سه ویژگی بر یکدیگر در سؤالات ارزیابی و نتایج نشان داد که رقابت میزان انعکاس دو متغیر ناقربینگی و کیفیت در قیمت ها را تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارت دیگر، سؤالات تحقیق که مبتنی بر پیش بینی های تئوری بر مبنای تحقیقات تجربی قبلی بوده است، مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج سؤال اول تحقیق مبنی بر اثر رقابت پذیری بر رابطه ی بین ناقربینگی اطلاعاتی با بازدهی، معنادار شده است. نتایج حاصل از یافته های سؤال اول با تحقیقات آکینز و همکاران (۲۰۱۲)، ایسل و اوهارا (۲۰۰۴) و لمبرت و دیگران (۲۰۰۷) هماهنگی داشته ولی با تحقیقات بتجریا و دیگران (۲۰۱۱) و کیم و ورجیا (۱۹۹۱) تطابق ندارد زیرا آن ها اعتقاد دارند که با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، امکان کسب بازده بالاتر برای برخی سرمایه گذاران فراهم می شود که حتی با وجود رقابت نیز نمی توان تعادل اطلاعاتی را برقرار نمود.

در ارتباط با سؤال دوم تحقیق همان طور که گفته شد، رقابت پذیری قیمت گذاری کیفیت اطلاعات را تحت تأثیر قرار می دهد. کیفیت اطلاعات حسابداری می تواند بازدهی را به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر قرار دهد. بهبود کیفیت اطلاعات نه تنها قیمت شرکت را بالا می برد بلکه در کل موجب کاهش هزینه سرمایه شرکت نیز می شود. از طرف دیگر رقابت میزان استفاده از گزارشگری باکیفیت را افزایش می دهد. همچنین، رقابت ریسک ناقربینگی اطلاعاتی برای سرمایه گذاران نامطلع را کاهش می دهد، زیرا معاملات گروهی که

توسط سرمایه‌گذاران مطلع انجام می‌شود، منجر به آن می‌شود که اطلاعات باکیفیت تری در قیمت تعادلی انعکاس یابند. نتایج حاصل از این سؤال با تحقیقات لمبرت و دیگران (۲۰۱۲) و آرمسترانگ و دیگران (۲۰۱۲) همخوانی دارد ولی با تحقیقات بوتاسن و فلامی (۲۰۰۷) و بوتاسن و دیگران (۲۰۰۴) مطابقت ندارد زیرا ممکن است به دلیل اثر دوگانه‌ی بالقوه‌ی دقت اطلاعات خصوصی نتایج متفاوتی ایجاد شود؛ بنابراین به‌طور خلاصه مطابق با یافته‌های تحقیق میزان رقابت اطلاعاتی، بر ملاحظات قیمت‌گذاری اجزای محیط اطلاعات حسابداری مؤثر است.

با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی بر انتخاب بهترین سازه برای تعریف یک ویژگی محیط اطلاعاتی حسابداری از قبیل ناقرینگی تمرکز و بهترین نماگر را از طریق آزمون تجربی معرفی نمایند. همچنین در انتخاب متغیر ناقرینگی اطلاعاتی، ترکیبی از سازه‌های نقد شونددگی و دامنگ را مورد استفاده قرار دهند که به لحاظ مفهومی، پیامد تصمیم نادرست ناشی از ناقرینگی را انعکاس دهد.

منابع

- احمد پور، احمد؛ عجم، مریم. (۱۳۸۹). بررسی کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار: ۱۱، ۱۲۴-۱۰۷.
- ایزدی نیا، ناصر؛ رسایان، امیر. (۱۳۸۹). پراکندگی مالکیت و نقد شونددگی سهام. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: ۱۷ (۴۰)، ۳-۲۲.
- خانی، عبدالله، قجاوند، زیبا. (۱۳۹۱). تأثیر طیف رقابتی بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه عادی. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره چهارم: ۴ (۱۴)، ۶۷-۸۸.
- خدای پور، احمد؛ قدیری، محمد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفت‌های حسابداری: ۲ (۲)، ۱-۲۹.
- خوبانی، محمد علی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی کیفیت سود با عدم تقارن اطلاعاتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی، غیر انتفاعی رجاء قزوین.
- قائمی، محمد حسین؛ رحیم پور، محمد؛ نوذری، روح‌الله؛ روحی، بهزاد. (۱۳۸۹). اعلان سودهای فصلی و عدم تقارن اطلاعاتی. مجله پیشرفت‌های حسابداری: ۲ (۲)، ۵۰-۳۱.

قائمی، محمد حسین؛ وطن پرست، محمد رضا. (۱۳۸۴). بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی (۱۲)

۴۱۱۰۳-۸۵)

رحیمیان، نظام الدین؛ همتی، حسن؛ سلیمانی فرد، ملیحه. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری: ۳

(۱۰)، ۱۵۷-۱۸۱.

Admati, A. R. (1985). A noisy rational expectations equilibrium for multi-asset securities markets. *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 629-657.

Amir, Eli, Levi, Shai. (2017). The precision of information in stock prices, and its relation to disclosure, liquidity, and cost of equity available at <http://ssrn.com/abstract=2745462>

Ahmadpour, A & Ajam, M (2010). Investigation of the quality of accrual items and information asymmetry in Listed company in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of the Stock Exchange*, 11 (1). 107-124. (In Persian)

Akins, B. K. , Ng, J. , & Verdi, R. S. (2011). Investor competition over information and the pricing of information asymmetry. *The Accounting Review*, 87 (1) , 35-58.

Armstrong, C. S. , Core, J. E. , Taylor, D. J. , & Verrecchia, R. E. (2011). When does information asymmetry affect the cost of capital?. *Journal of Accounting Research*: 49 (1) , 1-40.

Bhattacharya, N. , Desai, H. , & Venkataraman, K. (2013). Does earnings quality affect information asymmetry? Evidence from trading costs. *Contemporary Accounting Research*, 30 (2) , 482-516.

Bhattacharya, N. , Ecker, F. , Olsson, P. M. , & Schipper, K. (2012). Direct and mediated associations among earnings quality, information asymmetry, and the cost of equity. *The Accounting Review*, 87 (2) , 449-482.

Botosan, C. A. , Kinney, W. , & Palmrose, Z. V. (2007). The Market Effects of a Decline in Perceived Audit Quality. First Draft.

Botosan, C. A. , Plumlee, M. A. , & Xie, Y. (2004). The role of information precision in determining the cost of equity capital. *Review of Accounting Studies*, 9 (2-3) , 233-259.

Bushman, R. M. , & Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of accounting and Economics*, 32 (1) , 237-333.

Dechow, P. , Ge, W. , & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2) , 344-401.

- Dennis, P. J. , & Weston, J. (2002). Who's informed? An analysis of stock ownership and informed trading. An Analysis of Stock Ownership and Informed Trading (June 4, 2001). AFA
- Easley, D. , & O'hara, M. (1992). Time and the process of security price adjustment. *The Journal of finance*, 47 (2) , 577-605.
- Easley, D. , & O'hara, M. (2004). Information and the cost of capital. *The journal of finance*, 59 (4) , 1553-1583.
- Easley, D. , Hvidkjaer, S. , & O'hara, M. (2002). Is information risk a determinant of asset returns? *The journal of finance*, 57 (5) , 2185-2221.
- Easley, D. , O'hara, M. , & Srinivas, P. S. (1998). Option volume and stock prices: Evidence on where informed traders trade. *The Journal of Finance*, 53 (2) , 431-465.
- Ghaemi, M & Rahimpour, M & Nozari, R & Roohi Behzad (2010) , Seasonal Profits and Information Asymmetry Announcement. *Journal of Accounting Progress*, 2 (2). 31-50. (In Persian)
- Ghaemi, M & Vatanparast M (2005). Investigating the Role of Accounting Information in Reducing Information Asymmetry in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Accounting and Auditing*, 41 (12) , 85-103. (In Persian)
- Hughes, J. S. , Liu, J. , & Liu, J. (2007). Information asymmetry, diversification, and cost of capital. *The Accounting Review*, 82 (3) , 705-729.
- Izadinia, N & Rassayian, a (2010). Distribution of ownership and liquidity of shares. *Quarterly Journal of Accounting and Auditing*, 40 (17) ,3-22. (In Persian)
- Kyle, A. S. (1985). Continuous auctions and insider trading. *Econometrica: Journal of the Econometric Society*: 1315-1335.
- Khobani, Mohammad Ali (1389). Investigating the relationship between quality of profit and information asymmetry. Master's Thesis, Higher Education Institution, Non-profit Raja Qazvin. (In Persian)
- Khani, Abdullah and Beautiful Ghajaand (1391). The Impact of the Competitive Market Ratio on the Relationship between Information Asymmetry and Normal Cost of Capital. *Journal of Financial Accounting Research*, 14 (1) 67-88. (In Persian)
- Khadamipour, A & Ghadiri Muhammad (2010). Investigating the Relationship between Accountability Items and Information Asymmetry in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Progress*. 2 (2) , 1-29. (In Persian)
- Rahimian, N & Hemati, H & Soleimani Far, M (2012). Investigating the relationship between earnings quality and information asymmetry in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting*, 10 (3) , 157-181. (In Persian)

- Lambert, R. A. , Leuz, C. , & Verrecchia, R. E. (2012). Information asymmetry, information precision, and the cost of capital. *Review of Finance*, 16 (1) , 1-29.
- Lambert, R. , & Verrecchia, R. (2010). Cost of capital in imperfect competition settings. Unpublished paper, University of Pennsylvania
- Lambert, Richard A. Verrecchia, Robert E. (2015). Information, Illiquidity, and Cost of Capital. *Contemporary Accounting Research*, 32 (2) , 423–813
- Wang, J. (1993). A model of intertemporal asset prices under asymmetric information. *The Review of Economic Studies*, 60 (2) , 249-282.
- Verrecchia, Robert E. (2012). The Role of Capital Market Settings in Disclosure Policy. *Accounting Horizons*, 26 (2) , 20-44.

بررسی اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت

قدرت اله برزگر*، طوبی حقیقت**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۴

مقاله پژوهشی

چکیده

در پی رسوایی‌های مالی اخیر، معاملات با اشخاص وابسته یکی از کانون‌های نگرانی بوده، به گونه‌ای که استفاده هدفمند از این معاملات و عدم افشای آن‌ها یا کافی نبودن افشای از عوامل سقوط شرکت‌ها بوده است. همچنین افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها یکی از منابع ارزشمند اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌باشد. لذا، هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت می‌باشد. بدین منظور تعداد ۸۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به روش هدفمند انتخاب و داده‌های آن به روش تحلیل داده‌های ترکیبی تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که، بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت رابطه مثبت، و همچنین بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به علاوه، معاملات با اشخاص وابسته رابطه بین افشای هزینه تحقیق توسعه و ارزش شرکت را تضعیف می‌کند.

واژه‌های کلیدی: معاملات با اشخاص وابسته، افشای هزینه تحقیق و توسعه، ارزش شرکت

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M49

DOI: 10.22051/jera.2018.21086.2091

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (نویسنده مسئول)، (ghabarzegar@gmail.com)

** کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (Tooba.haghighat@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها یکی از ابزارهای مهم مدیران به منظور انتقال اطلاعات مربوط به عملکرد مالی به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر افراد ذینفع بوده و یکی از دلایل مهم تقاضا برای افشای اطلاعات، مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات است (رحمانی، بشیری منش، ۱۳۹۳). بسیاری از این اطلاعات مورد نیاز نیز، طبق قوانین و استانداردها بایستی در گزارش‌ها وجود داشته باشند و شرکت‌ها ملزم به ارائه این اطلاعات می‌باشند، ولی برخی دیگر از اطلاعات وجود دارد که اجباری به افشای آن‌ها همراه با صورت‌های مالی نیست و موسسات ممکن است به صورت داوطلبانه اقدام به افشای آن‌ها در گزارش‌های مالی خود نمایند. به گروه اول افشای اجباری ۱ و به گروه دوم افشای داوطلبانه ۲ گفته می‌شود (خدای پور، محرومی، ۱۳۹۱).

از نتایج افشای داوطلبانه کاهش شرایط عدم اطمینان است که این نیز به نوبه خود، نیاز به نظارت بر فعالیت‌های مدیریت را کاهش می‌دهد و باعث کاهش هزینه‌های تأمین مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود (ستایش، روستایی، علیزاده، ۱۳۹۳). افشای هزینه‌های تحقیق و توسعه از جمله افشاهای داوطلبانه می‌باشد و از آنجا که انتظار می‌رود که بتوان از پروژه‌های تحقیق و توسعه در دوره‌های آینده منفعی به دست آورد؛ با توجه به اصل تطابق، هزینه‌های تحقیق و توسعه می‌بایست به عنوان دارایی (نامشهود) سرمایه‌ای منظور گردند، این رویه موجب می‌شود که قیمت سهام محتوای اطلاعاتی بیشتری داشته باشد. بر اساس "نظریه نمایندگی"، شرکت‌هایی که دارایی‌های نامشهود بیشتری دارند به دلیل ماهیت غیرعینی بودن این نوع دارایی‌ها، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بیشتر می‌شود و با هزینه‌های نظارتی بالاتری مواجه می‌گردند. بنابراین، شرکت‌هایی که از درجه مشهود بودن دارایی‌های پایینی برخوردارند باید برای اجتناب از هزینه‌های نظارتی مفرط، سطح افشاء خود را بالا ببرند (کامیابی، صابری، ۱۳۹۶). بر همین اساس، با توجه به وضعیت افشای اطلاعات در بازار سرمایه ایران، پرسش اول بدین شرح می‌باشد، که تأثیر گذاری افشای هزینه‌های تحقیق و توسعه بر ارزش شرکت، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

از سوی دیگر، معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند به عنوان بخشی از عملیات اصلی واحد تجاری قلمداد شود که در این صورت نه تنها مضر نمی‌باشد، بلکه می‌تواند کمک شایانی به مدیریت در راستای هدف ارزش آفرینی برای سهام‌داران کند. همچنین این معاملات، می‌تواند باعث ایجاد اختلال در امر ارزش آفرینی برای سهام‌داران شود و موجبات فروپاشی شرکت‌ها را نیز فراهم آورد. کولبک، می‌هیو (۲۰۱۰)، در تحقیقی نشان دادند که افشای این گونه معاملات با وجود منفی که برای استفاده‌کنندگان دارد، در نهایت منجر به کاهش ارزش سهام شرکت می‌گردد (شعری، حمیدی، ۱۳۹۲).

تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا معاملات با اشخاص وابسته عاملی موثر بر ارزش شرکت می‌باشد یا خیر؟ به عبارتی دیگر این پژوهش سعی دارد این موضوع را بررسی کند که معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت، چه تأثیری دارد؟

بر این اساس، در ادامه پس از مرور مبانی نظری تحقیق و پیشینه تحقیقات گذشته داخل و خارج، فرضیه‌های پژوهش مطرح شده و سپس روش و طرح تحقیق ارائه خواهد شد و در پایان به تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت

هزینه تحقیق و توسعه بازتاب یک حرکت سازمانی یا دولتی در جهت فراتر رفتن از سود، بازدهی فعلی، بهبود عملکرد و بازدهی در آینده است. تا قبل از ظهور هزینه تحقیق و توسعه شرکت‌ها با مشکلاتی چون بالا بودن هزینه‌های تولید و پایین بودن کیفیت و کمیت تولیدات مواجه بودند که امروزه به کمک هزینه تحقیق و توسعه و رفع این مشکلات، قیمت سهام شرکت‌ها افزایش یافته است (کامیابی، صابری، ۱۳۹۶؛ رضالوئی، حیدری، زرعیان، ۱۳۹۳).

تحقیق و توسعه هرگونه فعالیت منسجم و خلاق در جهت افزایش سطح دانش مربوط به انسان، فرهنگ، جامعه و استفاده از این دانش برای کاربردهای جدید است (دهقانی، خردمند، عبدی، ۱۳۸۶). اهمیت هزینه‌های تحقیق و توسعه به حدی است که علاوه بر محرک بودن رشد و توسعه اقتصادی جامعه، افزایش دهنده‌ی سود بنگاه نیز است. با توجه به "نظریه

علامت‌دهی"، مدیران مؤسسات دارای کیفیت بالاتر، در صورت عدم افشای اطلاعات کافی در مورد مؤسسه شان متحمل یک زیان فرصت خواهند شد و انگیزه‌ی فعالیت در بازار را از دست خواهند داد؛ مگر اینکه ارزش بالای مؤسسه خود را به سرمایه‌گذاران مخابره کرده و باعث افزایش قیمت سهام مؤسسه خود شوند (خدای پور و محرومی، ۱۳۹۱). این مخابره به وسیله علامت‌دهی (افشاء) انجام می‌شود. در نتیجه افشاء و ارائه اطلاعات کافی درباره‌ی هزینه‌های تحقیق و توسعه بعنوان یک مکانیزم قوی می‌تواند از طریق تولید کالاها و خدمات قابل تجارت و استفاده مؤثرتر از منابع موجود و جذب فناوری پیشرفته خارجی، در جذب سرمایه‌گذاران، بهبود عملکرد شرکت و در نهایت افزایش ارزش شرکت مؤثر واقع گردد (جو، ۲۰۱۵).

معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت

در خصوص چگونگی اثرگذاری معاملات با اشخاص وابسته ۴ بر ارزش شرکت، شواهد متناقضی ارائه شده است. برخی آن را از دیدگاه معاملات کارا بررسی کردند و عنوان می‌کنند معاملات با اشخاص وابسته، معاملاتی کاراست که هزینه‌های آن به دلیل دسترسی به برخی اطلاعات در مقایسه با دیگر معاملات کمتر است و همین موضوع موجب می‌شود این معاملات بر ارزش شرکت اثری مثبت داشته باشد. این در حالی است که عده‌ای دیگر بر این باورند که تضاد منافع موجود بین سهامداران کنترلی و اقلیت موجب می‌شود، مقاصد چنین معاملاتی تولید ثروت برای سهامداران کنترلی و نه شرکت باشد (حسینی، اثنی عشری، لک، ۱۳۹۵).

این معاملات با انتقال منابع خدمات یا تعهدهای بین اشخاص وابسته صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه‌ی بهای آن در رابطه با شخص وابسته، می‌تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری تأثیر داشته باشد (استاندارد حسابداری شماره ۱۲، افشای اطلاعات اشخاص وابسته). اکثر مطالعات انجام شده در بازارهای مختلف نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته ابزاری برای تضييع حقوق سهامداران اقلیت است. همچنین پژوهش‌ها در حوزه‌ی واکنش بازار نشان می‌دهد که شرکت‌های با ارزش بازار کمتر، معاملات اشخاص وابسته‌ی بیشتری داشته‌اند (دارابی، داوودخانی، ۱۳۹۴).

معاملات با اشخاص وابسته، افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت

یکی از ابزارهای مهم بازار سرمایه، وجود اطلاعات شفاف و کامل می‌باشد. افشای اطلاعات کامل از سوی شرکت‌ها باعث افزایش کارایی بازار سرمایه خواهد شد. نقطه شروع و در حقیقت پایه و اساس این موضوع، به "تئوری نمایندگی" و مشکلات "عدم تقارن اطلاعات" مربوط می‌شود. بر همین اساس انتظار می‌رود، افشای اطلاعات بتواند علاوه بر مشکل عدم تقارن اطلاعات، عدم اطمینان در مورد عملکرد آتی شرکت را نیز کاهش دهد و فرآیند معاملات سهام را برای سهام‌داران تسهیل نماید و در نهایت افشای اطلاعات بتواند ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار دهد (فروغی، آدینه جونقانی، ۱۳۹۱).

کوبک، می‌هیو (۲۰۱۰)، ارزیابی بازار سهام و نمای کلی ریسک بازده شرکت‌ها را برای آن‌هایی که افشای معاملات با اشخاص وابسته دارند و شرکت‌هایی که بدون آن‌ها هستند، مقایسه کردند. آن‌ها دریافتند که شرکت‌هایی که افشای معاملات با اشخاص وابسته‌ها را نشان می‌دهند، ارزش‌گذاری به مراتب پایین‌تر و بازده‌های بعدی پایین‌تری را نسبت به شرکت‌های بدون افشای معاملات با اشخاص وابسته دارا می‌باشند. آن‌ها همچنین گزارش دادند که انواع معاملات با اشخاص وابسته به طور خاص بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند (کیم، یو، ۲۰۱۷). به طور کلی، نسبت معاملات با اشخاص وابسته بالا، وابستگی بالای شرکت را بر بازار داخلی نشان می‌دهد. حتی اگر شرکت با رقابت شدیدتری در مقایسه با بازار خارجی مواجه شود، نیازی به افزایش سرمایه‌گذاری خود در بخش تحقیق و توسعه نیست، زیرا آن‌ها از مزایای بازار امن و پایدار استفاده می‌کنند (کیم، یو، ۲۰۱۷).

با توجه به ادبیات موجود، انتظار پژوهش حاضر بر این است که معاملات با اشخاص وابسته مطابق با تئوری نمایندگی (تضاد منافع)، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بتواند رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت را تضعیف کند، این در حالی است که این تئوری در تضاد با تئوری معاملات کارا می‌باشد، که اثر مثبت بر ارزش شرکت داشته است و آن را تقویت می‌نماید.

پیشینه پژوهش

کیم، یو (۲۰۱۷)، به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مخارج تحقیق و توسعه و همچنین بر رابطه بین مخارج تحقیق و توسعه و ارزش شرکت می‌پردازد. نتایج بررسی آن‌ها

نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و در نهایت ارزش شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

جو (۲۰۱۵)، به بررسی ارتباط بین رقابت بازار محصول، افشای هزینه تحقیق و توسعه و بازده سهام پرداخت که نشان می‌دهد رقابت بازار محصول و افشای هزینه‌های تحقیق و توسعه بر بازده سهام شرکت تأثیر گذارند و بر خروجی‌های سهام اثر مشترکی دارند. از این رو رابطه‌ی مثبت و معناداری بین رقابت بازار محصول و بازده سهام در میان شرکت‌هایی که هزینه‌های تحقیق و توسعه را افشاء می‌نمایند، افزایش می‌یابد.

سربینی وازان (۲۰۱۳)، معاملات با اشخاص وابسته را در شرکت‌های هندی مورد بررسی قرار داد. وی طی بررسی خود به این نتایج دست یافت که، بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. میزان معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌هایی که توسط مؤسسه‌های بزرگ، حسابرسی می‌شوند کمتر از بقیه شرکت‌ها بود.

وقفی، سلمانیان، مانیان، فیاض (۱۳۹۷)، به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته با کیفیت افشاء، مدیریت سود و سودآوری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین معاملات با اشخاص وابسته با رتبه افشاء رابطه منفی و با مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما نتایج پژوهش وجود رابطه بین معاملات و سودآوری را تایید نکرده است.

برزگری خانقاه، اخوان بهابادی، زارع، زارع حسین آبادی (۱۳۹۶)، به بررسی تأثیر هزینه تحقیق و توسعه بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهند که بین هزینه‌ی تحقیق و توسعه و جریان نقد عملیاتی و ارزش افزوده‌ی اقتصادی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

ترابی، زارعی مروج (۱۳۹۶)، به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت و معیارهای عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

کامیابی، صابری (۱۳۹۶)، به بررسی اثر میانجی افشای هزینه تحقیق و توسعه بر رابطه بین رقابت بازار محصول و بازده سهام می‌پردازند. نتایج پژوهش نشان داده است که افشای هزینه

تحقیق و توسعه بر رابطه بین رقابت محصول و بازده سهام اثر میانجی جزئی دارد. بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و بازده سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تکانه (۱): ماتریس نظریه

دارایی، داوودخانی (۱۳۹۴)	مهرپویافر (۱۳۹۵)	کامیلی، صابری (۱۳۹۶)	ترابی و زارعی مروج (۱۳۹۶)	برزگری خانقاه و همکاران (۱۳۹۶)	وقتی و همکاران (۱۳۹۷)	سرتینی وازان (۲۰۱۳)	پو (۲۰۱۵)	کیم، پو (۲۰۱۷)	محققان / پیامدهای تحقیقات مرتبط
*			*		*	*		*	معاملات با اشخاص وابسته
				*				*	هزینه تحقیق و توسعه
*			*					*	ارزش شرکت
		*					*		بازده سهام
		*					*		رقابت بازر محصول
	*	*					*		افشای هزینه تحقیق و توسعه
				*		*			عملکرد شرکت
	*								هزینه سرمایه
					*				کیفیت افشاء
					*				سودآوری

مهرپویافر (۱۳۹۵)، به بررسی تأثیر سطح افشای اطلاعات تحقیق و توسعه بر هزینه‌ی سرمایه مطالعه موردی شرکت‌های فعال در صنایع شیمیایی دارویی و غذایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سطح افشای اطلاعات تحقیق و توسعه شرکت‌ها و هزینه‌ی سرمایه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دارایی، داوودخانی (۱۳۹۴)، به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق بیان می‌دارد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

فرضیه پژوهش

بر اساس مبانی تئوریک و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های تحقیق حاضر با بررسی اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت، به صورت زیر مطرح گردید:

فرضیه (۱): بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه (۲): بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه (۳): معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره زمانی ۶ ساله، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. نمونه‌گیری به صورت حذفی انجام شده و شامل کلیه شرکت‌های جامعه آماری است که حائز شرایط زیر باشند:
الف) اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها برای سال ۱۳۹۰ و بعد از آن به طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.

ب) سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده و همچنین وقفه‌ی مالی بیش از ۶ ماه در محدوده‌ی تعیین شده نداشته باشند.

پ) جزء صنایع واسطه‌گری مالی، بانک‌ها، لیزینگ و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند) به منظور همگن بودن اطلاعات).

با اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد جامعه آماری به ۸۸ شرکت تقلیل یافته، و در نهایت تمام اعضای جامعه به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شده است.

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی می‌باشد. در این تحقیق اطلاعات مورد نیاز برای بیان کلیات پژوهش به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. داده‌های کمی مورد نیاز و همچنین اطلاعات مربوط به افشای هزینه تحقیق و توسعه از یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی و گزارش فعالیت هیئت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران استخراج شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌فزار اکسل طبقه‌بندی شده و تجزیه و تحلیل نهایی نیز به کمک نرم‌افزار اقتصادسنجی ۵ انجام شده است.

متغیرهای پژوهش و شیوه اندازه‌گیری آن

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره‌ی مدل کیم و یو (۲۰۱۷) که به ترتیب برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم می‌باشد، استفاده شده است.

مدل تجربی پژوهش

مدل (۱)

$$\text{Value (Q-Tobin)} = Y_0 + Y_1 \text{D-R\&D} + Y_2 \text{Size} + Y_3 \text{Age} + Y_4 \text{Growth} + Y_5 \text{Dividend} + \varepsilon$$

مدل (۲)

$$\text{Value (Q-Tobin)} = Y_0 + Y_1 \text{RPT} + Y_2 \text{Size} + Y_3 \text{Age} + Y_4 \text{Growth} + Y_5 \text{Dividend} + \varepsilon$$

مدل (۳)

$$\text{Value (Q-Tobin)} = Y_0 + Y_1 \text{D-R\&D} + Y_2 \text{RPT} + Y_3 (\text{D-R\&D} * \text{RPT}) + Y_4 \text{Size} + Y_5 \text{Age} + Y_6 \text{Growth} + Y_7 \text{Dividend} + \varepsilon$$

متغیر وابسته

ارزش شرکت: برای محاسبه‌ی ارزش شرکت از شاخص کیوتوبین ۱۶ استفاده شده است. علت انتخاب کیوتوبین به عنوان معیار ارزش، افزایش قابلیت مقایسه نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات مشابه انجام بوده است (دارابی، داوودخانی، ۱۳۹۴؛ خلعتبری لیماکی، ۱۳۹۱). در این پژوهش، ارزش شرکت برابر با مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها می‌باشد (کیم، یو، ۲۰۱۷).

متغیر مستقل

تحقیق و توسعه: عبارت است از افزایش هزینه تحقیق و توسعه شرکت که از چک لیست تعدیل شده‌ی نیکیلی، حسینی (۲۰۱۶) و روسا، لیبرتور (۲۰۱۴) با ۲۶ نوع اطلاعات مربوط به افزایش هزینه تحقیق و توسعه استفاده می‌شود. این اطلاعات به روش تحلیل محتوا ارزیابی می‌شود؛ در تحلیل محتوا، محقق باید از ابزار چک لیست استفاده نماید. بنابراین تعداد اقلام افشاء شده به کل اقلام قابل افزایش هزینه تحقیق و توسعه در گزارش‌های هیئت مدیره، بیانگر درصد افزایش هزینه تحقیق و توسعه شرکت‌ها برای تعیین سطح آن در هر شرکت است. اگر موردی در شرکتی قابلیت اعمال نداشته باشد، آن مورد از لیست حذف می‌شود (چیونگ، جیانگ، تان، ۲۰۱۰) و به صورت ذیل محاسبه می‌گردد:

$$R\&D_{i,t} = \frac{\sum_{j=1}^m d_{i,t}}{N}$$

$d_{i,t}$: اگر آیتی از موارد موجود در چک لیست افزایش هزینه تحقیق و توسعه برای شرکت i در زمان t گزارش شده باشد عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر m : تعداد آیت‌های چک لیست افزایش هزینه تحقیق و توسعه که توسط شرکت i در زمان t افشاء شده است N : تعداد کل آیت‌های موجود در چک لیست افزایش هزینه تحقیق و توسعه.

متغیر تعدیل‌گر

متغیر تعدیل‌گر در این پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته است. نحوه‌ی محاسبه آن به این ترتیب است: معاملات با اشخاص وابسته برابر با کل معاملات با اشخاص وابسته تقسیم بر کل فروش شرکت می‌باشد (کیم، یو، ۲۰۱۷).

متغیرهای کنترلی

اندازه (Size): اندازه شرکت برابر با لگاریتم فروش شرکت است. سن (Age): سن شرکت برابر با لگاریتم سن شرکت (سال تاسیس) می‌باشد. نسبت رشد دارایی‌ها (Growth): نسبت رشد شرکت برابر با دارایی سال جاری منهای دارایی سال قبل، تقسیم بر دارایی سال قبل می‌باشد. سود تقسیمی (DPS): سود تقسیمی شرکت برابر با سود تقسیمی تقسیم بر ارزش بازار شرکت می‌باشد (کیم، یو، ۲۰۱۷).

تکانه (۲): چک لیست افشای اطلاعات مرتبط با هزینه تحقیق و توسعه

۲۶ نوع اطلاعات مربوط به افشای هزینه تحقیق و توسعه

- ۱- تعداد کارکنان واحد تحقیق و توسعه ۱۵- نحوه بازاریابی و هزینه‌های بازاریابی محصولات جدید یا
- ۲- برون سپاری در تحقیق و توسعه واحد های تحقیق و توسعه
- ۳- هزینه‌های تحقیق و توسعه ۱۶- تشریح و توضیح قراردادهای تحت لیسانس
- ۴- تغییرات در هزینه واحد تحقیق و ۱۷- بیانیه اهداف، مأموریت و فعالیت های تحقیق و توسعه
- ۱۸- وضعیت رقبا و فعالیت های تحقیق و توسعه رقبا
- ۵- تفکیک هزینه های واحد تحقیق و ۱۹- جوایز یا تقدیرنامه های حاصل از فعالیت های تحقیق و توسعه (بر حسب واحد، مبلغ) توسعه
- ۶- پیش بینی هزینه های واحد تحقیق و ۲۰- منابع تامین مالی هزینه های تحقیق و توسعه توسعه (به عنوان درصدی از فروش) (جاری، آتی)
- ۷- خرید یا تحصیل دانش فنی ۲۱- شرح برنامه های جدید تحقیق و توسعه
- ۸- تشریح وضعیت و درصد پیشرفت ۲۲- شرح اجزای هزینه های آینده تحقیق و توسعه پروژه های تحقیق و توسعه ۲۳- تعداد واحدهای تحقیقی
- ۹- پروژه‌ها و محصولات جدید ۲۴- هزینه تحقیق و توسعه برای واحد پژوهش (هزینه (به تفکیک مبلغ و محصول) تحقیق و توسعه که توسط واحد پژوهش صرف شده)
- ۱۰- پیش بینی زمان تکمیل پروژه های ۲۵- مقایسه هزینه تحقیق و توسعه با هزینه تحقیق و توسعه تحقیق و توسعه رقبا
- ۱۱- احتمال موفقیت یا ناکامی در پروژه ۲۶- مقایسه بین هزینه های واقعی تحقیق و توسعه و های واحد تحقیق و توسعه پیش بینی بودجه
- ۱۲- هزینه های سرمایه گذاری شده در توسعه محصولات
- ۱۳- تاییدیه یا گواهی نامه نهادهای مقرراتی
- ۱۴- پیش بینی فروش و سهم بازار پروژه‌ها یا محصولات تحقیق و توسعه (بر حسب محصول یا سال)

یافته‌های پژوهش**آمار توصیفی**

آماره‌های توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌هاست در نگاره شماره (۳)، نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد کمینه، بیشینه و میانگین افشای هزینه تحقیق و توسعه ۰/۰۴، ۸۱/۰ و ۰/۳۲۷ می‌باشد که بیان‌گر آن است که شرکت‌ها به طور متوسط از تعداد کل اقلام قابل افشاء حدود ۳۲/۰ آن را افشاء می‌کنند. انحراف معیار داده‌ها، پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهند. متغیر ارزش شرکت با انحراف معیار ۱/۵۰۷ دارای بیشترین انحراف معیار از میانگین می‌باشد. در بررسی ضریب کشیدگی مشاهده می‌شود که تمام متغیرهای مورد بررسی دارای ضریب کشیدگی مثبت یعنی بالاتر از توزیع نرمال می‌باشند.

آمار استنباطی

در داده‌های ترکیبی زمانی که حجم نمونه بیشتر از ۳۰ و به میزان کافی بزرگ باشد و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار باشند، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. لذا با توجه به اینکه تعداد مشاهدات ۵۲۸ سال - شرکت می‌باشد، نیازی به بررسی نرمال بودن حجم نمونه نمی‌باشد. یکی از پیش فرض‌های کلاسیک برای تخمین مدل رگرسیونی، عدم هم خطی میان متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشد. هم خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد یک متغیر مستقل، تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. که برای بررسی این موضوع از عامل تورم واریانس ۷ بهره گرفته می‌شود. به عنوان یک قاعده تجربی اگر مقدار آن بزرگتر از ۱۰ باشد، هم خطی شدید می‌باشد. نتایج نگاره (۴) نشان می‌دهد که مقدار آماره برای همه متغیرها کمتر از ۱۰ می‌باشد، بنابراین مشکل هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش وجود ندارد.

یکی دیگر از فروض کلاسیک این است که بیان می‌کند واریانس خطاها مقدار ثابتی است. اگر خطاها واریانس ثابت نداشته باشند گفته می‌شود آن‌ها ناهمسان هستند. به منظور بررسی اینکه خطاها همسان هستند یا ناهمسان، از آزمون وایت در نرم افزار ایویوز استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در نگاره (۵) بیان شده است. با توجه به سطح احتمال، می‌توان نتیجه گرفت واریانس خطاها در همه مدل‌ها ثابت می‌باشند. با توجه به این که سطح معناداری همه مدل‌ها کم‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین، با رد فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس همراه بوده

که برای رفع ناهمسانی واریانس در این مدل‌ها، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده خواهد شد.

تکانه (۳): نتایج آمار توصیفی

تعداد مشاهدات	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میان	میانگین	نماد متغیر	نام متغیر
۵۲۸	۹/۷۴۷	۲/۱۵۲	۰/۸۰۴	۰/۶۶۲	۳/۱۸۵	۱/۴۵۳	۱/۷۰۵	Q-Tobin	ارزش شرکت
۵۲۸	۳/۱۴۶	۰/۶۶۹	۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۸۱	۰/۳۱	۰/۳۲۷	D-RD	افشای هزینه تحقیق و توسعه
۵۲۸	۶	۱/۵۲۱	۰/۵۰۷	۹۰۵/۵	۲/۷۱۳	۰/۴۳۷	۰/۵۵۴	RPT	معاملات با اشخاص وابسته
۵۲۸	۴/۰۳۷	۰/۸۴۳	۱/۵۰۷	۱۰/۳۳۴	۱۹/۳۶۷	۱۳/۸۶	۱۴/۱۲۳	Size	اندازه شرکت
۵۲۸	۲/۴۳۶	-۰/۶۸۴	۰/۴۱	۲/۳۹۷	۴/۱۵۸	۳/۷۰۱	۳/۵۶۶	Age	سن شرکت
۵۲۸	۲/۳۲۹	۲/۱۰۸	۰/۲۳۲	۰/۰۰۲	۱/۶۵۸	۰/۱۸۵	۰/۲۴۵	Growth	نسبت رشد دارایی
۵۲۸	۱۳۶/۷۷۱	۹/۷۴۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	DPS	سود تقسیمی

تکانه (۴): نتایج آزمون هم خطی (VIF)

مدل (۳)	مدل (۲)	مدل (۱)	نماد متغیر	نام متغیر
-	-	-	C	ضریب ثابت
۳/۰۶۷	-	۱/۰۵۶	D-RD	افشای هزینه تحقیق و توسعه
۱/۵۰۶	۱/۰۰۲	-	RPT	معاملات با اشخاص وابسته
۳/۲۶۲	-	-	D-RD* RPT	افشای هزینه تحقیق و توسعه*معاملات با اشخاص وابسته
۱/۲۷۹	۱/۱۳۳	۱/۱۷۸	Size	اندازه شرکت
۱/۱۳۱	۱/۰۰۰	۱/۰۱۲	Age	سن شرکت
۱/۰۱۴	۱/۰۰۴	۱/۰۰۴	Growth	نسبت رشد دارایی ها
۱/۲۶۵	۱/۱۳۷	۱/۱۳۶	DPS	سود تقسیمی

تکانه (۵): نتایج آزمون وایت

الگو	آماره F	سطح احتمال	نتیجه
مدل (۱)	۱/۸۰۰	۰/۰۱۹	واریانس ناهمسان
مدل (۲)	۲/۴۹۳	۰/۰۰۰	واریانس ناهمسان
مدل (۳)	۱/۸۷۶	۰/۰۰۳	واریانس ناهمسان

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از نوع داده‌های ترکیبی است. به طوری که داده‌ها به صورت ۵۲۸ مشاهده به صورت سال - شرکت است. با توجه به اهداف تحقیق یک معادله ترکیبی برآزش شده است. بنابراین تحلیل رگرسیون ترکیبی با مدل پولد ۹ و پانل ۱۰ قابل انجام است که برای انتخاب مدل مناسب، براساس آزمون‌های لیمر و هاسمن تصمیم‌گیری شده است. در انتخاب مدل مناسب، ابتدا برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها از آزمون اف لیمر استفاده شده است. در صورتی که دوره‌ها یا شیب شرکت‌ها براساس آماره لیمر رد شده است، از مدل پانل و در صورت عدم رد از مدل پولد استفاده شده است. در صورت انتخاب داده‌ها به روش پانل، با به کارگیری آزمون هاسمن یکی از مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی استفاده شده است که در صورت رد از اثرات ثابت و در صورت عدم رد از اثرات تصادفی استفاده شده است. نتایج بررسی‌های مرتبط با انتخاب مدل مناسب برای متغیر وابسته در نگاره (۶) نشان داده شده است.

نگاره (۶): نتایج آزمون اف لیمر و آزمون هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون F لیمر			
نتیجه	احتمال	آماره خی دو	نتیجه	احتمال	آماره F	مدل پژوهش
اثرات ثابت	۰/۰۰۵	۱۶/۷۷۴	روش تابلویی	۰/۰۰۰	۱۰/۶۱۱	مدل (۱)
اثرات ثابت	۰/۰۰۸	۱۵/۵۱۴	روش تابلویی	۰/۰۰۰	۱۰/۱۷۵	مدل (۲)
اثرات ثابت	۰/۰۰۳	۲۱/۵۴۸	روش تابلویی	۰/۰۰۰	۹/۷۶۹	مدل (۳)

برآورد مدل

آزمون فرضیه اول

نگاره (۷)، نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش می‌باشد. ضریب تعیین مدل (۰/۴۲۰)، نشان‌دهنده این است که ۰/۴۲ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی ارائه شده در این مدل بیان می‌گردد؛ به علاوه از آن جهت که آماره دوربین-واتسون، (۱/۹۷۷) بین (۱/۵ و ۲/۵) است، مدل خود همبستگی ندارد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که افزایش هزینه تحقیق و توسعه با سطح معناداری (۰/۰۳۹) و ضریب (۰/۰۹۰) و مقدار آماره (061/2) رابطه مثبت و معناداری با ارزش شرکت‌های مورد بررسی دارد. بنابراین، با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره $F(0/000)$ است؛ در نتیجه در سطح اطمینان ۰/۹۵ در صد معناداری کلی مدل اول پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه دوم

نگاره (۸)، نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش می‌باشد. ضریب مدل (۰/۵۹۲)، نشان‌دهنده این است که ۰/۵۹ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی ارائه شده در این مدل بیان می‌گردد؛ به علاوه از آن جهت که آماره دوربین-واتسون، (۱/۹۵۴) بین (۱/۵ و ۲/۵) است، مدل خود همبستگی ندارد.

نگاره (۷): نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح احتمال
ضریب ثابت	C	۱/۸۰۴	۰/۴۰۱	۴/۴۹۵	۰/۰۰۰
افشای فعالیت‌های تحقیق و توسعه	D-R&D	۰/۰۹۰	۰/۰۴۳	۲/۰۶۱	۰/۰۳۹
اندازه	Size	۰/۰۰۶	۰/۰۱۶	۰/۴۳۳	۰/۶۶۵
سن	Age	۰/۰۰۵	۰/۰۸۴	۰/۰۶۰	۰/۹۵۱
نسبت رشد دارایی‌ها	Growth	۰/۴۸۹	۰/۱۳۶	۳/۵۸۲	۰/۰۰۰
سود تقسیمی	DPS	۶۱/۰۲۴	۳۶/۴۶۹	۱/۶۷۳	۰/۰۹۵
-	RESID (-1)	0/672	0/063	10/519	0/000
ضریب تعیین	R-Squared	۰/420			
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-Squared	۰/407			

31/187	F stat.	آماره F
۰/۰۰۰	Prob (F-statistic)	احتمال آماره F
۱/977	D. W Stat.	آماره دورین-واتسون
معناداری در سطح 5 درصد خطا می‌باشد.		

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته با سطح معناداری (۰/۰۰۰) و ضریب (-۰/۰۹۱) و مقدار آماره t (-۴/۲۸۷) رابطه منفی و معناداری با ارزش شرکت‌های مورد بررسی دارد. از آنجا که مقدار احتمال آماره F (۰/۰۰۰) است؛ در نتیجه در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد معناداری کلی مدل دوم پذیرفته می‌شود.

نگاره (۸): نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح احتمال
ضریب ثابت	C	۳/۹۰۲	۲/۲۱۷	۱/۷۵۹	۰/۰۷۹
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	-۰/۰۹۱	۰/۰۲۱	-۴/۲۸۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	۰/۰۶۲	۰/۰۶۷	۰/۹۲۶	۰/۳۵۴
سن شرکت	Age	۰/۸۲۴	۰/۴۲۱	۱/۹۵۷	۰/۰۵۰
نسبت رشد دارایی‌ها	Growth	۰/۰۱۳	۰/۰۷۴	۰/۱۷۴	۰/۸۶۱
سود تقسیمی	DPS	۱۴۰/۱۴۰	۴۴/۵۸۸	۳/۱۴۲	۰/۰۰۱
ضریب تعیین	R-Squared	۰/۵۹۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-Squared	۰/۵۰۶			
آماره F	F stat.	۶/۸۷۸			
احتمال آماره F	Prob (F-statistic)	۰/۰۰۰			
آماره دورین-واتسون	D. W Stat.	۱/۹۵۴			
معناداری در سطح ۵ درصد خطا می‌باشد.					

آزمون فرضیه سوم

نگاره (۹)، نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان می‌دهد که احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای نسبت رشد دارایی‌ها و تأثیر متقابل افشای هزینه تحقیق و توسعه و معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت کمتر از ۵ درصد است. از این رو، ضریب

بر آوردی متغیرهای فوق در سطح ۵ درصد معنادار می‌باشد. و احتمال آماره t برای متغیرهای افشای هزینه تحقیق و توسعه، معاملات با اشخاص وابسته، اندازه شرکت، سن شرکت و سود تقسیمی بیشتر از ۵ درصد است. از این رو، ضریب برآوردی متغیر فوق از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ضریب تعیین مدل (۰/۴۲۲)، نشان دهنده این است که ۰/۴۲ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی ارائه شده در این مدل بیان می‌گردد؛ به علاوه، از آن جهت که آماره دوربین واتسون، (۱/۹۸۲) بین (۱/۵ و ۲/۵) است، مدل خود همبستگی ندارد. همان‌طور که در نتایج آزمون فرضیه‌ها مشاهده می‌شود؛ با ورود متغیر معاملات با اشخاص وابسته، رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به عبارتی منجر به تضعیف این رابطه می‌شود. به گونه‌ای که قبل از وارد کردن متغیر معاملات با اشخاص وابسته، رابطه مثبت و معناداری بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت وجود دارد. لذا، معاملات با اشخاص وابسته منجر به تغییر جهت این رابطه و همچنین بهبود متغیرهای اندازه و سن شرکت می‌شود.

تکراه (۹): نتایج تخمین مدل سوم پژوهش

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح احتمال
ضریب ثابت	C	۸۱۹/۱	۰/۳۲۰	۵/۶۷۳	۰/۰۰۰
افشای هزینه تحقیق و توسعه	D&D-R	-۰/۰۵۷	۰/۲۱۶	-۰/۲۶۴	۰/۷۹۱
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	۰/۰۶۳	۰/۰۵۹	۱/۰۷۱	۰/۲۸۴
افشای هزینه تحقیق و توسعه * معاملات با اشخاص وابسته	D* RPT&D-R	-۰/۲۰۴	۰/۰۳۳	-۶/۱۸۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۸۷۳	۰/۳۸۲
سن شرکت	Age	۰/۰۰۸	۰/۰۹۲	۰/۰۹۱	۰/۹۲۷
نسبت رشد دارایی‌ها	Growth	۰/۵۰۲	۰/۱۳۰	۳/۸۴۳	۰/۰۰۰
سود تقسیمی	DPS	۵۷/۵۶۲	۴۷/۸۸۴	۱/۲۰۲	۰/۲۳۰
-	RESID (-1)	۰/۶۶۸	۰/۰۷۹	۸/۴۵۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	R-Squared	۰/۴۲۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-Squared	۰/۴۰۵			
آماره F	F stat.	۲۵/۹۸۲			
احتمال آماره F	Prob (F-statistic)	۰/۰۰۰			

سطح احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	نماد متغیر	متغیر
	۱/۹۸۲			D. W Stat.	آماره دوربین-واتسون
					معناداری در سطح ۵ درصد خطا می‌باشد.

بنابراین، معاملات با اشخاص وابسته به عنوان نقش تعدیل‌کننده با سطح معناداری (۰/۰۰۰) و ضریب (-۰/۲۰۴) و مقدار آماره $t(-۶/۱۸۶)$ اثر منفی و معناداری بر رابطه بین افزایش هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت‌های مورد بررسی دارد. همچنین با توجه به اینکه، مقدار احتمال آماره $F(۰/۰۰۰)$ است؛ در نتیجه در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد معناداری کلی مدل سوم پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از این پژوهش، بررسی اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افزایش هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و نتایج حاصل از فرضیات به شرح زیر است:

نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد که بین افزایش هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد؛ در شرکت‌هایی که هزینه‌های تحقیق و توسعه انجام می‌شود، استفاده‌کنندگان درونی و بیرونی صورت‌های مالی به تجزیه و تحلیل اطلاعات درباره پیامدهای اقتصادی هزینه‌های تحقیق و توسعه می‌پردازند. سودمندی این اطلاعات براساس میزان تأثیر پیامدها بر ارزش شرکت تأیید می‌شود. زیرا تجربه نشان داده است که هزینه‌های تحقیق و توسعه رابطه با اهمیتی با عملکرد آتی شرکت دارد. که این یافته‌ها با نتیجه پژوهش جو (۲۰۱۵)، برزگری خانقاه و همکاران (۱۳۹۶)، کامیابی و صابری (۱۳۹۶) و مهرپویافر (۱۳۹۵) مطابقت دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن است که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. تجربیات سال‌های اخیر گواهی بر این ادعا است که معاملات با اشخاص وابسته نه تنها می‌تواند باعث اخلال در امر ارزش آفرینی به عنوان اصلی‌ترین وظیفه‌ی مدیریت شود، بلکه موجبات فروپاشی شرکت‌ها را نیز به تدریج فراهم می‌کند. این یافته با نتیجه پژوهش‌های سرینی وازان (۲۰۱۳)، ترابی و زارعی مروج (۱۳۹۶) و دارابی و داوودخانی (۱۳۹۴) مطابقت دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

حاکمی از آن است که معاملات با اشخاص وابسته به عنوان نقش تعدیل‌کننده اثر منفی و معناداری بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت دارد. از آنجا که سهام داران کنترلی (اکثریت) انگیزه زیادی برای استفاده از منابع شرکت در جهت منافع شخصی خود به جای منافع سهام‌داران اقلیت دارند، انگیزه سرمایه‌گذاری هزینه‌های تحقیق و توسعه ممکن است برای شرکت‌هایی باشد که نسبت معاملات با اشخاص وابسته در آن‌ها پایین باشد. بنابراین، می‌توان گفت این معاملات تأثیر منفی بر سطح هزینه‌های تحقیق و توسعه و اثربخشی فعالیت‌های تحقیق و توسعه دارند. این یافته نیز با نتیجه پژوهش کیم، یو (۲۰۱۷) و وقفی و همکاران (۱۳۹۷) سازگار می‌باشد.

با وجود نتایج فرضیه‌های پژوهش، افزایش سطح افشای هزینه تحقیق و توسعه می‌تواند باعث انتشار اطلاعات تأثیرگذار بر بازار و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به پروژه‌های تحقیق و توسعه گردد. همچنین به دلیل نقش تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت، می‌توان گفت که افشای معاملات با اشخاص وابسته اهمیت زیادی دارد و ضعف در افشای آن نشان از وجود کاستی در انطباق با الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران و عدم توجه به ماهیت روابط با اشخاص وابسته دارد. در صورتی که وجود اشخاص وابسته حتی اگر هیچ معامله‌ای با آن‌ها انجام نگیرد بر عملیات شرکت اثر می‌گذارد. لذا نظارت بر اجرای کافی و مطابق با الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران توسط نهادهای مسئول مورد انتظار است. با توجه به اهمیت بحث معاملات با اشخاص وابسته و افشای هزینه‌های تحقیق و توسعه، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، از سایر رویکردهای اندازه‌گیری ارزش نظیر، ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار نیز استفاده شود، همچنین نقش ساختار حاکمیت شرکتی به ویژه ویژگی‌های هیئت مدیره، ساختار مالکیت نیز در این رابطه بررسی شود، تا بدین روش بر روایی نتایج پژوهش نیز افزوده شود.

پی‌نوشت

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------|
| ۱ Mandatory disclosure | ۶ Voluntary disclosure |
| ۲ Research and Development | ۷ Related Party Transactions |
| ۳ Eviews 8 | ۸ Q-Tobin |
| ۴ Variance Inflation Factor (VIF) | ۹ GLS |

Pooled ۵

Panel ۱۰

منابع

- استاندارد حسابداری شماره ۱۲. (۱۳۸۶). افشای اطلاعات اشخاص وابسته، تجدید نظر شده سال ۱۳۸۶. برزگری خانقاه، جمال؛ اخوان بهابادی، فاطمه؛ زارع، امیرحسین؛ زارع حسین آبادی، حمید (۱۳۹۶). تأثیر هزینه تحقیق و توسعه بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله بررسی‌های حسابداری: ۴ (۱۴) ۱-۱۸
- ترابی، نرگس؛ زارعی مروج، کمال. (۱۳۹۶). تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت و معیارهای عملکرد شرکت. سومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، بابل، موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش.
- حسینی، سید علی؛ اثنی عشری، حمیده، لک، الهام. (۱۳۹۵). رابطه ساختار مالکیت پیچیده شرکت‌های تابعه با معاملات با اشخاص وابسته. پژوهش‌های تجربی حسابداری ۶ (۲۱) ۴۱-۶۲.
- خدای پور، احمد؛ محرومی، رامین. (۱۳۹۱). تأثیر افشای داوطلبانه بر مربوط بودن سود هر سهم. حسابداری مدیریت ۵ (۱۴).
- خلعتبری لیماکی، عبدالصمد؛ آراد، حامد؛ ابراهیمیان، محمد تقی. (۱۳۹۱). بررسی اثر معاملات با اشخاص وابسته بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری. دریافت شده از: https://www.civilica.com/Paper-CAFM01-CAFM01_133.html
- دارابی، رویا؛ داوودخانی، محمود. (۱۳۹۴). تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی ۷ (۲۸) ۱۳۱-۱۵۲.
- دهقانی، علی؛ خردمند، کامران؛ عبدی، محمد. (۱۳۸۶). اثر بخشی هزینه‌های تحقیق و توسعه (بررسی موردی تعاونی‌های تولیدی استان خراسان رضوی و صنایع ایران). فصلنامه بررسی‌های اقتصادی ۴ (۲).
- رحمانی، علی؛ بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران. پژوهش حسابداری. (۱۵)
- رضالوئی، عباس؛ حیدری، امین و زرعیان، معین. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر هزینه‌های تحقیق و توسعه بر درآمد شرکت‌ها. اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری).

ستایش، محمدحسین؛ روستایی، منوچهر، علیزاده، وحید. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری ۴ (۹۳)، ۱۵۳-۱۶۰.

شعری، صابر؛ حمیدی، الهام. (۱۳۹۲). کفایت افشای معاملات با اشخاص وابسته. مطالعات تجربی حسابداری مالی: ۱۱ (۳۷)، ۳۹-۵۷.

فروغی، داریوش؛ آدینه جونقانی، احمد. (۱۳۹۱). رابطه بین میزان افشای اطلاعات و ارزش شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی: ۴ (۱۵)، ۱۱۷-۱۴۲.

کامیابی، یحیی؛ صابری، فاطمه. (۱۳۹۶). اثر میانجی افشای هزینه تحقیق و توسعه بر رابطه بین رقابت بازار محصول و بازده سهام. تحقیقات حسابداری و حسابرسی: ۱۰۸-۱۲۷.

کامیابی، یحیی؛ صابری، فاطمه. (۱۳۹۶). اثر مسئولیت پذیری اجتماعی بر رابطه ی بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و بازده سهام. فصلنامه حسابداری مالی: ۹ (۳۳)، ۱-۷۷.

مهرپویافر، ندا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سطح افشای اطلاعات تحقیق و توسعه بر هزینه سرمایه مطالعه موردی شرکت‌های فعال در صنایع شیمیایی دارویی و غذایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

وقفی، سید حسام؛ سلمانیان، مریم، مانیان، فرزاد؛ فیاض، علی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته با کیفیت افشاء، مدیریت سود و سودآوری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۷ (۲۸)، ۷۱-۹۴.

Accounting Standard No. 12. (2007). Disclosure of related party transactions, Revised 2007. (in Persian)

Barzegari Khanghah, Jamal; Akhavan Bahabadi, Fatemeh, Zare, Amir Hossein, Zareh Hossein Abadi, Hamid (2017). The effect of research and development costs on the performance of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. Journal of Accounting: 4) 14 (1-18). (in parsian)

Cheung, Y. , Jiang, P. and Tan, W. (2010). A transparency Disclosure Index measuing disclosures: Chinesse Listedcompanies. Account Public Policy 29,259-280.

Darabi, Roya; Davoudkhani, Mahmoud. (2015). The effect of related party transactions with the firm's value. Financial Accounting and Audit Research: 7) 28 (131 - 152). (in Persian)

Dehghani, Ali; Kheradmand, Kamran, Abdi, Mohammad. (2007). The Effectiveness of R&D expenditures (Case Study of Manufacturing Co-operatives in Khorasan Razavi Province and Iran Industries). Quarterly Journal of Economic Studies: 4) 2 (.) in Persian)

- Foroughi, Dariush; Adine Junghani, Ahmad. (2012). The relationship between disclosure rate and company value. *Financial Accounting and Audit Research*: 4) 15 (,117-142. (in Persian)
- Gu, L. (2015). Product Market Competition, R&D Investment and StockReturns. *Journal of Financial Economics*: 119,1- 248.
- Hosseini, Seyyed Ali; Asna Ashari, Hamideh, Lak, Elham (2016). The relationship between the complex ownership structure of subsidiaries with Related Party Transactions. *Empirical Accounting Research*, Sixth Year,) 21 (,41-62. (in Persian)
- Kamyabi, Yahya, Saberi, Fatemeh. (2017). The effect of social responsibility on the relationship between disclosure of research and development expenditures and stock returns. *Quarterly Financial Accounting*, Ninth Year,) 33 (,1-77. (in Persian)
- Kamyabi, Yahya; Saberi, Fatemeh. (2017). The mediating effect of disclosing research and development expenditures on the relationship between product market competitiveness and stock returns. *Accounting and Audit Research*, 108-127. (in Persian)
- Khalatbary Limaaki, Abdolsamad, Arad, Hamed, Ebrahmanian, Mohammad Taghi. (2012). Investigating the Effect of Related Party Transactions on the Performance of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *National Conference on Accounting, Financial Management and Investment*. (in Persian)
- Khodami Pour, Ahmad; Mahroomi, Ramin. (2012). Effect of Voluntary Disclosure on the Relevance of Earnings per Share. *Management Accounting*: 5) 14 (. (in Persian)
- Kim, S. and Yoo, J. (2017). Does R&D Expenditure with Heavy Related Party Transactions Harm Firm Value? *Journal of Sustainability*, Published: 12 July 2017.
- Kohlbeck, M. ; Mayhew, B. W. (2010). Valuation of firms that disclose related party transactions. *J. Account. Public Policy* 2010: 29, 115–137.
- Mehrpooyafar, Neda. (2016). Investigating the Effect of Level of Disclosure of R&D Information on the Cost of Capital Case Study of Companies Involved in the Pharmaceutical and Food Chemical Industries Accepted in Tehran Stock Exchange. *Thesis for Master Degree, Mazandaran University*. (in Persian)
- Nekhili, M. , Hussainey, K. , Cheffi, W. , Chitoui, T. and Tchakoute Tchuigoua, H. (2016). R&D Narrative Disclosure, Corporate Governance and Market Value: Evidence from France. Available at SSRN.
- Rahmani, Ali; Bashiri Mensh, Nazanin. (2013). A review of the literature on the disclosure of information in Iran. *Accounting Research*:) 15) (in Persian)

- Rezalouei, Abbas; Heidari, Amin and Zariyan, Moin. (2013). Investigating the Impact of Research and Development Expenditures on Corporate Income. The first international epic political conference (approach to Middle East developments) and economic epic (with an approach to management and accounting). (in Persian)
- Rosa, F. , Liberatore, G. (2014). Biopharmaceutical and chemical firms' R&D disclosure, and expenditures of equity: The impact of the regulatory regime. *European Management Journal*, 32 (5). 806-820.
- Setayesh, Mohammad Hussein, Rustaei, Manouchehr, Alizadeh, Vahid. (2013). Investigating the relationship between voluntary disclosure and the performance of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Empirical Accounting Research*, Year 4, (93). 153-160. (in Persian)
- Sheri, Saber; Hamidi, Elham. (2013). Sufficient disclosure of related party transactions. *Empirical studies of financial accounting*, 11 (. 37). 39-57. (in Persian)
- Srinivasan, P. (2013). *An Analysis of Related-Party Transactions in India*. Indian Institute of Management Bangalore. no 402.
- Torabi, Narges; Zarei Marvej, Kamal. (2017). Effects of related party transactions with the firm's value and the performance criteria of the company. *Third National Conference on New Approaches in Management Sciences, Economics and Accounting*, Babil, Research Institute of Komeh, Science and Technology. (in Persian)
- vaghfi, Seyyed Hesam, Salmanian, Maryam, Manian, Farzad, Fayyaz, Ali. (2018). An Investigating of Related-Party Transactions with disclosure quality, profit management and profitability in Tehran Stock Exchange companies. *Experimental Accounting Research*, Seventh Year, No. 28, Summer 1397: 71-94. (in Persian)

Moderating Effects of Related Party Transactions on The Relation between Disclosure of Research and Development Expenditures and Firm's Value

Ghodratollah Barzegar¹, Tooba Haghghat²

Received : 2018/07/09

Approved: 2018/10/06

Research Paper

Abstract

In the wake of recent financial scams, related party transactions have been one of the worst concerns. Purposefully use of these transactions and insufficient or no disclosure of them have been as factors of firm falls. Disclosures are valuable sources of information for investors, creditors and other stakeholders to make economic decisions. This study is aimed to investigate the moderating effect of related party transactions on the relation between disclosure of research and development expenditures and firm's value. The sample resulted from a purposeful method, consists of 88 firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE) from 2011 to 2016. Data have been analyzed using panel data analysis method. The results of the research indicate that there is a positive relationship between disclosure of research and development expenditures and firm's value, as well as there is a negative and significant relationship between related party transactions and the firm's value. In addition, related party transactions undermine the relationship between disclosure of research and development expenditures and firm's value.

Keywords: Related Party Transactions, Research and Development Expenditures, Firm's value.

JEL Classification: M49 ,M41

DOI: 10.22051/jera.2018.21086.2091

¹ Assistant Professor of Accounting, Mazandaran University, Babolsar, Iran, corresponding author, (ghabarzegar@gmail.com)

² Msc of Accounting, Mazandaran University, Babolsar, Iran, (Tooba.haghghat@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Competitiveness and Pricing of Accounting Information Asymmetry and Quality

Ebrahim Ebrahimi¹, Kaveh Mehrani², Mohsen Nazari³

Received : 2018/07/25

Approved: 2018/12/08

Research Paper

Abstract

In accordance with the risk and return proportion theories and literature, investors rate the risk that they give to accounting information, according to their assessment of the information environment's features. The lower uncertainty and higher reliability of accounting environment they encounter, the lower risk of information they apply. Thus, they require less return and the firm incurs less capital costs. The risk of accounting information is also affected by two factors of information quality and information distribution (information literacy) and the existence of competition for obtaining this information affects these two factors. This research reviews three characteristics of accounting information: information asymmetry, quality and competitiveness, as well as their effects on cost of capital. The results of testing questions show that degree of competitiveness affects the pricing of information asymmetry and quality.

Keywords: information asymmetry, information quality, competition

JEL Classification:D81

DOI: 10.22051/jera.2019.21292.2110

¹ PhD of Accounting, University of Tehran, Iran, corresponding author, (ebrahimi705@gmail.com)

² Associate Professor of accounting, Faculty Member, University of Tehran, Iran, (kmehrani@ut.ac.ir)

³ Associate Professor of accounting, Faculty Member, University of Tehran, Iran,

(Mohsen.nazari@ut.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Big Bath and Insolvency

Behrooz Ghorbani⁴, Mehrdad Ghanbari⁵, Babak Jamshidi
Navid⁶, Alireza Moradi⁷

Received : 2018/11/10

Approved: 2019/02/27

Research Paper

Abstract

Big Bath Accounting is a behavior in which management intends to increase the capacity for the next period by increasing costs during an undesirable period in order to achieve maximum desirability. This happens when a firm suffers from insolvency, restructuring and loss making and it has not obtained the foreseeable profit. The purpose of this study is to analyze application of the big bath technique by an insolvent firm. Data is collected from a sample of 144 firms listed in Tehran Stock Exchange during a 10 years period from 2007 to 2016 and analysed through the panel data and multivariate regression models. The results of research hypotheses indicate that there is no significant relation of big bath with lack of liquidity, operational failure and bankruptcy, because firms do not have an optimal focus on the use of big bath in the insolvency conditions. In addition, results show that there is a significant and reverse relationship between the failure to fulfil obligations and big bath, that means firms being failed to fulfil their obligations use big bath seek technique.

Keywords: Big Bath, Financial inability, Lack of Liquidity, Inability to Fulfil Obligations, Bankruptcy.

JEL Classification: M41, G01

DOI: 10.22051/jera.2019.22443.2203

⁴ PhD of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, (behrooz_ghorbani_9@yahoo.com)

⁵ Assistant Professor of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, corresponding author, (ghanbari@iauksh.ac.ir)

⁶ Assistant Professor of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, (jamshidinavid@iauksh.ac.ir)

⁷ Assistant Professor of Economic, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, (alirezamoradi_econ@iauksh.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Research - Content Analysis of the Scientific Journal of “Empirical Research in Accounting”

Gholamreza Soleymani Amiri¹ ,Mostafa Izadpour² ,Fatemeh
Gerami Rad³

Received : 2018/07/04

Approved: 2018/10/23

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is to identify the content characteristics of the articles in the 1 to 25 issues of the periodical Journal “Empirical Research in Accounting”, affiliated to Al-Zahra University. The research method is content analysis and the research population consists of 243 articles published in 26 booklets of this journal between 2011 and 2018. The research findings indicate that 607 people have taken part in writing the articles, 74 percent of the authors being male and 26 percent female. 236 works (97%) are the result of group work and 8 others (4%) of individual work. 27 percent of the authors are, assistant professors, 15 percent associate professors, 13 percent doctoral students, 5 percent professors, and the rest of the academic levels have been ranked lower. Investigation into the organizational affiliation of the authors shows that 38 works (16%) are the results of the efforts of the researchers at Al-Zahra University. Allameh Tabatabai, Shiraz, Tehran and Mazandaran universities are ranked in the next stages of producing works, respectively. 58% of the articles belong to the field of financial accounting, 12% management accounting, 11% auditing, 8% corporate governance and 2% taxes.

Keywords: Content Analysis, Accounting Researches, Quarterly Journal, Empirical Research in Accounting

JEL Classification: M41, B40

DOI: 10.22051/jera.2019.21103.2093

¹ Associate professor of Accounting, Alzahra university, Tehran, Iran, (gh.soleimany@alzahra.ac.ir)

² Faculty member, Ghom university, Ghom, Iran, (ezadpour@gmail.com)

³ Phd student of Accounting, Alzahra university, Tehran, Iran, (f.geramirad@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Moderating Role of Ownership Type (state) in the Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Earning Management (real, accrual)

Zohreh Arefmanesh¹, Kobra Amouzadi Rizi²

Received : 2018/01/31

Approved: 2018/06/02

Research Paper

Abstract

Corporate governance mechanisms are considered as an important issue by accounting researchers in recent decades, due to increased financial scandals. Corporate governance mechanisms determine how and by whom a firm should be managed to protect stockholder rights and prevent their loss. The purpose of this study is to examine the relation between corporate governance mechanisms and earnings management (real and accrual) and to investigate the moderating role of ownership type (state) in the relationship between corporate governance mechanisms and earning management (real, accrual) in the firms listed in Tehran Stock Exchange during period of 2009-2014. To test the hypothesis, this study uses multivariate regression analysis based on the panel data method. Findings show that among corporate governance mechanism only the board size has significant and negative relation to accrual earning management. Moreover, results show that the percent of non-executive members of the board has a significant positive relation to accrual earning management and the percent of institutional owner has a significant positive relation to real earning management. State ownership has a significant positive relation to the real earning management and no significant relation to the accrual earning management. In the state firms, the board size has a significant positive effect on the real earnings management. Moreover, in these firms, the board independency and owner concentration have positive and significant relation to accrual earning management, while the percent of institutional owners has negative and significant relation to the accrual earning management..

Keywords: corporate governance mechanism, Earning management, ownership type.

JEL Classification: G42, M32, M41

DOI: 10.22051/jera.2019.19123.1942

¹ Assistant professor of accounting, economy, management and accounting department , Yazd university. Yazd. Iran, (zohreharefmanesh@ gmail .com)

² Msc student of accounting, Yazd university, Yazd, Iran, corresponding author, (kamojadi@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Effect of Accounting Information Quality and Disclosure Quality on the Use of Financial Resources in Firms' Core Business

Masood Hamzenike Niafard¹, Abbas Aflatooni², Zahra
Nikbakht³

Received : 2017/10/30

Approved: 2018/03/05

Research Paper

Abstract:

The fast growth of economic relations has led to a strong business competition. To survive and expand their activities, firms need to proper and timely investments. Creating a transparent and credible information environment by capital market participants will pressure firms to utilize financial resources in their core business, which leads to an optimal allocation of market resources. This research investigates the effect of accounting information quality and disclosure quality on the usage of financial resources in the core business of 137 firms listed in Tehran Stock Exchange during 2003-2016. To test the hypotheses, the research uses the multivariate regression model with control of years' and industries' effects and also uses the panel data approach. The results show that any promotion of accounting information quality and disclosure quality increases the use of financial resources in firms' core business. Also, the findings show that the accounting information quality has a stronger effect on the use of financial resources in firms' core business, as compared to disclosure quality.

Keywords: Accounting information quality, Disclosure quality, Core business, Financial resources.

JEL classification: G11, G14

DOI: 10.22051/jera.2018.17840.1836

¹ Msc Student of Accounting, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran, (Masuodnike73@gmail.com)

² Assistant Professor of Accounting, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran,
(A.Aflatooni@basu.ac.ir)

³ Instructor of Accounting, Accounting Department, Payame Noor University, Tehran, Iran,
(zahra.nikbakht77@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Future Studies on Management Accounting: Education and Research Perspective

Jafar Babajani¹, Vajhollah Ghorbanizade², Abdolkhalegh
Khonka³

Received: 2017/10/28

Approved: 2018/02/13

Research Paper

Abstract

Introduction: In the process of globalization, the competition between firms becomes inevitable. Therefore, it is extremely important to employ qualified and well-educated management accountants to provide consultation service to managers. Management accountants should plan carefully and rationally to be ready for offering services needed by management. This necessitates a consciously, forward looking and planned movement based on the society progress and development. Therefore, this research identifies management accounting driving forces in education and research in the next 20 years. This is an applied and explorative-survey research based on the panel data method. To identify the main driving force, the panel of experts, open questionnaires, interviews, and phase Delphi methods are used. The sample consists of experienced management accounting professors selected through judgment sampling and snowball sampling. The results indicate that management accounting has no desirable status and needs considerable efforts to be improved. Experts (in the phase Delphi) believe that crisis in education and research is the most important thing influencing the future, implying that education and research have and will have a chaotic and disorganized status in a way that experts have accepted the crisis situation. The relationship between universities and industries and the cooperation between them are ranked as the second driving force, implying that in the future, universities will try more to improve their relationship with industries. Based on the results and the driving forces identified, it is suggested that in order to develop the profession, the agents and actors influencing management accounting, embark a long-time planning and executive actions for management accounting in future.

Keywords: Driving Forces, Education, Research, the Future of Management Accounting

JEL classification: M49

DOI: 10.22051/jera.2018.17799.1829

¹ Professor of Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, corresponding author, (jafar.babajani@gmail.com)

² Associate Professor of Management, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, (vghorbanizadeh@gmail.com)

³ Assistant Professor, Department of Administrative and Economic Sciences, Gonbad Kavous University, Iran, (khonka.khalegh@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Effects of Management Behavior on Investment Efficiency and Firm Value

Morteza Bayat¹, Mohammad Noroozi², Zahra Mirashrafi³,
Aliakbar Pourmousa⁴

Received: 2017/10/06

Approved: 2018/01/27

Research Paper

Abstract

By now, effects of factors such as the quality of financial reporting, financial constraints and investment opportunities on the investment efficiency have been studied. This study examines the relation of optimistic behavior of management to investment efficiency and firm value. For this purpose, data from 181 firms selected as a sample among all firms listed in Tehran Stock Exchange are tested using multivariate regression, data panel and generalized least squares methods and in the period from 2010 to 2015. The results show that among firms with under-investment (over-investment), management optimism (pessimism) does not have a significant effect on the firm's investment. Also the results show that among firms with under-investment (over-investment), management optimism (pessimism) reduces the firm value. According to the results, management optimism (pessimism) has no effects on investment efficiency, but it reduces firm value at the event of inefficiencies.

Keywords: optimism, investment efficiency, firm value

JEL classification: G34

DOI: 10.22051/jera.2018.17493.1806

¹ PhD Student in Accounting, School of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, corresponding author, (shahenbayat@yahoo.com)

² Msc of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran, (norouzi.mohammad65@yahoo.com)

³ Instructor of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran, (z_mirashrafi@pnu.ac.i)

⁴ Instructor of Accounting, Islamic Azad University, Mahmoud Abad, Iran, (alipourmousa@ut.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Effects of Audit Reports Delay and Internal Control Weaknesses on Investment Efficiency

Rahman Saedi¹ ,Mohsen Dastgir²

Received : 2017/06/06

Approved: 2017/09/19

Research Paper

Abstract

Investment development is one of the main factors of eliminating the Country's economic issues; however, because of financial resources limit, investment efficiency is important too. This paper examines the effect of internal control weaknesses and audit reports delay on investment efficiency of firms listed in Tehran Stock Exchange. The study population consists of all firms listed in Tehran Stock Exchange from which 104 firms are selected through purposive sampling. To test the hypothesis of the study, multivariate regression method is used. This study uses software Eviews for final analysis. The results show that there is no significant relation between investment efficiency and audit reports delay. Moreover, findings show that there is a significant relation between weakness of internal controls and investment efficiency. In other words, any weakness or increase of it lowers efficiency investment (over-investment and under-investment).

Keywords: Audit Reports Delay, Internal Control Weaknesses, Investment Efficiency, Quality of Financial Information

JEL classification: M41, G32

DOI: 10.22051/jera.2018.15889.1697

¹Assistant Prof of Accounting, Islamic Azad University, Dolatabad Branch, Isfahan, Iran, corresponding author, (Saedi.rahman@yahoo.com)

²Prof of Accounting, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran, (Dastmw@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Relation of Effective Communications and Participations to Auditors' Work Deviation and Corruption

Mohsen Akbari¹, Gholamreza Mahfouzi², Rezvan Houshmand³, Yaghoob Mombeini⁴

Received: 2018/11/04

Approved: 2019/02/27

Research Paper

Abstract

Today, audit is considered as an ethical profession. Accountants and auditors generally tend to overtake each other for higher levels. It seems that certain conditions in the audit profession increase individual fame costs perceived by auditors and create economic incentives for some activities that may endanger effectiveness of the impartial collecting and evaluating processes of the audit evidence. Therefore, this study examines the relation of effective communication, participation, and job satisfaction variables to work deviation and corruption. The sample consists of 160 people (including technical director, chief supervisor and supervisor). Data is collected using questionnaire and it is analyzed through structural equation and Smart PLS software. The results show that there is no relation between job satisfaction and corruption as well as between participation and work deviation. Other results of the study confirm the effect of variables on each other.

Keyword: Effective communication, participation, job satisfaction, work deviations, corruption, audit firms

JEL Classification: M42

DOI: 10.22051/jera.2019.12947.2198

¹ Associate professor of management, Faculty of Literature and Humanities, Gilan university, Gilan, Iran, (Akbarimohsen@gmail.com)

² Assistant professor of management, Faculty of Literature and Humanities, Gilan university, Gilan, Iran, corresponding author, (Gholamrezamahfoozi@yahoo.com)

³ Msc of accounting, Azad university, Rasht branch, Rasht, Iran, (Rezvanhooshmand@gmail.com)

⁴ PhD Student of Industrial Management, Production Orientation, Tehran, university, Tehran, Iran

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Table of content

Relation of Effective Communications and Participations to Auditors' Work Deviation and Corruption.....	1
Mohsen Akbari, Gholamreza Mahfouzi, Rezvan Houshmand, Yaghoob Mombeini	
Effects of Audit Reports Delay and Internal Control Weaknesses on Investment Efficiency.....	23
Rahman Saedi , Mohsen Dastgir	
Effects of Management Behavior on Investment Efficiency and Firm Value.....	53
Morteza Bayat , Mohammad Noroozi , Zahra Mirashrafi , Aliakbar Pourmousa	
Future Studies on Management Accounting: Education and Research Perspective.....	77
Jafar Babajani , Vajhollah Ghorbanizade , Abdolkhalegh Khonka	
The Effect of Accounting Information Quality and Disclosure Quality on the Use of Financial Resources in Firms' Core Business.....	97
Masood Hamzenike Niafard , Abbas Aflatooni , Zahra Nikbakht	
Moderating Role of Ownership Type (state) in the Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Earning Management (real, accrual)	115
Zohreh Arefmanesh , Kobra amouzadi rizi	
Content Analysis of the Scientific — Research Journal of “Empirical Research in Accounting”	139
Gholamreza Soleymani Amiri , Mostafa Izadpour , Fatemeh Gerami Rad	
Big Bath and Insolvency.....	159
Behrooz Ghorbani , Mehrdad Ghanbari , Babak Jamshidi Navid , Alireza Moradi	
Competitiveness and Pricing of Accounting Information Asymmetry and Quality.....	179
Ebrahim Ebrahimi , Kaveh Mehrani , Mohsen Nazari	
Moderating Effects of Related Party Transactions on The Relation between Disclosure of Research and Development Expenditures and Firm's Value.....	203
Ghodratollah Barzegar , Tooba Haghghat	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Assist. Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)

Scientific and Literally Editor: Bashirimanesh, Nazanin

English Editor: Ebrahimi, Elaheh

Lay out editor: Esfandi, Khadijeh

Journal Expert: Azam, Pakkhesal

Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA

Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University

Khalifesoltani, Seyed Ahmad, Associate Proffessor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Proffessor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekh, Shahnaz, Associate Proffessor Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Homayoun Saeid, Associate Proffessor of Gavle University, Swed

Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting
“Scientific Journal”

Spring 2020, Vol 9, Number 35